



سیره سیاسی امام خمینی (ره)

پیشخوان شماره ۱۳

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای



KHAMENEI.IR

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

- ۷/ تبیین شخصیت امام خمینی^(ع) در پرتو قرآن
- ۱۷/ ده کار بزرگی که امام خمینی^(ع) انجام داد
- ۲۵/ معارف انقلاب اسلامی
- ۵۳/ دفع سلطه توسط ملت‌های مسلمان، با پیروی از خطی
- که امام^(ع) پیش پای ملت ایران گذاشت
- ۵۹/ خصوصیات خط امام خمینی^(ع) در دوره ده سال حیات با برکت ایشان
- ۶۹/ علل خصومت استکبار با انقلاب و امام خمینی^(ع)
- ۷۹/ شباهت‌های نهضت حسینی و نهضت خمینی
- ۸۹/ راه امام خمینی^(ع)، راه عزت امت اسلامی است
- ۹۵/ خطر دو آفت «تجّر» یا «انفعال» در راه امام خمینی^(ع)
- ۱۰۵/ تبیین روند تاریخی نهضت امام خمینی^(ع)
- ۱۱۵/ راه امام، راه نجات کشور
- ۱۲۱/ اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن‌ستیزی عناصر اصلی مد نظر امام^(ع) در مهندسی نظام
- ۱۳۱/ اسلام و مردم محور همه اصول و قواعد کار امام خمینی^(ع)
- ۱۳۹/ شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی^(ع)
- ۱۴۹/ مکتب سیاسی امام خمینی (ره) مایه اصلی نظام جمهوری اسلامی
- ۱۵۷/ اسلامی بودن، مردمی بودن و نوآوری خطوط اصلی حرکت امام خمینی^(ع)
- ۱۶۹/ ضرورت بازخوانی و تدبیر در وصیتنامه امام خمینی^(ع)
- ۱۷۹/ احیاء اسلام و عزت ایران و ایرانی، دو بعد نهضت امام خمینی^(ع)
- ۱۸۷/ شاخص‌های خط امام خمینی^(ع)
- ۲۰۱/ معنویت، عقلانیت و عدالت، سه بعد اصلی مکتب امام خمینی^(ع)
- ۲۱۱/ باور به خدا، مردم و خود، سه محور اقدامات و سیاست‌های امام^(ع)





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد.

پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



تبیین شخصیت امام خمینی رحمه الله در پرتو قرآن

- ❖ فقدان امام (ره)، آغاز غم و مصیبتی جانکاه
- ❖ امام (ره)، منجی مستضعفان از ظلم و تبعیض
- ❖ تحقق و تجسم قرآن در امام (ره)
- ❖ کرامت بخشی و عزت بخشی امام (ره)
- ❖ بت شکنی امام (ره)
- ❖ شکوفایی روزافزون خمینی کبیر در دنیا
- ❖ امام (ره) حقیقتی فاخر و گوهری نفیس
- ❖ اخلاص و صفای امت در رحلت امام (ره)
- ❖ حرکت به سمت هدفهای امام (ره) و انقلاب
- ❖ تفرقه، خیانت به امام (ره) و اسلام
- ❖ وظیفه‌ای شرعی، عقلی و انقلابی عموم ملت
- ❖ گرم نگه داشتن کانونهای معنویت و صفا
- ❖ چهار رکن اصلی برای بقای انقلاب
- ❖ خط بطلان بر مطامع استعماری و استکباری توسط انقلاب
- ❖ و...

تبیین شخصیت امام خمینی رحمه الله در پرتو قرآن *

❖ فقدان امام (ره)، آغاز غم و مصیبتی جانکاه

بسم الله الرحمن الرحيم

اولئك كتب في قلوبهم الايمان وايدهم بروح منه ويدخلهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم ورضوا عنه اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون^۱.

اکنون چهل روز از مصیبت بزرگ جهان اسلام می گذرد. چهل روز است که امام ما - روح خدا و نفس مزگی - احرام پوشیده، به میقات رفته و در بحر وحدانیت حق، مأوی گرفته و بزم ملکوتیان را به حضور خود آراسته است. چهل روز است که آن پدر مهربان و معلم دلسوز و قافله سالار آگاه، فرزندان و مریدان و رهروان را تنها گذاشته و چون جان شیرین، پیکر امت اسلامی را ترک گفته است. امت اسلامی در همه جای جهان، چهل روز است که سرود غم می سراید و از این فقدان بزرگ می نالد.

ملت ایران، همچون صاحب عزای داغداری که سوز مصیبت هر چند تا مغز استخوان او اثر می کند، اما او را از وظایف بزرگش غافل نمی سازد. در این چهل روز، سوخت و گریست و ناله زد؛ اما گردنِ افراشته و چهره‌ی امیدوار و دست و بازوی توانا و اراده‌ی پولادین خود را نیز نشان داد و دوست و دشمن را به تحسین و ادار ساخت.

این ملت با وفا و سرشار از صدق و صفا، با همه‌ی وجود از امام خود تجلیل کرد، و با همه‌ی توان به عزاداری او کمر بست، و با هزاران بیان در فراق او شکوه سر کرد. اما با این همه، هنوز هیچ بیانی نتوانسته عظمت امام و عظمت حادثه‌ی فقدان او را باز گوید، و هنوز هیچ زبان گویایی نتوانسته مرثیه‌ی او را بسراید

پیش از این، در هر مصیبتی ما به او پناه می بردیم، و او وزن و مقدار آن را در بیان خود به ما می فهماند، و هم او ما را

* پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز از تحال امام خمینی رحمه الله ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

تسلا می داد: شهادت مطهری، در گذشت طالقانی، شهادت شهدای محراب، فاجعه‌ی هفتم تیر و هشتم شهریور، و پیش از آنها، پانزده خرداد و هفده شهریور و دیگر مصایب...؛ اما امروز کجاست آن میزان عظیم، که وزن و مقدار این مصیبت را بسنجد، و کیست آن دریدالی که جویبارهای خروشان و آشفته‌ی ما را در سینه‌ی پُر عمق خود، به سکینه و اطمینان نایل سازد؟ مگر به حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) ملتجی شویم و به او تسلیت گوییم و از او تسلا جوئیم.

امام (ره)، منجی مستضعفان از ظلم و تبعیض

برای تبیین شخصیت امامان - آن انسان والا و آن مسلمان وارسته - بهتر از آن نیست که به قرآن پناه ببریم و او را در لابلای آیه‌های هدایتگر آن، که به توصیف بندگان صالح خدا پرداخته است، باز جوئیم:

او با جهاد و هجرت که مؤمنان را در حیطة‌ی ولایت الهی قرار می‌دهد، مصداق: «أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ شد. او با استقبال از خطر و جان بر کف گرفتن در راه خدا، در زمره‌ی کسانی درآمد که ستایش الهی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۳ در وصف آنان سروده شده است. او با قیام تاریخیش در راه خدا و تلاش بی‌نظیرش برای اقامه‌ی قسط و عدل و نجات مستضعفان از ظلم و تبعیض، پاسخی افتخار انگیز به ندای: «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ»^۴ و «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»^۵ داد. او خشم و برائت نسبت به مشرکین و کفار عنود، و عطوفت و مودت نسبت به مسلمانان سراسر جهان را مصداق کاملی از: «اشدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۶ ساخت. او با مناجات و تهجد و تضرع مخلصانه، در سلک: «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَ رَبِّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^۷ درآمد. او امر به معروف و ناهی از منکر و مجاهد فی سبیل الله بود. او با قطع هر پیوندی که با پیوند محبت حق و فناء در حق ناسازگار بود، مصداق: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۸ گردید.

تحقق و تجسم قرآن در امام (ره)

او با عمری که روزها و ساعتها و لحظه‌هایش با مراقبه و محاسبه سپری می‌شد، صدها آیه‌ی قرآن را که در توصیف مخلصین و متقین و صالحین است، مجسم و عینی ساخت. او قرآن را نه فقط در محیط زندگی جامعه و با تشکیل جامعه‌ی اسلامی، بلکه در نفس خود و زندگی خود تحقق بخشید.

کرامت بخشی و عزت بخشی امام (ره)

او، آن روح الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست؛ تخت فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت، و به مؤمنان عزت، و به مسلمانان قوت و شوکت، و به دنیای مادی و بی‌روح معنویت، و به جهان اسلام حرکت، و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل الله شهادت و شهامت داد.



🕌 بت شکنی امام (ره)

او بتها را شکست و باورهای شرک آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی وار زیستن و تانزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملت‌ها نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه‌ی سلطه‌گران انداختن، ممکن است. لمعات قرب حق را صاحبان بصیرت در چهره‌ی منور او دیدند و طعم برّ الهی را که در حیات و ممات بر او می‌بارید، همه چشیدند. دعای او مستجاب شد که می‌گفت: «الهی لم یزل برّک علیّ ایام حیاتی، فلا تقطع برّک عنی فی مماتی»^۹.

🕌 شکوفایی روزافزون خمینی کبیر در دنیا

بارحلت خود، انقلابی دیگر برپا کرد. ... ده میلیون دل بی‌قرار را بر جنازه‌ی خود گرد آورد و صدها میلیون رادر سراسر جهان در غم خود عزادار کرد. همان طور که در زندگیش تخت‌های فرعون‌ی الرزانه بود، با مرگ خود نیز خواب و خیال باطل را از چشم دشمنان ربود. از این پس دنیا شاهد شکوفایی روزافزون خمینی کبیر خواهد بود. نهالی که او نشانده و بذری که او پاشیده، همان کلمه‌ی طیبه‌ی است که: «اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»^{۱۰}.

🕌 امام (ره) حقیقتی فاخر و گوهری نفیس

باری، خمینی عزیز ما را کیست که نشناسد؟ و کیست که بشایستگی بشناسد؟ الفاظ من را تحمل آن نیست که آن حقیقت فاخر و آن گوهر نفیس را در خود بگنجاند، و قلم قاصر این جانب ناتوان تر از آن است که سودای ترسیم آن چهره‌ی ملکوتی را بپرواند. بهتر آن که عنان قلم در کشم و یک بار دیگر این مصیبت بزرگ و جانکاه و این غم فراموش نشدنی را به حضرت بقیة‌الله (ارواحنا للتراب مقدمه الفداء) و بیت معظم ایشان، مخصوصاً به یادگار عزیز و یگانه و نور چشم اعزّ ایشان - جناب حجّة الاسلام آقای حاج سید احمد آقا - و به خانواده‌های شهدا و اسرا و جانبازان و مفقودین و به عموم ملت ایران و به امت بزرگ اسلامی تسلیت عرض کنم و تذکراً اموری را به عرض ملت عزیز برسانم:

🕌 اخلاص و صفای امت در رحلت امام (ره)

۱) قلم و بیان این جانب قاصر از آن است که از عموم ملت به خاطر عزاداری مخلصانه و فداکارانه‌شان در طول چهل روز عزای عمومی، تشکر کنم. شما ملت بزرگ ایران، درس وفاداری جاودانه‌ی را در تاریخ به ثبت رساندید و اوج اخلاص و صفایی را که از امت قدردانی نسبت به امام و مصلح و منجی بزرگی انتظار می‌رود، نشان دادید. شما به دوستان جمهوری اسلامی امید بخشیدید و در کام دشمنان، شرنگ یأس و تلخکامی ریختید. شما پایه‌های حکومت اسلامی را مستحکم ساختید و دل بدخواهان را لرزاندید. شما ملائکه‌الله را به ستایش ایمان و اخلاص خود واداشتید و جان پلید شیاطین را آماج شهاب اراده‌ی قهرآمیز خود قرار دادید. رحمت الهی و رضای

ولّی اللّٰه الاعظم (ارواحنا فدا) و دعای ملکوتی امام عزیزمان شامل حال شما باد.

✦ حرکت به سمت هدفهای امام (ره) و انقلاب

۲) پایان یافتن عزای رسمی، به معنای پایان یافتن درد و داغ ملت ایران در این سوگ بزرگ نیست. یاد جاودانه‌ی امام کبیر ما، هم با خاطره‌های شیرین حیات بایرکت او، و هم با غم فقدان تسلان‌ناپذیر او، همواره همراه خواهد بود. با این همه، من با تشکر مجدد و با تبریک عید سعید قربان که خاطره‌ی غم‌انگیز محرومیت از حج را بار دیگر زنده می‌سازد و فریاد ملت مادر برائت از کفار مستکبر و عمال مرتجع آنان را راسختر می‌سازد، از عموم ملت ایران می‌خواهم که رخت عزا از تن برکنده و جامه‌ی کار و تلاش و جد و جهد به تن کنند و با توان و نیروی جدیدی که تجسم لطف خدا بر امام مادر ممت اوست، به سمت هدفهای او پیش روند. حرکت به سمت هدفهای امام و انقلاب و تأمین عمران و آبادی و عدالت اجتماعی و حفظ مواضع انقلابی و ساختن کشوری نمونه، کار و تلاش و جد و جهد می‌طلبد.

امام ما بر مصیبت‌های فایق می‌آمد و در همه حال و حتی در سنین کهولت، از کار و تلاش دست نمی‌کشید. غلبه بر مشکلات و شکست دادن توطئه‌ی دشمنان، تنها با حرکت دسته‌جمعی مردم و همکاری آنان با مسؤولان کشور و حضور قوی و پُرنشاط آنان در صحنه، میسر خواهد شد. شما ملت عزیز، این همه را در طول ده سال ونیم پس از پیروزی انقلاب تأمین کرده‌اید و از این پس بیش از گذشته باید تأمین کنید. دست خدا با شما و دعای ولّی عصر (ارواحنا فدا) بدرقه‌ی راهتان باد.

✦ تفرقه، خیانت به امام (ره) و اسلام

۳) مصیبت فقدان امام عزیزمان دل‌ها را گداخت و بسی غشها و ناخالصیها را سوزاند؛ جانها را به هم نزدیک، و یخهای کدورت و حصارهای دوگانگی را ذوب کرد و وحدت کلمه‌ی بی‌نظیر به وجود آورد. وظیفه‌ی یکایک آحاد ملت، مخصوصاً گویندگان و نویسندگان، بالاخص کسانی که از تریبونهای عمومی استفاده می‌کنند، آن است که ضمن تجلیل از این وحدت عمومی، همگان را به پاسداری از آن تشویق کنند.

وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روشهای گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل اللّٰه» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه‌ی گره‌ها را باز، و همه‌ی موانع را برطرف، و همه‌ی شیاطین را مغلوب می‌کند.

اعمال و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده از هر کسی صادر شود، خیانت به امام و اسلام است. از حضرات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ائمه‌ی محترم جمعه، گویندگان مذهبی و رسانه‌های عمومی تقاضا می‌کنم همگان را به این وظیفه‌ی انقلابی توجه دهند؛ و البته ضمانت اصلی برای این کار، آحاد مردم حزب اللّٰه‌اند که با مشاهده‌ی تخلف از این وظیفه‌ی الهی، موظف به نهی از منکر و اعراض از متخلفین می‌باشند.

🕌 وظیفه‌ای شرعی، عقلی و انقلابی عموم ملت

۴) در آستانه‌ی همه‌پرسی قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری، از عموم ملت تقاضا می‌کنم که با شرکت در این دو امر، یک بار دیگر مشتی محکم بر دهان یاهو گویان و بدخواهان بزنند و دشمن را مأیوس کنند. انتخاب فرد اصلح و دارای تقوا و تدبیر برای مقام مهم ریاست جمهوری - که در قانون اساسی جدید، دارای اختیارات وسیع در اداره‌ی کشور است - وظیفه‌ی شرعی و عقلی و انقلابی است، و کوتاهی در این امر یا در حضور در پای صندوقهای رأی، خسارتهای جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. حضور شما، پایه‌های انقلاب را محکم می‌کند و به مدیران آینده‌ی کشور، جرأت و قدرت کار می‌بخشد و آینده را تضمین می‌کند.

این جانب، به خواست خداوند در روز ششم مرداد ماه به پای صندوق خواهم رفت و به اصلاحات قانون اساسی و به ریاست جمهوری رأی خواهم داد و از عموم ملت عزیز نیز انتظار دارم چنین کنند.

🕌 گرم نگه داشتن کانونهای معنویت و صفا

۵) شعایر اسلامی و مساجد و نمازهای جمعه و عزاداریها، از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب و تداوم آن، نقش تعیین‌کننده‌ی داشته است. ملت‌های مسلمان اکنون در همه جای عالم، با بهره‌گیری از تجربه‌ی ملت ایران، به مساجد و شعایر دینی اهتمام خاصی نشان می‌دهند. نهضت فلسطین و بسی نهضت‌های دیگر، امروزه از مساجد و نمازهای جمعه و جماعت، نیرو و توان می‌گیرد. سزاوار است که ملت عزیز ایران، نقش این شعایر را همواره به یاد داشته باشد.

این جانب همه‌ی مردم - بخصوص جوانان - را به پُر کردن مساجد و حضور در نمازهای جمعه و جماعت و گرم نگهداشتن مراسم عزاداری سالار شهیدان حسین بن علی (ع) توصیه می‌کنم. البته روح و مضمون حقیقی این شعایر و مراسم باید به طور شایسته حفظ شود و معنویت و توجه و فراگیری بر آن حاکم باشد. حضرات ائمه‌ی محترم جمعه و جماعات و گویندگان مذهبی نیز تا سر حد امکان باید برای پُر بار کردن و محتوا بخشیدن به این مراسم تلاش کنند و این کانونهای معنویت و صفا را گرم نگهدارند.

🕌 چهار رکن اصلی برای بقای انقلاب

۶) در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد.

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی نیست - که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی

رخت بریندد.

عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله‌ی ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئنترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة‌ی مشروع زندگی مردم جمع شود. همه‌کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد، و همه‌کس بداند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.

روحیه و آرمان انقلابی، بدین معنی است که میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسؤولان را به سازشکاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرتهای جهانی و غفلت از توطئه‌ی استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب نکشاند. آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمده‌ی خویش قرار داده و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمانهای انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه‌ی امیدها خواهد بود؛ و خدا چنین روزی را ان شاء الله هرگز نخواهد آورد. بی‌شک، ملت ایران برای دفاع از اسلام عزیز و استقلال ملی آماده است که همه چیز خود را فدا کند.

برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلتهای اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزشهای اصلی به حساب آید. بر این چهار ستون اصلی است که جامعه‌ی رو به رشد اسلامی شکل می‌گیرد و قوام و استحکام می‌یابد و استعدادها شکوفا و سرچشمه‌های نیک و بهر روزی جوشان می‌شود و جامعه‌ی اسلامی الگوی جذابی برای همه‌ی ملتها می‌گردد.

خط بطلان بر مطامع استعماری و استکباری توسط انقلاب

۷) به همان اندازه که ملت ایران به ساختن و پرداختن کشور و جامعه‌ی خود مشتاق است، دشمنان از آن هراسان و نسبت به آن خشمگینند. آنها نیز می‌دانند که توفیق ملت ایران در بنای جامعه‌ی آباد و برخوردار از خیرات مادی و معنوی، مشوق دیگر ملتها به پیمودن راه این ملت بزرگ خواهد شد، و این به معنای خط بطلان کشیدن بر مطامع استعماری و استکباری قدرتهای جهانی است. این جاست که داستان طولانی و پُرماجرای توطئه‌های استکبار در مقابله با جمهوری اسلامی آغاز می‌شود. جنگ تحمیلی، محاصره‌ی اقتصادی، دروغ‌پراکنی دائمی در رسانه‌های جهانی وابسته به استکبار و ارتجاع و صهیونیسم، حمایت از ضدانقلاب - از چپ افراطی تا راست افراطی، و منافقین روسیاه و امثال آن - همه به خاطر این بود که ملت انقلابی ما از رسیدن به آن آینده‌ی روشن باز دارند.

در آینده نیز توطئه خواهد بود. اگرچه احتمال تهاجم نظامی بسیار ضعیف می‌نماید، اما توطئه‌های سیاسی و



شاید پراکنی و تلاش برای دلسرد کردن مردم و جنگ روانی و کارشکنیهای گوناگون، محتمل است. ملت ما باید کاملاً هشیار و بانشاط، هر توطئه‌یی را با قدرت و صلابت خود خنثی کند و بخصوص مراقب نفوذیهای دشمن و شایعه‌پراکنان و خناسان پنهان و آشکار باشد.

🏠 وظائف آحاد ملت در بقاء انقلاب

۸) شایسته است که قشرهای گوناگون جامعه، بویژه قشرهای حساس مؤثر، با دقت و تأمل، وظیفه‌ی خاصی را که در این برهه‌ی خاص برعهده‌ی آنان است، شناخته و با قصد قربت و به‌مثابه‌ی عبادتی بزرگ، آن را انجام دهند. شایسته است که علمای اعلام و ائمه‌ی محترم جمعه و جماعت و خطبا و مبلغین، با نفوذ کلمه‌ی خود در اقشار مختلف، تقوا و توکل و صبر و مجاهدت را به مردم توصیه کرده، همگان را در برابر مکر و خدعه‌ی دشمنان هوشیار سازند و وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی دفاع از جمهوری اسلامی را، همواره در یاد آنان زنده نگهدارند. طلاب علوم دینی در کنار تحصیل و فراگیری فن اجتهاد و فقهت - در همان گستره‌ی وسیعی که امام عالی‌قدرمان برای اجتهاد ترسیم می‌کرد - با تهذیب نفس و قدرت فهم سیاسی، در همه‌ی صحنه‌هایی که انقلاب نیاز به آنها دارد، حضور یافته، با زبان و عمل، وظایف خود را انجام دهند. دانشجویان و دانش‌آموزان، فریضه‌ی آموزش علم را با کسب مهارت و تجربه توأم ساخته و چنان که شأن آنان است، به مثابه‌ی پیشاهنگ حرکتهای انقلابی، در سمت هدفهای والای اسلام و در مقابله با توطئه‌های استکبار جهانی و مثلث امریکا، صهیونیسم و ارتجاع، مجاهدتی جانانه کنند.

اساتید و مدیران مراکز آموزشی و تحقیقاتی، در کنار اهتمام بلیغ نسبت به ارتقای سطح دانش و پژوهش - که پایه‌ی اصلی رشد و توسعه‌ی کشور محسوب می‌گردد - بر اسلامی کردن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه‌ی دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان - که امیدهای آینده‌ی کشورند - همت گمارند و با برنامه‌های ابتکاری و ضربتی، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه را، چون هدفی مقدس تعقیب کنند.

کشاورزان و روستاییان، کار خود را که اصلیتین پایه‌ی خود کفایی کشور است - یعنی تهیه و تأمین مواد غذایی - قدر دانسته، افزایش محصول و بهبود کیفیت آن را هدف خود قرار دهند و وابستگی کشور به مواد غذایی وارداتی را به صفر برسانند.

کارگران و عناصر فنی، کیفیت صنعتی را تا آن جا که به دقت و دلسوزی در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه‌های صنعت اصیل و ملی را استوار سازند و موجب شوند که مصرف‌کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را - حتی در صنایع پیشرفته - از دیگران بی‌نیاز سازد.

کسبه و پیشه‌وران، امانت و قناعت را پیشه کنند؛ به سود کم اکتفا نمایند و از کسانی که به خاطر سودجویی، از

روشهای غیراسلامی استفاده می‌کنند و بر مردم فشار وارد می‌سازند، بشدت تبری جسته و برای مقابله با آنان، در کنار دستگاههای دولتی و قضایی قرار گیرند.

هنرمندان، زبان رسای هنر را در خدمت انقلاب و اسلام - که عزیزترین سرمایه‌ی مردم است - به کار گیرند و این عطیه‌ی الهی را صرف تعالی افکار مردم کنند و هنر را از آمیزش با مظاهر زیانبار فرهنگ بیگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالی آن به میان مردم برند و در ذهن و دل آنان وارد کنند و از شکل کالای تجملی و مخصوص گروهی خاص خارج سازند.

نویسندگان و گردانندگان مطبوعات، هدایت افکار جامعه و تلاش برای اعتلاء و ارتقای آن را وظیفه‌ی بزرگ خود دانسته، فضای ذهنی جامعه را با طرح مسایل مهم جهانی و داخلی و افشای خدعه‌های نظام سلطه‌ی بین‌المللی روشن سازند و امانت و صداقت معلمی دلسوز را، فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر خود شمارند و از طرح موضوعات تفرقه‌انگیز یا دلسردکننده اجتناب ورزند.

ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که بازوان مسلح ملت برای دفاع از انقلاب و حفظ مرزهای کشورند - آمادگیهای خود را از لحاظ آموزش، تجهیزات و سازماندهی و انضباط افزایش داده، همواره دو سازمان برادر و مکمل یکدیگر باشند؛ و بسیج مستضعفین که همیشه مورد تحسین و رضایت امام عزیزمان بود، زیر نظر و مدیریت سپاه، به استحکام تشکیلات و سازماندهی خود بیش از پیش اهتمام ورزد.

نهادهای انقلابی که از آغاز نقش مؤثری در حراست از دستاوردهای انقلاب داشته‌اند - چه آنها که در قالب سازمانها و تشکیلات تولیدی و خدماتی و تبلیغاتی خدمت می‌کنند، و چه انجمنهای اسلامی که در همه‌جا پرچمدار ارزشهای انقلابی می‌باشند - روحیه‌ی انقلابی را با نظم و انضباط دقیق و توأم با سعه‌ی صدر به کار گرفته، بدون تخطی از وظایف خود، راه و رسم دفاع از انقلاب را زنده نگهدارند.

مأموران و کارگزاران نظام - چه در قوه‌ی مجریه و چه در قوه‌ی قضاییه - خود را مظهر تدبیر و امانت و خدمتگزاری نظام بدانند و دلسوزانه و صادقانه، در خدمت به مردم بکوشند و با احترام مؤکد به قانون، نمونه‌های بارز در ستکاری و خلوص را به مردم نشان دهند و بدانند که خدمت به این مردم فداکار، عبادتی بزرگ و افتخاری ابدی است.

🌸 نقش بانوان در پیروزی و تداوم انقلاب

۹) بانوان در پیروزی و تداوم انقلاب و در مقابله با حوادث بزرگ دوران دهساله، یکی از بارزترین و درخشانترین نقشها را داشته‌اند. امام فقید بزرگوار ما، با توجه به این نقش حساس بود که در ستایش زنان جمهوری اسلامی، بارها لب به سخن گشوده و یادگارهای ارزنده‌ی از قضاوت خود در این مورد برای نسلهای آینده به جای نهاده است.

به طور حتم، اگر بانوان کشور ما این حضور فداکارانه و مواج از آگاهی و اراده و ایثار را از خود نشان نمی‌دادند، سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی چیز دیگری می‌بود و هرگز این توفیقات بزرگ تاریخی - نه در پیروزی انقلاب و نه در حوادث بعد از آن - به دست نمی‌آمد. نقش زنان در انقلاب، ثابت کرد که زن در سایه‌ی ایمان و

آگاهی و به دور از منجلاب فسادى که دنیای غرب برای او درست کرده است، می تواند نقش اول را در تحولات تاریخی و جهانی ایفا کند. ثابت کرد که افتخار و عظمت زن، در چیزهایی که دستهای آلوده‌ی صهیونیسم برای او در دنیای منحط کنونی فراهم آورده، نیست؛ بلکه زن در سایه‌ی طهارت و عفت و احساس مسؤولیت است که می تواند دوشادوش مردان و در مواردی جلوتر از آنان، گام بردارد.

بانوان در نظام جمهوری اسلامی باید قدر عظمتی را که اسلام به آنان داده است، بدانند. دام مصرف‌زدگی را که سرمایه‌داران چپاولگر جهانی بر گرد زن امروز دنیا تنیده‌اند، کاملاً بدرند و ضدارزشهای فرهنگ غربی، مانند برهنگی و معاشرت بی‌بندوبار با مردان و آلودگی به انواع فسادها را که در کشورهای پیشرفته و غالب کشورهای عقب افتاده بر زندگی زنان حاکم است، به چشم تحقیر و نفرت بنگرند و بدانند که امروز زن ایرانی که در صحنه‌های سیاست و کار و در میدانهای انقلاب با تقوا و پاکدامنی حضور دارد، برترین زنان دنیاست، و این را مردان و زنان منصف و حق‌بین در همه جای جهان تصدیق می کنند.

❁ اراده‌ی انقلابی مردم در بازسازی انقلاب

۱۰) آخرین مطلب، درباره‌ی بازسازی است. این جانب به طور قاطع به ملت عزیز عرض می کنم که اهمیت بازسازی در امروز، کمتر از اهمیت جنگ در دوران هشت‌ساله‌ی گذشته نیست؛ و همان طور که همت و اراده و مشارکت مردم در جنگ دارای نقشی بزرگ و بسیار مؤثر بود، امروز نیز همکاری و حضور و مشارکت مردم می تواند نقش مهمی را در بازسازی ایفا کند. دشمنان در کار بازسازی نیز مانند جنگ کارشکنی و دشمنی خواهند کرد؛ اما اراده‌ی انقلابی مردم می تواند توطئه‌ی دشمنان را خنثی کند.

در بازسازی، حضور و شرکت فعال نیروهای انقلابی یقیناً خواهد توانست کارهای دشوار را آسان و مدت‌های طولانی را به زمانهای کوتاه مبدل سازد. عشق و صمیمیت قادر به انجام کارهایی است که سرپنجه‌ی تدبیر گاه از انجام آن ناتوان است. شایسته است مسؤولان دولتی با سازماندهی نیروهای انقلابی و مردمی و جهت دادن به کار و سرمایه و ابتکار مردم، بازسازی را به مرحله‌ی تحقق برسانند و موانع را از سر راه مشارکت فکری و مالی و کاری مردم برطرف سازند.

در خاتمه، بار دیگر به مناسبت چهلمین روز ارتحال امام بزرگوار و عظیم‌الشان و پایان عزای عمومی چهل‌روزه، به ملت عزیز تسلیت عرض می کنم و توفیق و صبر و اجر برای همگان مسألت می نمایم. همچنین عید سعید قربان را به عموم ملت تبریک می گویم و ضمن تشکر از گروهها و آحاد مردم و مسؤولان و دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی که با پیامهای خود، نسبت به این جانب ابراز محبت و صمیمیت نموده‌اند، از همگان درخواست می کنم از ارسال پیام تسلیت و تبریک خودداری فرمایند و از روزنامه‌ها - ضمن تشکر - جداً می خواهیم که از فردا پیام تسلیت و تبریک خطاب به این جانب را درج ننمایند.

ده کار بزرگی که امام خمینی رحمه الله انجام داد

❖ مصائب، وسیله عروج و رسیدن به اهداف والا

❖ کارهای بزرگ امام (ره):

❖ (۱) احیای اسلام

❖ (۲) اعاده‌ی روح عزت به مسلمین

❖ (۳) ارتقاء شعور امت اسلامی

❖ (۴) ازاله دژ استعمار از منطقه

❖ (۵) ایجاد حکومتی مبتنی بر اسلام

❖ (۶) ایجاد نهضت اسلامی در عالم

❖ (۷) نگرشی جهانی و حکومتی به فقه

❖ (۸) ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام

❖ (۹) احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت

❖ (۱۰) اثبات شعار نه شرقی و نه غربی

❖ روسیاهی دشمنان امام (ره)

❖ اخلاص و توکل امام (ره)

❖ دشمن شناسی و دوست شناسی امام (ره)

❖ و...

ده کار بزرگی که امام خمینی رحمه الله انجام داد*

❁ مصائب، وسیله عروج و رسیدن به اهداف والا

چهل روز از فقدان عظیم و مصیبت بار امام بزرگوارمان می گذرد و این اولین جمعه بی است که من در فقدان آن عزیز به نماز جمعه می آیم و با شما امت وفادار و یاران مخلص او روبه رو می شوم. باور کردن این حقیقت تلخ، بسیار سخت است. در طول سالهای گذشته، تصور دنیای بی روح و فضای افسرده و زندگی غم انگیزی که در آن، امام و رهبر و مراد و معلم و مرشد و پدر و امید ما حضور نداشته باشد، برایمان بسیار دشوار بود. پروردگارا! ما در این مصیبت به تو پناه می بریم، از تو تسلا می جوییم، از تو کمک می خواهیم و به تو شکوه می کنیم. ای بقیة الله، ای حجة بن الحسن العسکری! تسلیت این مصیبت بزرگ را به تو عرض می کنیم. از خود آن معلم بزرگ و پدر مهربان آموخته ایم که مصیبتها را - هر چند بزرگ باشند - باید تحمل کرد. یاران و مؤمنان، مصیبت رحلت پیامبر اسلام (ص) و شهادت علی بن ابی طالب (ع) و دیگر مصیبتهای بزرگ را تحمل کردند و از مصیبت، وسیله ی عروج و پلکانی به سمت هدفهای والا و بلند ساختند. ما هم ای امام بزرگ و ای خمینی عزیز! از خدای تو کمک می گیریم و درسهای تو را، درس زندگی خود قرار می دهیم، تا شاید از این مصیبت، پلکانی به سمت هدفهای والا و عزیزی که یک عمر در راه آن مجاهدت کردی، بسازیم.

❁ کارهای بزرگ امام (ره):

❁ (۱) احیای اسلام

امروز مایلیم در خطبه ی اول راجع به امامان صحبت کنیم. درباره ی او خیلی حرف زده شد؛ اما به اعتقاد من

هنوز زود است که تحلیل گره‌های جهانی بتوانند امام بزرگوار را بدرستی بشناسند؛ شخصیت عظیمی که در طول تاریخ بعد از انبیا و اولیا، امثال او بسیار بندرت ظهور می‌کنند. آنها کارهای بزرگ انجام می‌دهند و مثل برق می‌درخشند و فضا را منور می‌کنند و می‌روند.

امام بزرگوار ما کارهای بزرگ متناسب با بزرگی خود انجام داد و من امروز بعضی از آنها را به یاد شما می‌آورم. یقیناً اگر تحلیل‌گرها و متفکران کارهای بزرگ امام امت را فهرست کنند، چند برابر آن چیزی خواهد شد که من امروز آنها را برمی‌شمارم.

اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاههای استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم؛ قبل و بعد از آن نیز پولهای گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون می‌دانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

۲) اعاده‌ی روح عزت به مسلمین

دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحثها و تحلیلها و دانشگاهها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمانها در همه جای عالم احساس عزت کردند.

یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من می‌گفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمی‌کردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند، و هر چند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی می‌گذاشتند، اما جرأت نمی‌کردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت می‌کشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را می‌گویند، و اگر از آنها پرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند.

بنابراین، با کار بزرگی که امام (ره) انجام داد، مسلمانها در همه جای دنیا احساس عزت می‌کنند و به مسلمانی و اسلام خود می‌بالند.

۳) ارتقاء شعور امت اسلامی

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و امریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعه‌ی جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که بزرگترین حربه

برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

۴) از ازاله دژ استعمار از منطقه

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجع‌ترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیم‌های منطقه و جهان بود. ازاله‌ی حکومت پادشاهی در ایران، یکی از بزرگ‌ترین کارهایی بود که کسی می‌توانست آن را تصور کند. ایران مهم‌ترین دژ استعمار در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه بود. این دژ، به دست امام ما در هم فرو ریخته شد.

۵) ایجاد حکومتی مبتنی بر اسلام

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمی‌کرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمی‌کردند و نمی‌دیدند. امام (ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس واقعیت پوشاند.

۶) ایجاد نهضت اسلامی در عالم

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادی‌طلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان می‌شدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضتهای آزادیبخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌یی از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه‌ی آزادیخواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنا و قاعده‌ی کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.

۷) نگرشی جهانی و حکومتی به فقه

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاها ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاها شیعه، یکی از محکمترین فقاها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌یی وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

۸) ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می‌گیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجمل‌گرایی، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار می‌گیرند، این اخلاق را داشته باشند. حتی در کشورهای انقلابی، انقلابیونی که تا

دیروز زیر چادرها زندگی می کردند و در دخمه‌ها مخفی می شدند، به مجرد این که به حکومت می رسند، وضع زندگیشان عوض می شود و اخلاق حکومتیشان تغییر می کند و همان وضعیتی را به خود می گیرند که بقیه‌ی سلاطین و رؤسای عالم داشتند! ما از نزدیک چنین چیزی را دیده‌ایم؛ برای مردم هم مایه‌ی تعجب نیست. امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می تواند زندگی زاهدانه‌ی داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدار کنندگان پذیرایی کند و بالباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند.

اگر دل‌های حکام و زمامداران به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد، تجمل و تشریفات و اسراف و بر خورداریهای زیاد و خودرأیی و تکبر و استکبار، جزو لوازم حتمی زمامداری آنها محسوب نمی شود. از معجزات بزرگ آن بزرگوار این بود که هم در زندگی خود و هم در آن دستگاهی که به وجود آورده بود، نور معرفت و حقیقت تجلی یافته بود.

۹) احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت

کار نهم او، احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت ایران بود. برادران عزیز! حکومت‌های استبدادی و فردی، سال‌های متمادی ملت ما را به صورت ملتی ضعیف و مستضعف و توسری‌خور در آورده بودند؛ ملتی که از استعداد جوشان و خصلتهای جمعی فوق‌العاده ممتاز برخوردار است و در طول تاریخ بعد از اسلام، این همه افتخارات علمی و سیاسی دارد.

قدرتهای خارجی - مدتی انگلیسیها و مدتی هم روسها و دیگر دولتهای اروپایی، و پس از آن امریکاییها - ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند.

در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوتهای بیجای ناسیونالیستی - که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود - مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت می کنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و از تجاع نمی ترسند و احساس ضعف هم نمی کنند. جوانهای ما احساس می کنند که خودشان می توانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس می کنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیلها و زورگوییهای شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام (ره) در ملت ما زنده کرد.

۱۰) اثبات شعار نه شرقی و نه غربی

دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است. دیگران خیال می کردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و ستایشش کرد و یا آن قدرت

را! فکر نمی کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روز به روز ریشه دارتر کند؛ اما امام (ره) این نکته را ثابت کرد.

🏠 روسیاهی دشمنان امام (ره)

من ده محور از کارهای بزرگ امام (ره) را برشمردم؛ اما اگر بنشینیم فکر کنیم، کارهای بزرگ را در پرونده‌ی منور این مرد الهی چندین برابر خواهیم یافت. در این جا دو نکته را یادآوری می‌کنم:

نکته‌ی اول: کسانی که با امام در افتادند، خودشان را روسیاه کردند. بدبخت آن کسانی هستند که به خاطر شاد کردن دل صهیونیستها و خوشحال کردن امریکا و پُر کردن کیسه‌ی خود از پولهای نفت ارتجاع، حقیقت را پوشانند و با امام ما در افتادند. روسیاه آن کسانی هستند که می‌توانستند زیر بالهای مهربان این پدر و استاد و معلم قرار بگیرند و از او منتفع شوند؛ ولی به بخت خودشان لگد زدند و به آغوش دشمنان او پناه بردند و الان در اروپا و امریکا و امریکای لاتین و عراق و بعضی کشورهای دیگر سرگرداند.

این بیچاره‌ها و روسیاهها هنگامی که داخل کشور بودند، قطره‌یی در مقابل اقیانوس محسوب می‌شدند؛ اما نمی‌فهمیدند که چه قدر ناچیز و کوچکند. مراسم ارتحال آن بزرگوار به همه فهماند که امام (ره) چه کسی بود و ملت کجاست و چه می‌گوید و چگونه می‌اندیشد و چه می‌خواهد و همچنین مخالفان چه کسانی هستند و کجایند. خدا کند برای خودشان هم دیگر این اشتباه باقی نمانده باشد که خیال کنند چیزی و کسی هستند. آنها حقیقتاً به خودشان جفا کردند که در مقابل امام (ره) ایستادند. آینده و افتخار متعلق به کسانی است که پشت سر امام حرکت کردند؛ یعنی قشر عظیم متن ملت و همه‌ی آحاد مردم. شما مردم نشان دادید که یاران و وفاداران و مخلصان امام هستید و بر این یاری و وفاداری و اخلاص پایدارید.

🏠 اخلاص و توکل امام (ره)

نکته‌ی دوم این است که امام خصوصیات ممتاز فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان - هر چه هم بالا - متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود - در اینها هیچ شکی نیست - اما توفیقاتی که آن بزرگوار به دست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد.

آن توفیقات از جای دیگر نشأت می‌گرفت، که در درجه‌ی اول از اخلاص او ناشی می‌شد؛ «مخلصین له الدین». مخلص خدا بود و کار را فقط برای او - و لا غیر - انجام می‌داد. لذا اگر همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار می‌گرفتند و از او چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمی‌داد.

در درجه‌ی دوم، توکل و حسن ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکتهای عظیم، کندن کوههای راسخ و جبال راسیات برای او میسور بود؛ چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک می‌کند؛ و چون به خدا توکل داشت، لذا با حسن ظن می‌نگریست.

روزی که او نهضت را شروع کرد، کسانی که فکر کنند می‌شود نهضتی بر پا کرد، خیلی کم بودند. آن روزی که او شعار اسقاط رژیم سلطنت را داد، کسانی که فکر کنند می‌شود رژیم سلطنت در ایران ساقط شود، بسیار محدود بودند. آن روزی که سیاست «نه شرقی و نه غربی» را اعلام کرد، کسانی که فکر می‌کردند می‌شود بدون اتکای به شرق و غرب حکومتی داشت و آن را نگهداشت و اداره کرد، بسیار نادر بودند. آن روزی که گفت: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، کسانی که باورشان باشد که امریکا نسبت به امام و امتش هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، خیلی کم بودند.

او تمام این کارهای بزرگ را به خاطر توکل به خدا انجام داد و می‌دانست که می‌تواند انجام دهد. البته برای او، انجام شدن کار هدف نبود. او می‌گفت: من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. پیروزی او به این بود که بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. در نظر امام (ره)، پیروزی این نبود که انسان بتواند آن کاری را که می‌خواهد، انجام بدهد؛ در نظر او، پیروزی این بود که انسان بر طبق تکلیف خود عمل کند. با این روحیه و احساس و انگیزه، او کار را پیش برد و ادامه داد.

❁ دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی امام (ره)

امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود، و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمنها و دوستها اشتباه نکرد. از اول دشمنها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد، و نیز از اول دوستها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آنها منتفع شد.

❁ بزرگترین دوستان امام (ره)

او همیشه بر مردم و ملتها تکیه می‌کرد. در سفری که می‌خواستیم به خارج از کشور بروم، خدمت امام بزرگوارمان رفتیم. در آن زمان جریانی وجود داشت، که به ایشان گفتیم در دنیا نسبت به این جریان علیه ما خیلی حرف است. (البته می‌خواستیم به ایشان گزارش بدهیم؛ و الا من هم هیچ رعب و خوفی از آن جنجالهای جهانی نداشتیم و بعداً هم وارد آن ماجرا شدم). ایشان تمام خبرهای دنیا را همیشه به صورت نزدیک و نقد در اختیار داشتند و غالباً خبرهای جهانی را زودتر از دیگران به دست می‌آوردند. امام (ره) در پاسخ من بالبخند رضایتی گفتند: بلی، اطلاع دارم؛ اما همه‌ی ملتها با ما هستند. واقعاً همین‌طور بود که ایشان می‌فرمودند. در همان سفر، آن چنان حضور ملتها در کنار ما آشکار شد که همه را مبهور کرد. بنابراین، او هم دوستانش را می‌شناخت، و هم دشمنانش را. از دوستانش منتفع می‌شد و به آنها اعتماد و تکیه می‌کرد. بزرگترین دوستانش شما ملت وفادار بودید، و امام چه خوب شما را شناخته بود.

❁ درس گرفتن از سیره امام (ره)

ما باید با تکرار این حقیقتها، یک هدف را دنبال کنیم و آن، درس گرفتن است و لاغیر؛ و الا صرف ستایش کردن

فایده‌یی ندارد؛ بلکه گاهی هم مضر است؛ زیرا وقتی که خیال کنیم او کارها را انجام داده است، تصور می‌کنیم که دیگر کاری به عهده‌ی ما نیست.
گر نماز آن بود کان مظلوم کرد
دیگران رازین عمل محروم کرد
ما آن بزرگوار و انسان والا و مقتدا و قائد راستایش می‌کنیم، تا خودمان را به او نزدیک سازیم و راهش را ادامه دهیم. تقوای خدا بر همه‌ی امور زندگی او حاکم بود؛ ما نیز باید تقوای خدا را ملاک همه‌ی امورمان بشماریم. اصل قضیه تقواست. تقوا، یعنی مراقب باشیم برخلاف اراده‌ی الهی حرکتی از ما سرزنند.

معارف انقلاب اسلامی

- ❖ امام(ره)، آیهی رحمت برای امت
- ❖ مصیبت فقدان امام(ره)
- ❖ عاشورای خمینی(ره)
- ❖ امام(ره)، پرچمدار بزرگ اسلام
- ❖ جمهوری اسلامی، میراثی عظیم، تاریخی و بی نظیر
- ❖ پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت در جهت گیری
- ❖ اسارت غرب در محاسبات مادی
- ❖ رحلت امام(ره)، مصیبتی عظیم و امتحانی بزرگ
- ❖ دفاع از راه و میراث معنوی امام(ره)
- ❖ سنگین ترین آزمون امت
- ❖ صحنه پرداز اصلی و عامل حقیقی انقلاب
- ❖ ایمان و درک روشن و عمیق از توحید
- ❖ غفلت از توحید ناب اسلامی، در دوران سلطه‌ی استکبار
- ❖ توجه به توحید اسلامی، علاج مسلمانان
- ❖ و...

❁ امام (ره)، آیهی رحمت برای امت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجال لاتلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة و ايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب والابصار. ليجزيهم الله احسن ما عملوا و يزيدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب^۱

در تاریخ پرمجرای انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن، مردی از دودمان پیامبران و بر شیوهی آنان، بادستی پرمعجزه و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه، چون آیهی رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشانید و تا عرش عزت و عظمت برکشید. و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد نبود که در آن، طوفان مصیبت و عزا، بر این مردم تازیانهی غم و اندوه فرود آورد. ایران یک دل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. در آن روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمهی نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود؛ روحی عروج کرد که با نفس روح الهی اش، پیکر ملت را جان بخشیده بود؛ حنجره بی خاموش شد که نفس گرمش، سردی و افسردگی از جهان اسلام زوده بود؛ لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسون یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود.

❁ مصیبت فقدان امام (ره)

آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد. سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند. در سراسر جهان، هر جاد

* پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

روشن و جان بیداری بود، مصیبت زده شد. هر جا مسلمانی آگاه از انقلاب و مسایل آن بود، خود را صاحب عزا شمرد. پس، در روی زمین جایی نماند که در آن، دل‌هایی از این حادثه‌ی عظیم، از اندوه لبریز نشود و انسان‌هایی از این فقدان بی‌جبران، به عزاننشینند و اما ایران، یکسر عزاخانه‌ی شد که در هر شهر و روستایش، شیون حسرتبار از یکایک خانه‌ها سرریز شد و کوی و میدان و خیابان را پُر کرد. هیچ‌کس نتوانست این جرعه‌ی درد را خاموش فرو برد؛ از دلاوران میدان‌های نبرد، تا مادران و پدرانی که غم شهادت جوانانشان نتوانسته بود گره‌ی عجز و اندوه بر جبینشان بیفکند، تا بزرگمردان عرصه‌ی علم و عرفان و سیاست و تا یکایک آحاد این ملت عظیم‌القدر، همه و همه در این مصیبت عظمی زار زار گریستند، یا صدا به فغان بلند کردند، یا بی‌صبرانه بر سروسینه زدند. مصیبت فقدان امام، همان به بزرگی امام بود و جز خدا و اولیایش کیست که حد و مرز این عظمت را بشناسد؟ آن‌جا که دل‌های بزرگ بی‌تاب می‌شوند، آن‌جا که انسان‌های بزرگ دست‌وپا گم می‌کنند، آن‌جا که صحنه، از بی‌قراری میلیون‌ها و میلیون‌ها انسان پُر است، کدام زبان و قلم انسانی است که بتواند نمایشگر و صحنه‌پرداز گردد؟ من که خود قطره‌ی بی‌تابی در اقیانوس متلاطم آن روز - و آن روزها - بوده‌ام، چگونه خواهم توانست آن را شرح کنم؟!

عاشورای خمینی (ره)

روی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بوده است. شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می‌گشایند و مرغ نگاه را تا ملکوت پرواز می‌دهند، شگفتی‌های بیشتر و صحنه‌های تماشایی‌تری را آن روز در آن عاشورای خمینی دیده باشند: عروج نفس مطمئنه‌ی را به قرارگاه لطف و رحمت خدا، صعود کلمه‌ی طیبه‌ی و نفس راضیه و مرضیه‌ی را به سوی حق، رجوع جویباری را به دریا و وصال عاشقی را به معشوق، استقبال خیل عظیم شهدار از آن روح مطهر و خیرمقدم ارواح طیبه‌ی اولیا را به آن میهمان تازه‌وارد، فوز و فلاح جان‌مزگابی را که بر بال ملائک رحمت نشسته و شمیم حسنات بی‌شمارش، مشام فرشتگان و خزنه‌ی بهشت نعیم حق را معطر ساخته، عمل صالحی را که ردایی از نور گشته و بر پیکر ملکوتی آن روح مجرد پوشانیده شده و باران غفران و فضل خداوندی گشته و بر سراپای آن عبد صالح فروریخته و دارالسلام ابدی شده و آن مشتاق رضوان حق را در خود جای داده است.

امام (ره)، پرچمدار بزرگ اسلام

افسوس که برای ما خاکیان، از آن آیین‌بندان جشن ملکوتی، بارقه‌ی تسلایی نمی‌درخشید و جز اشک دیدگان، نمی‌بر آتش هجران آن قبله‌ی دلها افشانده نمی‌شد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیدبان همیشه بیدار و طبیب درد و درمان‌شناس و سرورش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می‌گذاخت و غمی بی‌تسلاب بر آنان فرو می‌ریخت. زمان، یگانه‌ی خود را از دست داد و زمین، گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام، پس از عمری مبارک که در راه اعتلای

اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه) در مصیبت خلیفه‌ی خود سوگوار شد.

🔗 جمهوری اسلامی، میراثی عظیم، تاریخی و بی نظیر

اکنون، یک سال از آن روزهای ملامال درد و رنج می‌گذرد. سالی که در آن، یاد و حضور امام، لحظه‌ی ملت ما را ترک نگفته و زنده و برجسته و درخشان در ذهن و زندگی آنان و دیگر مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان بر جا مانده است. آنچه پس از حیات پُربرکت امام و در این یک سال، برای ما و همه‌ی دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی نظیر او - جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهت‌گیری صحیح آن در راه و خط امام - بوده است. این، همان چیزی است که در دوران زندگی آن بزرگوار نیز مسأله‌ی اول برای ملت ایران و دوستان آن در سراسر جهان، بلکه برای هر مسلمانی به حساب می‌آمده که به مجد و عظمت اسلام دل بسته بوده است. و حق نیز همین است.

🔗 پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت در جهت‌گیری

جمهوری اسلامی که با پیدایش خود، راه نوینی در مقابله با زورگویان طراز اول عالم باز کرد و به ملت‌های مستضعف - مخصوصاً مسلمانان - امیدی تازه بخشیده و در مدت ده‌سال‌واندی رهبری امام را حل عظیم، بارها قلدران زمان را عملاً تحقیر کرده و دروغ شکست‌ناپذیری آنان را باطل ساخته است، باید هم بیشترین اهتمام امت اسلام و ملت ستم‌کشیده‌ی ما را به خود جلب کند؛ همچنان که آن پیشوای صالحان نیز همیشه بیشترین همت خود را به همین دو مسأله می‌گماشت: پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهت‌گیری راست و درست آن. و آن فقیه عظیم‌القدر و اسلام‌شناس بی‌بدیل، حفظ جمهوری اسلامی را برتر و با اهمیت‌تر از هر واجبی می‌دانست.

🔗 اسارت غرب در محاسبات مادی

با رحلت امام خمینی (ره)، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدّم معارضه با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پروراننده‌ی خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا بکلی از پای درآید و یا به ناچار به زیر دامان این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانه‌ی دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزه‌ی الهی در طلیعه‌ی قرن پانزدهم هجری - یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره‌ی ارزشهای اسلامی - آن قله‌ی مرتفعی باشد که دست آلوده‌ی بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند!

❁ رحلت امام (ره)، مصیبتی عظیم و امتحانی بزرگ

اما اراده‌ی الهی این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالی‌قدر و مسؤولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی‌الله اعظم (ارواحنا فداه) توانستند با گشودن گرههایی که به‌طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپنده‌ی خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درسهای جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط بازماند، بلکه با نشان دادن کارآمدگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت.

❁ دفاع از راه و میراث معنوی امام (ره)

ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ فوق‌العاده بود، حل مسأله‌ی رهبری، اعلام حضور عاشقانه‌ی همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهنان کمین‌گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل‌روزه‌ی ایران و آن‌گاه تصویب مّلی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس‌جمهور گزیده و تشکیل دولت و جریان یافتن همه‌ی امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزون‌تر از پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید.

❁ سنگین‌ترین آزمون امت

درست در آن هنگام که از حادثه‌ی ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگین‌ترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطه‌ی جهانی، ضربه‌ی دوباره - پس از ضربه‌ی آغاز پیروزی انقلاب - وارد آمد. یعنی حادثه‌ی می‌پنداشتند انقلاب را در هم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما - آن برافروزنده‌ی مشعل انقلاب - با رحلت خود، یک بار دیگر شعله‌ی انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمه‌الله حیّا و میّتا والسّلام علیه یوم ولد و یوم قادالامّة و یوم ارتحل و یوم یبعث حیّا».

❁ صحنه پرداز اصلی و عامل حقیقی انقلاب

در همه‌ی این حوادث، و بانگاهی وسیعتر در سرگذشت یازده‌ساله‌ی نظام اسلامی و اساساً در پیدایش این نظام



و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه‌ی جهانی و برضد ابرقدرتهای شرق و غرب، کاری عظیم و بی سابقه انجام داد؛ هم رهبر و قائد عظیم‌الشأن این انقلاب که مثل کوه در برابر همه‌ی بادهای مخالف ایستاد و هجوم طوفانها را شکست، اما خود کمترین تکانی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌ی بی بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق و غرب بر ضد او بود و نزدیک به سه چهارم سالیان پس از پیروزی را فرا گرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان برَد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه‌ی حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ایرانی و ملت و رهبر و انقلاب و نظام ما، در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.

ایمان و درک روشن و عمیق از توحید

اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرتهای شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آنها را همچون فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی - که نجات جامعه از هر گونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است - دوختن و عوض ناکامیهای شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی درباره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد.

غفلت از توحید ناب اسلامی، در دوران سلطه‌ی استکبار

در دوران سلطه‌ی استکبار، غفلت از توحید ناب اسلامی و مفهوم زندگی شمول آن بود که صحنه را برای بُتهای استعمار باز گذارد و به خداوندان زر و زور، فرصت تاخت و تاز داد. دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه‌ی زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب بتواند این کشورها را یکباره به صورت تابعی از کشورهای صنعتی در آورد و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن را برای مدتهای طولانی و جبران‌ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد.

توجه به توحید اسلامی، علاج مسلمانان

امروزه غالب کشورهای اسلامی، پس از دهسال که جیب کمپانیها و دولتهای غربی از منابع آنها پُر شده، هنوز در وادی عقب ماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالای غربی و هنوز در عالم سیاست، طفیلی و پیرو ناگزیر آنان. این، همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام - یعنی توحید اسلامی - پیش آمده و هر چه زمان پیشتر رفته و علم کاملتر شده و دولتها و کشورهایی را مجهزتر کرده، کشورهای اسلامی ناتوان تر، وابسته تر، کم جرأت تر و بی ابتکارتر شده اند.

راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب - که در آن، توحید و نفی عبودیت غیر خدا، از هر چیز برجسته تر و درخشنده تر است - برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند. و این چیزی است که طراحان توطئه های ضد اسلامی، همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن، موانع جدی می نهاده اند. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، از آن جا که پیش بینی می شد که جاذبه و محبوبیت انقلاب، ملت های مسلمان و حتی بعضی غیر مسلمانها را شیفته ی اسلام کند، همه ی دستهای استعماری به کار افتاد، تا از نفوذ معنوی اسلام جلوگیری کنند. تلاش وسیع و همه جانبه ی استکبار در برابر نفوذ اسلام، هیچ موجبی جز این ندارد که گسترش اسلام و مفاهیم اسلامی در هر نقطه ی جهان، به معنای جمع شدن بساط استکبار و ایادی آن در آن نقطه است.

جاذبه ی اسلام و تحقق احکام الهی پس از پیروزی انقلاب

همان طور که همه می دانند، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب - که معنای درست توحید و نفی عبودیت غیر خدا و عزت در برابر هر کس و هر چیز غیر خدا را در عمل و واقعیت به همه نشان داد - مسلمانان در نقاط بسیاری از جهان، احساس شخصیت و عزت نموده، در مقابل قدرتمندان و زورگویان ایستادند و سرفصل جدیدی در مبارزات ملل مسلمان به وجود آمد؛ از جمله حرکت عظیم مردم مسلمان در افغانستان و شروع مبارزات مردمی در سرزمین فلسطین و ایستادن مردم مسلمان و مبارز فلسطین در برابر احزاب معامله گر و شروع نهضت های اسلامی زیادی در کشورهای مسلمان آفریقایی و آسیایی و حتی در اروپا که همه براساس جاذبه ی اسلام و شوق به تحقق احکام الهی به وجود آمده و اسلام را رهاییبخش و عزتبخش خود می داند.

پیدایش انقلاب و رهایی ملت از ضعف و انزلام

تا پیش از پیدایش جمهوری اسلامی، به توده های عظیم مسلمان عالم تفهیم شده بود که اسلام قادر نیست برای آنان عزت و عظمت بیافریند و آنان در جستجوی سعادت باید یا به دنبال الگوی غربی و فرهنگ اروپا و امریکا بروند و یا به سمت تئوریهای خیالی و پوچ مارکسیسم گرایش یابند؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و عزت و عظمتی که تحقق اسلام به ملت ایران بخشید، همه ی بافته های دیرینه ی استعمارگران غربی را باطل کرد و در عمل نشان داد که اسلام می تواند ملتی را از ضعف و بی حالی و انزلام نجات دهد و به اوج عزت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می تواند نظامی استوار و قادر بر زور آزمایی با

قدرتهای مادی جهان بر آنان ببخشد و دست قدرتهای ظالمانه و تحقیرکننده‌ی استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند. و چنین بود که جمهوری اسلامی به برکت اسلام، از پشتوانه‌ی مردمی نیرومندی در مقیاس جهانی برخوردار گشت و این به نوبه‌ی خود، بر توانایی و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی - که همه‌ی سلطه‌های بزرگ جهانی، با آن سرناسازگاری دارند - افزوده است.

آثار پیروزی ملت ایران در زور آزمایی قدرتهای جهانی

آثار پیروزی ملت ایران در زور آزمایی قدرتهای جهانی با آن، به جهان اسلام منحصر نماند؛ بلکه در کشورهای غیرمسلمان و در نظامهایی که قفس آهنین استبداد حزبی یا ستم قومی اجازه نداده بود که مسلمانان آن کشورها حتی مسلمانی خود را احساس کنند، نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و ایمانهای خفته به جوش آمد و گلبانگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفته: «و تری الارض هامة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت و انبتت من کل زوج بهیج».^۲ پس، در ماجرای عظیم این ده سال گذشته، قهرمان اصلی اسلام است. و این رستاخیزی اسلامی است که جانهای مرده را بیدار کرده و زمینه را برای روزی آماده می‌سازد که در پاسخ به سؤال «لمن الملك»، در بسیط زمین از چهار گوشه‌ی عالم گفته شود: «لله الواحد القهار».^۳

معجزه‌ی انقلاب

امروزه گرچه مغزهای علیل تحلیلگران مادی، هنوز عاجز از فهم و تحلیل حوادث اسلامی در ده سال اخیر است و آنان بدرستی نمی‌توانند بفهمند، که چه شد که پس از تلاش دوپست‌ساله‌ی استعمار در کشورهای اسلامی و پس از هزاران شیوه‌ی موفق برای راندن اسلام از صحنه‌ی زندگی و حتی از صفحه‌ی ذهن و دل مردم در این کشورها و مهمتر از آن، پس از قرن‌ها بدآموزی قدرتهای استبدادی و ایادی آنان و پس از تحریفهای بی‌شماری که به وسیله‌ی وعاظ السلاطین و آخوندهای درباری در دین پدید آمده و صفا و خلوص آن را مخدوش ساخته و به دارویی بی‌اثر و جسمی بی‌جان بدل کرده بود، امروز دوباره اسلام در قلب میهن اسلامی پروبال گشوده و سایه‌ی رحمت خود را بر سرتاسر جهان اسلام گسترده و چون خورشیدی روشنگر در دل همه‌ی مسلمین تافته و به آنان روح و نشاط و امید بخشیده است؟ و چگونه اسلام که بتدریج به دست فراموشی سپرده می‌شد و هرگز هیچ‌امیدی را در دل جستجوگر انسانهای دردمند و بی‌تاب بر نمی‌انگیخت، اکنون به یگانه امید روشن ملت‌های مسلمان، مخصوصاً جوانان و بیدار دلان و دردمندان تبدیل یافته است؟ آری، فهم و تحلیل درست این حوادث شگفت‌آور، اگرچه برای مغزها و ذهنهای بیگانه از حقیقت اسلام و بی‌خبر از سرگذشت واقعی اسلام ناممکن است، لیکن برای صاحبان بصیرت، پاسخ در یک کلمه است: معجزه‌ی انقلاب.

ظهور انقلاب تمام عیار به رهبری امام (ره)

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه)، به پیروی از

شیوهی نبی اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ی درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه جا و همه کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.

🕌 دعوت اسلامی مصلحان و متفکرانی اسلامی، به جای انقلاب اسلامی

مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیا و تفکر اسلامی را بردوش گرفتند - از قبیل سید جمال الدین و محمد اقبال و دیگران - با همه‌ی خدمات ارزمند و گرانبهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایجی همچون نتیجه‌ی عمل پیامبران اولوالعزم را - که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند - نباید داشت. کار آنان، در صورت صحت و میرا ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر. ولذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حد و حصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و روبه انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزوی آه و اشک می‌افشاده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به کار گیرد و یا دامنه‌ی جغرافیایی اسلام را گسترش دهد. و این، بکلی از روش پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم (ص) را بداند، آشکار است.

🕌 اصل بودن حرکت در انقلاب

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگ‌به‌سنگ پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هوآلذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون»^۴.

❖ خصوصیات انقلاب اسلامی:

❖ الف) هدفگیری بر اساس ارزشهای اسلامی

در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود: نخست، هدفگیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا و این که قدرت از دست شیطانهای ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزشهای اسلامی شکل گیرد.

❖ ب) استفاده از توده‌های مؤمن، آگاه، دردمند و فداکار

دوم آن که برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار - و نه از احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی - نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد و در سایه‌ی مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به وجود آورد و در راه خدا به حرکت درآورد: «هوَالَّذِي آتَدِك بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۵.

❖ پ) تبدیل بنیانهای جاهلی به بنیانهای اسلامی

سوم آن که خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنا‌ی اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیانهای زندگی جاهلی به بنیانهای اسلامی است، مطرح گردید.

❖ ت) رهبر و حاکمی فقیه و صالح

چهارم آن که رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دل‌های بی‌ایمان و ظرف‌های تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه‌ی عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پُر کند: «أَمِنَ الرَّسُولُ بَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»^۶.

❖ ث) باقی ماندن در صراط انقلاب

پنجم آن که صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کجروی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدفها، استوار و بی‌اعوجاج باقی ماند.

🕌 نظام اسلامی، محصول تلاش عظیم امام(ره) و امت

این، آن چیزی بود که در ایران اتفاق افتاد و رهبری که با تقوا و صدق عمل، توانسته بود تأیید و هدایت الهی را جلب کند، حرکت خود را شروع کرد و در ظرف پانزده سال مجاهدت و تلاش مستمر، توانست توده‌های عظیم مردم را بتدریج در خدمت هدف - که همان حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و اجرای احکام اسلامی بود - به حرکت درآورد و حکومت طاغوتی و فاسد و وابسته‌ی حاکم بر ایران را که از سوی قدرتهای استکباری و غارتگر ثروتهای کشور ما حمایت هم می‌شد، ساقط کرد و در ظرف یازده سال پس از پیروزی، با مجموعه‌ی پیچیده و بی‌نظیری از توطئه و خصومت و خیانت و تهاجم و تحریم و حمله‌ی نظامی و غوغای تبلیغاتی و غیره دست‌وپنجه نرم کرد و از این مصاف تاریخی، مظفر و منصور بیرون آمد و اکنون نظام جمهوری اسلامی که محصول تلاش عظیم امام و امت است، در اوج اقتداری که ناشی از مقاومت و سرسختی در برابر زورگویان و استغنا از غارتگران است، چشم دوست و دشمن را به خود جلب و دل‌های مستضعفان و زجردیدگان همه‌ی مناطق عالم را مجذوب کرده است.

🕌 انقلاب، ثمره شجره‌ی طیبه‌ی اسلام

آری، راز بزرگ در اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین، این بود که در کانون این حرکت - یعنی ایران اسلامی - مولود مبارک انقلاب باردیگر از شجره‌ی طیبه‌ی اسلام به وجود آمد و محصول آن - یعنی جمهوری اسلامی - با بنیه‌ی مستحکمی که از ایمان اسلامی رهبر و ملت یافته بود، در راه و جهت درست پایدار ماند و وسوسه‌ی شیطانها و تیغ خشم و کین آنان بر او کارگر نشد و با مظلومیتی قدرتمندانه و سرافراز، چهره‌ی منور خود را در برابر چشم جهانیان قرارداد و با وجود و بقا و استقامت و صلابت خود، مبلغ اسلام شد.

🕌 معرفی اسلام حقیقی توسط امام(ره)

طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پُر جاذبه است و دل‌هایی را که آلوده‌ی غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دل‌ها و چشم‌های نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه‌ی انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکنده‌ی حکومت مستضعفان، سربر کشیده است.

🕌 اسلام ناب محمدی(ص)، جایگزین اسلام امریکایی در انقلاب

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام

قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم)، جایگزین اسلام امریکایی گردید. و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه‌ی کشورهای اسلامی بسته بودند و یا از اسلام، فقط نامی بی محتوا و وسیله‌ی بی برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند. ولذا از روز اول پیروزی انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام - یعنی ایران - از دست نداده‌اند.

🔗 تمسک به اصول اساسی انقلاب

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابل با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان الله علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به کار بردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایبندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

چه قدر ساده لوح و سطحیند کسانی که گمان می‌کنند دشمنی امریکا و جبهه‌ی استکبار و دارودسته‌ی وسیع صهیونیستی که اکثر خبرگزاریه‌ها و رسانه‌های خبری و تبلیغی جهان را در اختیار دارند، ناشی از آن است که جمهوری اسلامی، بموقع تلاش لازم را برای کسب دوستان انجام نداده و یا در مسایل جهانی دچار تندروی شده است. این گمان، حاکی از عدم تعمق در حوادث و جریانات داخلی و جهانی و عدم بصیرت در دشمن‌شناسی است.

🔗 ناکامی دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب

اگر قدرتها که دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب اسلامیند، هرگز علت دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به صراحت بیان نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر امریکا اعتراف کند که انگیزه‌ی دشمنی او با ایران، دشمنی با اسلام است، یک میلیارد مسلمان جهان را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که انگیزه‌ی او از این دشمنی آن است که ایران اسلامی خواسته است مستقل و آزاد و به دور از دخالت امریکا زندگی کند، همه‌ی آزادگان و آزادیخواهان عالم را در برابر خود قرار خواهد داد و اگر اعتراف کند که دلیل خصومت خباثت‌آمیزش

با ایران و مسدود کردن اموال ایران و توطئه‌ی دایمیش نسبت به جمهوری اسلامی آن است که انقلاب ایران، دست او را از منابع غنی این کشور قطع کرده و جلوا دامه‌ی غارت اقتصادی ملت را که از سوی رژیم خائن پهلوی، سخاوتمندانه به امریکاییها واگذار شده بود، گرفته است، همه‌ی ملت‌های مظلوم جهان و ستمدیدگان غارت‌های استعماری، در کنار ملت ایران قرار گرفته و به مبارزه‌ی با امریکا خواهند پیوست.

تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی توسط دشمن

بنابراین، بسیار طبیعی و بدیهی است که امریکا و دیگر دولت‌های جبهه‌ی استکبار و همه‌ی دارودسته‌ی خبری و تبلیغی و رسانه‌های دست‌نشانده‌ی آنان ناگزیر باشند که تمام هم خود را به تحریف حقایق ایران و انحراف افکار عمومی جهان مصروف بکنند، و گاه به نام حقوق بشر و گاه با تهمت نقض آزادی و گاه به دشنام ارتجاع و واپسگرایی و امثال آن، ملت شجاع و آگاه و آزاده‌ی ایران و نظام مترقی و انقلابی جمهوری اسلامی و مسؤولان صالح و لایق آن را مورد اتهام قرار دهند و نفرت عمومی ملت ایران از سلطه‌گران مستکبر و خبیث، مخصوصاً شیطان بزرگ را بدین گونه تلافی کنند.

الگوسازی حرکت انقلاب برای ملت‌ها

اگرچه تجربه‌ی یازده ساله‌ی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که استکبار و ارتجاع و ایادی آنان، در این ترند نیز موفقیتی کسب نکرده و نتوانسته‌اند نام نیک و چهره‌ی روشن ملت بزرگوار ما را با این گونه تلاشها در جهان و بخصوص در میان توده‌های مستضعف عالم مخدوش سازند و سرمایه‌گذاری گزاف آنان در استخدام قلمها و زبانهای مزدور و به کارافکندن صد‌ها رسانه‌ی صوتی و تصویری و مطبوعاتی برای منزوی یا منفعل یا بد نام کردن انقلاب اسلامی، دچار خسران شده است و هم‌اکنون علی‌رغم خواست آنان در بسیاری از مناطق عالم، ملتها با الگو ساختن حرکت نجاتبخش ملت ایران، به مبارزات مردمی با سلطه‌های شیطانی روی آورده و خواب از چشم ستمگران ربوده‌اند و قشرهای بیدار مسلمان در همه‌جا بخوبی تشخیص داده‌اند که علت دشمنی رأس استکبار - یعنی امریکا - و ایادی آن با ملت ایران، دشمنی آنان با اسلام است: «و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید»^۷.

راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران

ولی ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپانگاهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پُرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملت‌های جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است

و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (اعلی‌الله کلمته) در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیتنامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

اساسی‌ترین معارف انقلاب و اهداف نظام اسلامی:

الف) زنده داشتن یاد، راه و درس امام خمینی (ره)

اکنون، یک سال پس از رحلت آن پدر دلسوز و مرشد و معلم آگاه و حکیم، این جانب لازم می‌دانم اساسی‌ترین معارف انقلاب را که همه در شمار بیانات مکتب انقلاب و برخاسته از اصول و احکام اسلام است، یک‌بار دیگر به برادران و خواهران خود تذکر داده، همه‌ی ملت انقلابی و شجاعان را به توجه و اهتمام روزافزون نسبت به آنها دعوت کنم:

۱) پیش از هر چیز، زنده داشتن یاد و راه و درس جاودانه‌ی امام خمینی (اعلی‌الله کلمته) است، که مشعل راه و ترسیم‌کننده‌ی خط اساسی حرکت و تعیین‌کننده‌ی شاخصه‌های اصلی و حیاتی این جاده‌ی مبارک و فرجام تابناک آن است. حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملت ایران و از همه بیشتر مسؤولان کشور، باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند.

ب) همه چیز این نهضت به خاطر اسلام بود

۲) این نهضت مردمی و انقلاب بی‌نظیری که در منتهای مبارزات پانزده‌ساله‌ی آن پدید آمد و حماسه‌ی عظیمی که در عمر یازده ساله‌ی این نظام به ظهور رسید و شهادت نفوس طیبه و تحمل آن همه دشواریها و شکنجه‌ها و مصیبت‌ها از سوی ملت مؤمن و مبارز ما، همه و همه به خاطر اسلام بود. این ملت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله‌ی نجات از سلطه‌ی شیطانها و طاغوتها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملت‌های مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز به خاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از آن حمایت و دفاع کردند و می‌کنند. از این رو، جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به صورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد. برای عملی شدن این هدف - که گام‌های اساسی و بلند آن، از آغاز پیروزی به وسیله‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران و با اشراف و اهتمام شدید امام (رضوان‌الله‌علیه) برداشته شده - باید قوای سه‌گانه‌ی کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی

پایان ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به کار گیرند و دستگاه فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی، با هم و در کنار هم، جامعه را در راه اسلامی شدن روزافزون و به سمت هدفهای اسلامی پیش ببرند.

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه‌ی بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روزبه‌روز گرمتر و پُرونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

پ) تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی

۳) فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیر اسلامی و منافقانه است. و از همین جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه

قضایای محسوب شود. هیچ کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیای نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسیترین مسایل جمهوری اسلامی دانسته و قویترین بیانات را در این باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیر قابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حایلی نباید بتواند مسئولین نظام و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاستهای خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادقترین و بااخلاصترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار دهد.

ت) وحدت و یکپارچگی ملت

۴) وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهمترین وسیله‌ی ملت ما برای مقابله با تحریکها و توطئه‌هاست. با توجه به سرگذشت دوران دهساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملت و مسؤولان بیشتر آشکار می‌شود.

ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌یی نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدفهای نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

همه‌ی ملت رشید ایران، مخصوصاً آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گامهای استوار، به سوی اهداف عالی‌ی اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانیند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌یی که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دایم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوّش و آلوده به اختلافات و زدوخورد داخلی از ایران اسلامی - که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم نظیری است - به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راهها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین

اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسؤولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند.

🕌 (ث) حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی

۵) حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به وجود آورد:

اول این که هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به مرور در چشم ملتها و دولتها به دست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آن که به ملتها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشمهای تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملتها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بتهای قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سربر آوردن ارزشهای معنوی و الهی.

امروز که با دفن مارکسیسم و تلاشی بلوک شرق و قیامهای مردمی برضد حکومتهای استبدادی کمونیست، پیش‌بینیهای امام بزرگوار تحقق یافت و یکی از دو ابرقدرت از صحنه‌ی سیاست عالم حذف و به قدرت درجه‌ی دوم تبدیل گردیده و ابرقدرت دیگر هم از سویی با اوجگیری مقاومت‌های مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقصا نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فساد و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری، خلأ معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه‌ی امریکایی و گسسته شدن رشته‌ی «مبارزه با کمونیسم» که همواره سردمداران امریکایی خواستند با آن، خلأ یک عقیده‌ی وحدتبخش را در میان ملت خود پُر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم‌ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و امریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت امریکا حتی بر کشورهای اروپایی می‌شد، بشدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند.

برای حفظ این روند رو به اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملت‌های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدان، از موضع قدرت و با دولتهای ضعیف، از موضع حمایت و با ملتهای بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه‌ی رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و به خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنیش با بیداری و آزادی ملتها و خصومت عمیق

و جنایتبارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

🏠 فلسطین، مسأله‌ی اول بین الملل اسلامی

مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی اول بین الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملت‌ها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد. سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولتهای عربی و حتی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمینهای جدیدی از میهن اسلامی را تکرار می‌کند.

بعضی از پادشاهان و رؤسای عرب، به خاطر جلب نظر معبودشان امریکا، حتی انگیزه‌های عربی و عرق قومیت را که دایماً از آن دم می‌زنند، در برابر اسرائیل به فراموشی می‌سپارند و به جای آن، میدان مسابقه با اسرائیل در گرفتن کمک از امریکا را هر چه بیشتر گرم می‌کنند. این داغ ننگ را چه کسی از پیشانی ملت عرب خواهد زدود؟ و آیا جوانان مسلمان بیدار در کشورهای عربی، این خیانت را بر خود فروختگان خواهند بخشید؟!

در نظر این زمامداران خائن، قومیت و وحدت عربی، فقط هنگامی باید مورد استفاده قرار گیرد که امریکا بخواهد از آن در برابر ایران اسلامی و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بهره‌برداری کند. اُف بر وجدانهای خفته و دل‌های ناپاکی که لطف و عنایت امریکارا به قیمت از دست دادن همه چیز، هم ثروتهای خداداد طبیعی، هم شأن و کرامت انسانی و ایمان اسلامی و آبرو و اعتبار و تشخیص ملت خود طلب کردند و با کفران نعمتهای خدا، خود و ملت‌هایشان را در سراسیمه‌ی انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً واحلوا قومهم دارالبوار جهنم یصلونها و بئس القرار»^۸.

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تعهدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره‌ی مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده‌ی سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت. و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن‌گاه به بهای سیاه‌روزی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند. ملت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقه‌ی خود را در کنفرانس و گردهماییهای سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاستها، اگر برای فلسطینی‌های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد، حداقل بی‌فایده و بی‌خاصیت است. رؤسای که در این ایام به عنوان فلسطین‌گرد هم آمدند، اگر صادقانه در اندیشه‌ی نجات

فلسطین بودند، باید در برابر پیشنهاد مزورانه‌ی رئیس‌جمهوری امریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیمهای عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ اکتفا نمی‌کردند و اگر چنین نشود - که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد - مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئته قلیله غلبت فئته کثیره باذن الله والله مع الصابرين»^۹.

ج) تکیه بر حاکمیت اراده، خواست و تشخیص مردم

۶) تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روز به روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده‌ی ما، با اراده‌ی قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثار بی‌نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رأی در جهان بی‌نظیر است، مظهر اراده‌ی مردم و رئیس‌جمهور، و کیل و برگزیده‌ی مردم و مدیران کشور، آحادی از مردماند و مردم دارای حق رأی و بیان و تصمیم در کلیه‌ی امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به فردی است که نظامهای شرق و غرب، از آرایه‌ی آن ناتوان بوده‌اند و در هیچیک از سیستمهای حکومتی عالم، نمی‌توان نظیر آن را یافت.

علاوه بر نظامهای ورشکسته و متلاشی‌شده‌ی کمونیستی که در آن، حزب منحصر به فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظامهای ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنتهای موروثی و ریاستهای ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگیهای قارونی و دیکتاتوربیهای فرعونی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسماً دارای نظام دموکراسیند و حکومتها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه‌ی کار، در دست کمپانیها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند.

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومتهایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثناء، دامن خود را از طرز زندگیهای رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند؛ حرف خود را بی‌محایا زده و اگر انتقادی داشته‌اند، براحتی مطرح ساخته‌اند و مطبوعات، حتی رادیو و تلویزیون، همواره نظرات گوناگون را در مسایل کشور

منعکس کرده و مردم را در معرض افکار و سلیقه‌های گوناگون قرار داده‌اند و این، موضوعی روشن و مشهود است. حتی ورشکستگان سیاسی و دسته‌جاتی که در امتحانات متعددی از آغاز انقلاب، مردود و در نزد مردم سرافکننده و به وسیله‌ی آنان مطرود شده‌اند نیز هنگامی که به تحریک اجانب، مقالات زهر آگین و کینه‌توزانه بر علیه نظام اسلامی و مسؤولان کشور می‌نویسند، انواع اتهام را به آنان می‌زنند، این نوشته را بدون هیچ مانع و رادعی به چاپ رسانده، تا هر جا که خواننده‌ی بیابند، منتشر می‌کنند و علی‌رغم میل خود، عملاً وجود آزادی را اثبات می‌کنند.

بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگی‌های اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگیها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهیها و هرزگیها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، مخالفند و آن‌گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند و در حالی که آزادانه هر چه خواسته‌اند، گفته‌اند، با وقاحت و بی‌شرمی، مطالبه‌ی آزادی می‌کنند! خواست حقیقی اینها، باز شدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است و خصم آنان، ملت رشید و آگاه است. ملت ما، حسرت بازگشت به دوران بردگی امریکارا بر دل آنان خواهد گذاشت و با همه‌ی وجود، دستاورد بزرگ خود - یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسانها - را حراست خواهد کرد.

نظام اسلامی، هرگز نخواسته آزادی را که پرچمدار آن اسلام و قرآن است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظامهای غربی بیاموزد. ما آزادی فساد و بی‌بندوباری و هرزگی و آزادی دروغ و تزویر و فریب و آزادی ظلم و استثمار و تجاوز به حقوق ملتها را که غرب پرچمدار و مرتکب آن بوده است، صریحاً و قاطعاً رد می‌کنیم. ما آن آزادی را که به سلمان رشدی مرتد نابکار، اجازه‌ی اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را می‌دهد، اما به مسلمانان انگلیس حتی حق شکایت از او را هم نمی‌دهد؛ به دولت امریکا حق تحریک و سردستگی اوباش مخالف با یک حکومت مردمی را می‌دهد، اما به آن حکومت مردمی، حق مقابله با آن اوباش را نمی‌دهد؛ به سرمایه‌داران غارتگر، حق ورود نامشروع به کشورهای ضعیف و چپاول هست و نیست آن ملتها را می‌دهد، و به آن ملتها حق مبارزه‌ی با آنان را نمی‌دهد، مردود و منفور می‌شماریم و آن را ننگ بشریت می‌دانیم.

آزادی در منطق ما، آزادی‌ی است که اسلام به ملتها می‌بخشد و آنان را به کوه استواری در برابر سلطه‌گران ظالم و غاصب تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که در مورد ملت ایران اتفاق افتاد و این معجزه پدید آمد. و این آزادی در کشور ما همواره هست و خواهد بود و همه‌ی آحاد ملت باید آن را حفظ کنند. مسؤولان کشور باید مانند همیشه، پاس حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده‌ی آن در استقلال کشور را بدارند و به‌طور روزافزون، مردم را به حضور و فعالیت در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دفاعی و امنیتی تشویق نمایند.

📌 (چ) پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور

۷) همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسؤولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت

مردمی است و تاکنون گر هگشای مسایل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما (رضوان الله علیه) در دوره‌های مختلف و نسبت به دولتهای هم‌همی دوران دهساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام امت، با مجموعه‌یی از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه ملی و دفاع از ارزشهای انقلاب در سطح جهان روبه‌رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکمتر باشد و بحمدالله همین‌طور نیز هست.

وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان، نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همه‌ی کارها آسانتر و روانتر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود. ممکن است بدخواهانی برای جلوگیری از پیشرفت کارها، دست به شایعه‌پراکنی زده و دولت یا دستگاه قضایی را زیر سؤال ببرند. ملت عزیز باید بدانند این‌گونه تلاشها، ناشی از حسن نیت نیست و انتقاد نابجا از مسؤولان زحمتکش و مخلص و ناسپاسی در برابر تلاشهای توانفرسای آنان، هرگز کمکی به پیشرفت امور کشور نکرده و نخواهد کرد.

دولت و دستگاه قضایی نیز باید خود را به تمام معنا خدمتگزار مردم دانسته، هدفی جز کسب رضای خدا از راه خدمت به ملت، مخصوصاً قشرهای محروم و زحمتکش و احقاق حق آنان و رفع ظلم از آنان و بریدن دست متجاوزان به حقوق عمومی و سوء استفاده کنندگان و زراندوزان از خدابی خبر نداشته باشند. ملت وفادار مادر راه اسلام و انقلاب، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده است و جا دارد که هر کس در هر مسؤولیتی، همه‌ی همت خود را به گشودن گرهها و رفع مشکلاتی که از سوی دشمنان کشور تحمیل شده است، بگمارد.

ه) سازندگی و آبادسازی کشور

۸) سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پُربرکت و مستعد و جبران عقب‌ماندگیهای تأسف‌باری که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملت با استعداد تحمیل شده است، یکی از هدفهای اصلی جمهوری اسلامی است. ملت ما در بهترین فرصتهای تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده‌ی دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می‌توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره‌مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی‌خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده کردن استعدادهای خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند و یاراکد و معطل گذاردند و استعدادهای انسانی را به هدر دادند و به جای مصلحت ملت، مصالح دولتها و کمپانیهای خارجی را مقصد خود ساختند؛ به طوری که خط آهن وقتی با صدسال تأخیر به کشور ما وارد شد، در تعیین مسیر آن، به جای رعایت مصالح ملت و نیازهای بازرگانی، مصلحت نظامی دشمنان در نظر گرفته شد.

سیاست وابسته و سوء تدبیر و ضعف نفس و استبداد در رژیم پهلوی و قاجار، در ظرف دویست سال، ایران را

که روزی به برکت اسلام پرچمدار دانش جهان بود، به ویرانه‌یی محتاج بیگانگان و تحت سلطه‌ی آنان بدل ساخت. روستاها متروک، شهرها مصرف‌زده، مزارع بی‌ثمر، صنعت مونتاژ و مغزها معطل شدند. پس از پیروزی اسلام و تشکیل نظام مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی، دشمنان خارجی بخوبی تشخیص دادند که این نظام انقلابی، با پشتوانه‌ی مردمی نیرومند خود و با اعتقاد راسخی که به نیروی ملی و مردمی خود دارد، خواهد توانست کشور را در جاده‌ی رشد و پیشرفت مادی بیندازد و عقب‌ماندگی‌ها را با برنامه‌ریزی جبران نماید و دست بیگانگان سودجو و بدنیت را برای همیشه کوتاه کند. لذا از هر وسیله‌یی برای جلوگیری از سازندگی کشور استفاده کردند که یکی از آنها، جنگ ویرانگری بود که بر مردم ما تحمیل نموده و موجب شدند که همت مردم و مسؤولان، به جای سازندگی و پیشرفت علمی و عملی، صرف دفاع از تمامیت و استقلال کشور شود.

امروز که آتش جنگ فرونشسته و برنامه‌ی سازندگی به وسیله‌ی دولت و مجلس تنظیم شده و نیروهای مخلص، آستین همت بالا زده‌اند، بر همگان واجب است که سازندگی کشور را بسیار جدی بدانند و موانع را از سر راه آن بردارند. امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه‌گیر شود، زندگی مردم سروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه‌کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمنان از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند و انمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر می‌شود که دهها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. در حالی که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختیهای مادی و معنوی بسر می‌بردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.

دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ی انقلابی بدانند؛ با همکاری و با بسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان آرایه نماید.

📌 (م) گسترش دانش، تحقیق، رشد علمی و شکوفایی استعداد‌های انسانی

۹) گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعداد‌های انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌ی بی‌استی است که در آن، گنجینه‌های فکر

و ذهن انسانها - که گرانبهارترین ثروت ملی هر جامعه‌ی است - استخراج و به کار گرفته شود؛ بی‌سوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، دربرگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاهها و حوزه‌های علمیه، پُررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه جا و نزد همه کس رایج؛ مطبوعات، پُرمغز و آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، بانشاط و پُرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

فاصله‌ی امروزمین ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، فاصله‌ی زیادی، اما پیمودنی است. ایران اسلامی باید ثابت کند که امروز هم پرورشگاه نبوغها و استعدادهای علمی منحصر به فرد است و دو قرن سلطه‌ی استبداد و استعمار، نتوانسته است جوهر ذاتی این ملت را نابود کند. اگر در دو قرن گذشته، تسلط استعمار و استبداد، مانع شکوفایی استعدادها شده، امروز در دوران آزادی و بیداری ملت و به برکت انقلاب اسلامی، باید عقب‌ماندگی جبران شود.

دانشگاهها باید تلاش علمی و تحقیقی خود را با روحیه‌ی انقلابی و نشاط اسلامی دنبال کنند؛ و گرنه سرنوشت آنها بهتر از دانشگاههای دوران طاغوت نخواهد بود که در آن، خودباختگی علمی در برابر بیگانگان و تحقیر ارزشهای خودی، راه را بر جوشش استعدادها می‌بست و مغزهای مستعد را هم به گریز از مرز و بوم خود تشویق می‌کرد. اساتید عالی‌قدر و دلسوز، باید فضای انقلابی را برای تربیت نیروهای مستعد مغتنم بشمارند و دانشجویان ضمن تکریم و احترام به اساتید - که فریضه‌ی اسلامی است - نباید اجازه دهند احیاناً کسی بدخواهانه، از علم و تخصص، وسیله‌ی برای هموار کردن راه فرهنگ استعماری در دانشگاهها درست کند و مانند دوران سلطه‌ی بیگانگان، دانشگاه را پرورشگاه مغزهای از خود بیگانه و بیگانه‌پرست سازد. روشنفکران دلسوز و صادق بدانند که امروز، روز آزمایشی بزرگ است و تاریخ درباره‌ی آنان و رفتار امروزیشان، قضاوتی دقیق و افشاگر خواهد داشت.

اگر کسانی از وابستگان به قشر روشنفکر کشور، در دوران سلطه‌ی بیگانگان و حکومت خودفروختگان، توفیق آن را نیافته‌اند که به اقتضای مسؤولیت روشنفکران، در صفوف ملت قرار گرفته و در جایگاه خود در جبهه‌ی مبارزه با امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش قرار گیرند، امروز که روز حکومت مردم و حاکمیت ارزشهای اسلامی و انسانی و روز مبارزه با بیگانگان کینه‌ورز و خدعه‌گر است، باید گذشته را جبران و صفوف مبارزه‌ی ملت ایران را با امریکا و استکبار و امپراتوری خبیث زرو زور جهانی، به سهم خود و به قدر نیرو و توان خود مدد برسانند و زبان و قلم و هنر را در خدمت جهاد عظیم اسلامی این ملت قرار دهند.

زندگی در نظامی که بر پایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزشهای الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخار انگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است؛ آن عظیم‌القدری که حتی دشمنانش او را بزرگ و خارق‌العاده می‌شمارند و به عظمتش کینه می‌ورزند. هیچ‌کس اعتلای معنوی او و زهد و پارسایی او و دانش و معرفت او و صفای روح بزرگ او را انکار نمی‌کند. هیچ‌کس در او، کمترین شایبه‌ی از ضعف و تسلیم در برابر دشمنان ملت نمی‌شناسد و قله‌ی برتر از او در عظمت روحی، گمان نمی‌برد.



چه قدر کوچک و زبون و بی مقدارند کسانی که خود را دلبسته به نظامی بدانند که در رأس آن، مردمی فاسد و فاسق و خائن، مانند پادشاهان صدسال اخیر قرار داشته باشند و گردانندگان آن، امثال رضاخان و محمد رضا و علم و اقبال و هویدا و زاهدی و منصور و وابستگان بدنام و مجرمشان باشند و امریکا و انگلیس، از باب این همه و صاحب اختیار ملک و ملت باشند.

آیا روشنفکر نمایانی که در سایه‌ی آزادی اسلامی، فرصت و امکان آن را یافته‌اند که صفحاتی را به داعیه‌ی روشنفکری، از سخنانی خوشایند بیگانگان مطرود پُر و منتشر کنند، شهامت آن را دارند که به صراحت اقرار کنند که داغ و غصه‌ی آنان، نه برای علم یا آزادی، بلکه به خاطر جمع شدن سفره‌ی ننگین فسق و فساد و کوتاه شدن دست مروّجان فرهنگ تباهگر غربی است؟ و دشمنی آنان با نظام، نه به دلیل وجود عیب و نقیصه‌ی در آن، بلکه به انگیزه‌ی بازگشت به همان دنیای شرم‌آوری است که بیگانگان برای آنان به وجود آورده و از خود آنان در راه آن کمک گرفته بودند؟! از مسخ شدگان فرهنگ استعماری غرب، هیچ انتظاری نیست؛ امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوزی است که تعالی و عزت و پیشرفت معنوی و مادی ملت و کشور خود را می‌جویند و سلطه‌ی بیگانه را در همه‌ی اشکالش مردود می‌شمارند. شایسته است که اینان نظام اسلامی را - که مایه‌ی عزت ایران و حیات دوباره‌ی ملت است - قدر بدانند و مسؤولیت خود را در آن بشناسند.

❏ (ن) روحانیت، حفظ معارف اسلامی، ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت

(۱۰) روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده‌ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از اینها و در طول قرنهای متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیاتبخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است. حضور روحانیون متعهد و مبارز در مرکز مبارزه با رژیم دست‌نشانده‌ی امریکا بود که قشرهای گوناگون مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید. در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جستند - مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو - نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانیت را مقدمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند و به وسیله‌ی عامل دست‌نشانده‌شان - رضاخان - در سالهای ۱۳۱۳ به بعد، نقشه‌ی محور روحانیت را شروع کردند و در آن سالها دست به فجایعی نسبت به علمای عالی‌مقام و حوزه‌های علمیه زدند که در تاریخ ایران، پیش از آن هرگز سابقه نداشت و متأسفانه شرح این فجایع و ماجرای مقاومت مظلومانه‌ی علما و طلاب در آخرین سالهای حکومت رضاخان قلدر، به‌طور کامل تدوین نشده و در معرض اطلاع مردم قرار نگرفته است و لازم است اطلاع‌شاهدان عینی - که بحمدالله هنوز تعداد آنان کم نیست - به وسیله‌ی افراد و مؤسسات مسؤول، با همتی مردانه گردآوری شود.

آزادگی روحانیون و علمای دین و عدم نفوذ قدرتهای داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که قلدران و حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربانی را از سر راه مفسده‌جوییها و خیانت‌های خود بردارند و اگر جمعی از معممین سرسپرده و آخوندهای درباری، به طمع حطام ناپایدار دنیا، بر سرسفره‌ی ستمگران نشستند و قولاً و عملاً آنان را تأیید کردند، اکثریت علما و روحانیون و فضلا و طلاب جوان، در حصار مناعت و پرهیزگاری و پاکدامنی باقی مانده و اراده و توان مبارزه‌ی صادقانه و قدرتمندانه را حفظ کردند و اعتقاد راسخ به روحانیت شیعه را در دل آحاد مردم، زوال ناپذیر ساختند.

جامعه‌ی روحانیت به همین دلیل، همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان گوناگون و استعمارگران و بیگانگان و بیگانه‌پرستان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است. تبلیغات خصمانه و برنامه‌ریزی‌شده‌ی حکومت پهلوی و سیاست‌های ذی‌نفوذ در ایران در طول پنجاه سال برضد قشر روحانی که ماهیتی صددرصد استعماری داشت، در دوران رضاخان و نیمه‌ی اول دوران محمد رضا، آزمایش سختی برای علمای دین بود و جامعه‌ی روحانیت بحمدالله از این آزمایش سربلند بیرون آمد.

در دوران مبارزات پانزده‌ساله نیز حوزه‌های علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانون‌های اصلی مبارزه و بالطبع هدف‌های اصلی حملات و حشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدت عمل‌های بی‌حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیت از راه پُرافتخار خود - که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلف‌ناپذیر اسلامی او بود - قدم باز پس نهد؛ بلکه در این دوران، فکر اسلامی شکوفاتر، سیقل خورده‌تر و فقه قرآن، پُربارتر و شخصیت روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد.

پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، بخصوص عناصر برجسته‌ی آن - که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند - بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه‌ی تبلیغات و چه در عرصه‌ی تروریزم خائنانه و آلت دست دشمن. و شهدای گرانقدری، هم در جبهه‌ی جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیت‌های جهادی خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه‌ی علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند.

ملت عزیز ما می‌دانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که بوضوح می‌دانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.

امروزه قلم‌های مزدور و دست‌های فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پُر معنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سال‌های پس از پیروزی، علمای متحجر و



بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریان‌های سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوری‌های عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضعگیریهایی دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً این که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوء استفاده از مکان‌های اجتماعی، خطر ش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقهت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقهت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً آن‌ها و دوری از فعالیت سیاسی را - که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است - به هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قوی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پُر کنند.

ل) بزرگداشت وفاداران فداکار انقلاب

۱۱) در این مقال، لازم است بزرگداشت وفاداران فداکار نیز به عنوان یکی از نقاط عمده‌ی معارف انقلاب ذکر شود. مقصود از وفاداران انقلاب، آن‌ها هستند که با نثار جان خود یا عزیزان خود یا سلامتی خود، پایه‌های انقلاب را استحکام بخشیدند و دست دشمنان را از کشور و نظام اسلامی کوتاه کردند: خانواده‌های مکرم شهیدان، دلیرمردان جانباز و اسیر و مفقود و خانواده‌های بزرگوار آنان، رزمندگان نیروهای مسلح و عناصر پاکباز بسیج که عمر خود را در جبهه‌ها گذرانیده‌اند، جهادگرانی که نیروی خود را در دو جبهه‌ی جنگ و سازندگی صرف کردند... و همه‌ی کسانی که در این امتحان الهی، با سختیها و ابتلائات بزرگش دست و پنجه نرم کردند، باید مورد تکریم و قدرشناسی همیشگی ملت باشند.

ی) امام (ره)، الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی

۱۲) ختام سخن آن است که دوران دهساله‌ی حیات مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است.

دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدس سرّه) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جستجسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملت‌های دیگر، حتی ملت‌های غیرمسلمان، نسخه‌ی تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه‌جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوریه‌های سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملت‌ها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه‌جا، چشم به ملت مقاوم ونستوه ایران دوخته‌اند.

بدیهی است که برای امریکا و دیگر سردمداران استکبار، چیزی مهم‌تر از این نیست که ملت ایران از راه دهساله‌ی خود برگردد، یا در آن تردید کند؛ زیرا در این صورت، نقطه‌ی درخشان امید ملت‌ها کور خواهد شد و غلبه‌ی خون بر شمشیر، مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه‌ی ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم امریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

همه‌ی ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) با قوت و قدرت به سمت هدف‌های عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست. «کتب الله لاغلبن انا و رسلی»^{۱۰}.



دفع سلطه توسط ملت‌های مسلمان،
با پیروی از خطی که امام‌رحمه‌الله پیش پای ملت ایران گذاشت

- آیتی از قدرت‌نمایی خدا
- خطّ ایران اسلامی و راه امام (ره)
- روح ایستادگی و سازش‌ناپذیری در مقابل قدرت
و سلطه جهانی
- استکبار ستیزی، رمز پیشرفت امام (ره)
- میراث امام (ره) برای مسلمانان عالم
- خبثت استکبار و دستگاه سلطه جهانی
- انگیزه‌های غیر اسلامی، عامل اصلی تفرقه

دفع سلطه توسط ملت‌های مسلمان، با پیروی از خطی که امام (ره) پیش پای ملت ایران گذاشت *

آیتی از قدرت نمایی خدا

به نظر ما این برهه از زمان و این مقطع تاریخی خاص، مقطع عجیب و عبرت‌انگیزی است. اگر بخواهیم عجیب‌ترین چیزهای بزرگ و پدیده‌های شگفت‌آور این عالم را در این دوران انتخاب کنیم، باید بگوییم از همه بارزتر، این حقیقت است که جریان امور عالم، در جهت خلاف میل و خلاف جهت تلاش و تدبیر قدرتهای مسلط عالم پیش می‌رود! این، آیتی از قدرت نمایی خداست. اگر کسی با چشم باز و با تأمل به حوادث کنونی عالم نگاه کند و حرکت ملت‌ها و حرکت عمومی بشریت را مورد تأمل قرار دهد، خواهد دید که روال عمومی، ضد آن چیزی است که قدرتهای مسلط عالم، آن را می‌خواهند. امروز به‌طور مشخص، مظهر قدرت‌نمایی قلدران دنیا، امریکا است. این حرف البته بدین معنی نیست که دستگاه سلطه استکباری عالم، برای مقاصد خود، تلاشی همراه با زور و فشار انجام نمی‌دهد. چرا! دنیا پر است از نشانه‌های ظلم قدرتهای مسلط در همه جا. بخصوص کسانی مورد ظلم و زور هستند که شامه استکبار، بوی مخالفت و ضدیت و واژگون‌سازی قدرتهای مسلط را از ناحیه آنان استشمام کرده است؛ یعنی عمدتاً مسلمین عالم. لکن با توجه به همه اینها، آنچه در نهایت پیش می‌رود، همان چیزی است که دشمنان اسلام، دشمنان مسلمین و دشمنان ملت‌های مظلوم، از آن پرهیز دارند و می‌هراسند.

خط ایران اسلامی و راه امام (ره)

اگر امروز به تبلیغات دنیا نگاه کنید، می‌بینید اصرار بر این است که روش ایران و امام رضوان الله تعالی علیه، در

نظر مردم و مسلمین عالم و بخصوص ملت‌های به‌پاخاسته و مسلمانان در کشورهای بیدار شده، یک «ضد ارزش» تلقی شود. وقتی می‌خواهند کسانی را در جایی متهم کنند، می‌گویند: «اینها در صددند تا حکومتی مانند ایران درست کنند، یا خطی پیر و خط امام را مشی کنند.» بعضی هم ممکن است از روی ساده دلی، در گوشه و کنار دنیا دستپاچه شوند و انکار کنند که «نه! مادر پی راه امام و جمهوری اسلامی و روش ایران اسلامی نیستیم.» لکن حقیقت این است که دنیای اسلام، هیچ چاره‌ای جز این ندارد که خط ایران اسلامی و راه امام را مشی کند. اگر مسلمانان - در هر جای عالم - و پیروان راستین اسلام، در صدد نجاتند؛ اگر می‌خواهند سلطه و قدرت شیطان بزرگ را دفع کنند؛ اگر ملت‌های مسلمان بخواهند راه رستگاری خودشان را دنبال کنند و اگر می‌خواهند خودشان را از فشار تحمیل امریکا و آسیبهایی که سلطه‌های جهانی بر ملت‌ها وارد می‌آورد آسوده کنند، راهی جز این ندارند که همان خطی را که امام در پیش پای ملت ایران گذاشت و خود با قدرت پیمود، بپیمایند؛ همان راهی که ملت ایران، به برکت استقامت در پشت سر امام بزرگوار خود پیمود.

روح ایستادگی و سازش ناپذیری در مقابل قدرت و سلطه جهانی

مقصود من این نیست که کشورهای اسلامی ناچارند همین تشکیلات و همین فعالیت‌های خاص و همین نظام ویژه‌ای را که مادر ایران اجرا کردیم، اجرا کنند. بدیهی است که موقعیت‌ها و جایگاه جغرافیایی و تاریخی و امثال اینها، فارق‌هایی میان ملت‌های مسلمان است. ممکن است از لحاظ کیفیت اجرایی، هر کشور اقتضایی غیر از کشورهای دیگر داشته‌باشد. لکن اصل و روح مطلب؛ آن چیزی که در ایران اسلامی مایه پیروزی و گسترش این فکر در سراسر عالم شد؛ آن چیزی که توانست شمشیر تیز ابرقدرت‌ها را بر روی ملت ایران کند و آنان نتوانند آنچه را که می‌خواهند در این کشور انجام دهند، در یک جمله مستتر است که روح همه چیزهاست و آن عبارت است از روح ایستادگی و تسلیم نشدن و سازش ناپذیری و انعطاف نشان ندادن در مقابل قدرت و سلطه جهانی و امریکا و امثال امریکا. این، همان روح قضیه است.

استکبارستیزی، رمز پیشرفت امام (ره)

ممکن است کشوری در فکر پیاده کردن و زنده کردن اسلام هم باشد؛ اما اگر روح ایستادگی و انعطاف ناپذیری در مقابل قدرت مسلط امریکا در آن نباشد، بتدریج از اسلام هم جدایش خواهند کرد! یک نظام ممکن است در آغاز کار، شیرین‌ترین و براق‌ترین شعارها را هم مطرح سازد و بر اساس آن شعارها حتی حرکت را شروع کند. اما اگر روح تسلیم ناپذیری در مقابل فشار همه جانبه قدرتهای استکباری، در آن ملت، آن رهبری و آن کشور نباشد، این شعارها را، یکی یکی از دست آنها خواهند گرفت! مگر استکبار حد می‌شناسد؟! مگر استکبار در نقطه‌ای متوقف می‌شود؟! رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موفقیت‌های الهی آن مرد بزرگوار و رهبر استثنایی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه قدرت و استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد. آن روز، دو ابرقدرت بودند و این دو ابرقدرت، با وجود این که از صد مسأله جهانی در نود مسأله اختلاف داشتند،

اما در یک نقطه با هم موافق بودند و آن، فشار بر ایران اسلامی و نظام انقلابی ما بود. لذا شما دیدید که رژیم عراق در جنگ هشت ساله‌اش با ما، از سلاح روسی و امریکایی و فرانسوی و انگلیسی و برزیلی و از همه نقاط عالم توانست استفاده کند. یعنی همه به او کمک کردند؛ همه علیه ایران اسلامی، پشت سر او قرار گرفتند؛ همه با ایران در حال خصومت و محاربه بودند و این دو ابرقدرت، در مقابل اسلام انقلابی، به جد با یکدیگر همکاری داشتند. اما امام یک لحظه دچار تردید نشد؛ چون به راه خود ایمان داشت؛ به خدا متکی بود و به این ملت باور داشت. ملت هم امام خود را قبول داشت؛ او را شناخته بود و پشت سرش ایستاده بود. همه اینها عامل آن شد که این کشور و این نظام و آن رهبر و این ملت، در مقابل امریکا و شوروی آن روز - که امروز وجود خارجی ندارد - و همه اروپا و دیگران ایستادند. این، راز قضیه است.

میراث امام (ره) برای مسلمانان عالم

شما برادران و خواهران از نقاط مختلف دنیا آمده‌اید؛ از میان نظامهای گوناگون، با سنتهای متفاوت و آداب و عادات مختلف، اما با دلبستگی واحد؛ یعنی اسلام. اگر می‌خواهید در پیروزی اسلام موفق شوید؛ اگر می‌خواهید فشار امریکا و سایر قدرتها را از روی خودتان برطرف و یا کم کنید و اگر می‌خواهید از سلطه ابزارها و آلات دست سیاستمداران قلدر عالم مصون بمانید، علاج این همه در یک کلمه است؛ کلمه‌ای که تجربه ایران اسلامی و میراث امام برای مسلمانان عالم است و آن، تسلیم نشدن در مقابل امریکا است. اگر بتوانید این ایستادگی را پیدا کنید و روشهای فشار آنها را بشناسید و در مقابل همه آنها بایستید، پیروزی شما تضمین شده و حتمی است. البته، مجاهدت سخت است. راه خدا همراه با دردسرهاست. اما هدف، عالی است. هدف، نجات انسانیت است. هدف، نجات ملتها و کشورها از این ابتدالی است که امروز دنیای استکبار برای مردم عالم پیش آورده است. برای چنین هدفهای مهمی، فداکاری و تحمل سختی جا دارد و راه و رمز پیشرفت، تسلیم نشدن است. این طور نباشد که استکبار با تبلیغات خود، کاری کند که رهبران یک مبارزه و مردم یک کشور را دچار این فکر کند که «حالا چه عیبی دارد که ما یک کلمه از آنچه را که استکبار از ما خواسته است قبول کنیم؟!» این یک کلمه - یعنی تسلیم در مقابل دشمن به قدر یک گام - به معنای ناکام شدن است. استکبار، بی‌رحم و بی‌عاطفه است و در پی هدفهای پلید و خباثت‌آمیز خودش است. به مجرد این که در یک ملت، احساس روح تسلیم و عقب نشینی کند، فشار را مضعف خواهد کرد.

خباثت استکبار و دستگاه سلطه جهانی

ببینید امروز در دنیا علیه مسلمانان چگونه عمل می‌شود! این به خاطر آن است که در هر نقطه، جلادان مسلمانان فهمیده‌اند که دستگاه استکبار از فشار بر مسلمانان و قتل عام آنها خشنود می‌شود؛ لذا آزادانه به مسلمین آسیب می‌رسانند! این وضعیت مسلمانان قفقاز است؛ این وضعیت مردم بوسنی و هرزگوین است؛ این وضعیت مسلمانان انقلابی در الجزایر است؛ این وضعیت دولت انقلابی در سودان است؛ این وضعیت مردم شریف

و مجاهد افغانستان است؛ این وضعیت مردم مظلوم کشمیر است؛ این وضعیت مسلمانان مظلوم عراق است! در کدام نقطه عالم است که مسلمانان از قبیل خیانت استکبار جهانی و دستگاه سلطه جهانی به نحوی آسیب ببینند و فشار بر آنها وارد نشود؟! علاج چیست جز ایستادگی خود مسلمانان؛ جز همپیمانی مسلمانان؛ جز اتحاد مسلمین با یکدیگر؛ جز بیداری جوامع اسلامی و جز به کار گرفتن نیروی عظیم اسلام در سراسر عالم؟

انگیزه‌های غیر اسلامی، عامل اصلی تفرقه

ببینید صهیونیستهای غاصب، با ملتهای فلسطین و لبنان چه می‌کنند! روزی نیست که آسیبی به جنوب لبنان و منطقه بقیاع نزنند. با وجود بیش از یک میلیارد مسلمان در عالم، چه کسی از اینها باید دفاع کند؟ مسلمانان باید همین‌طور نگاه کنند و کشتار فرزندان و زنان و کسان خود را در لبنان و فلسطین ببینند و دم نزنند؟! این همه منابع زیر زمینی، این همه ثروت، این همه سلاح در اختیار کشورهای اسلامی و جوامع مسلمین است. چرا ما نمی‌توانیم از خودمان دفاع کنیم؟ چون متحد نیستیم. چرا متحد نیستیم؟ چون دولتهایی که باید اتحاد را تضمین کنند، دارای هدفهای مختلفند: هدفهای ملی گرایانه، هدفهای کفر آلود، هدفهای غیر اسلامی. اما ملتها دلهایشان با هم است. کدام دو ملتند که با هم کینه داشته باشند؟ ملت ایران و ملت عراق، بعد از هشت سال جنگ، یکدیگر را در آغوش می‌فشارند. جنگ، مربوط به ملتها نیست؛ اختلافات، مربوط به ملتها نیست؛ بلکه مربوط به دولتهاست که انگیزه‌های غیر اسلامی دارند. این‌جا را باید علاج کرد. خواستههای ملتها باید در کشورها و در مناطق عالم تحقق پیدا کند و دولتها باید راه ملتها را قبول کنند و به آن راه بروند. و این راه، راه بازگشت به اسلام، عمل کردن به قرآن و نترسیدن از دشمنان اسلام است. دولتها نباید از امریکا بترسند؛ کما اینکه ملتها هم نباید بترسند. نباید از تهدید امریکا دچار ترس شوند و عقب‌نشینی کنند. باید در مقابل تهدید دشمن ایستاد و به خدای متعال اتکال کرد و ان شاء الله، آینده متعلق به ماست.

امیدواریم که ملت عزیز ایران و دیگر ملتهای مسلمان در سراسر عالم، بتوانند راه و خط امام را - که همان راه اسلام است - به درستی بشناسند، و آن را به خوبی بپیمایند. ان شاء الله دشمنان اسلام را خداوند ذلیل کند و دست ملت اسلام را دست عزت و عظمت قرار دهد.



خصوصیات خط امام خمینی رحمه الله در دوره ده سال حیات با برکت ایشان

- ❖ امام (ره)، پرچمدار بزرگ اسلام و قرآن در تاریخ معاصر
- ❖ رحلت امام (ره)، آزمایش بسیار بزرگ ملت
- ❖ «خط امام» و مشخصات حرکت نظام جمهوری اسلامی:
 - ❖ (۱) ایستادگی
 - ❖ (۲) اصرار بر تعبد، عمل اسلامی و فردی
 - ❖ (۳) اهمیت دادن به توانایی ملتها
 - ❖ (۴) وحدت مسلمین
 - ❖ (۵) ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها
 - ❖ (۶) التزام به اسلام ناب
 - ❖ (۷) محوری بودن نقش مردم
 - ❖ (۸) مبارزه با صهیونیست
 - ❖ (۹) حفظ وحدت ملی
 - ❖ (۱۰) حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم
 - ❖ (۱۱) سازندگی اسلامی کشور
- ❖ ...

خصوصیات خط امام خمینی رحمه الله در دوره ده سال حیات با برکت ایشان *

❁ امام (ره)، پرچمدار بزرگ اسلام و قرآن در تاریخ معاصر

سومین سالگرد رحلت بنیانگذار عظیم الشان جمهوری اسلامی و پرچمدار بزرگ اسلام و قرآن در تاریخ معاصر، یادآور آن روزهای تلخ و آن مصیبت جانگداز، برای ملت ایران و همه ملت‌های مسلمان و همه مستضعفان جهان است. بنده اولاً لازم می‌دانم این مصیبت بزرگ را، که گذشت زمان از عظمت آن نمی‌کاهد، به محضر منور ولی عصر، امام زمان ارواحنا له الفداء، تسلیت عرض کنم. همین‌طور به ملت مسلمان ایران و همه دوستداران و ارادتمندان این بزرگوار در سراسر عالم. همچنین تسلیت عرض کنم به فرزند بزرگوار ایشان، جناب حجة الاسلام آقای حاج سید احمد آقا، که یادگار ارزنده آن بزرگوار هستند. به مناسبت این اجتماع عظیم شما، مطالبی را عرض می‌کنم.

❁ رحلت امام (ره)، آزمایش بسیار بزرگ ملت

این حادثه، از جهات مختلفی، دارای اهمیت بود. یکی از آن جهات که شاید مهمترین آنها هم محسوب می‌شود، این بود که ملت ایران در این حادثه، در برابر یک آزمایش بسیار بزرگ قرار گرفت. این انقلاب و این نظام و حرکت مردم پشت سر امام، برای مسلمانان عالم، بلکه برای بسیاری از ملت‌ها، یک الگو و نمونه بود. قهراً با فقدان امام بزرگوار، این حالت و نگرانی، در فضای عالم به وجود می‌آمد، که ملت ایران، پس از فقدان امام و قلب تپنده این نظام اسلامی، چگونه حرکت خواهد کرد؟ آنچه که من امروز بعد از سه سال از گذشت این حادثه، می‌توانم با جرأت بگویم، این است که ملت ایران، در این حادثه و پس از آن، یکی از بهترین امتحانها را داد. حقیقتاً این حرکت ملت در تداوم راه و خط امام، مانند سایر مجاهدتهای ملت بزرگ ایران در اصل انقلاب، در جنگ تحمیلی و در آزمایشهای گوناگون،

یک حرکت استثنایی و به یادماندنی بود. من در این فرصت، مایلم رؤوس جهت‌گیر بیهای ملت ایران را، که در حرکت عمومی مردم، در حرکت دولت و در حرکت مسئولین نظام، مجسم شده است و دقیقاً منطبق با همان خط و جهتگیری‌ای است که امام برای ما ترسیم کرده بودند، به اجمال عرض کنم و سپس نگاهی به آینده بیندازم و این فرصت بسیار مهم را، که مقطعی برای نظام ماست، با چشم‌انداز روشنی شروع کنیم.

❁ «خط امام» و مشخصات حرکت نظام جمهوری اسلامی:

❁ (۱) ایستادگی

من رؤوس مطالبی را در خصوصیات این خط و این جهتگیری - که ما به آن «خط امام» می‌گوییم و مشخصه حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات با برکت امام بوده است - عرض می‌کنم: خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، می‌تواند با جهتگیری‌های مختلفی تحقق یابد. آنچه که این جهتگیری‌ها را به صواب نزدیک می‌کند و مورد قبول و اعتقاد امام رضوان الله تعالی علیه بوده است، اینهاست: اول، ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرتها. این، اولین مشخصه حرکت امام بزرگوار ماست.

❁ (۲) اصرار بر تعبد، عمل اسلامی و فردی

دوم اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی. این دو مطلب بزرگ و این دو میدان مبارزه را، امام از هم جدا نمی‌کردند و در صحنه اجتماع و سیاست، در مقابل شیطان بزرگ و شیطانهای قدرت می‌ایستادند. در صحنه روان آدمی و درون وجود انسان، امام با نفس مبارزه می‌کردند و اصرار بر تعبد و عمل اسلامی و فردی و شخصی داشتند.

❁ (۳) اهمیت دادن به توانایی ملت‌ها

سوم، اهمیت دادن به توانایی ملت‌ها و «اصل» دانستن آنها بود. امام با ملت‌ها سخن می‌گفتند و معتقد بودند که تحولات بزرگ عالم، اگر به دست ملت‌ها انجام گیرد، غیر قابل شکست است و ملت‌ها می‌توانند در دنیا تحول ایجاد کنند و محیط‌های خودشان را عوض نمایند.

❁ (۴) وحدت مسلمین

چهارم، اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار.

۵) ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها

پنجم، اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها؛ مگر استثناهایی که هر کدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به مایاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم می تواند و باید از روابط سالمی با دولتها برخوردار شود. البته رابطه با امریکا مردود است؛ به سبب این که آمریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است. از تباط با رژیم صهیونیستی و نیز از تباط با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی^۱ مردود است؛ اما رابطه با بقیه دولتها، بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل بر ایجاد ارتباط است.

۶) التزام به اسلام ناب

ششم، اصرار بر شکستن حصار تحجر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب. هم تحجر، از دیدگاه امام - در بیان و عمل - مردود بود، هم التقاط.

۷) محوری بودن نقش مردم

هفتم، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی. همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند. در منطق و در خط حکومتی امام آمت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم گیریها محسوب می شدند و همه فعالیت های اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود.

۸) مبارزه با صهیونیست

هشتم، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی بود. مبارزه با اسرائیل، جایگاه خاصی در منطق امام - در راه و رسم حکومتی - داشت. از اموری که در نظر امام آمت به هیچ وجه برای ملت های مسلمان قابل اغماض نبود، مبارزه با صهیونیستها بود؛ چون امام بزرگوار، نقش ویرانگر و مخرب این رژیم تحمیلی را از سالها پیش از پیروزی انقلاب، به درستی تشخیص داده بودند.

۹) حفظ وحدت ملی

نهم، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه افکنانه.

۱۰) حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم

دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسؤولین سفارش می کردند که «از مردم جدا نشوید؛ با مردم باشید؛ زی مردم را داشته باشید؛ به فکر مردم باشید»

۱. فرمایش معظم له، ناظر بر زمانی است که هنوز دست استعمار از حکومت آفریقای جنوبی کوتاه نشده بود و در آن جا «پارتاید» حاکم بود.

و خلاصه، رابطه را از طرف مسؤولین تأمین می‌کردند، هم متقابلاً به مردم سفارش مسؤولین و دولتها را می‌کردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف می‌نمودند، به نحوی از انحا مقابله می‌کردند.

❁ (۱۱) سازندگی اسلامی کشور

یازدهم، اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان، که در ماههای آخر عمر با برکت امام، جایگاه مهمی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیر بنایی و از لحاظ موارد درآمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه‌ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد.

آن مواردی که به اعتقاد بنده رؤوس و خطوط اصلی بینش امام و سلوک عملی و حکومتی ایشان بود، اینهاست. هر چند ممکن است بعضی موارد هم از دید بنده مخفی مانده و مورد غفلت قرار گرفته باشد.

❁ بزرگترین خطر برای ملت و انقلاب، خطر نفوذ استکبار و قدرتهای جهانی

من می‌خواهم عرض کنم: ملت ایران و دولت جمهوری اسلامی، در این سه سال، همه تلاششان را کردند که همین راه را دنبال کنند و به فضل الهی و به توفیق خداوند متعال، موفق هم شده‌اند. تبلیغات از سوی استکبار جهانی متوجه این است که به مردم دنیا، وانمود کند که بعد از رحلت امام، دوران دیگری در زندگی مردم ایران شروع شده است. اما ملت ایران، حقایق را مشاهده می‌کند و همه چیز را از نزدیک می‌بیند. من صریحاً اعلام می‌کنم که این، یک دروغ بزرگ است. این، اهانت به ملت ایران است. این، تهمت به ملت عظیم الشانی است که پشت سر امام خود، همه بندهای استکباری را گشود و سست کرد و مورد تهدید قرار داد. ملت، راه نجات خود را ادامه راه امام می‌داند. ملت ایران، خطر را به درستی شناخته است. برای ملت و انقلاب ما، بزرگترین خطر، خطر نفوذ استکبار و قدرتهای جهانی و به‌طور خاص، خطر نفوذ ابر قدرت مهار گسیخته امریکاست. ملت ما خوب می‌فهمد و خوب می‌داند که استکبار، کمین گرفته بود تا امام از میان مردم برود و بتواند به گمان خود، این قلعه عظیم را که دیگر دیده‌بان و نگهبان بزرگی مثل امام ندارد، هدف قرار دهد. داغ این آرزو را، ملت ما به دل استکبار جهانی و امریکا گذاشت و بعد از این هم، ان شاء الله همیشه خواهد گذاشت.

❁ پادشاهای الهی در پیمودن راه امام (ره)

البته در این سه سال، دشمن بی‌کار هم ننشسته است. تزییقات زیاد و فشارهای گوناگونی به منظور خسته و دلسرد کردن ملت ایران تدارک دید. اما ملت ایستاد. ملت، آزمایش بسیار خوبی را پس داد و خدای متعال هم، پاداش این استقامت را به شما مردم مبارز و شجاع داد. بارها نشانه‌های رحمتش را به شما نشان داد. در این چند سال، پیروزیهای گوناگونی برای ملت ما پیش آمد. آزادی آزادگان عزیز ما که اسارتشان یکی از

غصه‌های این ملت بود، یکی از این پادشاه‌های الهی بود. متجاوز شناخته شدن رژیم جنگ طلب عراق در محافل جهانی، یکی دیگر از پادشاه‌های خدا بود. این، حقانیت انقلاب و ملت ایران را ثابت کرد. این، یک حادثه سیاسی کوچک نبود. این، نشان داد که تبلیغات و توطئه‌های جهانی و تلاش استکبار در این هشت سال، علیه این ملت، چقدر ظالمانه بود. در این هشت سال، استکبار می‌خواست به دنیا و ملت‌هایی که به ایران به چشم الگو نگاه می‌کردند، ثابت کند و نشان دهد که انقلاب و ملت ایران، از قاعده و قانون صحیح عقلانی دورند. تجاوز می‌کنند؛ کشتار می‌کنند و جنگ به راه می‌اندازند!

همه اینها برای این بود که ملت ما را از چشم ملت‌های دیگر بیندازد. این شهادت و گواهی جهانی، همه آن یافته‌های تبلیغاتچیهای استعمار و طراحان استکبار را خنثی کرد و نشان داد که ملت ایران در این هشت سال، حق داشته و از حق خود دفاع کرده است. ثابت کرد که این ملت، ملتی است که برای احقاق حق خود و سرکوب متجاوز، حتی حاضر است هشت سال، جنگی با این عظمت و با این اهمیت را ادامه دهد و از خود دفاع کند و سختیها را تحمل نماید. و این، عجیب تجربه‌ای برای دنیانسبت به ملت ایران شد!

از دیگر پادشاه‌های الهی این بود که در این چند سال، بسیاری از کسانی که در دوران هشت سال جنگ تحمیلی، علیه ملت ایران همدست شده بودند، مجازات شدند. دولت شوروی، پشتیبان درجه یک عراق، متلاشی شد. در میان کشورهای اروپایی، آنهایی که بیش از همه به عراق کمک کردند، بیش از همه، سیلی خوردند. بسیاری از دولتهای این منطقه، که پشت سر عراق بودند و با شما ملت مظلوم مواجه شده بودند، چوب این کار را در این سه سال خوردند.

اینها، آن نشانه‌های لطف الهی به ملت ماست. بدانید و دنیا هم بداند که دیگرانی هم که تاکنون مصون مانده‌اند، بی‌نصیب نخواهند ماند. هشت سال توطئه علیه یک ملت حق طلب؛ علیه ملتی که برای خدا قیام کرده است؛ علیه ملتی که حرف حق می‌زند و برای نجات محرومین و مستضعفین، کمر بسته است...! دستهای قدرتمند و جنایتکار دنیا، این ملت را، مظلومانه، در طول هشت سال، آن‌طور کوبیدند. و البته، ملت ما، سرخم نکرد و بالاخره هم شما پیروز شدید و آنها مجبور شدند به خطای خود اعتراف کنند و به سر جای خود برگردند و بنشینند. در قانون طبیعت عالم و در سنت الهی، این کارها بی‌جواب نمی‌ماند. از جمله پادشاه‌های خداوند در این سه سال، قدمهای بلندی بود که برای سازندگی کشور برداشته شد. مسؤلین دلسوز تلاش کرده‌اند و کارهای بزرگی انجام شده است. ان‌شاءالله این کارها باید ادامه پیدا کند، و روز به روز، کشور به سمت سازندگی و همان هدفهایی که امام بزرگوار برای آن داشتند، پیش برود.

🏠 راه ملت ایران در آینده

اما نگاهی هم به آینده بیندازیم. راه ملت ایران در آینده چیست؟ در یک جمله، به‌طور خلاصه باید بگوییم که راه ملت ایران در آینده، همان راه امام و انقلاب و ایستادگی و مقاومت در مقابل تحمیل ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین و دفاع از اسلام و قرآن و برافراشتن پرچم اسلام و قرآن در سطح عالم است.

🏠 حمایت بی چون و چرای انقلاب از مظلومان

ما با ظلم و استکبار و فشار بر ملت‌ها، مخالفیم. با تحمیل و زورگویی ابرقدرت‌ها مخالفیم و در مقابل آن می‌ایستیم. ما در مقابل سازش با اسرائیل می‌ایستیم. ما از ملت مظلوم فلسطین، با همه امکان، دفاع می‌کنیم. از ملت لبنان که زیر فشار صهیونیست‌هاست، دفاع می‌کنیم. ما از اسلام، از اسلام بیدار شده و ملت‌های به هویت اسلامی برگشته، در هر جای دنیا باشند، دفاع و حمایت می‌کنیم. امروز پس از آن که ابرقدرت شرق، متلاشی شده و از بین رفته، امریکا یک ابرقدرت بی‌رقیب در دنیاست که دچار غرور شده است. دچار این اشتباه بزرگ، که خواهد توانست دنیا را طبق میل خود و اراده خود، اداره کند و بچرخاند. نظام و ترتیبات نوینی که اینها برای دنیا پیشنهاد می‌کنند، بر این اساس است؛ بر اساس محور بودن امریکا؛ و بعد از امریکا، قدرتهای دیگری که در درجه بعد قرار دارند و تسلط اینها بر همه عالم؛ بر همه کشورها؛ بر همه ملت‌ها؛ بر همه منابع مهم جهان و بر همه آبراههای حساس عالم. به تصور اینها، سرنوشت دنیا در اختیار خودشان است! امروز قدرتهای مسلطی که دیگر در مقابلشان بلوک شرق و شوروی سابق را ندارند، احساس می‌کنند که باید دنیا و سیاست عالم، یکپارچه، در اختیار آنها قرار گیرد و هر چیز که در این راه، مانعی محسوب شود، با آن به مبارزه برخیزند.

🏠 مبارزه با اسلام، عنصر اساسی در منطق امریکایی

آنچه که من احساس می‌کنم و شواهد بر آن گواهی می‌دهد، این است که امریکا و دستیارانش احساس می‌کنند که اسلام، بزرگترین مانع بر سر راه این جهان‌خواری است. لذا در نظم‌نویین جهانی و در منطق امریکایی، مبارزه با اسلام، یک عنصر اساسی و اصلی است. بنا دارند با اسلام مبارزه کنند. بنا دارند نهضت‌های اسلامی را، در هر جای عالم که ملت‌ها به پا خاستند، سرکوب کنند و هر جا حکومتی استبدادی و قدرت‌ظالمی در مقابل مسلمانان قرار گیرد، از آن دولت و قدرت ظالم، بی‌قید و شرط حمایت و تشویق کنند. به زبان حرف دیگری می‌زنند، اما باطن قضیه این است. استکبار تحمل نمی‌کند که مسلمانان یکپارچه شوند. تحمل نمی‌کند که احساسات اسلامی، در میان ملت‌ها رشد پیدا کند؛ چه در آسیا باشد، چه در آفریقا باشد و چه مخصوصاً در اروپا. خواهید دید که با مسلمانان بوسنی هرزگوین چه خواهند کرد. یقیناً روزی هم در اروپا، مسلمانان آلبانی و دیگر مسلمانانی که در کشورهای اروپایی هستند دچار سرنوشت‌های تلخ و آزمایش‌های دشواری خواهند بود. این، ناشی از همین سیاست است؛ سیاست اسلام‌زدایی. در آفریقا نهضت‌های اسلامی به شدت مورد نفرت استکبار جهانی است. هر جا بیداری اسلامی احساس می‌شود، اینها نسبت به آن حساسند. زمزمه می‌کنند که در انتخابات ملت‌ها باید شرکت کنند! بروند در کشورها و آن جا که انتخابات به راه می‌افتد، بر انتخابات نظارت کنند! اسم این کار را «نظارت بر انتخابات برای تضمین آزادی انتخابات» می‌گذارند؛ اما در معنا، این فکر برای این است که مبادا در نقطه‌ای از عالم، مسلمانان از راه روش‌های انتخابات و پارلمانی، بتوانند به حکومت برسند. همان طور که در الجزایر این کار شد و متأسفانه سرکوب گردید.

نصرت الهی در پی ایستادگی ملت

با اسلام به شدت مبارزه می‌کنند و از همه بیشتر، از جمهوری اسلامی داغدار و ناراحتند. می‌دانند که این جمهوری اسلامی و ایستادگی آن امام بزرگوار بود که ملت‌ها را بیدار کرد؛ به آنان امید داد و آنها را به حرکت تشویق کرد. لذا با جمهوری اسلامی به شدت بدند. امروز در دنیای ما، این یک حقیقت است. در کنار این حقیقت - ملت ایران درست توجه کند و ملت‌های مسلمان بدانند - حقیقت دومی قرار دارد و آن این است که اراده، ایستادگی، مبارزه و تسلیم‌ناپذیری ملت‌ها، بر تمام توطئه‌های استکباری، تا امروز غلبه کرده است و بعد از این هم غلبه خواهد کرد. در مقابل بدخواهی و بددلی دشمن، تنها راهی که وجود دارد، ایستادگی ملت‌هاست. همچنانی که ملت ایران، این را تجربه کرد و ایستاد.

شما با ایستادگی خودتان پیروز شدید و اگر این ایستادگی نبود، تا امروز بارها دشمن، اغراض پلید خود را در ایران عزیز و میهن اسلامی ما اعمال و اجرا می‌کرد. ملت‌های دیگر هم، راهی جز ایستادگی ندارند. اگر ملت‌ها ایستادگی کنند، خدا به آنها کمک می‌کند. «ولینصرن الله من ینصره آ.» وعده خدا این است که اگر شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شما را نصرت می‌کند.

نمونه‌اش انقلاب اسلامی بود. که شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شما را نصرت کرد. نمونه دیگرش جنگ تحمیلی بود که شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شما را یاری نمود و پیروز کرد.

نمونه دیگر، تجربه‌های فراوان این سیزده سال بود که در همه این تجربه‌ها، شما ایستادگی کردید و از مواضع حق دفاع نمودید، و خدا هم به شما کمک کرد. اگر کمک خدا نبود، امروز، امریکا روزگار سختی را برای کشور و ملت ایران پیش آورده بود و انتقام کشیده بود. تنها راه، ایستادگی است. ملت ایران، همچنان که امام فرموده بود، باید متحد باشند. همچنان که امام فرموده بود، باید پایبند به اسلام باشند. همچنان که امام فرموده بود، باید در راه سازندگی بکوشند. همچنان که امام فرموده بود، باید پشت سر مسؤولین باشند. همچنان که امام فرموده بود، مسؤولین و ملت، باید از قدرتها نترسند؛ از امریکا نترسند؛ از دشمنیها نترسند و به خدا اتکا کنند. و همچنان که امام فرموده بود، امیدوار باشند که این راه، به پیروزی ما منتهی خواهد شد.

تشکر از ملت عزیزمان

من در پایان عرایض خود، لازم می‌دانم از ملت عزیزمان تشکر کنم، به خاطر این که در تجربه‌های گوناگون، بحمدالله، با ایستادگی و روشن بینی عمل و حرکت کرد. در همین انتخابات اخیر، حضور شما مردم، مایه اعتبار و حیثیت اسلام و مسلمین شد و بحمدالله، مجلس چهارم هم تشکیل گردید. پشت سر مسؤولین بودید؛ از مسؤولین حمایت کردید؛ از دولت حمایت کردید... و همه اینها، حسناتی بود که خدای متعال به خاطر آنها به شما اجر خواهد داد. من، صمیمانه از یکایک شما ملت عزیز تشکر می‌کنم. و در حضور این روح بزرگوار، این روح ملکوتی، که حتماً ناظر و حاضر است و کار شما را می‌بیند و اجتماع ما را می‌فهمد و حس می‌کند و از خوشبختی و حرکت توأم باصلاح شما خشنود می‌شود، پیش پروردگار عالم شهادت می‌دهم که این ملت،

باصداقت و صفا، پشت سر امام، در خط امام بزرگوار و برای اسلام حرکت کرد، و از هیچ تلاشی فروگذار و مضایقه نکرد.

سربازان خط مقدم انقلاب

به طور ویژه لازم می‌دانم از خانواده‌های عزیز شهدای عالیقدرمان، از جانبازان عزیزمان، از خانواده‌های آنها، از آزادگانمان که رنجها کشیدند و خانواده‌های آنها، و از خانواده‌های مفقودین عزیزمان، صمیمانه تشکر کنم. شما بحمدالله در همان موضعی که انقلاب از شما انتظار دارد، ایستادید. شما سربازان خط مقدم انقلاب هستید. باید سنگرهایتان را در هر نقطه که هستید، حفظ کنید. از دولت جمهوری اسلامی، صمیمانه تشکر می‌کنم، به خاطر این که در این مدت، همه تلاشی را که یک دولت صالح و خوب ممکن است انجام دهد، برای پیشبرد کار انجام داد. مسؤولین دولتی زحمت می‌کشند و دلسوزانه تلاش می‌کنند.

بزرگترین موهبت برای ملت‌ها

دلسوزی دولت‌ها، بزرگترین موهبت برای ملت‌هاست. یک دولت دلسوز و علاقه‌مند و خدمتگزار، بسیار باارزش است؛ دولتی که اجزا و رئیس محترم آن، به منافع شخصی خودشان فکر نمی‌کنند و کار را برای خدا و به نفع ملت انجام می‌دهند. من در حضور امام بزرگوارمان و در پیشگاه خداوند متعال، باید از این عزیزان تشکر کنم. از بیت معظم این رجل ملکوتی و از فرزند عزیز ایشان، جناب آقای حاج سیداحمد آقا، لازم است به خاطر مواضع صادقانه و دلسوزانه‌ای که ایشان در این مدت سه سال داشتند، تشکر کنم. ایشان همان چیزی را که امام می‌پسندیدند، آنچه را که امام از اهل و خانواده خود انتظار داشتند، همان را نشان دادند و ارائه کردند. در همان راه حرکت کردند؛ برای خدا سخن گفتند؛ برای خدا کار کردند و امیدواریم ان شاء الله موفق باشند. من از همه ارگانهای جمهوری اسلامی، به خاطر پایبندی‌شان به معیارها و موازین خط امام، تشکر می‌کنم. از قوه قضائیه، از قوه مقننه، از مسؤولین و اعضای آنها؛ به خاطر این که همه دستگاههای کشور، یک معیار اساسی دارند و آن، اسلام ناب است و مجسم کننده اسلام ناب، یعنی امام امت، رضوان الله علیه و خط و راه او. این، چیز باارزشی است. ملت و دولت، همین طور فکر و همین گونه عمل می‌کنند. بنده انتظار دارم در آینده هم، ملت ما همین طور حرکت و مشی کند. پشت سر مسؤولین، کمک کار مسؤولین، دلسوز مسؤولین، و صمیمی و ناصح نسبت به مسؤولین باشد. از مسؤولین هم انتظار دارم همین راه را ادامه دهند. بخصوص طبقات محروم، پابرهنگان و مستضعفین جامعه، باید برای تمام تلاشها و فعالیتها محور و معیار باشند. کسانی که به تعبیر امام، صاحبان این کشورند؛ کسانی که جنگ را، بسیج را، دفاع فداکارانه در مقابل تجاوز دشمن را، با جان خودشان تحمل کردند. همه چیز باید برای آنها و در جهت منافع آنها باشد. امیدواریم خداوند همه ما را موفق بدارد.

علل خصومت استکبار با انقلاب و امام خمینیر حمه الله

- وجود دو جریان مهم جهانی قبل و بعد از رحلت امام (ره)
- علت خصومت دشمنان استکباری ما با انقلاب
- کذب استکبار در دشمنی با نظام جمهوری اسلامی
- بزرگترین حامی تروریست
- بیشترین رعایت حقوق انسان در نظام اسلامی
- علل دشمنی استکبار با امام (ره) و انقلاب:
- ب) تأثیر ناپذیری از خواست قدرتهای بزرگ
- پ) حمایت معنوی و سیاسی از مظلومان
- ت) دفاع از ملتهای مسلمان
- ث) مخالفت با تحمیل فرهنگ غرب
- تهمت استکبار به نهضت های اسلامی
- ناکامی توطئه ها و ناامیدی دشمن از ایستادگی ملت
- حضور مردم در صحنه، عامل خنثی شدن توطئه دشمن
- وفاداری مردم به راه، توصیه و وصیتنامه امام (ره)

علل خصومت استکبار با انقلاب و امام خمینی رحمه الله *

وجود دو جریان مهم جهانی قبل و بعد از رحلت امام(ره)

مطلبی که امروز در خطبه اول عرض می‌کنم، این است که دو جریان در زمان حیات امام، در سطح جهان، در ارتباط با انقلاب و با شخص امام وجود داشت. بعد از رحلت امام بزرگوار تا امروز هم، هر دو جریان باقی است و علی‌الظاهر تا مدتهایی که خدای متعال عمل آن را می‌داند، باقی خواهد بود. این دو جریان، یکی عبارت است از جریان خصومت و دشمنی خبیثت آمیزی که استکبار جهانی با انقلاب ما داشت و آن را با انواع و اقسام روشها نشان می‌داد و اعمال می‌کرد و این دشمنیها امروز هم ادامه دارد و گویا باز هم تا آن زمانی که خدای متعال اراده کرده است ادامه خواهد داشت. جریان دوم عبارت است از جریان گسترش نهضت گرایش به اسلام و پیوستن نسلهای جوان در بسیاری از کشورهای اسلامی به نهضت امام رضوان الله تعالی علیه که این جریان هم در زمان امام، با وسعت و گسترش و سرعت بسیار وجود داشت و امروز هم که چهار سال از درگذشت امام می‌گذرد، باز همین جریان ادامه دارد. وقتی شما به سطح عالم نگاه کنید، می‌بینید هر روز که می‌گذرد، در کشورهای اسلامی، جمعی به نهضت بیداری اسلامی، که امام بزرگوار ما برانگیزاننده آن بود، می‌پیوندند و آن را توسعه می‌دهند.

علت خصومت دشمنان استکباری ما با انقلاب

در باب خصومت دشمنان استکباری ما و شیوه‌های دشمنی آنها با جمهوری اسلامی و انقلاب، سخن زیاد گفته‌ایم و مطالب برای مردم خود ما و شاید بسیاری از ملت‌های علاقه‌مند به انقلاب و جمهوری اسلامی، روشن

است. فقط همین اندازه لازم است تأکید کنیم که در رأس این خصومت و دشمنی با اسلام، بیداری اسلامی و نیز جمهوری اسلامی، رژیم امریکا و کسانی که به آن رژیم - چه در کشورهای پیشرفته دنیا و چه در میان کشورهای عقب افتاده عالم - وابسته اند، قرار دارند. علت این خصومت هم روشن است: چون انقلاب اسلامی، جمهوری مستقّلی را بر پایه اسلام بنیان گذاشت، به نفوذ امریکا در این کشور پایان داد و شاید در بسیاری از مناطق جهان، چنان نفوذی را به خطر انداخت. البته امریکا و قدرتهای استکباری، در گذشته، به صراحت این دشمنی را - مگر در مواردی نادر - ابراز نمی کردند؛ اما امروز صریحاً دشمنی خودشان را با جمهوری جوان ما، با انقلاب اسلامی و با نهضت بیداری اسلام، بیان می کنند و به آن مباحثات و تصریح می نمایند. آنچه برای ما مهم است نکته ای است که امروز می خواهیم درباره آن مقداری صحبت کنیم.

❁ کذب استکبار در دشمنی با نظام جمهوری اسلامی

ما درباره علت این دشمنی، نباید دچار اشتباه شویم. خود آنها علت دشمنی ریشه دارشان را با اسلام انقلابی و با نظام جمهوری اسلامی، مسائلی ذکر می کنند که به نظر ما، خلاف واقع است. واقعیت غیر از آن است که آنها می گویند. آنها چنین وانمود می کنند که گویا نظام اسلامی، طرفدار تروریسم و مخالف با دموکراسی است، یا رعایت حقوق بشر را نمی کند، یا از نهضت‌های اسلامی در کشورهای دیگر پشتیبانی مالی یا پشتیبانی تسلیحاتی به عمل می آورد. ما عرض می کنیم: آنچه که آنها در بیان علت دشمنی و کارشکنیها و روشهای خباثت آمیز خود با نظام اسلامی ذکر می کنند، خلاف واقع است. آنها خودشان هم می دانند که واقعیت غیر از آن چیزی است که بیان می کنند. چگونه کسی می تواند نظام جمهوری اسلامی را به مخالفت با دموکراسی و حاکمیت مردم متهم کند؛ در حالی که لاقلاً در میان کشورهای این منطقه، هیچ کشوری مانند ایران در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد که به آرای مردم و حضور مردم و دخالت مردم و انتخابات آزاد، این قدر توجه نشان داده باشد. ناظران خارجی، در هیچ یک از کشورهای منطقه، چنین چیزی را ندیده اند. ملت ما هم قبل از دوران جمهوری اسلامی، هرگز چنین فضاهایی را تجربه نکرده بود. در چند روز آینده، ان شاء الله ملت ما در انتخابات ریاست جمهوری شرکت خواهد کرد، که ان شاء الله در پایان عرایضم، نکته و توصیه ای را در این خصوص به شما عرض خواهم کرد.

❁ بزرگترین حامی تروریست

از اوّل انقلاب تا کنون به آرای مردم و دخالتشان در سر نوشت کشور، توجه شده است و این چیزی است که از نظر کسانی که جمهوری اسلامی را متهم به نادیده گرفتن دموکراسی می کنند، پوشیده نیست. جمهوری اسلامی را به حمایت از تروریسم متهم می کنند. این هم خلاف واقع است. خودشان هم می دانند که خلاف واقع است. واقعیت این است که نظامی که امروز در دنیا حامی تروریسم است، رژیم ایالات متّحده امریکا است. حمایت از رژیم تروریست صهیونیستی در کشور غصب شده فلسطین، بزرگترین حمایت از تروریسم است. روشهای خود امریکاییها، یعنی دخالتشان در کشورها، ربودن افراد و اشخاص مخالف، کشتن

افراد، دخالت سازمان جاسوسی سیا در کشورهای مختلف و ایجاد کودتاهای نظامی و از بین بردن حکومتها و دولتهای ضعیفی که امریکا با آنها مخالف بوده است، همه از قلمهای درشت تروریسم است. با این وضع، خیلی روشن است که اگر امریکا، جمهوری اسلامی را متهم به تروریسم کند، خودش هم می‌داند که این ادعایی کذب و سخنی خلاف واقع است. یاد در موضوع نقض حقوق بشر، خود آن دولتها و از جمله رژیم امریکا، که جمهوری اسلامی ایران و هر نظام اسلامی را در هر جا که بخواهد به وجود بیاورد - یا به وجود آمده باشد - به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند، می‌دانند که قلمهای درشت نقض حقوق بشر، در نزد خود آنهاست.

بیشترین رعایت حقوق انسان در نظام اسلامی

در نظام اسلامی، حقوق انسان از همه جا بیشتر رعایت می‌شود و نظام جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار این را نشان داده است. امروز هم در مقابل چشم همه کسانی که می‌توانند قضایا را بی‌طرفانه و منصفانه نگاه کنند، این معنای روشن و واضح است. بنابراین، آنچه که دشمنان جهانی اسلام و نهضت اسلامی و بیداری اسلامی، به عنوان عیال و دلایل دشمنی خودشان می‌شمارند، سخن بی‌جا و بیهوده‌ای است. خود آنها هم این را می‌دانند. جالب این جاست که بسیاری از همین رجال و شخصیت‌های سیاسی که در کشورهای غربی - چه امریکا و چه بعضی از کشورهای اروپایی - جمهوری اسلامی و مسلمانان را با تهمتهای ناروا، متهم به نقض حقوق بشر می‌کنند، چند صباحی که می‌گذرد و دوران مسؤولیت و ریاستشان به سر می‌آید، ناگهان معلوم می‌شود که مثلاً با مافیا مرتبط بوده‌اند یا در فلان معاملات قاچاق سلاح و یا در فروش مواد سلاح‌های شیمیایی دخالت داشته‌اند! مثلاً در فروش مواد شیمیایی به عراق و کشتار مردم حلبچه، خودشان دخالت داشتند و آن را تصویب یا تسهیل کردند. چه کسانی؟ همین کسانی که دهان باز می‌کنند و به خلاف حقیقت و واقعیت سخن می‌گویند و مسلمین و اسلام و ملت‌های حق طلب و جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند! گذشت زمان - نه زمانهای بسیار طولانی؛ بلکه زمانهای کوتاه - ثابت خواهد کرد که خود آنها به آن چیزی که تهمت آن را به مردمان و دامنه‌های پاک می‌زدند، آلوده بوده‌اند.

در باب علل دشمنی استکبار جهانی با ما، حقیقت چیز دیگری است که می‌توانیم آن را به‌طور روشن بیان کنیم. ما می‌دانیم چرا امریکا با جمهوری اسلامی در ایران دشمن است. می‌دانیم چرا با نهضت بیداری اسلامی - در هر کشور از کشورهای اسلامی که اتفاق بیفتد - دشمن است. می‌دانیم چرا کشورهای استکباری، اگر ببینند در کشوری، اسلام پیروز می‌شود - ولو با شیوه‌های دموکراسی - برای مقابله با آن، هر چه بتوانند انجام می‌دهند.

علل دشمنی استکبار با امام (ره) و انقلاب:

الف) تفکیک نشدن دین از سیاست

چرا هر جا که نشانی از ندای امامِ راحلِ عظیم الشان ما در آن جاست و دلها مجذوب آن نداست و قدمها در

راه اهداف آن حرکت می‌کنند، استکبار موضعگیری می‌کند؛ علل این دشمنیها، مواردی است که عرض می‌کنم: در درجه اول مسأله تفکیک نشدن دین از سیاست و از صحنه زندگی است. جمهوری اسلامی عملاً اثبات کرد و نشان داد که دین در صحنه زندگی انسانها دخالت دارد و دین مقدس اسلام نیامده است تا انسانها در کنج معبدها، فقط به عبادت مشغول شوند. بلکه صحنه زندگی مردم، صحنه سیاست و عرصه مسائل عظیم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در قلمرو احکام مقدس اسلامی است. این، مسأله اول است. این، مهمترین خصوصیتی است که استکبار با آن مخالفت می‌کند. هر کس که طرفدار دین مقدس اسلام باشد، اگر دین را از سیاست جدا کند، استکبار جهانی با او کاری ندارد. آن جایی که دین وارد میدان سیاست می‌شود و به زندگی مردم و امور اساسی حیات جهان و امور دنیوی مردم کار دارد، استکبار جهانی ظاهر می‌شود. چون می‌داند که در چنان وضعی، دین، جلو زور گویبها و سوء استفاده‌های آنها را می‌گیرد و مانع چپاولهایشان آنها از منابع طبیعی و انسانی جهان اسلام می‌شود.

این از اساسی ترین مسائل است. در گذشته، این معنا را تصریح نمی‌کردند؛ اما امروز، به صراحت می‌گویند که «دین را باید از سیاست جدا کنید!» ما عرض می‌کنیم که دین اسلام - بلکه همه ادیان الهی - سیاست و علم و زندگی و مسائل اجتماعی را در متن خود دارند. نمی‌شود کسی به بخشی از دین معتقد و عامل باشد و به بخشی دیگر نباشد. دین، اداره کننده زندگی انسان در همه صحنه‌ها، از جمله صحنه سیاست است. آنها می‌گویند: «بگذارید در رأس سیاست کشورهای اسلامی، کسانی باشند که بشود با آنها معامله کرد. بشود آنها را وادار به صرف نظر کردن از مصالح ملتها کرد. بشود نفوذ سیاسی خود را، به وسیله آنها، در کشورها گسترش داد.» کسی که با انگیزه دینی و برای رضای خدا در کرسی و عرصه سیاست حضور پیدا می‌کند، پیداست که زیر بار قدرتها نمی‌رود. این، اساسی ترین مسأله است.

ب) تأثیرناپذیری از خواست قدرتهای بزرگ

مسأله دوم، تأثیرناپذیری از خواست قدرتهای بزرگ است. از دیدگاه امریکا و مستکبرین، یکی از جرمهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که در مسائل جهانی، تحت تأثیر نظر امریکا و امثال امریکا قرار نمی‌گیرد. امروز شما نگاه کنید! یک مثال واضح، مسأله فلسطین است. روی کشورهای عرب و بسیاری از کشورهای اسلامی فشار آوردند که مسأله فلسطین را ندیده بگیرند و متأسفانه بسیاری از دولتها هم تحت تأثیر این فشار قرار گرفتند و آن را قبول کردند. اما جمهوری اسلامی، حرف صریح خود را در یک جمله رسا و روشن بیان کرده است که همه منصفین عالم، آن را قبول می‌کنند. آن جمله این است که «فلسطین متعلق به مردم فلسطین است.»

یکی دیگر از علل دشمنیهای استکبار با ما، همین موضوع است که گفته ایم: دولت غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودیها می‌توانند در فلسطین بمانند، اما حکومت در فلسطین، متعلق به ملت فلسطین و فلسطینیهاست و آنها، مثل همه کشورهای دیگر، هر کس را خواستند آن جا نگه می‌دارند. اما دولت



صهیونیست، دولت غاصبی است. این، موضع ما در قبال مسأله فلسطین است. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده‌اند و نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است. این را ما بارها گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت. اعلام این موضع، از موضوعهایی است که دشمنان استکباری را از ما عصبانی می‌کند.

پ) حمایت معنوی و سیاسی از مظلومان

مسأله دیگر، حمایت معنوی و سیاسی ما از همه کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش می‌کنند. هر کس، در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کند، ما از او حمایت معنوی و سیاسی می‌کنیم. دشمن می‌خواهد بگوید «شما پشتیبانی مادی می‌کنید». این، دروغ است. دشمن می‌خواهد بگوید «شما با نهضت‌هایی که در کشورهای اسلامی است، ارتباط دارید.» ما ارتباط سازمانی را، ارتباط رسمی را، ارتباط به آن معنایی را که دشمن در نظر دارد، جداً تکذیب می‌کنیم. البته امروز همه کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام صدا بلند می‌کنند، تحت تأثیر امام بزرگوار ما هستند. در این که تردیدی نیست. من در خطبه عید فطر امسال گفتم: دشمن به ما می‌گوید چرا انقلابتان را صادر می‌کنید؟ ما در جواب دشمن می‌گوییم انقلابمان را صادر نمی‌کنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که به‌طور دائم، آن هم به وسیله اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسانها را در اکناف عالم، به خود جذب می‌کند. این کار انجام گرفت و روز به روز آثارش را در دنیا - حتی بعد از رحلت امام بزرگوار ما - نشان می‌دهد. ولی ما حمایت معنوی و سیاسی می‌کنیم. ما جوانانی را که در مصر، یا در الجزایر، یا در سایر کشورهای اسلامی، به نام اسلام سخن می‌گویند، یا مسلمانانی را که در تاجیکستان از تفکر اسلامی و قرآنی حمایت می‌کنند، یا مسلمانانی را که در هند، هویت اسلامی خودشان را می‌خواهند حفظ کنند، یا مسلمانان مظلومی را که در عراق زیر فشار رژیم بعثی قرار دارند، یا هر گروه مسلمانی را که در هر نقطه عالم تفکر اسلامی را احیا می‌کند، قبول داریم و حمایت می‌کنیم. قلباً برای آنها دعا می‌کنیم و از بُعد سیاسی، در سطح جهان از آنها حمایت می‌نماییم. این هم یکی از مسائل است.

ت) دفاع از ملت‌های مسلمان

یکی دیگر از مسائلی که دشمن را خشمگین می‌کند، دفاع از ملت‌های مسلمان است. برادران و خواهران عزیز! بیش از یک سال است که ملت و دولت ایران، از مردم مظلوم بوسنی دفاع می‌کنند و سخن حق را در آن مورد به زبان می‌آورند. آنچه را که باید انجام گیرد، ما اعلام کردیم. باز هم اعلام می‌کنیم که غرب و بعضی از کشورهای اروپایی و به‌ویژه امریکا، در قضیه بوسنی به اندازه گروه‌های افراطی و متعصب و نژادپرست صرب، گناهکارند. گناه همه اینها به یک اندازه است. ماههاست اعلام کرده‌ایم که راه حل مسأله بوسنی این است که راه را باز کنید، بگذارید مسلمانان بوسنی بتوانند به امکانات دفاعی دسترسی داشته باشند و از خودشان

دفاع کنند. این، حرفی است که همه منصفین عالم آن را می فهمند و می پذیرند. ما نخواستیم مثل بعضی از دولتهای دیگر، خودمان را در قالب الفاظ فریبنده و بی محتوا و پوچ - مثل قطعنامه های بی حاصل شورای امنیت سازمان ملل - محصور و زندانی کنیم. ما راه را به طور دقیق و مشخص گفتیم: حمایت از ملتها. حمایت از ملت بوسنی. حمایت از ملت فلسطین. این راهی است که پیمودنش وظیفه ماست و درست همین موضوع است که دشمنان استکباری ما را خشمگین می کند.

ت) مخافت با تحمیل فرهنگ غرب

از دیگر مسائلی که دشمن استکباری را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین می کند، این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت های مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگها هستیم. ما می گوئیم ملتی مثل ملت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگهای عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به درد بخور است، جذب و از آن استفاده کنند. از این فرهنگها، آنچه راهم که برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند. اما دولتهای غربی، سردمداران نظامهای استکباری و بخصوص نظام امریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی بندوباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است، به ملت های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روشها، که مختص امروز هم نیست و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما می گوئیم چرا شما آن روشی را که خودتان درباره زنان انتخاب کردید و صددرصد به زبان آنان و منافع جوامع و مصالح انسانیت و بر خلاف عقل سلیم و منطق درست است، می خواهید به ملت های دیگر تحمیل کنید؟! شما برای این منظور، از وسایل تبلیغاتی و طرق گوناگون استفاده می کنید. ما با این مخالفیم. و این از جمله مواردی است که سردمداران استکباری را خشمگین می کند.

ت) تهمت استکبار به نهضت های اسلامی

برادران و خواهران مسلمان سراسر جهان! اینهاست آن مسائلی که استکبار را علیه جمهوری اسلامی و نظام اسلامی تحریک می کند. لذا شما می بینید وقتی در کشور الجزایر، نزدیک بود که گروه های مسلمان، حکومت را از طریق انتخابات به دست گیرند، عده ای فریاد برآوردند که «دمکراسی از بین خواهد رفت!» دمکراسی را کوبیدند، برای این که می گفتند: «دمکراسی از بین خواهد رفت!» اینها تهمت زدن به نظامها و نهضت های اسلامی است.

ت) ناکامی توطئه ها و ناامیدی دشمن از ایستادگی ملت

مطلبی را که در پایان می خواهم جمع بندی و نتیجه گیری کنم و به شما برادران و خواهران عزیز یادآور شوم، این است: در طول نزدیک به پانزده سال که از پیروزی انقلاب ما می گذرد، این خصومت و دشمنی، به همین

علی که گفتیم، از سوی ابرقدرتها علیه ما بوده است و الان هم هست. من نمی‌گویم که دشمنیهای امریکا، بر اوضاع کشور و ملت عزیز ما اثری نگذاشته است. چرا! اینها به مصالح ملت ما ضرر زدند. اینها با تحمیل جنگ، ما را هشت سال عقب انداختند. ما را که باید در جاده سازندگی حرکت می‌کردیم، مجبور به دفاع از کشور کردند و بسیاری از منابع اساسی ما را نیز در داخل کشور و در حین جنگ از بین بردند. بنابراین، ضرر از سوی دشمن حتمی است و در این، تردیدی نیست. منتها یک واقعیت بسیار روشن هم وجود دارد و آن این است که ملت ایران، با ایستادگی و مقاومت خود، توانسته است توطئه‌های دشمنان را که می‌خواستند او را به تسلیم وادارند و دوباره بر سرنوشت این کشور مسلط شوند و داراییهای این ملت را مثل پنجاه سال، صدسال گذشته غارت کنند، خنثی و آنان را ناامید کند. ملت ما با ایستادگی خود در مقابل توطئه‌ها، توانسته است دشمن را علی‌رغم این همه خصومت و خبثت، در پانزده سال گذشته ناکام کند. من عرض می‌کنم: شما ملت، باز هم قادرید امریکا و متحدانش را در صحنه رویارویی با جمهوری اسلامی، به شکست مطلق بکشانید. البته در یک مبارزه، هر دو طرف ضربه‌ها و ضررهایی می‌بینند. اما موضوع این است که هر طرفی که تسلیم شود و شکست را بپذیرد، همه چیزش دستخوش دشمنیهای طرف مقابل خواهد شد. اینها می‌خواهند همچنان که در دوران سلطنت پهلوی بر این مملکت مسلط بودند، باز مسلط شوند. شما امروز می‌توانید در پرونده‌هایی که خود عمال رژیم گذشته بتدریج رو می‌کنند، ببینید که امریکا بر همه امور این کشور مسلط بوده است. می‌خواهند همان نفوذ را مجدداً زنده کنند.

من عرض می‌کنم: ملت ایران، با قدرت تمام، در مقابل این توطئه خبثت‌آمیز خواهد ایستاد و ما اجازه نخواهیم داد اصولی که قوام جمهوری اسلامی از آن است - ولو دشمنی دشمنان هم به خاطر همان اصول است - متزلزل شود.

حضور مردم در صحنه، عامل خنثی شدن توطئه دشمن

من این جمله را هم در پایان خطبه اول عرض کنم: برادران و خواهران عزیز؛ ملت بزرگ ایران! شما امتحانهای بسیار خوبی را در این دوران طولانی دادید: امتحان اتحادتان، امتحان آگاهی‌تان، امتحان همراهی و همکاری‌تان با مسؤلین، امتحان حضورتان در صحنه‌های گوناگون. امروز موضوع انتخابات ریاست جمهوری مطرح است. شرکت در انتخابات یک وظیفه عمومی برای احاد ملت ایران است. شما برای این که در یابید چرا این مشارکت و وظیفه است، دوراه دارید: یکی این که بدانید رأی شما به کسی که توفیق پیدا خواهد کرد از طرف شما منتخب شود، در روحیه او، در عملکرد او، در تواناییهای او، در حیثیت جهانی او و در قدرت فعالیت او در داخل، چه قدر اثر می‌گذارد! بدانید که حضور شما، بسیار تعیین کننده است. شما کسی را که تشخیص می‌دهید برای تصدی بالاترین مقام اجرایی کشور و در رأس قوه مجریه کشور مناسب است، انتخاب می‌کنید. این، همان حضور مردمی است که هنر بزرگ انقلاب اسلامی بوده است و در این کشور، تا قبل از انقلاب اسلامی، در طول تاریخ و در طول قرن‌ها، سابقه نداشته است. این، یک راه. راه دوم این است که ببینید دشمنان

از دو، سه ماه قبل - بلکه بیشتر - تاکنون، - هر کدام که بلند گویی و بوقی در دست دارند، شروع به تبلیغات کرده‌اند تا شاید بتوانند کاری کنند که انتخابات ریاست جمهوری خلوت باشد. هر کدام در هر گوشه دنیا قد علم کرده‌اند. یک عده با پول امریکا رادیو راه می‌اندازند؛ یک عده با پول عراق؛ یک عده با پول دیگری و دیگری. همین گروه‌های ضد انقلاب؛ همین دشمنان حقیر که رادیوهایی از قبیل رادیوهای کشورهای گوناگون منعکس کننده افکار آنهاست - علاوه بر وسایلی که خودشان دارند - به میدان آمده‌اند و شلتاق می‌کنند تا شاید بتوانند ملت ایران را تحت تأثیر قرار دهند و اگر برایشان ممکن شود، هر چه بتوانند از آرای ریاست جمهوری و حضور شرکت کنندگان در انتخابات بکاهند.

چرا دشمن این قدر هزینه و اصرار می‌کند که انتخابات ریاست جمهوری را خلوت کند؟ آیا از این تلاش مذبحانه دشمن، نباید فهمید که حضور در سرِ صندوقهای رأی و انتخابات، مشقت محکمی به دهان آنهاست؟ آیا از این ترفند محکوم به شکست، نباید فهمید که دشمن از حضور مردم در صحنه ناراضی است؟ این خود، راه بسیار روشن و تعیین کننده‌ای است.

🕌 وفاداری مردم به راه، توصیه و وصیتنامه امام (ره)

من البته اطمینان دارم که ملت عزیزمان، در این انتخابات هم مثل انتخابات دوره‌های گذشته، شرکت خواهد کرد. لکن گمان می‌کنم این انتخابات، خصوصیتی دارد. امروز امریکا، صهیونیستها، سرمایه‌داران، گروهکها، پس‌مانده‌ها و تفاله‌های رژیم گذشته، همه دست به دست هم داده‌اند، تا بگویند با گذشت چهار سال از رحلت امام بزرگوار، مردم نسبت به انقلاب و راه امام، سرد شده‌اند. می‌خواهند این را وانمود کنند. ملت ایران باید با قاطعیت و قدرت تمام، با حضور در سرِ صندوقهای رأی و انتخابات، ثابت کند که اگر چه چهار سال از رحلت آن بزرگوار گذشته است، اما مردم به راه او، به توصیه او و به وصیتنامه او، که به مردم فرموده است «باید در انتخابات شرکت کنید»، همچنان وفادارند.

شبهات‌های نهضت حسینی و نهضت خمینی

- ❖ دو پیروزی که امام(ره) بدست آورد
- ❖ شبهات‌های نهضت حسینی و نهضت خمینی
- ❖ (۱) استقامت
- ❖ عذرهای شرعی در مقابل کارهای بزرگ و تکالیف
- ❖ دو خصوصیت امام حسین(ع) که حادثه کربلا را درخشاند
- ❖ خصوصیت امام(ره) که باعث پیروزی انقلاب شد
- ❖ استقامت امام(ره) و عدم عقب‌نشینی
- ❖ خط‌نشان نهضت عاشورا در نهضت خمینی
- ❖ دنیا فہمید امام(ره) را نمیشود از میدان خارج کرد
- ❖ حاصل جمع‌بندی بحث
- ❖ استنتاج بحث
- ❖ عزت و پیشرفت در سایه استقامت و ایستادگی
- ❖ در مقابل دشمنان
- ❖ راه حفظ دستاوردها و به‌وجود آوردن دستاوردهای بیشتر
- ❖ و...

شباهت‌های نهضت حسینی و نهضت خمینی*

❁ دو پیروزی که امام (ره) بدست آورد

هفتمین سالگرد درگذشت جانشوز امام بزرگوار ما که تجدید یک خاطره بسیار تلخ برای مردم ایران و دیگر مسلمانان جهان است، عرصه و صحنه‌ای است برای این که ملت ایران، احساسات خود را نسبت به آن امام بزرگوار و رهبر کبیرِ راحل خود، نشان دهد. این مراسم - آن طور که احساس می‌شود و به چشم می‌آید - هر سال از سالهای قبل، پرشورتر و عظیمتر و پرمعناتر است. معنای این مطلب آن است که ملت ایران، علی‌رغم دشمنان امام و انقلاب، راه امام و راه انقلاب را رها نکرد و امام، به کوری چشم دشمنانش پیروز شد.

پیروزی، دو پیروزی است: یک پیروزی، پیروزی‌ای است که انسان خودش آن را می‌بیند؛ که آن، همین تشکیل حکومت و نابود کردن دشمنان انقلاب بود و امام این را به چشم مبارک خود مشاهده کرد. یک پیروزی، که از این پیروزی مهمتر و بل پیروزی ماندگار است، پیروزی فکر و پیروزی راه و مدعاست. این، همان پیروزی‌ای است که انبیای الهی، با وجود این که در دوران حیات، آن همه مرارت را تحمل کردند، بالاخره به آن نائل شدند. این پیروزی، پیروزی فکر و ایده و راه یک انسان بزرگ و متفکر است. امام، به این پیروزی هم رسید. استمرار خاطره آن بزرگوار و پرشور شدن هر ساله این مراسم، بدین معناست.

❁ شباهت‌های نهضت حسینی و نهضت خمینی

درباره نهضت امام بزرگوارمان، مطلبی را می‌خواهم عرض کنم که برای ما حامل درس است. خواهش می‌کنم افرادی که صاحب فکر و دارای اندیشه و خرد سیاسی و تأمل در مسائل بزرگند، روی این مسأله تأمل کنند و

آن را بیشتر بشکافند.

می‌دانید که حرکت امام، مشابهتهای زیادی با نهضت حسینی دارد و تقریباً، الگوبرداری شده از حرکت حسینی است. گرچه آن حرکت - یعنی حرکت امام حسین علیه‌السلام - منتهی به شهادت آن حضرت و یارانش شد و این حرکت به پیروزی امام منتهی گردید؛ ولی این فارق ایجاب نمی‌کند. زیرا یک نوع فکر، یک مضمون و یک طرح کلی بر هر دو حرکت حاکم بود. اقتضائات متفاوت بود؛ لذا سرنوشت آن حرکت، شهادت امام حسین علیه‌السلام و سرنوشت این حرکت، حکومت امام بزرگوار ما شد. این، به طور کلی، امر روشن و واضحی است.

۱) استقامت

از جمله ویژگیهایی که در هر دو حرکت، به طور بارزی وجود دارد، موضوع «استقامت» است. با کلمه استقامت و معنای آن، نباید عبوری و گذرا بر خورد شود؛ چون خیلی مهم است. در مورد امام حسین علیه‌السلام استقامت به این صورت است که آن حکومت، ایستاد. هنوز مشکلات، خود را بروز نداده بود. پس از مدتی، آن حضرت تصمیم گرفت تسلیم یزید و حکومت جاثرانه او نشود. مبارزه از این جا شروع شد؛ تسلیم نشدن در مقابل حاکمیت فاسدی که راه دین را به کلی منحرف می‌کرد. امام از مدینه که حرکت فرمود با این نیت بود. بعد که در مکه احساس کرد یاور دارد، نیت خود را باقیام همراه کرد. و الا جوهر اصلی، اعتراض و حرکت در مقابل حکومتی بود که طبق موازین حسینی، قابل تحمل و قبول نبود.

عذرهای شرعی در مقابل کارهای بزرگ و تکالیف

امام حسین علیه‌السلام ابتدا در مقابل آن حرکت، مواجه با مشکلاتی شد که یکی پس از دیگری رخ نمود. ناگزیری خروج از مکه، بعد درگیری در کربلا و فشاری که در حادثه کربلا بر شخص امام حسین علیه‌السلام وارد می‌آمد، از جمله این مشکلات بود. یکی از عواملی که در کارهای بزرگ جلو انسان را سد می‌کند، عذرهای شرعی است. انسان، کار واجب و تکلیفی را باید انجام دهد؛ ولی وقتی انجام این کار مستلزم اشکال بزرگی است - فرض بفرمایید عده زیادی کشته خواهند شد - احساس می‌کند که دیگر تکلیف ندارد. شما ببینید در مقابل امام حسین علیه‌السلام از این گونه عذرهای شرعی که می‌توانست هر انسان ظاهر بینی را از ادامه راه منصرف کند، چقدر بود! یکی پس از دیگری، رخ می‌نمود. اول اعتراض مردم کوفه و کشته شدن مسلم پیش آمد. فرضاً این جا بایستی امام حسین علیه‌السلام می‌فرمود: «دیگر عذر شرعی است و تکلیف ساقط شد. می‌خواستیم با یزید بیعت نکنیم؛ ولی ظاهراً در این اوضاع و احوال، امکان پذیر نیست. مردم هم تحمل نمی‌کنند. پس، تکلیف ساقط است. لذا از روی اجبار و ناچاری بیعت می‌کنیم.»

مرحله دوم، حادثه کربلا و وقوع عاشورا است. این جا امام حسین علیه‌السلام می‌توانست در مواجهه با یک مسأله، به مثابه انسانی که حوادث بزرگ را با این منطقیها می‌خواهد حل کند، بگوید: «زن و بچه در این

صحرای سوزان، طاقت ندارند. پس، تکلیف برداشته شد.» یعنی تسلیم شود و چیزی را که تا آن وقت قبول نکرده بود، بپذیرد. یا بعد از آن که در روز عاشورا حمله دشمن آغاز گردید و عده زیادی از اصحاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند - یعنی مشکلات، بیشتر خود را نشان داد - آن بزرگوار می توانست بگوید: «کنون دیگر معلوم شد که نمی شود مبارزه کرد و نمی توان پیش برد.» آن گاه خود را عقب بکشد. یا آن هنگام که معلوم شد امام حسین علیه السلام شهید خواهد شد و بعد از شهادت او، آل الله - حرم امیرالمؤمنین و حرم پیغمبر علیهما السلام - در بیابان و در دست مردان نامحرم، تنها خواهند ماند - این جا دیگر مسأله ناموس پیش می آید - به عنوان یک انسان غیر تمند، می توانست بفرماید: «دیگر تکلیف برداشته شده است. تکلیف زنان چه می شود؟ اگر این راه را ادامه دهیم و کشته شویم، زنان خاندان پیغمبر و دختران امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام و پاکیزه ترین و طیب و طاهر ترین زنان عالم اسلام، به دست دشمنان - مردان بی سرو پای که هیچ چیز از شرف و ناموس نمی فهمند - خواهند افتاد. پس، تکلیف برداشته شد.» توجه کنید برادران و خواهران! مطلب مهمی است که در واقعه کربلا از این دیدگاه دقت شود که اگر امام حسین علیه السلام می خواست در مقابل حوادث بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر، اسارت زنان، تشنگی کودکان، کشته شدن همه جوانان و حوادث فراوان دیگری که در کربلا قابل احصاست، با دید یک متشرع معمولی نگاه کند و عظمت رسالت خود را به فراموشی بسپارد، قدم به قدم می توانست عقب نشینی کند و بگوید: «دیگر تکلیف نداریم. حال با یزید بیعت می کنیم.»

📌 دو خصوصیت امام حسین (ع) که حادثه کربلا را در خشاند

چاره چیست؟! الضرورات تبیح المحذورات.» اما امام حسین علیه السلام چنین نکرد. این، نشانگر استقامت آن حضرت است. استقامت یعنی این! استقامت، همه جا به معنای تحمل مشکلات نیست. تحمل مشکلات برای انسان بزرگ، آسانتر است تا تحمل مسائلی که بر حسب موازین - موازین شرعی، موازین عرفی، موازین عقلی ساده - ممکن است خلاف مصلحت به نظر آید. تحمل اینها، مشکلتر از سایر مشکلات است. یک وقت به کسی می گویند: «این راه را نرو؛ ممکن است شکنجه شوی.» خوب؛ انسان قوی می گوید: «شکنجه شوم! چه مانعی دارد؟! راه را می روم.» یا می گویند: «نرو! ممکن است کشته شوی.» انسان بزرگ می گوید: «خوب؛ کشته شوم! چه اهمیتی دارد؟!» اما یک وقت صحبت کشته شدن و شکنجه شدن و محرومیت کشیدن نیست. می گویند: «نرو؛ ممکن است که گروهی از مردم، به خاطر این حرکت تو کشته شوند.» این جا دیگر پای جان دیگران در بین است: «نرو؛ ممکن است بسیاری از زنان و مردان و کودکان، به خاطر پیش رفتن تو، سختی بکشند.» این جا دیگر کسانی که کشته شدن برایشان مهم نیست، پایشان می لرزد. آن کسی پایش نمی لرزد که اولاً در حد اعلی بصیرت داشته باشد و بفهمد چه کار بزرگی انجام می دهد. ثانیاً قدرت نفس داشته باشد و ضعف نفس نگیرد. این دو خصوصیت را امام حسین علیه السلام در کربلا نشان داد. لذا، حادثه کربلا مثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛ هنوز هم می درخشد، و تا ابد الدهر

هم خواهد درخشید.

✦ خصوصیت امام (ره) که باعث پیروزی انقلاب شد

عرض من این است که امام بزرگوار مادر این خصوصیت، به طور کامل دنباله رو امام حسین علیه السلام شد. لذا، این خصوصیت امام، انقلاب را به پیروزی رساند. ثانیاً، پیروزی بعد از رفتن خودش را هم تضمین کرد؛ هم پیروزی فکرش و هم پیروزی راهش را که مظهر آن، همین اجتماع عظیم شما مردم و مظهر وسیعترش در سطح عالم، گرایش ملتها به اسلام و به راه امام است. کسب این پیروزیها، به خاطر استقامت او بود. روزی به امام گفتند: «اگر شما این نهضت را ادامه دهید، حوزه علمیه قم را تعطیل خواهند کرد.» این جا صحبت جان نبود که امام بگوید: «جان مرا بگیرند. اهمیت ندارد.» خیلی کسان حاضرند از جانشان بگذرند؛ اما وقتی بگویند «با این اقدام شما ممکن است حوزه علمیه قم تعطیل شود.» پای همه می لرزد. اما امام نلرزد؛ راه را عوض نکرد و پیش رفت.

روزی به امام گفتند: «اگر این راه را ادامه دهید، ممکن است همه علمای بزرگ و مراجع را علیه شما بشورانند و تحریک کنند.» یعنی اختلاف در عالم اسلام پیش آید. «پای خیلی کسان، این جامی لرزد. اما پای امام نلرزد و راه را ادامه داد تا به نقطه پیروزی انقلاب رسید. بارها به امام گفته شد: «شما ملت ایران را به ایستادگی در مقابل رژیم پهلوی تشویق می کنید. جواب خونهایی را که بر زمین می ریزد چه کسی می دهد؟» یعنی در مقابل امام رضوان الله علیه، خونها را - خونهای جوانان را - قرار دادند. یکی از علمای بزرگ، در سال ۴۲ یا ۴۳، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در پانزده خرداد که ایشان - یعنی امام - این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب اینها را چه کسی خواهد داد؟» این طرز فکرها بود. این طرز فکرها فشار می آورد و ممکن بود هر کسی را از ادامه حرکت منصرف کند. اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در این جاها دیده می شد.

✦ استقامت امام (ره) و عدم عقب نشینی

به هر حال؛ این همه، مربوط به دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی بود. آنچه که برای ما درس است، مربوط به بعد از پیروزی انقلاب است. همه باید به این نکته التفات و توجه داشته باشند و همان طور که عرض کردم، اندیشمندان سیاسی، صاحبان فکر سیاسی و اهل تحلیل، روی این کار کنند. واقعاً مهم است. خوب؛ جمهوری اسلامی تشکیل شد. تا قبل از آن، مبارزه با رژیم ستمشاهی بود. از وقتی رژیم جمهوری اسلامی تشکیل شد و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد، دایره مبارزه، وسیع شد. شکل مبارزه عوض شد؛ اما دایره، وسیع گشت. مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، از سوی دشمنان جهانی آغاز گردید. دشمنان جهانی چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که ما به آنها «استکبار جهانی» می گوئیم. استکبار جهانی، همه زور گویای عالم، همه قلدرها و همه پُروهای مسلط بر ملتها را شامل می شود. این، استکبار جهانی است. چرا

با جمهوری اسلامی مبارزه می کردند؟ جواب این سؤال، طولانی است و بارها هم گفته شده است. به طور خلاصه می توان گفت: منافعشان به خطر افتاده بود. توسعه طلبی شان به خطر افتاده بود. حضور جمهوری اسلامی در میان کشورهای مسلمان، ادامه تسلط آنها را بر آن کشورها به خطر انداخته بود و از این قبیل. به هر حال، مبارزه سختی را شروع کردند. هر قدم به قدم این مبارزه، جای این بود که اگر انسان ضعیفی به جای امام بود، حرکت را متوقف کند و به سبب وجود مانع و عذر بگوید: «نمی شود با استکباری چنین عریض و طویل مبارزه کرد. چاره ای نیست؛ لذا عقب نشینی می کنیم.» اما امام، عقب نشینی نکرد.

خط نشان نهضت عاشورا در نهضت خمینی

به این دو، سه مقطع توجه کنید تا اهمیت قضیه معلوم شود: یک حمله از همه جوانب به ایران، از جهت سیاسی بود. همه دستگاههای تبلیغاتی، در چند برهه به ما حمله سیاسی کردند که فلج کننده است. گاهی حمله سیاسی، برای کشورها به ستوه آورنده است. امروز که تبلیغات رسانه های صوتی و تصویری، همه دنیا را فرا گرفته است، غالباً حملات سیاسی، دولتها را خیلی می ترساند؛ چون روی افکار ملتپایشان اثر می گذارد. چنین حمله ای را علیه نظام جمهوری اسلامی، از همه طرف شروع کردند. البته ملت ما بصیر و مستحکم بود و تکان نخورد. امام هم نگفت «حال که همه علیه ما همدستند، پس عقب بنشینیم.» نگفت «به تنهایی با امریکا می شود مبارزه کرد؛ اما امریکا و شوروی را چطور از عهده برآییم؟» چون آن زمان که دنیا دو قطبی بود، هر دو قطب، علیه ما اتحاد و اتفاق و همدستی داشتند. امام استقامت ورزید؛ عقب نشینی نکرد و از حرف و شعار و راهش برنگشت. یک کلمه از آن حرفهایی که دشمنان می خواستند بر زبان امام جاری شود، بر زبان او جاری نشد. این، استقامت حسینی است. شبیه ایستادگیهای امام حسین علیه السلام در مقیاس و در قالبهای امروز است.

یا آن وقتی که جنگ تحمیلی شروع شد. شما فکرش را بکنید! ملتی با آن همه ویرانیهای دوران ستمشاهی و آن همه احتیاج به کار و نوسازی، ناگهان مورد حمله دشمن قرار گیرد و همان چیزی را هم که دارد از کار بیندازند! راه آهن را از کار انداختند، پالایشگاهها را از کار انداختند، صادرات نفت را از کار انداختند، کارخانه های آهن را از کار انداختند. خوب؛ هر کس باشد، در مقابل چنین حرکتی به زانو در می آید. طرف هم که فقط رژیم عراق نبود! همه می دانستند که رژیم عراق، به اضافه شوروی، به اضافه فرانسه، به اضافه «ناتو»، به اضافه کارشناسان امریکایی - همه و همه - بودند. اگر امام ضعیف بود، این جا ممکن بود بگوید «دیگر تکلیف از ما برداشته شده است. اینها می خواهند که ما بر قوانین اسلام چندان اصرار نکنیم؛ خیلی خوب، نمی کنیم! اینها می خواهند که ما با اسرائیل مبارزه نکنیم؛ خیلی خوب، مبارزه نمی کنیم. چون فشار زیاد است. چه کار کنیم؟!» امام، چنین چیزی نگفت و ایستادگی کرد. قطعنامه را هم که امام قبول کرد، به خاطر این فشارها نبود. قبول قطعنامه از طرف امام، به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسؤولین آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی کشد و نمی تواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه



دهد. امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید امریکا نبود؛ به خاطر این نبود که امریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند. چون امریکا، قبل از آن هم در امر جنگ دخالت می کرد. وانگهی؛ اگر همه دنیا در امر جنگ دخالت می کردند، امام رضوان الله علیه، کسی نبود که رو برگرداند. بر نمی گشت! آن، یک مسأله داخلی بود؛ مسأله دیگری بود. در تمام عمر ده ساله حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتفاق نیفتاد که او به خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه حسینی.

دنیا فهمید امام (ره) را نمیشود از میدان خارج کرد

جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج می برد، اشک می ریخت و یا در چشمانش اشک جمع می شد! ما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطوف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود. اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزید و نلغزید. از راه برنگشت و عقب نشینی نکرد. همه دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمی شود ترساند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمی شود. امام، با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمی شود خارج کرد؛ تهدید نمی شود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمی شود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.

حاصل جمع بندی بحث

آنچه که حاصل جمع بندی بحث ماست، دو حرف است - البته این جمع بندی، قابل گسترش و فکر کردن است - : اول این که یکی از خطوط روشن نهضت عاشورا و بلکه خط نشان نهضت عاشورا، عبارت است از استقامت امام حسین، علیه السلام. حرف دوم این که: امام بزرگوار ما رضوان الله تعالی علیه، همین خط نشان حسینی را در نهضت، در منش و در زندگی خود انتخاب کرد و لذا توانست جمهوری اسلامی را بیمه کند. توانست دشمن را از تهدید و از فشار منصرف کند. چون به دشمن تفهیم کرد که فشار، اثری ندارد. تهدید، اثری ندارد. حمله، اثری ندارد و این حرکت و این رهبر، جریان و کسی نیست که با این حرفها، از راهی که می رود برگردد. این دو حرف، جمع بندی مطالبی است که عرض کردم.

استنتاج بحث

و اما، استنتاج! خوب؛ ما دنباله رُو راه امام بزرگواریم. می خواهیم به شما ملت عزیز عرض کنم: ملت بزرگ



ایران! شما در طول این هفده سال که از اول انقلاب گذشته است، تا امروز، علی‌رغم تهدیدها و فشارهای دشمن، روز به روز پیشرفت کرده‌اید. هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که دستهای خدمتگزار و بازوان توانا در بخشهای مختلف این کشور، طی این هفده سال، مملکت را پیش بردند. این کشور، ایرانی نیست که در دوران ستمشاهی، با آن همه نابسامانی، با آن همه محرومیت و با آن همه تبعیض بود. در این کشور، در طی این هفده سال انقلاب، کار و تلاش و خدمتی انجام گرفته است که در همه عمر آن رژیم پلید فاسد، انجام نگرفته بود. این، نکته اول.

نکته دوم این است که همه این پیشرفتها در حالی انجام گرفته است که دشمنان ما - یعنی امریکا و همپیمانهای امریکا در مسائل سیاسی و اقتصادی و غیره - به طور مداوم ما را تهدید کردند. مدام به ما گفتند: «محاصره اقتصادی می‌شوید.» پیوسته گفتند: «از گرسنگی می‌میرید.» دائم گفتند: «راه‌سازی در این کشور، بسته خواهد شد.» و دهها تهدید دیگر. بحمدالله، این همه پیشرفتی که انجام گرفته است، علی‌رغم تهدیدها، دشمنیها و فشارهای آنها انجام گرفته است.

نکته سوم این است که عزیزان من! برادران و خواهران من! ای ملت بزرگ! بدانید، امروز هدف عمده امریکا و استکبار این است که انقلاب را، جمهوری اسلامی را و ملت ایران را وادار کند که از حرف خود برگردد. اعلام کند که از حرف خود و از حرف امام برگشته است. همه هم‌تث مصروف این است. چرا؟ برای این که می‌بیند پیام امام، ملت‌های مسلمان را بیدار کرده است. به ملت‌های گوناگون دنیا و عمدتاً ملت‌های مسلمان نگاه کنید! ببینید چطور تحت تأثیر پیام امام بزرگوار قرار دارند! استکبار فهمیده است که اگر بخواهد ملت‌ها را ساکت کند، از راه صحیح منحرف سازد و سر جای خود بنشاند، تنها راهش این است که کاری کند که این ملت‌ها ببینند ایران اسلامی و ایران امام، از راه خود برگشته است؛ تا همه مأیوس شوند و از راه خودشان برگردند. استکبار این را فهمیده است و همه تلاشش برای این است. امروز از اطراف دنیا، بر دولت جمهوری اسلامی فشار می‌آورند، برای این که در قضیه اسرائیل، کوتاه بیایید، در قضایای اسلامی کوتاه بیایید، در ندا دادن شعارهای اسلامی کوتاه بیایید و این قدر دم از اسلام و قرآن - که بین ملت‌های اسلامی مشترک است - نزنند. همه فشارها برای این است.

عزت و پیشرفت در سایه استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان

من عرض می‌کنم: ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار بپردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و بخصوص مسؤولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم

ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله انقلاب به این ملت داده شده است - مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل - و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیر مستقیم به این ملت داده شده است - مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله عناصر انقلابی، در دولت و بخشهای مختلف انجام گرفته است - دستاوردهایی چنین را ملت ایران و مسؤولین، باید خردمندانانه و حکیمانه حفظ کنند.

راه حفظ دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسؤولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاهو گویها و پرگوییهای کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع می کنند، ادامه دهند. اما این که مکرر گفته می شود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خط امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلی است. معلوم است که خط امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که می تواند مقصود امام بزرگوار را - که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است - برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. هیچ کس هم نمی تواند امام بزرگوار را به این متهم کند که آن چه انجام داد، خلاف تدبیر صحیح بود. همه عقلای عالم، اگر دقت کنند، می فهمند و تحلیل می کنند که راه درست، همان راهی بود که آن مرد رفت؛ راهی به سوی هدفهای خود او. هر کس آن هدف را داشته باشد، راهش همانی است که آن بزرگوار پیمود. این، عرض من در سالگرد هفتم امام بزرگوار است.

رمز پیروزی ملتها

همه ملت ایران، همه مسؤولین و همه بخشهای مختلف، باید ایستادگی امام را در مقابل توقعات دشمنان، الگوی خود قرار دهند. ملت‌های دیگر هم، اگر بخواهند به جایی برسند، راهش همین است. قضیه فلسطین هم اگر بخواهد حل شود، راهش همین استقامت و ایستادگی است. قضایای گوناگون دخالت‌های استکبار در منطقه ما، اگر بخواهد حل شود، راهش همین استقامت است.

ملت ایران! بدانید، اگر امام شما استقامت به خرج نمی داد، شما امروز مرزهای ایران بزرگ را نمی داشتید. دشمن همین مرزها را می شکست و پای متجاوزش در خاک شما باقی می ماند و مایه سرشکستگی ابدی ملت ایران بود. استقامت این مرد بود که نگذاشت. ایستادگی او بود که اجازه نداد. امروز هم، اگر می خواهید ایران عزیز شود، ایران سربلند شود و هدفهای امام بزرگوار - که هدفهای اسلام و انقلاب و هدفهای اسلامی ملت ایران است - تحقق پیدا کند، راهش ایستادگی در مقابل توقعات دشمن است. امروز، بحمدالله، مسؤولین



کشور، مثل کوه ایستاده‌اند. امروز دولت جمهوری اسلامی، نمایندگان مردم، قوه قضائیه، نیروهای مسلح و آحاد مردم، مثل «زیر الحدید» در مقابل توقعات دشمنان ایستاده‌اند و از تهدیدهای آنها کمتر تکانی نمی‌خورند. همین، راه عزت است. همین، راه سلامت است.

انتشار پیام امام(ره) و ملت در سرتاسر جهان

امریکاییها می‌خواهند با تهدید، کار خودشان را پیش ببرند؛ اما نخواهند توانست. با دخالت هم نمی‌توانند. ملت ایران نمی‌تواند حق ملت فلسطین را ندیده بگیرد. می‌گویند: شما ملت فلسطین را ندیده بگیرید و سازش تحمیلی علیه آن ملت را امضا کنید! معلوم است که ملت ایران، چنین حرفی را با قوت و قدرت رد می‌کند و هر کس را که دنبال کننده این راه باشد، خائن می‌داند.

بدانید که، بحمدالله، پیام امام و پیام شما ملت بزرگ و انقلابی، در سرتاسر جهان منتشر شده است. با این که هفت سال از رحلت امام می‌گذرد، نام امام و یاد امام، در دنیا کهنه نشده است و نخواهد شد. البته تبلیغات دشمنان، سعی دارد وانمود کند که پیام انقلاب، در دنیا، یک پیام کهنه شده است. اما این ادعا دروغ و به‌خلاف واقعیت است. امروز در اقصی نقاط عالم - حتی در برخی نقاط که از مسلمانی نام و نشانی نیست - نام و نشان انقلاب بزرگ شما و حرکت عظیم ملت ما و حرکت عظیم امام بزرگوار، در بین مردم مشهود است. این راه، راه عزت ایران است؛ راه سربلندی کشور است؛ راه آبادی سرزمین ماست و راه رفاه، پیروزی و خوشبختی ملت ایران است. ان شاءالله ملت ایران این راه را با قوت ادامه خواهد داد و نسل بعد و نسلهای بعد هم - به فضل پروردگار - آن را تکمیل خواهند کرد.

راه امام خمینی رحمه الله، راه عزت امت اسلامی است

- اهمیت زنده نگهداشتن یاد امام (ره) ❁
- دو کاری که دشمن در پی خطر کردن مسلمانان انجام داد ❁
- احیاء روحیه مسلمانان با الگوی عملی امام (ره) ❁
- نسخه شفا بخش امام (ره) برای ملتها ❁
- هر چه ملتها نام و یاد امام را برجسته و زنده
بدارند، بیشتر بهره خواهند برد
- تعالیم امام (ره) ادامه راه ملت ایران ❁
- نتیجه زنده نگه داشتن یاد و نام امام (ره) ❁

راه امام خمینی رحمه الله، راه عزت امت اسلامی است*

اهمیت زنده نگهداشتن یاد امام (ره)

این مراسم که هر سال در مناسبت رحلت امام عزیز ما برپا می شود، فواید متعددی دارد؛ لیکن از همه این فواید برتر، زنده نگهداشتن و برجسته کردن یاد امام است. چرا؟ چون نفس زنده بودن خاطره این مرد بزرگ و این چهره نورانی، برای مسلمانان ایران و سایر کشورها، دارای برکات عظیمی است. نفس زنده بودن امام در دلها، این آثار را دارد.

شما ملاحظه کنید، یکی از مؤثرترین شگردهای دشمنان اسلام این بود که ملت‌های مسلمان را تحقیر کنند. به ایران و کشورهای عربی و شبه قاره هند و کشورهای آسیای میانه و آسیای دور و آفریقا و اقلیت‌های اسلامی در اروپا و آمریکا نگاه کنید! همه جا این سیاست - یعنی تحقیر مسلمانان - اعمال شده است. درست توجه کنید که این چقدر مهم است. مسلمانان خصوصیتی دارند که می توانند اراده خود را در حرکت عالم مؤثر کنند. به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه به خاطر روحیات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان می دهد؛ مثل ظلم ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله، که جهاد فی سبیل الله میدان گسترده و عرض عریضی دارد و مخصوص صحنه نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه‌ها هم ممکن است و همه جا انسان می تواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چه کار کند.

این، مجموعه احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن با بدی و فساد و تحمل نکردن ظلم است: «لاتظلمون و لاتظلمون»^۱. مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان به طور

*. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله ۱۶/۰۳/۱۳۷۵

۱. بقره: ۲۷۹

طبیعی در هر جای دنیا که هست - چه به صورت یک ملت و چه از یک ملت کوچکتر، تا یک فرد - به برکت این احکام قادر باشد اراده خود را در اداره جهان و محیط خودش مؤثر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی چیزی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند.

❁ دو کاری که دشمن در بی خطر کردن مسلمانان انجام داد

روزی که اروپاییها سوار کشتیها شدند و آمدند کشورهای منطقه آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیه جاها را تصرف کردند، از این روحیه مسلمانان می ترسیدند. برای این که مسلمان بی خطر شود، دو کار باید با او بکنند: یکی این که او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم این که روحیه او را بشکنند و تحقیرش کنند. پس، ببینید همه سیاستهای دشمنان اسلام در طول مبارزه با اسلام - که این یکی دو قرن اخیر، اوج این مبارزه بوده است - در این دو چیز متمرکز می شود: یکی دور کردن مسلمین از احکام اسلام و دوم تحقیر مسلمین و شکستن و خرد کردن روحیه آنان. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که کشورهای اسلامی، به صورت کشورهای درجه سه عالم درآمدند. نمی شود گفت درجه دو. هر جا کشور اسلامی بود، یا مستقیم زیر نفوذ دشمنان اسلام و قدرتهای بیگانه بود، یا یک عامل قدرتهای بیگانه بر آنها مسلط بود؛ مثل خاندان منحوس پهلوی در این جا و بعضی کشورهای دیگر که نظیر این را داشتند. این، وضعیّت مسلمانان بوده است.

❁ احیاء روحیه مسلمانان با الگوی عملی امام (ره)

امام بزرگوار ما آمد و درست روی همین دونقطه انگشت گذاشت. علت این که شما می بینید اسم امام، دنیای اسلامی را مثل توفانی در نوردید، اینهاست. با تبلیغات و با پروپاگاندا که نمی شود کسی را این طور در دل ملتها جا داد. این که در بعضی از نقاط عالم که مردم آن جا اسم ایران را اصلاً نشنیده بودند، به امام بزرگوار ما عشق و ارادت می ورزیدند، به خاطر این چیزهاست. این، سنت الهی و قاعده آفرینش است. امام روی این دونقطه تکیه کرد. وجدان ملتها بیدار شد و دیدند که راه نجات، همین و الگوهم ملت ایران است.

امام بزرگوار، ملت ایران را به برگشت به اسلام دعوت کرد و گفت بیایید به اسلام به معنای حقیقی کلمه عمل کنید. نه فقط عمل کردن در داخل مسجدها و به صورت عبادات فردی؛ بلکه به صورت عمل کامل این کار را انجام دهید و نظام زندگی را از اسلام بگیرید. به همین خاطر، جمهوری اسلامی را تشکیل داد. در نقطه دوم هم روحیه این ملت را احیا و بازسازی کرد. به ملت ایران آموخت و فهماند که قدرت دارد و می تواند. به همه ملتهای مسلمان دنیا پیام داد که شما دارای قدرت واقعی هستید و می توانید دشمن را به زانو در آورید. هر جا و به هر اندازه، نسخه امام بزرگوار عمل شد، این نتیجه را داد. در خود کشور ما، ملت ایران از حالت ضعف و انفصال به جایی رسید که امروز در قضایای مهمّ دنیا، اراده اش دارای نقش است. دشمنان ما نیز همین را می گویند.

دیروز شرق و غرب و امروز همه قدرتهای مؤثر، دست روی هم گذاشتند که بتوانند حقّ ملت فلسطین را نابود

کنند و از بین ببرند؛ ولی جمهوری اسلامی اعلام مخالفت کرده است. همه در همه جای دنیا می گویند: «چون جمهوری اسلامی مخالف است، این روند پیش نمی رود.» این، اراده ملت ایران است. آری؛ همین طور است، پیش نخواهد رفت. ملتی که رئیس حکومت سابقش - شاه ذلیل و فاسد - در امور روزمره زندگی خود با سفارت آمریکا و انگلیس مشورت می کرد و از آنها خط می گرفت، وضعش به جایی رسیده است که حالا نه آمریکا و نه هیچ قدرت دیگری، کوچکترین نفوذی روی این کشور و این ملت ندارند. این، برای یک ملت اقتدار ملی است. این کار را امام بزرگوار کرد و روحیه مسلمانی را احیا نمود.

در زمینه سازندگی نیز همین طور است. فرمود: شما می توانید همه چیز بسازید و کشور خودتان را به دست خویش آباد کنید. و می توانید مستغنی از بیگانگان باشید و مدارج علم و دانش را مثل دیگران ببیمایید و دانشگاههای خودتان را مستقل کنید! امروز شما ببینید ملت ایران قدم به قدم همه این موارد را پیش می برد. اینها را ملت تجربه کرد.

🔖 نسخه شفا بخش امام (ره) برای ملتها

این، داخل ایران بود. در هر نقطه جهان هم که نسخه شفا بخش امام به هر اندازه عمل شد، به همان اندازه ملتها فایده بردند. شما ببینید طبیعت قضیه فلسطین یا مسأله دردناک لبنان یا مسائل گوناگون دیگر، امروز چقدر با گذشته تفاوت کرده است! امروز، ملت فلسطین بیدار شده است و عناصر حقیقی فلسطینی در داخل سرزمینهای اشغالی، خود را به صورت خاری در چشم اشغالگران نشان می دهند. آنها منتظر نشستند که چهار نفر به اسمشان در بیرون مرزهای فلسطین حرف بزنند. خود ملت فلسطین حرف می زند و اقدام و حرکت می کند؛ آن هم به نام اسلام. در هر جایی که این نسخه - یعنی نسخه اتکای به نفس و اعتماد به خود و بازگشت به اسلام - به هر اندازه عمل شد، به همان اندازه کار ابرقدرتها را مشکل و حرکت ملتها را شتابنده کرد.

نسخه امام بزرگوار ما، مسلمانان را در هر نقطه عالم عزیز کرد. امروز، مسلمانان جهان در هر نقطه ای از دنیا احساس عزت می کنند. روزی بود که مسلمان از مسلمانی خود احساس سرشکستگی می کرد؛ اما امروز مسلمان از مسلمانی خود احساس سربلندی و عزت می کند. اینها، کلیات حرکت امام بزرگوار ماست.

🔖 هر چه ملتها نام و یاد امام را بر جسته و زنده بدارند، بیشتر بهره خواهند برد

عرض من این است که چه ملت ایران و چه ملتهای دیگر، هر چه نام و یاد امام را بر جسته و زنده بدارند، بیشتر از راه امام بهره خواهند برد. دشمنان اسلام و مسلمین می خواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کم رنگ گردد. می خواهند وانمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتفاق افتاد، گذشته است. می خواهند در آینده دنیا اثری نداشته باشد. ملاحظه می کنید در اعمال این تصمیمات، شیوه ها و طرقی هم به کار می برند؛ مثل تبلیغات زهر آگین و تحریفها و لجن پراکنیها. این چیزها، در همه جای حوزه نفوذ قدرتهای استکباری وجود دارد. نقطه مقابل آنها، حرکتی است که مسلمانان باید انجام دهند. باید یاد امام را زنده و نام او را بلند کنند.

خطّ روشنی را که او ترسیم کرده است، برای افکار و اذهان تبیین کنند و بگویند که امام دنبال چه چیزی بود. بفرمانند که احکام اسلام و روحیه عزّت اسلامی، آن دو نقطه روشنی است که امام به دنبال آن بوده است. در داخل کشور ما نیز همین طور است. ملت ما اگر می خواهد این راه عزّت را دنبال کند، باید یاد و نام امام را روز به روز زنده تر کند. اگر ملت می خواهد به برکت بازوان توانا و ابتکار و خلاقیت خودش، ایران را بسازد که مایه غبطه ملت‌ها و کشورها باشد، باید روز به روز به دستورات امام بیشتر توجه کند. بعضی دل‌های غافل، ممکن است خیال کنند یا تبلیغ نمایند که راه امام و خطّ امام، معنویات و آخرت را برای مردم تأمین می کند؛ اما دنیا پشان آباد نمی شود! این، خطاست. راه خدا برای انسانها، دنیا و آخرت را آباد می کند؛ زندگی را شیرین و آسان می کند و فشار تحمیل دشمن را از سر آنها برمی دارد و کم می کند. راه خدا این گونه است و راه امام نیز همین راه خداست.

تعالیم امام(ره) ادامه راه ملت ایران

ملت ایران به خاطر دخالت بیگانگان و حکومت‌های فاسد و حکومت جبار پهلوی و قاجار - که این دوسلسله ننگین، سالها بر این کشور حکومت کردند و پای بیگانگان را بر این سرزمین گشودند - از قافله علم و دانش بازماند. ملت ایران در صورتی می تواند زندگی را به آبادی و توسعه و رشد حقیقی برساند که بتواند روی پای خود بایستد و احکام الهی را در زندگی، عمل و پیاده کند و دست و پای دشمن را به کلی از این کشور قطع نماید. این، همان راه و توصیه های امام است.

ملت ایران، عزّت و رفاه و روسفیدی دنیا و سعادت و کمال معنوی و اخروی را در راه همان خطّی می تواند پیدا کند که امام بزرگوار و رهبر عظیم الشان او، پیش پای این ملت گذاشت. خدای متعال، ده سال هم به او مهلت و فرصت داد تا توانست این راه را برای مردم تبیین کند. در کلمات امام رضوان الله تعالی علیه نقطه پنهان و مشکوکی وجود ندارد. این، راه ملت ایران است.

نتیجه زنده نگه داشتن یاد و نام امام(ره)

ملت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هر کس در هر جا که هست - چه مسؤولان کشور و متصدیان و مدیران بخش‌های اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسؤولان قضایی و چه آحاد ملت - اینها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این کار شد، آن وقت قلب مقدّس ولّی عصر (ارواح‌نفاذ، انشاء الله از این ملت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن فرموده است: «ولو انّ اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض».^۲ خداوند به برکت این راه، به برکت تقوا و به برکت ادامه حرکتی که امام بزرگوار در این کشور آغاز کرد، ابواب برکات را بر این مردم خواهد گشود.



خطر دو آفت «تجّر» یا «انفعال» در راه امام خمینی رحمه الله

❖ نهضت عظیمی که امام (ره) آن را سازماندهی کرد

❖ جهت کلی حرکت در نظام ستمشاهی

❖ هنر بزرگ امام (ره)

❖ بینش سیاسی امام (ره) در کشور برقرار کرد

❖ ایجاد نظامی بر اساس اسلام توسط امام (ره)

❖ مقصود دشمن و دوست از صدور انقلاب

❖ آفات طراحی و تنظیم نظام سیاسی

❖ الف) تجرّ

❖ ب) انفعال، خودباختگی و تأثیر پذیری ناخواسته از

اراده دیگران

❖ ایستادگی امام (ره) در مقابل خطر بزرگی که

انقلابهارا تهدید میکند

❖ حضور آشکار و غیرقابل انکار مردم در انقلاب

❖ حقارت زن در فرهنگ غرب

❖ رمز عزت و سربلندی ملت ایران

خطر دو آفتِ «تجّر» یا «انفعال» در راه امام خمینی رحمه الله *

نَهضتِ عظیمی که امام (ره) آن را سازماندهی کرد

در این فرصت، دو مطلب را عرض می‌کنم. یک مطلب درباره انقلاب بزرگی است که به اراده و همت امام و با دست معجز نشان آن بزرگوار و تبعیتِ عظیم ملت از او در ایران به وجود آمد. مطلب دیگر، مطلب کوتاهی درباره خصوصیتی از خصوصیات امام است که می‌خواهم آن را بر مطلب اول مترتب کنم. اصل صحبت من هم، همان مطلب دوم است.

امام بزرگوار، نهضت عظیمی را در ایران سازماندهی کرد که ابعاد آن از ایران فراتر بود. بهره‌مندان از این انقلاب، فقط ملت ایران نبودند؛ بلکه جهان اسلام و - با یک دید - فراتر از جهان اسلام را هم شامل می‌شد. در ایران، تأثیر و نتیجه کوتاه مدّت بسیار مهمی که بر این نهضت مترتب شد، دگرگونی نظام سیاسی در این کشور بود. امام بزرگوار به کمک این ملت بزرگ، یک نظام سیاسی فاسد و وابسته و منحرفی را برانداخت و به جای آن، نظام سالم و مستقلّ و کارآمدی را در کشور ایران بر سر کار آورد. توجه به تفاوتها و تقابلهای اساسی این دو نظام، نکته مهمی است که در این صحبت کوتاه و مقدّمه مطلب دوم، به طور مختصر به آن اشاره می‌کنم.

جهت کلی حرکت در نظام ستمشاهی

آن نظام سیاسی ای که امام بزرگوار ما با نهضت خود و به کمک این ملت از بین برد - یعنی نظام فاسد و وابسته پادشاهی - نظامی بود که سردمداران و مسؤولان و رؤسای آن، به سرنوشت ملت ایران و جوانان این کشور اهمیتی نمی‌دادند و کشور و ملت را به سمت وابستگی هر چه بیشتر سوق می‌دادند. سعادت مردم به

عنوان یک هدف، برای آنها مطلقاً مطرح نبود. اداره کشور، با الگوهای غلط و نامتناسبی انجام می‌شد، که از کشورهای بیگانه به طور ناقص گرفته شده بود و تازه همان هم اجرا نمی‌شد؛ یعنی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری محض، تحت نامهای گوناگون و باروشهایی که هیچکدام از آن روشها، برخاسته از اراده و خواست ملت و متوجه به مصالح آنها نبود.

در نظام وابسته منسوخ و برافتاده قبل از انقلاب، مردم دچار فساد و بی‌بند و باری بودند، یا به تعبیر درست‌تر، به سمت فساد و بی‌بند و باری و خودباختگی و بی‌ایمانی سوق داده می‌شدند. یعنی حرکت ملت را این طور تنظیم کرده بودند که روز به روز در کشور، بی‌ایمانی همه‌گیرتر شود و مردم از ایمان معنوی درست محروم بمانند و به فساد و بی‌بند و باری کشانده شوند و خودباختگی در مقابل بیگانگان در آنها تقویت گردد و استقلال اقتصادی و فرهنگی در کشور، مفهومی نداشته باشد. جهت کلی حرکت در آن نظام منسوخ و فاسد، این بود.

هنر بزرگ امام (ره)

در این مرحله، هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، بخصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روز به روز توسعه پیدا می‌کند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است.

بینش سیاسی امام (ره) در کشور برقرار کرد

ملت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزشهای قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنتهای اصیل ملی و بومی خود را دارد و می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرقه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد. تفاوت شکل نظام اسلامی‌ای که امام بزرگوار در این کشور مستقر کرد، با نظام فاسدی که قبل از نهضت امام بزرگوار و قبل از وقوع معجزه عظیم زمان ما در این کشور مستقر بود، این قدر عمیق و آشکار است. وقتی نگاه کنید و دقت نمایید، می‌بینید که همه نقاط منفی‌ای که در نظام منحط پهلوی بر ملت ایران تحمیل شده بود و جزو خصلتهای ذاتی آن نظام سیاسی بود، در نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور به وجود آورد، به نقاطی که صد و هشتاد درجه با آن فاصله دارد، تبدیل شده است.

در نظام اسلامی، مردم به خودشان ایمان و اعتقاد دارند؛ نظام سیاسی برای خود احترام قائل است؛ زیر بار تحمیل قدرتمداران جهانی و سلطه استکباری نمی‌رود؛ استقلال کشور، متکی به منافع و مصالح خود این مردم است، نه متکی به خواست و مصالح بیگانگان؛ مسؤولان کشور، منتخبان خود ملتند، نه تحمیل شده به

وسیله اجانب، یا به وجود آمده در کودتاهای نظامی و با پول دشمنان. در آن نظام، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، هیچ نقشی نداشتند؛ اما در نظام اسلامی، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، همه نقش و تأثیر را دارا هستند.

ایجاد نظامی بر اساس اسلام توسط امام (ره)

آنچه را که امام بزرگوار، با دست قدرتمند و معجز نشان خود به وجود آورد - که آن هم از ایمان و توکل و شخصیت مستحکم او سرچشمه می گرفت - بر اساس اسلام بود. یعنی هدفهای نظام اسلامی، هدفهای اسلامی است؛ هدفهایی است که در قرآن و اسلام تعریف شده است. روشها و برنامه‌های نظام اسلامی هم، همان مقررات و برنامه‌ها و احکامی است که در منابع اسلامی تبیین و معین شده است؛ یعنی نظام اسلامی، نظامی است که صددرصد برخاسته از اسلام است.

ادّعا نمی‌کنیم که واقعیت جامعه، صددرصد منطبق با اسلام است - این، چیزی است که در بلندمدت باید تأمین شود - اما ادّعا می‌کنیم که برنامه‌ها متّخذ از اسلام است؛ روشها برخاسته از مقررات اسلامی است و هدفها، هدفهایی است که به وسیله اسلام، برای بشر و جوامع بشری و آحاد انسان تعریف شده است. لذا آن نکته‌ای که عرض شد، آشکار می‌شود؛ یعنی چون متکی به اسلام است، ابعاد آن از ابعاد ایران وسیعتر است.

مقصود دشمن و دوست از صدور انقلاب

در این قریب نوزده سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، یکی از نکاتی که تبلیغات دشمنان همواره نسبت به نظام اسلامی مطرح کرده‌اند، عبارت از صدور انقلاب است. بارها هم مسؤولان جمهوری اسلامی گفته‌اند که ما نمی‌خواهیم انقلابمان را به کشورها و در میان ملت‌ها صادر کنیم؛ اما آنها باز هم تکرار می‌کنند! مقصود آنها از صدور انقلاب، همین است که وقتی نظام اسلامی بر مبنای احکام اسلام و هدفهای قرآنی تنظیم شده باشد - که شده است - در هر جای آفاق عالم که مسلمانی زندگی می‌کند، این نظام و این انقلاب را از خود می‌داند، به آن افتخار می‌کند و از عزّتش، احساس عزّت دارد.

امروز جمهوری اسلامی، در صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی و در عرصه سازندگی کشور و در نمایشهای سیاسی عظیمی که این ملت به وجود می‌آورد - مثل همین مسأله انتخابات، یا بقیه عرصه‌هایی که مردم در آن حضور پیدا می‌کنند - سربلند است. هرگاه یکی از اینها به وجود می‌آید، یکی از نمونه‌های عزّت و استقلال هم ظاهر می‌شود. هر جای عالم، مسلمانی زندگی می‌کند، وقتی این خبر را می‌شنود، احساس عزّت می‌کند. چرا؟ چون نظام جمهوری اسلامی را متعلق به خودش می‌داند و این به خاطر آن است که امام بزرگوار - طرّاح و معمار این انقلاب - این نظام را بر اساس هدفهای اسلامی به وجود آورد و به آن، جنبه فرامرزی و جهانی و بین‌المللی داد.

نمی‌توانند این نظام را در چارچوب مرزهای ایران محبوس کنند. مسلمانان دنیا، این نظام را از خود می‌دانند

و این همان چیزی است که استکبار را به شدت خشمگین می‌کند. اسم این را صدور انقلاب می‌گذارند؛ یعنی همان تعبیری که انقلابیون مارکسیست، در دهه‌های میانه قرن بیستم، به آن افتخار می‌کردند؛ در حالی که ما به آن معنا و به آن صورت، معتقد به صدور انقلاب نیستیم. وقتی که این انقلاب، اسلامی است، پس همه مسلمانان عالم، به آن علاقه‌مند و معتقدند و آن را از خود می‌دانند.

ملاحظه کردید که امام بزرگوار در طراحی این انقلاب و در تنظیم نظام سیاسی بر اساس این انقلاب - یعنی تشکیل حکومت و نظام جمهوری اسلامی - به فضل پروردگار و به هدایت الهی، روشی را برگزید که روش پیامبران و بندگان متصل به منبع غیب است. این، به خاطر آن است که امام، قرآن را دوست می‌داشت، خود شاگرد مکتب قرآن بود، با قرآن مانوس بود، از قرآن استمداد می‌کرد و قرآن برای او برنامه زندگی به حساب می‌آمد. این، یکی از نتایج و آثار بزرگ و شکوهمند آن حقیقت است.

آفات طراحی و تنظیم نظام سیاسی

الف) تحجر

مطلب دومی که درباره امام است و من آن مطلب را امروز می‌خواستم عرض کنم و به اختصار در میان می‌گذارم، این است که چنین حرکت عظیمی، معمولاً و عادتاً با یکی از دو آفت «تحجر» یا «انفعال» مواجه می‌شود. چنین کار بزرگی، آفاتی دارد و آفت بزرگ چنین حرکت عظیمی با این ابعاد وسیع - همان طور که گفتم - یکی از دو آفت «تحجر» یا «انفعال» است.

تحجر این است که، کسی که می‌خواهد کار بزرگی را با این عظمت انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواند در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود. این، امکان‌پذیر نیست. معنای تحجر آن است که، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است.

اگر در رأس نظام‌های سیاسی ای که بر اساس اسلام، یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. امام، خود را از این آفت مبرا کرد. به خاطر طول سالهایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه، در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند و فقه شیعه، یک فقه غیر حکومتی و فقه فردی بود، امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند.

همچنان که اهل فن اطلاع دارند، در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشورند - مثل مسأله حکومت، مسأله حسبه و چیزهایی که با کارهای جمعی و داشتن قدرت سیاسی ارتباط پیدا



می‌کند - چند قرن است که جایشان خالی است. بعضی از آنها، از اوایل هم در کتب فقهی شیعه، مورد تعرض قرار نگرفته است؛ مثل همین مسأله حکومت. بعضی مسائل مثل مسأله جهاد - که یک مسأله اساسی در فقه اسلام است - چند قرن است که از کتب فقهی استدلالی شیعه، بتدریج کنار گذاشته شده و در اغلب کتب فقهی استدلالی، مورد توجه قرار نگرفته است.

علت هم معلوم است. فقهای شیعه، در این مورد تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. شیعه، حکومت نداشته است. فقه شیعه، نمی‌خواسته است جامعه سیاسی را اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است که جهاد بخواهد آن حکومت را اداره کند و احکامش را از کتاب و سنت استنباط نماید. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره امور دینی یک فرد، یا حداکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربرد داشت.

شاید بشود به جرأت گفت که فقه شیعه، عمیقترین فقه‌های اسلامی است. یعنی کتب فقهی فقهای امامیه، از لحاظ عمق، از همه کتب فقهی‌ای که ما دیده‌ایم، به طور معدّل عمیقتر و دقیقتر است؛ اما این مباحث و این گرایش در زمینه‌های مختلف، در آن وجود نداشته است.

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند. این، یعنی نقطه مقابل آن آفتی که گفتیم تحجر است. حتی در اواخر سال‌های عمر بابرکت امام بزرگوار، مسائلی که به ظاهر جزئی می‌نمود - اما با توجه به این که یک خط و یک سمتگیری را به فقهای شیعه نشان می‌داد، بسیار مهم بود - پیش آمد و ایشان باز هم نشان داد که آن کسی که می‌خواهد نظام را اداره کند؛ آن فقهی که می‌خواهد یک ملت یا مجموعه عظیمی از انسان‌ها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد و نمی‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه مسائل زندگی مردم، نقطه‌ای را بی‌پاسخ بگذارد.

🔷 (ب) انفعال، خودباختگی و تأثیرپذیری ناخواسته از اراده دیگران

آفت دومی که در چنین مواردی، مسؤولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید می‌کند، این است که آنها را دچار انفعال و خودباختگی کنند و در موضع تأثیرپذیری ناخواسته از اراده دیگران قرار دهند. امام بزرگوار، در مقابل این آفت دوم هم مثل کوه ایستاد. آن چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد و من‌اصراً دارم که مردم عزیز ما - بخصوص جوانان - و همچنین مسؤولان بخش‌های مختلف نظام مقدّس جمهوری اسلامی به آن توجه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمی‌توانند در میدان مبارزه رویاروی، کار مؤثری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمی‌توانند به آن ضربه نظامی بزنند؛ نمی‌توانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمی‌توانند ضربه‌های امنیتی بزنند؛ نمی‌توانند با محاصره اقتصادی، آن را به زانو درآورند - وقتی از همه اینها مأیوس می‌شوند - یک راه برایشان باقی می‌ماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی

را به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند، یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام می‌دهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آن‌چنان از فشار انباشته می‌کنند که انسانهای ضعیف‌التفس، در مقابل این فشار نمی‌توانند مقاومت کنند.

اگر بخواهیم یکی، دو مثال در زمینه مسائل سیاسی عرض کنیم، باید بگوییم که تا ده، پانزده سال قبل، مسأله فلسطین در دنیای اسلام، مسأله‌ای بود که همه به نام آن شعار می‌دادند؛ بعضی صادقانه‌تر، بعضی همراه با ظاهرسازی؛ ولی به هر حال، همه حکومت‌های اسلامی، شعار مسأله فلسطین را اقلاباً به زبان می‌گفتند و تکرار می‌کردند. فشار استکبار و دشمنان شروع شد. یعنی همان کسانی که از اول، بانی غصب کشور فلسطین از یک ملت - یعنی ملت فلسطین - و سپردن آن به دست یک مجموعه مهاجر و دروغین و یک ملت ساختگی بودند، شروع به فشار آوردن بر روی دولت‌ها و شخصیت‌ها کردند.

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر، یک ملت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی یک ملت در اشغالگران نیست، از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه‌های مختلف، با مناشی اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده‌اند؛ صرفاً از جهت این که به نژاد بنی اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرن‌ها از هم جدا بوده‌اند، ولی آنها را به عنوان یک ملت تلقی کرده‌اند. یک ملت تصنعی و دروغین؛ برای این که بتوانند در این نقطه حساس از جهان - یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام - پایگاهی برای استکبار باشند. روز اول، انگلیسی‌ها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حداکثر استفاده را از آن می‌برد و اهداف استکباری خود را تأمین می‌کند.

همان‌هایی که این زمینه را به وجود آورده‌اند، شروع به ایجاد فشارهای تبلیغاتی و سیاسی بر روی دولت‌ها و شخصیت‌ها و نظام‌های سیاسی کرده‌اند و باب گفتگوهای پشت پرده و رشوه دادن‌ها و رشوه گرفتن‌ها را باز گشوده‌اند و کاری کرده‌اند که این شعار عمومی مسلمانان را بتدریج از زبان دولت‌ها بگیرند؛ و الا از ملت‌ها که نمی‌توانند بگیرند. همان کسانی که پانزده یا بیست سال قبل، دولت صهیونیست را به عنوان دولت غاصب، مورد قطع رابطه و محاصره اقتصادی قرار داده بودند، امروز برای ایجاد ارتباط اقتصادی با او، مسابقه می‌گذارند! این، همان انفعال است. فشار گوناگون دستگاه‌های متمرکز استکبار، چه از لحاظ تبلیغات و چه از لحاظ مسائل اقتصادی و غیره، به قدری بر این‌ها به طور متوالی وارد می‌آید، که احساس می‌کنند ناچارند عقب‌نشینی کنند، و عقب‌نشینی می‌کنند. این، خودباختگی و انفعال در زمینه مسائل سیاسی است.

همین قضیه، به شکل بسیار خطرناک‌تر، در زمینه مسائل اعتقادی و مواضع اصولی مطرح می‌شود. در اواسط این قرن، بسیاری از کسانی که با آتکا به موج چپ، در آفریقا و آسیا، انقلاب‌ها و نظام‌هایی به وجود آوردند، بعد از گذشت پنج سال، ده سال، پانزده سال، زیر فشار دشمنان مسلط و دارندگان زر و زور و بوقهای تبلیغاتی، همه مواضع اصولی خودشان را از دست دادند و بتدریج به آنها نزدیک شدند! فقط اسم‌هایشان با هم فرق داشت؛ اما باطنشان یکی بود.



ایستادگی امام (ره) در مقابل خطر بزرگی که انقلابها را تهدید میکند

خطر بزرگی که انقلابها و اصالت ملتها را تهدید می‌کند، این خطر است. خطر بزرگی که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند، این خطر است. امام، در مقابل این خطر، مثل کوه استوار ایستاد؛ «کالجبل الراسخ لا تحركه العواصف»^۱. از ساعت اول، از نام نظام جمهوری اسلامی بگریزد، تا بقیه قضا یا آن روزها معمول بود که کلمه «دمکراتیک» را در کنار نام جمهوری بیاورند؛ یعنی یک کلمه غربی، دارای محتوای دوگانه. هم غربیها ادعا می‌کردند که ما دمکراتیک هستیم، هم کشورهای سوسیالیستی و شرقی آن روز می‌گفتند ما دمکراتیکیم! در دنیا مد بود که اسم کشورها و نظامهای سیاسی را دولت دمکراتیک فلان جا بگذارند. اصرار داشتند که این کلمه را بر کلمه جمهوری اسلامی اضافه کنند. البته صرف اضافه کردن یک کلمه نبود؛ دنباله این اضافه کردن، خیلی از حرفها و مسائل وجود داشت که امام با آن دید تیزبین خود دید. امام از اول اعلام کرد: «جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». جمهوری اسلامی، همان است که انسان از قرآن می‌گیرد. در هر مرحله‌ای، بخصوص در سالهای اول که هنوز قاطعیت امام بزرگوار برای تصمیم‌گیرندگان جهانی در داخل دولتهای استکباری، درست معلوم نشده بود، از این فشارها زیاد می‌آوردند؛ ولی البته بعدها مایوس شدند. این، آن نکته‌ای است که همه باید توجه داشته باشند.

امروز هم همین معنا وجود دارد. دستگاههای وابسته تبلیغاتی استکبار، در رادیوهایشان، یک کشور را به خاطر اعتقادات اصیلش، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند؛ برای این که ملتی را وادار به عقب نشینی کنند. این رادیوهای بیگانه، با پولهای گزافی که اداره می‌شوند، برای همین است که ملتها را در مقابل موج مصنوعی جهانی - که آنها با تبلیغات خودشان وانمود می‌کنند - به احساس غربت وادار کنند. در همه قضاها هم دخالت می‌کنند و نظرات اصیل ملتها را مورد تهاجم قرار می‌دهند. ما از ملت‌های دیگر هم کم و بیش خبر داریم؛ اما بیشتر، از ملت و از مسائل اصولی خودمان اطلاع داریم.

در همه زمینه‌ها - در قضیه زن، در قضیه حقوق بشر، در قضیه دمکراسی - اظهار نظر و دخالت می‌کنند و ملت را به خاطر عقاید اصولی‌اش زیر سؤال می‌برند. در حالی که در همه این قضایایی که امروز بوقهای تبلیغاتی استکبار، ملت ایران را متهم می‌کنند، مردم ما می‌توانند با گردن برافراشته بایستند و در یک عرصه جهانی - اگر در عرصه بین‌المللی، چنین فرصتی به این ملت بزرگ داده شود - اثبات کنند که در این زمینه‌ها، خود غربیها از ملت ایران عقبترند.

حضور آشکار و غیرقابل انکار مردم در انقلاب

یک مسأله، همین مسأله دمکراسی و مسأله حضور و دخالت مردم و مسأله آراء آنهاست. امروز شما ببینید، ملت ایران در انتخاباتی که مربوط به گزینش رئیس جمهور است - یعنی گزینش رئیس و مدیر امور اجرایی کشور - و برای او مهم است، با درصد بالایی شرکت کرد و رأی داد؛ که من هر چه نگاه کردم، در این سالهای اخیر، در هیچیک از کشورهای غربی، در انتخاباتی که آنها خودشان بدان افتخار می‌کنند، چنین حضوری

از مردم مشاهده نشده است. ملت ایران، به دهان پاره گویانی زد که نظام جمهوری اسلامی را به این متهم می کردند که با مردم کاری ندارد و آراء مردم در آن دارای نقش نیست. ملت، به آنها تو دهنی زد و نشان داد که نخیر؛ اگر شما راهپیماییها را نمی بینید؛ اگر حاضر نیستید که حضور مردم را در صحنه های گوناگون پرهیجان این انقلاب و این کشور ببینید؛ بیاید، این یک نمونه و یک حضور آشکار و غیر قابل انکار را ببینید. جمهوری اسلامی، این افتخار را دارد که تصمیم گیری در آن، در مسائل مهمی از این قبیل، به عهده مردم است. مردم، این امکان و این میدان را دارند و نظام جمهوری اسلامی از آنها می خواهد که در این میدان وارد شوند و حضور پیدا کنند و این حرکت را انجام دهند. البته تبلیغات دشمن که با این چیزها تمام نمی شود. تبلیغات خصمانه دشمن، تبلیغات استکباری، تبلیغاتی که ناشی از غرض ورزی و عناد است، به خاطر واقعیت داشتن حرفها که نیست. چیزی را برای یک ملت و یک کشور و یک نظام بهانه می کنند و به دروغ روی آن تبلیغات می نمایند.

🏠 حقارت زن در فرهنگ غرب

مسأله زن هم همین طور است. در طول این نوزده سال - از اول انقلاب تا کنون - نسبت به دیدگاه نظام جمهوری اسلامی و دیدگاه اسلامی درباره زن، به طور مستمر یاوه گویی کرده اند. اسلام، در مورد بینشی که نسبت به زنان و نقش بانوان در جامعه دارد - نقش فردی، نقش خانوادگی، نقش سیاسی، نقش اجتماعی - می تواند ادعا کند که همه ملت های مدعی باید از او پیروی کنند. اگر قرار باشد که در این زمینه، کشورهای غربی پشت میز محاکمه ای قرار گیرند و پاسخ دهند، بدون شک آبرویشان خواهد رفت.

در همین کشورهای غربی، تا چند سال قبل از این - نه خیلی زیاد - زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می کردند، حق نداشتند مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر، در بعضی از کشورهای غربی - از جمله در انگلستان - یکی از مجلات یکی از کشورهای غربی - که نمی خواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم - پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ - یعنی تقریباً هفتاد سال قبل - در حد دکترا تحصیلات عالی کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیل نداده اند! بعد سؤال می کند، چرا مدرک تحصیل نداده اند؟ می گوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می کردند، مدرک تحصیلی نمی دادند و می گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! اینها امروز آمده اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدعی حقوق زن شده اند! در همان سالهایی که چنین حقارت هایی در فرهنگ غربی مشاهده می شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه اجتهاد از مجتهدان در جه اول آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقهش را دایر بود! اسلام، این است.

تا اوایل این سده - یعنی تا دهه های دوم و سوم همین قرن میلادی - در کشورهای غربی، زنان مالکیت به معنای حقیقی نداشتند! یعنی زنی که شوهر می کرد، بدون اجازه شوهرش نمی توانست در ثروت خود تصرف کند. این را با احکام اسلامی مقایسه کنید که زنان را مستقل می داند. مگر شوهر حق دارد که به زن بگوید

تو در مال خودت این کار را بکن، این کار را نکن، این تصرف را بکن؟ در اسلام، چنین حقی به شوهر داده نشده است. درباره مسأله زن، اینها آمده اند طلبکار نظام جمهوری اسلامی شده اند! چرا؟ چون در نظام اسلامی، بر اساس معارف اسلام، بی بندوباری راه ندارد و فساد و فحشا اجازه داده نمی شود.

اینها می خواهند، همچنان که در نظام منحوس پهلوی، زن و مرد و پیر و جوان را به سمت بی بندوباری سوق می دادند، امروز هم همین کار را در نظام جمهوری اسلامی بکنند و همان بساط را به راه بیندازند. همان بلایی که امروز بر سر خود کشورهای غربی آمده است، که امروز دلسوزان در کشورهای غربی - و از همه بیشتر در امریکا - نگران فساد و بی بندوباری نسل جوان خودشان هستند، که دیگر از قابلیت کنترل هم خارج شده اند و نمی توانند علاج کنند!

می خواهند این فساد را هم در کشورهای اسلامی و در نظام اسلامی ما - که بر پایه قرآن است - به راه بیندازند. آن وقت با فشارهای تبلیغاتی، با تحقیر، با تمسخر، با دروغ و با نسبتهای خلاف واقع، می گویند که زنان را شکنجه می کنند! با گفتن این دروغها، می خواهند نظام اسلامی را دچار انفعال کنند و ملت و مسؤولان ایران، در مقابل این حرفها مجبور به عقب نشینی شوند. حاشا و کلاً، چنین چیزی اتفاق نمی افتد.

🌟 رمز عزت و سربلندی ملت ایران

ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است. همه دنیا باید بدانند که این ملت، به سمت کمال و رفاه و علم و معرفت و گسترش فرهنگ و به سمت همه نیکیها و زیباییها پیش خواهد رفت؛ اما حتی یک روز و یک ساعت هم تسلیم فشارهای دشمنان نخواهد شد. راه میان تحجر و خودباختگی، راهی بود که امام انتخاب کرد. این، درس بزرگ امام بود و توانست این انقلاب را نجات دهد. امروز هم به فضل پروردگار، همان راه و همان خط در این کشور مجرا و معتبر است و مسؤولان و فرزندان و بزرگان و علما و سیاستمداران و جوانان کشور و آحاد ملت، بر روی همین خط حرکت می کنند. رحمت خدا بر آن روح پاک و فکر بلندی که راه را درست تشخیص داد، درست حرکت کرد و به نتایج درست آن دست پیدا کرد.

تبیین روند تاریخی نهضت امام خمینی رحمه الله

- ❖ اهمیت تبیین ابعاد شخصیت عظیم امام (ره)
- ❖ ابعاد مختلف شخصیت امام (ره):
- ❖ ۱- مظهر نوآوری علمی و تبخر در فقه و اصول
- ❖ ۲- هوشیاری و تیزفهمی
- ❖ ۳- شهرت گریزی
- ❖ ۴- قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه کاریهای کارهای دشمن
- ❖ ۵- طراح اصلی نظام اسلامی
- ❖ مرکزیت امام (ره) در تلاشهای مخلصانه دیگران
- ❖ ۶- ابتکار ولایت فقیه و کشف افقهای جدید
- ❖ ۷- عظمت روحی
- ❖ امام (ره) در دوران بعد از تشکیل نظام اسلامی
- ❖ ۱- جامعیت امام (ره)
- ❖ ۲- اعتماد امام (ره) به مردم
- ❖ ۳- اعتقاد به معنی واقعی کلمه به مردم
- ❖ و...

تبیین روند تاریخی نهضت امام خمینی رحمه الله *

اهمیت تبیین ابعاد شخصیت عظیم امام (ره)

در خطبه اول در نظر دارم آن درکی را که در طول زمان به عنوان یک شاگرد و پیرو این مرد بزرگ احساس کردم و دیدم و لمس کردم، به شما عزیزان - بخصوص جوانان - منتقل کنم. درباره امام خیلی حرف زده ایم. همه، از دوستان، از دشمنان، از ایرانی و غیر ایرانی و مسلمان و غیر مسلمان، از این مرد بزرگ تجلیل کردند. در اینها هیچ حرفی نیست. عظمت و جلالت و شأن او برای همه مسلم است؛ اما این یک امر اجمالی است. من فکر می‌کنم نسل جوان ما - که امروز با قدرت و نشاط راه افتخار و عزتی را که این مرد بزرگ در مقابل ما باز کرد، طی می‌کند - مایل است از امام خود چیزهای بیشتری بداند. من دریافته‌ام خودم را عرض می‌کنم؛ یعنی آنچه را که به مرور زمان در طول حدود سی سال که امام را از نزدیک شناختیم در او دیدیم و در هر برهه، مظهری و بُعدی از ابعاد این شخصیت عظیم را مشاهده کردیم. از این سی و یک سال - که از دوران جوانی بنده تارحلت آن بزرگوار طول کشید - البته چهارده سال ایشان در تبعید بودند و ما به ظاهر از ایشان دور بودیم؛ اما در فضای ذهن و مسیر امام بودیم و از او جدا نبودیم. همان چهارده سال هم در واقع با امام بودیم.

ابعاد مختلف شخصیت امام (ره):

یک نکته را به شما عزیزان عرض کنم. درست است که شاگردان امام و آشنایان با امام، امام را در حد بالای با عشق و محبت دوست می‌داشتند؛ اما آنچه درباره امام گفته شده است، منشأش محبت نیست؛ محبت منشأش آن خصوصیتی است که در امام بود. نکته دوم این است که این شخصیت دارای ابعاد گوناگون، هیچ

اصرار و عجله‌ای نداشت که آن زیباییها و درخشندگیهای وجود خود را به رخ کسی بکشد. هر وقت هر جا تکلیف شرعی او را وادار به حرکتی کرد، بُعدی از ابعاد او آشکار شد. من از سال ۳۷ شروع می‌کنم؛ سالی که خودم به قم رفتم و اول بار امام را از نزدیک دیدم؛ البته قبل از آن در مشهد شنیده بودیم که در قم یک مدرّس و استاد بزرگی هست که جوان پسند و برجسته است. طلبه جوانی که به قم وارد می‌شود، دنبال استاد می‌گردد. در حوزه‌های علمیه، انتخاب استاد، اجباری نیست و هر کس طبق پسند و سلیقه خود، استاد را انتخاب می‌کند. استادی که طلاب جوان و مشتاق را در وهله اول به خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج آقا روح‌الله» شناخته می‌شد. مجموعه جوانان فاضل و درسخوان و پُرشوق در محفل درس او جمع بودند. ما در چنین فضایی وارد قم شدیم.

۱- مظهر نوآوری علمی و تبخّر در فقه و اصول

او مظهر نوآوری علمی و تبخّر در فقه و اصول بود. بنده قبل از ایشان استاد بزرگی را در مشهد دیده بودم - یعنی مرحوم آیه‌الله میلانی - که از فقهای برجسته بود. در قم هم همان وقت رئیس حوزه علمیه قم - که استاد امام هم بود؛ یعنی مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی - حضور داشت؛ بزرگان دیگری هم بودند؛ اما آن محفل درسی که دل‌های جوان و مشتاق و کوشا و علاقه‌مند به استعداد‌های خوب را جذب می‌کرد، درس فقه و اصول امام بود. یواش یواش از قدیمی‌ترها شنیدیم که این مرد، فیلسوف بزرگی هم هست و در قم درس فلسفه او، درس اول فلسفه بوده است؛ لیکن حالا ترجیح می‌دهد که فقه تدریس کند. شنیدیم که این مرد، معلّم اخلاق هم بوده است و کسانی در درس اخلاق او شرکت می‌کردند و او به تقویت فضایل اخلاقی در جوانان همت می‌گماشته است. در خلال درس در طول سالها، این را ما از نزدیک هم مشاهده کردیم. اما تا این جا شخصیت این مرد بزرگ - که باطن او سرشار از خصوصیات ناشناخته بود - برای اکثر مردم در آن روز فقط به عنوان یک استاد عالم و شاگرد پرور و یک تهذیب‌کننده اخلاق طلاب و شاگردان شناخته می‌شد.

۲- هوشیاری و تیزفهمی

در سال ۱۳۴۰ مرحوم آیه‌الله بروجردی - مرجع تقلید - در گذشت. مراجع بزرگواری بودند که مطرح شدند و دوستانشان نام آنها را می‌آوردند. این جا صحنه‌ای شد برای این که این مرد - امام بزرگوار - به همه نشان دهد این درس اخلاقی که می‌گفته است، فقط زبانی و به قصد یاد دادن به دیگران نبوده است؛ بلکه خود او اولین عامل به درسهای تهذیب نفس است. همه دیدند، همه فهمیدند و تصدیق کردند که این مرد از مقام و از مطرح شدن برای ریاست - حتی اگر آن ریاست، مرجعیت باشد که یک ریاست روحانی و معنوی است - رویگردان است و برای مقام و منصب و رتبه و شخصیت، هیچ‌گونه تلاشی نمی‌کند؛ بلکه اگر دیگران هم بخواهند برای مطرح کردنش تلاش کنند، تا آن جایی که بتواند، مانع می‌شود. بعد از گذشت حدود یک سال و نیم از فوت مرحوم آیه‌الله بروجردی، نهضت اسلامی شروع شد. در نیمه دوم سال ۱۳۴۱، بُعد دیگری از

ابعاد این شخصیت آشکار شد و آن، هوشیاری و تیزفهمی و توجه به نکاتی که غالباً به آن توجه نمی کردند، از یک طرف، و غیرت دینی از طرف دیگر بود. خیلیها شنیدند که تصویب نامه دولت در آن زمان، قید مسلمان بودن و سوگند به قرآن برای فرد منتخب را حذف کرده است؛ اما خیلی توجه نکردند که این چقدر اهمیت دارد! در عین حال خیلی اهمیت داشت؛ دلیل هم این بود که با آن که مجلس شورای ملی آن زمان، مجلس فرمایشی بود - خودشان آن را تشکیل می دادند و فقط نامزدهای مورد قبول خودشان به آن جامی رفتند؛ در واقع انتخاب مردم وجود نداشت و انتصاب بود - با وجود این، آن رژیم جرأت نکرد آن مقررات مربوط به انجمنها و این مسأله اسلام را در وقتی که مجلس سرپا بود، مطرح کند. ترسیدند منعکس شود؛ گذاشتند در غیاب مجلس! مجلس را در آن وقت منحل کرده بودند؛ مجلس نبود؛ در محیط در بسته ای آن را تصویب کردند! این نشان می داد که پشت سر این قضیه، حرفهای فراوان و مقاصد زیادی هست. این را کسی نمی فهمید؛ اما امام این را فهمید و ایستاد. غیرت دینی او، او را وادار کرد که در این مسأله پیشقدم شود و مبارزه برای این زاویه علی الظاهر کوچک ضد اسلامی را شروع کند و این کار را هم کرد.

۳- شهرت گریزی

در همین جا یک نکته مهم وجود دارد: امام بزرگوار حتی در میدان مبارزه هم نخواست جلو بیفتد. خود ایشان برای ما نقل کرد که در اول شروع نهضت، در منزل مرحوم آیه الله حائری، با یک نفر از مراجع معروف وقت آن زمان، و از همدوره های خودشان صحبت می کرد و به ایشان گفته بود شما جلو بیفتید، ما هم دنبال شما حرکت می کنیم. امام مقصودش این بود که تکلیف انجام بگیرد؛ آن فریضه ای را که بر دوش خود احساس می کرد، انجام دهد؛ جلو افتادن مطرح نبود. البته دیگران آن قدر توانایی و جرأت ورود در این میدان را نداشتند و به امام نمی رسیدند. امام به طور طبیعی رهبری و سررشته داری این حرکت را برعهده داشت؛ این مبارزه را شروع کرد و به مردم تکیه نمود. تا آن روز هیچ کس از بزرگان حوزه های علمیه و مراجع حدس نمی زد که یک حرکت دینی، آن هم در آن دوران اختناق، این گونه بتواند پشتیبانی مردم را جلب کند؛ اما امام در همان روز گفت من به پشتیبانی این مردم حرکت می کنم؛ مردم را به این بیابان قم دعوت می کنم. او می دانست که اگر مردم را دعوت کند، از همه ایران جمع می شوند و یک اجتماع عظیم غیر قابل علاج برای دولت آن وقت و رژیم فاسد به وجود می آورند.

۴- قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه کاریهای کارهای دشمن

در این جا بُعد جدیدی از شخصیت این مرد آشکار شد؛ بعد قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه کاریهای کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان؛ این بُعد در عمل آشکار شد. سال ۴۲ - یعنی سال دوم مبارزه - رسید که سال شدت عملها و فشارها و کشتارها بود. آن جا امام مثل خورشیدی در آسمان امیدهای ملت ایران ظاهر شد. در موضع یک مرد فداکار و یک آتشفشان؛ کسی که همه احساسات

لازم برای یک مرد جهانی، یک مرد میهنی، یک مرد اسلامی در او جمع است؛ شجاعت لازم را دارد، قدرت بسیج عظیم مردم را دارد، صراحت لازم را دارد؛ چه در اوّل سال ۴۲ که ماجرای حمله کماندوها به مدرسه فیضیه و حوزة قم پیش آمد و چه در پانزده خرداد سال ۴۲ که عظمت امام در آن جا آشکار شد. ملت ایران ناگهان احساس کرد که پشت و پناهی دارد؛ قلّه عظیمی وجود دارد که می تواند به او چشم بدوزد و به آن توجّه کند. امام در پانزده خرداد این گونه در صحنه ظاهر شد. بعد از این ماجرا، زندان و تبعید و فشارهای فراوان وجود داشت و امام در آن روز جوان نبود. برای ما که آن روز جوان بودیم، زندان رفتن و ماجراهای مشکلی که پیش می آمد، خیلی سخت نبود؛ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود؛ اما امام در آن سال - در سال شروع مبارزه - شصت و سه ساله بود. در شصت و سه سالگی، این مرد با جوشش احساس خود می توانست احساسات یک ملت را به جوشش آورد. زندان رفتن و تبعید شدن برای کسی در آن سنین، کار آسانی نبود؛ اما این فداکاری و از خودگذشتگی و خطرپذیری در این مرد آشکار شد. این هم بُعد جدیدی بود؛ یعنی مردی که در راه آرمانهای بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمی توانست مانع راه او بشود. این جریان، در سال ۴۲ و ۴۳ به تبعید چهارده ساله امام، اول به ترکیه و بعد هم به عراق منتهی شد.

۵- طراح اصلی نظام اسلامی

در دوران تبعید امام، ابعاد تازه‌ای از شخصیت این مرد کم‌نظیر و حقیقتاً استثنایی در زمان ما بروز کرد؛ چیزهایی که انسان در زندگی شخصیت‌های بزرگ، بعضی از آنها را به ندرت مشاهده می کند. اولاً او در موضع یک طراح فکری - و به قول معروف مذاکرات سیاسی، یک تئوریسین - قرار می گیرد که طرح یک حکومت را، طرح یک نظام را، طرح یک بنا و دستگاه جدید را می ریزد؛ آن هم طرحی که هیچ گونه سابقه موجود و محسوسی در مقابل چشم ندارد. بنای اسلامی، با توجّه به نیازهای دنیای جدید و مسائلی که در دنیا مطرح است؛ ترکیب این مسائل، می شود طراحی یک نظام. ثانیاً این مرد با این که در ایران نبود، اما از راه دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را به معنای واقعی کلمه رهبری کرد. در طول این مدت چهارده سال و بخصوص چند سال اخیر - یعنی از سالهای ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ - شدت اختناق و فشار زیاد بود. گروهها، گروهکها، احزاب سیاسی گوناگون، مخفی، مبارز، سیاسی، غیرسیاسی به وجود می آمدند و همه در زیر فشارهای رژیم مضمحل می شدند و از بین می رفتند و یا بی خاصیت می شدند. با این که بعضی از آنها پشتیبانهای سیاسی بین‌المللی هم داشتند؛ به بلوک شرق و غرب - بخصوص به شرق - متصل بودند و از آن جا هدایت و کمک می شدند، اما نهضت امام متکی به تشکیلات حزبی نبود. امام هیچ تشکیلات حزبی در داخل کشور نداشت؛ عده‌ای شاگردان و دوستان و آشنایان به فکر او و متن مردم بودند. امام هم وقتی در اعلامیه‌ها پیام می داد، مخاطب او، آن عده دوستان و آشنایان مخصوص او نبودند؛ مخاطب او، متن مردم بودند. او با متن مردم و توده مردم حرف می زد و آنها را هدایت می کرد.

❁ مرکزیت امام (ره) در تلاشهای مخلصانه دیگران

او توانست در طول چهارده، پانزده سال، از راه دور این مایه فکر اسلامی و نهضت اسلامی را اولاً در ذهنها عمیق کند، ثانیاً در سطح جامعه توسعه دهد؛ دل‌های جوانان و ذهنها و ایمانها را به آن متوجه کند، تا زمینه برای آن انقلاب عظیم آماده شود. خلیهها در داخل کشور کارهای بزرگ و مخلصانه و فداکارانه‌ای انجام می‌دادند، اما اگر مرکزیت امام نبود، هیچکدام از این کارها نبود؛ همه این تلاشها شکست می‌خورد و همه این انسانها از نفس می‌افتادند. آن کسی که از نفس نمی‌افتاد، او بود و دیگران هم به نیروی او قوت و نیرو می‌گرفتند. بعد هم هدایت حقیقی یک حرکت انقلابی و یک نهضت بزرگ در طول مدت چهارده سال و عبور دادن آن از آن همه عقبات گوناگون توسط آن بزرگوار بود. طوری شد که افکار غیراسلامی و ضد اسلامی به انزوا گراییدند و به حاشیه رانده شدند؛ روزه‌روز فکر اسلامی و این تفکر منطقی و مستحکم و قوی، غلبه خود را بر افکار دیگر ثابت و آشکار کرد.

❁ ۶- ابتکار ولایت فقیه و کشف افقهای جدید

در همه قضایای مهم، حضور امام محسوس بود. در سال ۱۳۴۷، امام در نجف - مرکز فقاقت - فکر «ولایت فقیه» را با اتکاء به مایه‌های محکم فقهی از آب درآورد. البته «ولایت فقیه» جزو مسلمات فقه شیعه است. این که حالا بعضی نیمه‌سوادها می‌گویند امام «ولایت فقیه» را ابتکار کرد و دیگر علما آن را قبول نداشتند، ناشی از بی‌اطلاعی است. کسی که با کلمات فقها آشناست، می‌داند که مسأله «ولایت فقیه» جزو مسائل روشن و واضح در فقه شیعه است. کاری که امام کرد این بود که توانست این فکر را با توجه به آفاق جدید و عظیمی که دنیای امروز و سیاستهای امروز و مکتبهای امروز دارند، مدون کند و آن را ریشه‌دار و مستحکم و مستدل و باکیفیت سازد؛ یعنی به شکلی درآورد که برای هر انسان صاحب نظری که با مسائل سیاسی روز و مکاتب سیاسی روز هم آشناست، قابل فهم و قابل قبول باشد.

❁ ۷- عظمت روحی

عزیزان من! در ایران، در آن دوران چهارده ساله - بخصوص در این سالهای آخر - مبارزان اسلامی احساس تنهایی نمی‌کردند؛ همیشه احساس می‌کردند که امام با آنها مرتبط و متصل است. در ماجرای درگذشت فرزندش، یک بُعد دیگر از ابعاد این شخصیت عظیم آشکار شد. خلیهها بزرگند، عالمنند، شجاعند؛ اما آن کسانی که این عظمتها در درون عواطف و در زوایا و اعماق دل آنها امتداد داشته باشد، خیلی زیاد نیستند. مرد مستنی در سنین نزدیک به هشتاد سال در آن زمان، وقتی که فرزند فاضل و برجسته‌اش از دنیا رفت - که در واقع پسر او هم یک پسر برجسته و یک فاضل و یک عالم ممتاز و یک امید آینده بود - جمله‌ای که از او نقل شد و شنیده شد، این بود که «مرگ مصطفی از الطاف خفیه الهی است!» او این را مهربانی الهی و لطف پنهانی خدا تلقی کرد؛ این طور فهمید که خدا به او لطف کرده است؛ آن هم لطفی پنهانی! ببینید چقدر

عظمت می‌خواهد در یک انسان! این مصیبت‌ها و این سختی‌ها و این شدت‌هایی که در دوران انقلاب بر این مرد بزرگ وارد آمد و او مثل کوه استواری آنها را تحمل کرد، ریشه‌اش در همین عظمت روحی است که در مقابل مرگ عزیزی این چنین، چنین برخوردی پیدا می‌کند. بعد هم قضیه تبعید ایشان از عراق و شروع هجرت آن بزرگوار به کویت و سپس به فرانسه بود؛ که فرمود اگر به من اجازه اقامت در کشوری ندهند، فرودگاه به فرودگاه خواهم رفت و پیامم را به همه دنیا خواهم رساند. آن عظمت، آن شجاعت، آن شرح صدر، آن استقامت کم‌نظیر، آن قدرت رهبری الهی و پیامبرگونه، باز خودش را در این جان‌نشان داد. این هم بُعد جدیدی از ابعاد شخصیت آن بزرگوار بود. بعد هم که جریان آمدن ایشان به ایران و مواجهه با آن قضایا و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بود.

❁ امام (ره) در دوران بعد از تشکیل نظام اسلامی

آنچه که در دوره بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب مهم‌تر و عظیم‌تر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران، امام - این شخصیت برجسته و ممتاز - در دو بُعد و دو چهره مشاهده می‌شود: در دوران حکومت، یک چهره رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره یک زاهد و عارف. ترکیب این دو با هم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم انسان نمی‌تواند دیگر پیدا کند. اینها حقایقی است که ملت ایران در طول سالهای متمادی آنها را لمس کرده؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت می‌کرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسانهایی از این قبیل می‌خواست و می‌پسندید؛ همان طور که خود او مظهر اعلای آن بود. در چهره یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، بالبتکار و دریادل بود. امواج سهمگین در مقابل او چیز کم‌اهمیتی محسوب می‌شدند. هیچ حادثه سنگینی نبود که بتواند او را شکست دهد و او را به خضوع در مقابل آن حادثه وادار کند. در همه حوادث تلخ و سختی که در زمان دهساله رهبری آن بزرگوار پیش آمد - که خیلی زیاد هم بود - امام از همه آنها بزرگتر بود. هیچکدام از این حوادث - آن جنگ، آن حمله امریکا، آن توطئه‌های کودتا، آن ترورهای عجیب و غریب، آن محاصره اقتصادی، آن کارهای عظیم و عجیب و غریبی که دشمنان با شکلهای مختلف می‌کردند - نمی‌توانست این مرد بزرگ را دچار احساس ضعف و شکست کند او از همه این حوادث، قوی‌تر و بزرگتر بود. او معتقد به مردم بود؛ حقیقتاً به آراء مردم اعتقاد داشت. او به نظر و به رأی مردم اعتقاد داشت - که من در خطبه دوم در این باره مختصری صحبت خواهم کرد - به مردم از صمیم قلب علاقه داشت؛ به مردم عشق می‌ورزید و آنها را دوست می‌داشت.

❁ ۱- جامعیت امام (ره)

اغلب آن صفاتی که در زمامداران مختلف عالم، مایه امتیاز آنها می‌شد، تا آن جایی که من بررسی کردم و

به ذهنم رسیده است - ما در امام مجتمع می‌دیدیم. او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن شناس بود، هم به دوست اعتماد می‌کرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد می‌کرد، قاطع وارد می‌کرد. همه صفات و خصوصیتی که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حساس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود.

۲- اعتماد امام (ره) به مردم

امام به مردم اعتماد داشت. انقلاب که پیروز شد، امام می‌توانست اعلان کند که نظام ما، یک نظام جمهوری اسلامی است؛ از مردم هم هیچ نظری نخواهد؛ هیچکس هم اعتراضی نمی‌کرد؛ اما این کار را نکرد. درباره اصل و کیفیت نظام، رفرا ندیم راه انداخت و از مردم نظر خواست؛ مردم هم گفتند «جمهوری اسلامی»؛ و این نظام تحکیم شد. برای تعیین قانون اساسی، امام می‌توانست یک قانون اساسی مطرح کند؛ همه مردم، یا اکثریت قاطعی از مردم هم یقیناً قبول می‌کردند. می‌توانست عده‌ای را معین کند و بگوید اینها بروند قانون اساسی بنویسند؛ هیچکس هم اعتراض نمی‌کرد؛ اما امام این کار را نکرد. امام انتخابات خبرگان را به راه انداخت و حتی عجله داشت که این کار هر چه زودتر انجام گیرد. در انقلابهای دنیا - که البته غالباً هم کودتاست و انقلاب نیست - کسانی که در رأس قرار می‌گیرند و زمامدار می‌شوند، برای خودشان یک سال، دو سال فرصت قرار می‌دهند و می‌گویند تا وقتی آماده برای رأی گیری شویم، باید این مدت بگذرد؛ اما همان را هم غالباً تمدید می‌کنند! امام دو ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که اولین انتخابات - یعنی همان رفرا ندیم جمهوری اسلامی - را به راه انداخت. یکی، دو ماه بعد، انتخابات خبرگان قانون اساسی بود. چند ماه بعد، انتخابات ریاست جمهوری بود. چند ماه بعد، انتخابات مجلس بود. در یک سال - که همان سال ۵۸ باشد - امام چهار بار از آراء مردم برای امور گوناگون استفسار کرد: برای اصل نظام، برای قانون اساسی نظام - که قانون اساسی یک بار خبرگانش انتخاب شدند، یک بار خود قانون اساسی به رأی گذاشته شد - برای ریاست جمهوری و برای تشکیل مجلس شورای اسلامی.

۳- اعتقاد به معنی واقعی کلمه به مردم

امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آراء مردم بود؛ یعنی آنچه را که مردم می‌خواهند و آرائشان بر آن متمرکز می‌شود. البته در این کارها هیچ وقت سررشته کار را هم به دست سیاستبازان نمی‌داد. مردم، غیر از سیاستبازانند؛ غیر از مدعیان سیاستند؛ غیر از مدعیان طرفداری مردمنند. امام به مردم اعتماد داشت. خیلی از گروهها و احزاب و داعیه‌داران و سیاستبازان و حزب‌بازان و امثال اینها بودند؛ امام به اینها کاری نداشت؛ میدان هم به اینها نمی‌داد که بیایند زباده‌طلبی کنند و به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند؛ لیکن به آراء مردم احترام می‌گذاشت. جنگ پیش آمد؛ در نقش فرمانده نیروهای مسلح ظاهر شد. مسأله محاصره‌ی اقتصادی پیش آمد؛ امام پشتیبان کامل بود؛ پشتیبان روحی دستگاههای دولتی. اول انقلاب، برای

کارهای گوناگون و برای حمایت از مستضعفان و محرومان، امام دستورات فراوانی داد و کارهای زیادی انجام گرفت. مؤسساتی مثل جهاد سازندگی، مثل بنیاد مسکن، مثل کمیته امداد، مثل بنیاد مستضعفان و جانبازان و مثل بنیاد پانزده خرداد، برای کمک‌رسانی به مردم تشکیل شد. مسائلی که برای امام در حاکمیت و در اداره کشور مطرح بود، اینها بود. این، بُعد حاکم و رهبر بودن امام در موضع یک انسان مقتدر و یک انسان بالاراده بود؛ انسانی که اگر جنگ پیش بیاید، می‌تواند تصمیم بگیرد؛ اگر صلح هم باشد، می‌تواند تصمیم بگیرد. برای اداره یک کشور و برای مواجهه با دشمنان، می‌تواند تصمیم‌گیری کند. اما همین انسان، در چهره زندگی شخصی و خصوصی خود، یک انسان زاهد و عارف و منقطع از دنیاست. البته منظور، دنیای بد است؛ همان چیزی که خود او می‌گفت دنیای بد، آن چیزی است که در درون شماست. این ظواهر طبیعت - زمین و درخت و آسمان و اختراعات و امثال اینها - دنیای بد نیست. اینها نعمتهای خداست؛ باید اینها را آباد کرد. دنیای بد، آن خودخواهی، آن افزون‌طلبی و آن احساس تعلقی است که در درون انسان است. امام از این دنیای بد به کلی منقطع بود.

۴- برای خودش هیچ چیز نمی‌خواست

او برای خودش هیچ چیز نمی‌خواست. برای تنها پسرش - که عزیزترین انسانها برای امام، مرحوم حاج احمد آقا بود و ما بارها این را از امام شنیده بودیم که می‌فرمود اعزّ اشخاص در نظر من ایشان است - در ده سال آن حکومت و آن زمامداری و رهبری بزرگ، یک خانه نخرید. ما مکرّر رفته بودیم و دیده بودیم که عزیزترین کس امام، در آن باغچه‌ای که پشت حسینیه منزل امام بود، داخل دو، سه اتاق زندگی می‌کرد. آن بزرگوار برای خود، زخارف دنیوی و ذخیره و افزون‌طلبی نداشت و نخواست؛ بلکه بعکس، هدایای فراوانی برایش می‌آوردند که آن هدایا را در راه خدا می‌داد. آنچه را هم که داشت و متعلق به خود او بود و مربوط به بیت‌المال نبود، برای بیت‌المال مصرف می‌کرد. همان آدمی که حاضر نبود آن روز با ده پانزده میلیون تومان خانه قابل قبولی برای پسرش بخرد - ولو از مال شخصی خودش - صدها میلیون تومان مال شخصی خود را برای نقاط مختلف - برای آبادانی، برای کمک به فقرا، برای رسیدگی به سیل‌زدگان و جاهای مختلف دیگر - صرف می‌کرد. ما اطلاع داشتیم که در مواردی پولهای شخصی خود امام بود که به اشخاصی داده می‌شد، تا بروند آنها را مصرف کنند؛ اینها هدایایی بود که مریدان و علاقه‌مندان و دوستان برای امام آورده بودند.

۵- اهل عبادت و گریه‌های نیمه شب

او اهل خلوت، اهل عبادت، اهل گریه نیمه‌شب، اهل دعا، تضرّع، ارتباط با خدا، شعر و معنویت و عرفان و ذوق و حال بود. آن مردی که چهره باصلابتش دشمنان ملت ایران را می‌ترساند و به خود می‌لرزاند - آن سَدّ مستحکم و کوه استوار - وقتی که مسائل عاطفی و انسانی پیش می‌آمد، یک انسان لطیف، یک انسان کامل و یک انسان مهربان بود. من این قضیه را نقل کرده‌ام که یک وقت در یکی از سفرهای من، خانمی خودش را

به من رساند و گفت از قول من به امام بگویید که پسر من در جنگ اسیر شده بود و اخیراً خبر کشته شدن او را برابم آورده‌اند. من پسر کشته شده، اما برایم اهمیت ندارد؛ برای من سلامت شما اهمیت دارد. آن خانم این جمله را در اوج هیجان و احساس به من گفت. من خدمت امام آمدم و داخل رفتم. ایشان سر پا ایستاده بود و من همین مطلب را برایش نقل کردم؛ دیدم این کوه استوار و وقار و استقامت، مثل درخت تناوری که ناگهان بر اثر توفانی خم شود، در خود فرورفت. مثل کسی که دلش بشکند؛ روح و جان و جسم او تحت تأثیر این حرف مادر شهید قرار گرفت و چشمانش پُر از اشک شد!

شبی در یک جلسه خصوصی، با دو سه نفر از دوستان، منزل مرحوم حاج احمد آقا نشسته بودیم؛ ایشان هم نشسته بود. یکی از ما گفتیم: آقا شما مقامات معنوی دارید، مقامات عرفانی دارید؛ چند جمله‌ای ما را نصیحت و هدایت کنید. آن مرد با عظمتی که آن گونه اهل معنا و اهل سلوک بود، در مقابل این جمله ستایش گونه کوتاه یک شاگردش - که البته همه ما مثل شاگردان و مثل فرزندان امام بودیم؛ رفتار ما مثل فرزند در مقابل پدر بود - آن چنان در حال حیا و شرمندگی و تواضع فرو رفت که اثر آن در رفتار و جسم و کیفیت نشستن او محسوس شد! در حقیقت ما شرمنده شدیم که این حرف را زدیم که موجب حیا امام شد. آن مرد شجاع و آن نیروی عظیم، در قضایای عاطفی و معنوی، این گونه متواضع و با حیا بود.

۶- عمل و پایبندی به دین

نکته آخری که من می‌خواهم عرض کنم، این است که همه اینها را امام از عمل به دین، از پایبندی به دین، از تقوا و از مطیع امر خدا بودن داشت. خود او هم بارها این مضمون را در گونه‌گونه کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان می‌کرد: هر چه هست، از خداست. او همه چیز را از خدا می‌دانست؛ هضم در اراده خدا بود؛ حل در حکم الهی بود؛ انقلاب را خدا پیروز کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ دل‌های مردم را خدا جمع کرد. او همه چیز را از منظر الهی می‌دید و عامل به احکام بود؛ خدای متعال هم درهای رحمت را به روی او باز کرد.

راه امام، راه نجات کشور

❖ اهمیت راه و خطّ امام

❖ شاخصه های خط و راه امام (ره):

❖ (۱) اسلام و دین

❖ (۲) اتکاء به مردم

❖ (۳) عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف

و محروم

❖ (۴) دشمن شناسی

❖ (۵) حساسیت نسبت به امت اسلامی

❖ الطاف الهی و نشانه های رحمت خدا

راه امام، راه نجات کشور*

اهمیت راه و خط امام

بعد از رحلت امام، ما اعلام کردیم که راه امام و خط امام را ادامه می‌دهیم. اولاً این حرکت، از روی تقلید نبود؛ حرکتی براساس تجربه و آگاهی بود. راه امام، راه نجات این کشور، هم در آغاز انقلاب، هم در دوران حیات آن بزرگوار بود و هم امروز هست؛ اما راه امام چیست؟ مقصود ما از راه امام کدام است؟

شاخصه های خط و راه امام(ره):

۱) اسلام و دین

من چند مشخصه مهم را از مجموعه‌ای که ما آن را راه امام و خط امام به حساب می‌آوریم، عرض می‌کنم. چند مطلب از نظر امام، در درجه اول بود؛ اول، اسلام و دین بود. امام، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد. انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این نظام را قبول کردند، این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه اسلامی بود. سرّ موفقیت امام این بود که صریح و بدون پرده‌پوشی، اسلام را روی دست گرفت و اعلام کرد من می‌خواهم برای اسلام کار کنم و همه چیز در سایه اسلام است. قبل از دوران انقلاب ما کسانی در کشور ما و در بعضی کشورهای دیگر بوده‌اند که حقیقتاً به اسلام اعتقاد داشتند، اما جرأت نمی‌کردند، یا نمی‌خواستند صریحاً اسلام را مطرح کنند؛ تحت نامهای دیگری وارد میدان می‌شدند و عموماً شکست خوردند. علت این که امام پیروز شد، چون هدف خود را که

حاکمیت اسلام است، صریح بیان کرد. البته اسلام که امام فرمود، در دو بخش قابل توجه است: یکی بخش اسلام در قالب نظام. امام، این جا خیلی سختگیر بود و به یک کلمه کم یا زیاد، راضی نمی شد؛ به یک مسامحه، چه در مسائل اقتصادی، چه غیره، راضی نمی شد. همه جا مَرّ اسلام. نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، قضاوت اسلامی و دستگاههای گوناگون باید بر طبق مصالح، خطّ اسلام و راه حاکمیت اسلام را دنبال کنند. امام، این را دنبال می کرد و تا آن جا که توانست، تلاش کرد. چهره دوم در مورد پابندی به اسلام، عمل فردی اشخاص است. در این جا دیگر آن صلابت و قاطعیت و اعمال قدرت، وجود ندارد. این جا موعظه، نصیحت، زبان خوش و امر به معروف است. امام، به این عقیده داشت. پس اول چیزی که در خطّ امام، مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است.

۲) انکاء به مردم

دومین مطلب، تکیه به مردم است - همان طور که عرض کردم - هیچ کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه مشروعیت می دانند؛ لاقلاً پایه اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سر پا نمی شود و نمی ماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است. امام، مجمع تشخیص مصلحت را درست کرد؛ یعنی آراء مردم که مظهرش مجلس شورای اسلامی است، و حدود اسلامی که مظهرش شورای نگهبان است، اگر بین آنها اختلافی پیدا شد، مجمع تشخیص مصلحت تصمیم می گیرد. آن جایی که مصلحت کشور اقتضا کند، آن را بر این مقدم می دارد. مجمع تشخیص مصلحت را هم امام درست کرد. آنچه که در مورد آزادی گفته می شود، همه در شکم این حرکت عظیم و این سرخط مهمی است که امام برای این کشور به وجود آورد. حالا عده های تازه از راه رسیده، می خواهند آزادی، آزادی فکر و آزادی رأی را به امام و دستگاه امام و نظام اسلامی، تازه یاد بدهند و تلقین کنند! این خطی بود که امام، حرکت نظام اسلامی را بر این خط قرار داد. بحمدالله مسؤولان کشور - چه امروز، چه در دوره قبل و دولت قبل - که همه شاگردان امام بودند و دست پروردگان امام هستند، این چیزها را از بن دندان دانستند و باور کردند؛ نمی خواهد دیگری بیاید و به اینها یاد بدهد.

۳) عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم

سوم از مشخصه های خطّ امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می دانست. امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت می دانست؛ همین طور هم هست و همان طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی شود این را در چه

دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می‌شود؟! حالا عده‌ای از آن طرف در می‌آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست! بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز - مثلاً مسکو - بود. اگر مردم آن روز نان داشتند - همین نان معمولی - آن انقلاب پیش نمی‌آمد. انقلاب ما این‌گونه نبود، انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم پردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف. البته امروز کنار گودنشینها، آنهایی که همیشه بلند گوشه‌ای بنشینند و دستور و نسخه صادر کنند - بدون این که بدانند واقعیتها چگونه است، یا هیچ مسؤولیتی احساس کنند - می‌گویند عدالت اجتماعی تحقق پیدا نکرده است! البته عدالت اجتماعی کامل، بلاشک تحقق پیدا نکرده است - خیلی باید مجاهدت کنیم - اما نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه غلطی را که در این مملکت بود - که هیچ حقی برای روستا و روستانشین و شهرهای دور دست و طبقات محروم قائل نبودند - تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت. امروز بیشترین اهتمام دولت خدمتگزار ما برای نقاط محروم است. در طول دوران انقلاب، همیشه دولتها این طور بودند؛ بیشترین اهتمامشان برای مردم محروم و نقاط محروم بود و کارهای فراوان و خدمات عظیمی هم انجام گرفته است. اینها به برکت همین عنصر عدالت اجتماعی در خط امام است.

۴ دشمن شناسی

یک عنصر دیگر، دشمن شناسی و فریب نخوردن از دشمن است. اولین کار دشمن این است که تبلیغ می‌کند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهانخواران را از این سفره به یغما رفته سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، می‌بینیم که دشمنی می‌کنند - در تبلیغات، در محاصره اقتصادی - هر کاری که می‌توانند در تقویت دشمن علیه نظام، می‌کنند؛ صریح هم می‌گویند! در این مملکت، آنچه که برای امریکا، برای استکبار و برای جهانخواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردی است که این مردم به سینه دشمنان این کشور و جهانخواران زده‌اند؛ این را نمی‌خواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. امام، دشمن را می‌شناخت؛ روشهای سیاسی و روشهای تبلیغاتی آنها را می‌فهمید، می‌شناخت و در مقابل آنها محکم می‌ایستاد.

۵ حساسیت نسبت به امت اسلامی

محور دیگر، علاقه و حساس بودن به سرنوشت مسلمانان عالم است. مسلمانان عالم، عقل استراتژیک نظام اسلامی به حساب می‌آیند. الان ملتها در آسیا، در افریقا و در همین منطقه خود ما طرفدار نظام اسلامی هستند. این اظهار ارادتی که به امام و به انقلاب می‌کنند، سابقه ندارد؛ نه امروز نسبت به هیچ کشوری در



دنیا وجود دارد و معمول است و نه در گذشته چنین چیزی بوده است. این به خاطر اسلام است. امام روی سرنوشت برادران مسلمان، حساس بود. و بالاخره تعالی علمی و سازندگی کشور. اینها سرفصلهای عمده خط امام است؛ اسلام، مردم، پیشرفت کشور، دشمنی با دشمنان و حساسیت نسبت به امت اسلامی در آن هست. اینها خط امام است؛ ما به اینها پایبند بودیم و هستیم و به فضل پروردگار خواهیم بود. در این سالهای بعد از رحلت امام، چه دولتهایی که سر کار بودند - چه دولت قبلی، چه دولت امروز ما - چه دستگاه قضایی، چه مجلس شورای اسلامی و دستگاه قانونگذاری، بحمدالله کارهای بزرگی کردند و خدمات بزرگی انجام دادند. جزئیات کارهای اینها آن قدر زیاد و صفحه عملیاتی که مسؤولان این کشور در قوای مختلف - بخصوص در قوه مجریه که بارهای سنگین بر دوش آنهاست - کردند به قدری درخشان و زیاد است که هر منصفی اینها را نگاه کند، تحسین خواهد کرد. من اگر بخواهم الان هم آنچه در ذهنم هست بگویم، یک صفحه طولانی است. اینها را باید خود آقایان بیایند به مردم بگویند و توضیح دهند، تا ببینند که چه زحماتی کشیده اند! این به برکت پیروی از همین راه امام است. خدای متعال هم به این کشور تفضل کرده است. این بنایی که امام ساخت، بحمدالله مستحکم مانده است و پایه‌های محکم و ریشه عمیقی دارد. آثاری را هم که خدای متعال و دست قدرت الهی برای این مردم آورد، خیلی عظیم است.

🕌 الطاف الهی و نشانه‌های رحمت خدا

به لطف الهی، پنجاه هزار اسیر ما بی دغدغه برگشته‌اند. بلوک شوروی که یک مزاحم و معارض بود، در طول این سالها متلاشی شد. به لطف الهی ملت ما در میدانهای مختلف، به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کرد. انتخاباتهای گوناگون و حضورهای برجسته - همین حضور سی میلیونی مردم در انتخابات ریاست جمهوری در دو سال قبل از این - الطاف الهی و نشانه‌های رحمت خداست. ما افتخار می‌کنیم که ملتی جوان و زنده و با نشاط داریم. افتخار می‌کنیم که مسؤولان مؤمن، بی‌طمع، بی‌غرض و مردمی، قوای این کشور را اداره می‌کنند. افتخار می‌کنیم که علی‌رغم دشمنی استکبار و علی‌رغم این همه توطئه، ملت و مسؤولان ما بحمدالله توانسته‌اند راه طولانی و دشوار انقلاب را پیش ببرند و مملکت را بسازند. روز به روز این سازندگی، بیشتر خواهد شد؛ روز به روز ان شاءالله به سمت عدالت اجتماعی، پیشتر خواهیم رفت؛ روز به روز پایه‌های اسلام و تعبد به اسلام در این کشور، محکمتر خواهد شد. آن کسانی که گوش خوابانده‌اند که شاید مردم از اسلام و جمهوری اسلامی برگردند، بدانند که سرنوشت آنها سرنوشت همان کسانی است که اول انقلاب خیال می‌کردند انقلاب تا سه ماه دیگر، تا شش ماه دیگر، تا یک سال دیگر از بین خواهد رفت! یا خیال می‌کردند که اول جنگ می‌توانند در ظرف یک هفته، ایران را فتح کنند! همان طور که آنها تودهنی خوردند، همان طور که از ملت ایران سیلی خوردند، همان طور که ناکام شدند، همان طور که غلط بودن تهدیدهایشان برایشان واضح شد، آن کسانی هم که امروز خیال می‌کنند و به انتظار آن نشست‌اند که این مردم از دینشان، از قرآنشان، از اسلامشان، از روحانیتشان و از امامشان روی برگردانند، تودهنی خواهند خورد؛

آنها هم سیلی خواهند خورد! آینده، مال این ملت است. آینده، مال این کشور و مال اسلام است. روزبه روز به فضل پروردگار، خورشید درخشانِ اسلام، درخشانتر خواهد شد و مردم زیادتیری را گرما خواهد داد و نورانی خواهد کرد.

اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن ستیزی عناصر اصلی مد نظر امام (ره) در مهندسی نظام

- ❖ اهمیت آشنایی با راه و رسم و تعالیم امام (ره)
- ❖ عناصر اصلی مهندسی نظام جمهوری اسلامی:
- ❖ ۱- اسلام، اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده نظام
- ❖ مقابله با حضور واقعی اسلام بعد از پیروزی انقلاب
- ❖ ایمان عمیق امام (ره) بزرگوار به رسالت اسلام
- ❖ تأکید امام (ره) بر اسلامیت نظام
- ❖ ۲- عنصر مردم
- ❖ نقش تعیین کننده مردم در نظام اسلامی
- ❖ عدم انفکاک اسلام گرایی از مردم گرایی
- ❖ تکلیف مسئولان در قبال مردم
- ❖ بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور
- ❖ آگاه‌سازی دائمی مردم
- ❖ تحریف، یکی از اهداف مهم دشمن از اول انقلاب
- ❖ ۳- نظم و قانون
- ❖ داشتن حالت تسلیم در برابر قانون
- ❖ و...

اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن ستیزی عناصر اصلی مد نظر امام (ره) در مهندسی نظام

اهمیت آشنایی باراه و رسم و تعالیم امام (ره)

قال الله الحكيم في كتابه: بسم الله الرحمن الرحيم. وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين^۱

خداوند متعال در توصیف پیامبران و راهنمایان بشر و کسانی که پرچم هدایت و ارشاد نسلهای انسانی را بر دوش داشتند، از جمله این خصوصیات را بیان می کند: اینها - طبق خصوصیات ذکر شده در قرآن - امام و پیشوای هدایتند و از سوی خداوند، کار نیک و عمل به خیرات به آنها وحی می شود؛ اقامه ی صلوات و ایتاء زکات می کنند و افتخار بزرگشان این است که بنده خدا هستند و با عمل خود، راه بندگی را به بشریت تعلیم می دهند. امروز در دوازدهمین سالگرد غروب خورشید درخشان امامت و ولایت در دوران معاصر - یعنی رهبر عظیم الشان و بزرگوار ما، امام خمینی - وقتی در سیره و عملکرد این مرد بزرگ و جانشین پیامبران دقت می کنیم، خصوصیات امام هدایت را در زندگی و سیره و تعالیم او به وضوح می یابیم. آنچه که امروز برای همه ما بسیار اهمیت دارد، این است که باراه و رسم و تعالیم امام - که در واقع تشکیل دهنده حقیقی شخصیت اوست - آشنا شویم؛ اگر چه ملت ما بحمدالله این سرمایه معنوی را برای خود حفظ کرده است.

عناصر اصلی مهندسی نظام جمهوری اسلامی:

امروز من در این مجمع عظیم، یک بُعد از شخصیت امام را به عرض شما برادران و خواهران و همه ملت ایران

می‌رسانم. چون سیره امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه کسانی است که می‌خواهند در سایه اسلام، برای خود زندگی شایسته انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست - یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب - یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره عظیم، باید شکر این نعمت را بگزاریم. این بُعد از شخصیت امام عبارت است از این که امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزایی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن‌ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به جای رژیم پوسیده سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقت تمام کار گذاشت؛ در عمل خود به آنها پایبند و متعهد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد. امروز هم مثل بیست و دو سال گذشته، همه کسانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشان ناسازگار می‌بینند و با آن دشمنی می‌کنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله می‌کنند. عمده تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه بر مردم را - با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجه داشت - از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداری دائمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را به خواب آلودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا می‌کند. من امروز درباره هر کدام از اینها، نکات کوتاهی را به عرض شما می‌رسانم:

❖ ۱- اسلام، اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام

نکته اول - که اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام است - عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. خلیفه‌ها از این حقیقت بسیار مؤثر غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست. اغلب ملت‌های مسلمان همین گونه‌اند و اگر موانع از سر راهشان برداشته شود، ایمان عمیق آنان به اسلام آشکار خواهد شد. لذا وقتی مردم پرچم اسلام را در دست امام مشاهده کردند و باور کردند که امام برای احیای عظمت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی وارد میدان مبارزه شده است، گرد او را گرفتند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، با همین انگیزه، از روی طوع و رغبت در میدانهای خطر حاضر شدند؛ چون ایمان آنها به اسلام، عمیق بود.

❖ مقابله با حضور واقعی اسلام بعد از پیروزی انقلاب

بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زیدگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب‌نظران مسائل سیاست به حساب می‌آوردند، این را نمی‌پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده نداشتند، بعضی کسان به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی‌کردند. لذا از اول انقلاب، در عرض و به موازات خط امام،

جریانی پیدا شد که به یک نظام لائیک و الگوبرداری شده از نظامهای غربی دعوت می کرد؛ منتها بارنگ و لعاب اسلامی؛ اسم اسلامی، اما باطن غیراسلامی؛ ساخت اسلامی، اما جهتگیری غیراسلامی. البته آنها بی میل نبودند که در کنار چنین نظامی، آخوند وجیه‌المله‌ای هم برای مقبول جلوه دادن نظام در چشم مردم وجود داشته باشد - چون مردم به اسلام دل بسته بودند - بدشان نمی آمد روحانی مورد قبولی در کنار نظام قرار گیرد تا نظام را در چشم مردم، اسلامی جلوه دهد؛ دولتمردان نظام هم به همان شکلی که خودشان می پسندند و تشخیص می دهند، نظام را به همان صورت غیراسلامی - و در حقیقت، شکل بازسازی شده رژیم سلطنتی، منتها طبق قبول سیاستمداران و قدرتمندان دنیا - اداره کنند. ظاهر و رنگ و لعاب دین هم این فایده را برای آنها داشته باشد که نیروهای مردم را در خدمتشان قرار دهد؛ هر جا به حضور مردم احتیاج است - در هنگام جنگ و دفاع و دادن مالیات و غیره - همین ظاهر اسلامی، مردم را به همکاری با آن نظام وادار کند؛ اما اگر حقوق شرعی مردم تأمین نشد، نشد؛ اگر با سلطه‌گران مبارزه نشد، نشد؛ اگر استقلال کشور و فرهنگ و اقتصاد مردم در قبضه دشمنان قرار گرفت، گرفت! لذا از اولی که امام دستور داد قانون اساسی به وسیله خبرگان منتخب مردم تدوین شود، هر جا که نام اسلام و نشانی از حضور واقعی اسلام بود، اینها مقابله کردند. آن جایی که اصل مربوط به «ولایت فقیه» مطرح شد، اینها بی تابانه مبارزه کردند. البته با ولایتش مخالف نبودند - ولایت یعنی حکومت؛ آنها تشنه قدرت و حکومت کردن بودند - با فقیه‌اش مخالف بودند؛ چون به معنای حضور حقیقی دین در جامعه بود؛ این را بر نمی تافتند و تحمل نمی کردند. هر جا که نشانه حضور واقعی اسلام بود، اینها معترض بودند.

✦ ایمان عمیق امام (ره) بزرگوار به رسالت اسلام

امام در مقابل این جریان - که بسیار هم مدعی بود - ایستاد؛ روی مبانی اسلام تکیه کرد؛ روی ترکیب و ساخت اسلامی نظام، با جدیت اصرار ورزید؛ چون امام مانند هر کسی که با اسلام آشناست، معتقد بود - و امروز هم ما معتقدیم - که سعادت و رفاه و آزادگی و عزت یک ملت و نیز عدالت و تکیه به مردم - به معنای واقعی کلمه - در سایه احکام اسلام تأمین می شود. آنهایی که شعار عدالت و مردم‌سالاری دادند، نشان دادند که نمی توانند حقوق و منافع مردم را عادلانه تأمین کنند؛ اما اسلام می تواند این کار را بکند. تکیه بر اسلام، به معنای ایمان عمیق امام بزرگوار به رسالت اسلام بود؛ یعنی امروز اسلام می تواند ملت‌ها را نجات دهد. لذا هم در تدوین قانون اساسی و هم در تمام رهنمودهایی که امام در طول ده سال زندگی مبارک خود به ملت‌های مسلمان داد، بر روی اسلام تکیه کرد و همین موجب شد که نظام جمهوری اسلامی با وجود دشمنی‌های بی‌اندازه قدرتهای جهانی، در میان ملت‌های مسلمان، هم طرفداران بی‌شماری پیدا کند و هم در آنها شوق و امید و انگیزه به وجود آورد و حرکت اسلامی را در سرتاسر جهان اسلام زمینه‌سازی کند. امروز هم اگر نظام جمهوری اسلامی و مسؤولان و رؤسای این نظام در دنیا عزت و آبرویی دارند، به برکت اسلام است. چه آنهایی که در دنیا به اسلام معتقدند و چه حتی آنهایی که به اسلام معتقد نیستند، عزتی که برای جمهوری اسلامی

و مسؤولان آن قائلند، به خاطر اسلام است. آنهایی هم که به اسلام معتقد نیستند، نقش و نفوذ و تأثیر و اقتدار اسلامی را می‌شناسند و می‌دانند و آن کسی که مظهر این اقتدار است، در چشمشان دارای عظمت و جلال است.

🔗 تأکید امام (ره) بر اسلامیت نظام

امام بر روی اسلام تکیه کرد؛ به اسم اسلام قانع نشد؛ بر این اصرار ورزید که باید قوانین اسلامی در تمام گوشه و کنار دستگاه‌های دولتی و حکومتی حاکم شود. البته این کار، یک کار بلندمدت بود. امام هم این را می‌دانست که در کوتاه‌مدت، این مقصود تحقق پیدا نمی‌کند؛ اما راه را باز کرد و حرکت را شروع نمود و جهت را نشان داد و همه فهمیدند که باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت کنند تا بتوانند عدالت را تأمین، فقر را برطرف و فساد را ریشه کن کنند؛ تا بتوانند دردهای مزمونی را که بر این ملت تحمیل شده است، جبران کنند.

امروز بنده به عنوان کسی که با آمار و ارقام و واقعیات دستگاه‌های حکومتی از نزدیک آشناست، به شما مردم عزیز عرض می‌کنم: هر جا که ما با قاطعیت، معرفت و روشن بینی، احکام اسلام را بر سر دست گرفتیم، دنبال آن حرکت کردیم و صادقانه خواستیم اسلام را پیاده کنیم، موفق شدیم؛ اما هر جا ناکامی و ضعفی وجود دارد، بر اثر این است که ما در آن مورد، از اسلام و حکم اسلامی و ترتیب اسلامی غفلت کرده‌ایم. هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه سیاسی، هم در زمینه بین‌المللی و هم در زمینه تربیتهای صحیح مردمی، امروز هر جا که ضعف و ناکامی‌ای مشاهده می‌شود، اگر کسی دقت و ریشه‌یابی کند، به این جا می‌رسد که در این نقطه، دستور اسلام و حکم اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. امام می‌دانست که اگر ما به اسلام متمسک شویم، هم عزت دنیا، هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیت را - به معنای حقیقی کلمه - در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شامخ گذاشت.

🔗 ۲- عنصر مردم

عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه نظام‌های حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیم‌های استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حق و نقش قائل می‌شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد.

نقش تعیین کننده مردم در نظام اسلامی

عرصه اول، عرصه تکیه نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدانهای است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در این جا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسؤولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و سایر انتخابیهایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.

عدم انفکاک اسلام گرایی از مردم گرایی

مسئله اساسی‌ای که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلام گرایی در نظام اسلامی، از مردم گرایی جدا نیست. مردم گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم سالاری ما - که مردم سالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات تو خالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تأکید می‌کرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مسئله حضور مردم در انتخاب مسؤولان نظام و منتهی شدن مسؤولیتها به اراده و خواست مردم است.

تکلیف مسؤولان در قبال مردم

عرصه دوم، عرصه تکلیف مسؤولان در قبال مردم است. وقتی ما می‌گوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسؤول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی می‌خواهد برای مردم کاری بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند؛ مسئله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسؤولیت پیدا کردن مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمنده و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می‌آورد، باید همه هم و غمش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای

ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است. البته وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند. این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.

بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور

عرصه سوم - که باز بر محور مردم حرکت می‌کند - عبارت است از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکران کشور و کسانی که داری استعداد بودند، می‌گفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که می‌توانید. این درست در مقابل تعالیمی بود که در دوران طولانی استبداد در این کشور، تلقین می‌شد که مردم ایران نمی‌توانند. ما در دوران انقلاب هم دیدیم همان کسانی که اسلام را به معنای حقیقی خود باور نداشتند، به این معنا هم باور نداشتند. همیشه چشم آنها به بیرون مرزهای کشور بود و به مردم و تواناییهای آنها اعتقاد نداشتند. این فکر و این توجه را هم، امام در این نظام نهادینه کرد، که استعدادهای جوان این کشور، احساس توانایی کنند؛ و شما بعد از انقلاب هر چه از نشانه‌های علم و پیشرفت علمی و صنعتی در کشور مشاهده می‌کنید، ناشی از این است. هر جا که نشانه‌های وابستگی مشاهده می‌شود - که به معنای تحقیر ملت ایران و استعدادهای اوست - ناشی از نقطه مقابل این تفکر است.

آگاه‌سازی دائمی مردم

عرصه چهارم در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر - با حال پیرمردی - از هر فرصتی استفاده کرد برای این که حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که

حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی می‌کند آنها را مکتوم نگه‌دارد، آشنا کنند. این که ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تریبونهای مختلف توصیه می‌کنیم که هدف و همت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است.

🔗 تحریف، یکی از اهداف مهم دشمن از اول انقلاب

امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه اساسی اسلامی کار می‌کند. از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود. امروز نیز همین‌طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، می‌بینید که در دنیا از طرف دستگاههای تبلیغاتی استکبار برای او هورا می‌کشند و او را تشویق می‌کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدسات و مجاهدتهای این ملت قلمفرسایی کنند و چیزی بنویسند؛ اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور - یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا - اظهار نظری کنند و ریشی بجنبانند؛ اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند؛ می‌بینید مورد تشویق رادپوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار می‌گیرند. امروز همه افراد - چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچکتر سخنانشان مؤثر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیطهای کارگری و غیره - مسؤولند و اگر دیدند حقایق و محکمتات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.

🔗 ۳- نظم و قانون

عنصر سومی که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود. لذا حتی قبل از آن که انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معین کرد. انقلابهای دنیا یا کودتاهایی که به اسم انقلاب در دنیا به وجود می‌آمدند - که دهه‌های میانی قرن گذشته میلادی از این گونه انقلابها پُر بود - هیچکدام این‌طور نبودند. وقتی در کشوری انقلاب می‌شد - یا انقلاب حقیقی، یا کودتایی به اسم انقلاب - مدتها از دولت و تشکیلات دولتی و نظم دولتی خبری نبود. یک گروه به نام مسؤولان انقلاب، زمام کشور را در دست می‌گرفتند و طبق میل و تشخیص خودشان - هرطور بود - عمل می‌کردند. در انقلاب اسلامی، امام اجازه نداد این‌طور بشود؛ حتی از قبل از

پیروزی انقلاب دولت تعیین کرد تا نظم وجود داشته باشد. با این که آن وقت شورای انقلاب هم بود، اما امام خواست با شکل قانونی و منطقی، کشور اداره شود. اصل تشخیص این که چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده رفراندم و آراء عمومی گذاشت. این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی در دنیا، ما ننشیدیم و ندیدیم که انتخاب نوع نظام را - آن هم در همان اوایل انقلاب - به عهده مردم بگذارند. هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه پرسى درباره نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود. آن کار هم نه به وسیله جمعی که خود امام معین کند، بلکه باز به وسیله منتخبان مردم صورت گرفت. مردم اعضای مجلس خبرگان را - که منتخبان مردم بودند - انتخاب کردند تا قانون اساسی تدوین شود؛ باز مجدداً همان قانون را به رأی مردم گذاشتند. هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود. کسانی که با این ترتیب منطقی انقلاب نمی توانستند کنار بیایند، یا نمی توانستند تحمل کنند که این انقلاب این گونه قدم به قدم منطقی حرکت کند، در همه این موارد اخلاص کردند. تفاله های آنها امروز هم انقلاب را به بی قانونی متهم می کنند! این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود؛ در هیچ جای دیگر دنیا، در این انقلابهایی که اتفاق افتاده است - چه در انقلابهای این قرن و چه قبل از آن - چنین چیزی دیده نشده است. این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسؤولیتهای قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.

داستن حالت تسلیم در برابر قانون

اگر شما امروز می بینید که با تبلیغات و تحریک دشمنان، در هر برهه ای از زمان، قوای قانونی کشور مورد تعرض تبلیغاتی قرار می گیرند، این دنباله همان دشمنی ای است که از اول با اساس نظم و قانون در جمهوری اسلامی وجود داشت و امام مقابل آن ایستاد. ما همیشه این را تأکید کرده ایم و باز هم تکرار می کنیم، وظایفی که در قانون اساسی برای قوای سه گانه و مسؤولان قانونی معین شده، معتبر و محترم است و همه باید در مقابل این قانون، حالت تسلیم داشته باشند. بی قانونی به شکلهای مختلفی خود را نشان می دهد. یکی از آنها همین است که علیه اساس و ترتیبات قانون اساسی مبارزه تبلیغاتی شود و لجن پراکنی صورت گیرد و به مسؤولیتهای قانونی در هر بخشی از بخشها بی احترامی گردد. این آن چیزی است که از اول انقلاب، دشمنان امام و اسلام بر روی آن پافشاری می کردند و امام در مقابل آن ایستاد.

۴- دشمن ستیزی و سلطه ستیزی

عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت - و بحمدالله مایه ماندگاری نظام شد - مسأله دشمن ستیزی و سلطه ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حيله دشمن

غفلت کرد و نه گذاشت که مسؤولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاه‌های استکباری دنیا را در این نقطه از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سالهای متمادی مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاه‌های سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرأت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تاملت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب مانده نگه دارند، اندک اهانتی کند؟! کسی جرأت نداشت به آنها بگوید بالای چشم‌تان ابروست! امریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیت و آرامش به ایران می آمدند، می رفتند و می بردند. سیاست کشور، در دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست وزیران، با صوابدید آنها؛ و موضعگیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته‌ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را به کل به هم ریخت. امام می دانست که این دشمن ساکت نمی نشیند و تعرض می کند. اگر در برهه‌ای تعرض کرد و تودهنی خورد، موقتاً عقب نشینی می کند تا باز تعرض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متأسفانه می بینم که کسانی طبق خواسته آن دشمنان، تبلیغ می کنند که این توهم است! دشمن همین را می خواهد که مردم، مسؤولان، کارگزاران حکومت، اداره کنندگان کشور و طراحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند. نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه‌های دشمنی او را شناخت. این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تأکید می کرد. این که می دیدید امام می فرمود: «هر چه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید»، به خاطر این است.

🔗 لزوم هشیاری مسئولین و مردم نسبت به عناصر پایداری نظام

برادران و خواهران عزیز! جوانان عزیز من! ملت عزیز ایران! اینها چهار نقطه قوت اساسی است. هم مردم و هم مسؤولان باید قدر اینها را بدانند. این چهار عنصر موجب پایداری نظام است. این چهار عنصر موجب آن است که هیچ وقت دشمن نتواند به این نظام ضربه بزند. هر جا ما از این چهار عنصر غفلت کردیم، ضربه خوردیم. اگر ضربه اقتصادی خوردیم، اگر عقب ماندگی اقتصادی پیدا کردیم، اگر در زمینه‌های سیاسی دچار ضعفی شدیم، بر اثر غفلت از این عناصر بوده است. آن جایی که پیشرفت کردیم، آن جایی که عزت به دست آوردیم، آن جایی که توانستیم موانع را از سر راه برداریم، آن جایی که دشمن را ناکام کردیم، به خاطر تکیه بر این عناصر بوده است. نگذارند و نگذارید این عناصر از دست مردم برود و مورد تهاجم قرار گیرد. نگذارید دشمن به میل خود، راه را برای تسلط مجدد بر این کشور هموار کند. هشیاری مسؤولان کشور و آحاد مردم لازم است.

اسلام و مردم
محور همه اصول و قواعد کار امام خمینی رحمه الله

- ❖ امام(ره)، تجدید کننده حیات اسلام
- ❖ فراگیری نهضت مظلوم امام(ره) در دنیای اسلام
- ❖ فرق امام(ره) با دیگر مصلحان تاریخ اسلام
- ❖ محور قواعد و اصول امام(ره)
- ❖ مهمترین کار امام(ره) در سطح دنیای اسلام
- ❖ امام(ره) عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنویست
- ❖ مهمترین کاری که امام(ره) در مورد مردم انجام داد
- ❖ یکی از طنزهای بزرگ امروز ما و این نقطه تاریخ
- ❖ تمرکز تلاش دشمنان اسلام برای از بین بردن نهضت بیداری اسلامی
- ❖ یک دروغ بیشرمانه و بسیار وقاحت آمیز در تبلیغات جهانی
- ❖ تروریستها کسانی هستند که با ملتها در خانه‌های خودشان مقابله و مبارزه می کنند

اسلام و مردم محور همه اصول و قواعد کار امام خمینی رحمه الله *

❁ امام(ره)، تجدید کننده حیات اسلام

مایلم عرایض خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کنم که امام بزرگوار ما مصداق آن بود. در سوره مبارکه سجده، خدای متعال ضمن بیان حالات ملت‌ها و اقوام و انسان‌های مبارز و پر تلاش مؤمن، این تعبیر را می‌فرماید: «و جعلنا منهم أئمةً یهدون بأمرنا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقنون^۱»؛ کسانی که دو خصوصیت و دو امتیاز را در خود به وجود آوردند، به این موهبت بزرگ سرافراز شدند که خدای متعال زمام هدایت مجموعه‌های انسانی را به آنها سپرد. آن دو خصوصیت، یکی صبر است و دیگری یقین؛ «لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقنون». یقین، همان ایمان آگاهانه و روشن‌بینانه است که وسوسه‌ها نمی‌تواند آن را در دل انسان، سست بنیاد کند. صبر، خصوصیتی است که به یک انسان بزرگ این امکان را می‌دهد که در راه آرمان‌هایی که آگاهانه و روشن‌بینانه انتخاب کرده است، به هنگام مواجهه با مشکلات، خود و راه خود را گم نکند؛ هدف را فراموش نکند و منصرف نشود. همه پیغمبران، همه هدایت‌گران و همه کسانی که توانسته‌اند در مسیر تاریخ بشر یک اثر ماندگار و تحسین برانگیز از خود به جا بگذارند، باید از این دو خصوصیت برخوردار می‌بودند. امام راحل ما، این تجدید کننده حیات اسلام در میان ملت ما و امت اسلامی، از این دو خصوصیت برخوردار بود.

❁ فراگیری نهضت مظلوم امام(ره) در دنیای اسلام

امروز بعد از چهل سال که از واقعه پانزدهم خرداد می‌گذرد، شما ملاحظه می‌کنید که نهضت مظلوم امام، دنیای اسلام را فرا گرفته است. یک روز در همین شهر تهران و در قم، مثل امروز و فردا، کسانی مظلومانه جان

باختند؛ چون نام اسلام را به پیروی از امام بزرگوار فریاد می کردند؛ چون با سلطه بیگانه بر این کشور و با استثمار منابع حیاتی این کشور به وسیله بیگانگان مخالف بودند. آن روز هر کس به این صحنه نگاه می کرد، شاید گمان می برد که این سخن و این فریاد به پایان رسیده است. امام را با قساوت هر چه تمامتر دستگیر و از خانه اش ربودند؛ مردم را با وحشیگری هر چه بیشتر سرکوب کردند؛ اما این فکر با الهام از همین قاعده بزرگ الهی - یعنی توأم شدن صبر و یقین - راه خود را ادامه داد. امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمان آگاهانه توانست ملت ایران را یکپارچه به صحنه رویارویی با استبداد داخلی و استکبار بین المللی بکشد. وقتی ملت در معرکه ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است.

❖ فرق امام (ره) با دیگر مصلحان تاریخ اسلام

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آنها را به ایمان روشن بینانه و آگاهانه ای مثل ایمان خود رساند؛ آن گاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملت ایران به این اصول اعتقاد پیدا کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد که اولاً نظام اسلامی علی رغم همه کارشکنیها و دشمنیها به پیروزی رسید و روز به روز تا امروز ریشه دار تر شد و ثانیاً فکر تحقق و حیات دوباره اسلام و نجات امت اسلامی از ظلم و استکبار قدرتهای مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند.

❖ محور قواعد و اصول امام (ره)

امروز شما به هر کشور اسلامی در شرق و غرب دنیای اسلام بروید - چه در خاورمیانه، چه در کشورهای عربی، چه در شمال آفریقا و چه در کشورهای شرق آسیا؛ در مناطقی که مسلمانان مجموعه هایی را تشکیل داده اند - خواهید دید انگیزه اسلامی، تمایل به حاکمیت اسلام و نفرت از تسلط استثمارگران و استعمارگران و ظالمان، در میان مردم، بخصوص در میان جوانان، نوجوانان، نخبگان و روشنفکران موج می زند. در دنیای اسلام این خبرها نبود. اصول امام چه بود که توانست این موفقیت بزرگ را به وجود آورد؟

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملتها، اهمیت رأی ملتها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست ناپذیری اسلام، شکست ناپذیری مردم.

❖ مهمترین کار امام (ره) در سطح دنیای اسلام

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام

را احیاء کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای این که استیلای خود را بر ملتها و منابع کشورهای اسلامی هر چه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می‌دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش شده اسلام را احیاء کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اول تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابره‌نه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسؤولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابره‌نه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذار یها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

🌟 امام (ره) عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنویست

اسلام سعادت مردم را دنبال می‌کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم‌الشأن ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقررات اداره زندگی مردم - در کنار فلسفه اسلام - یعنی تفکر روشن بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع الی الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه بزرگی می‌تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملتهای اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. امروز هم دستگاههای تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌عملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه دشمن اسلام روی آن تأکید می‌کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به این که دشمن چه می‌کند، متجاوز چه می‌کند، اشغالگر چه می‌کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را

تبلیغ می‌کنند. امام نقطه مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می‌بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آن‌جا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و تسلط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.

مهمترین کاری که امام (ره) در مورد مردم انجام داد

در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کرد، این بود که مفهوم مردم‌سالاری را از چیزی که طراحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی می‌خواستند نشان دهند، به کلی دور کرد. سعی آنها این بود که این‌طور القاء کنند که مردم‌سالاری با دین‌سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم‌سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح نمود. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد.

یکی از طنزهای بزرگ امروز ما و این نقطه تاریخ

امروز نظام جمهوری اسلامی - که یک نظام دینی است و قواعد و اصول و پایه‌های ارزشی آن از دین سرچشمه می‌گیرد - یک نظام مردم‌سالار به تمام معناست و در هیچیک از کشورهای اسلامی، مردم‌سالاری به شکل وسیعی که در جمهوری اسلامی هست، وجود ندارد. البته این حقیقت برای جبهه دشمنان تلخ است. آنها حاضر نیستند ببینند در مقابل چشمشان پرچم دین و دموکراسی روی یک علم برافراشته می‌شود. سعی آنها این است که بین مردم‌سالاری و دین فاصله ایجاد کنند؛ لذا واقعیت نظام جمهوری اسلامی رنجشان می‌دهد. برای این که بتوانند افکار عمومی دنیا را از این حقیقت درخشان منحرف کنند، با وسایل تبلیغاتی و ابزارها و عمال تبلیغاتی خود، ملت ایران را به دموکراسی دعوت می‌کنند! این یکی از طنزهای بزرگ امروز ما و این نقطه تاریخ است. همان کسانی که نظام طاغوتی شاه، نظام استبدادی دوران پهلوی، کودتاهای نظامی و نظامهای هیچ از دموکراسی نفهمیده و نشناخته را مورد قبول و تصدیق قرار می‌دهند، نظام جمهوری اسلامی را که در طول بیست و چهار سال عمرش، بیست و چند انتخابات در آن برگزار شده و از رهبری تا ریاست جمهوری تا نمایندگان مجلس و ارکان نظام آن، با واسطه و بی‌واسطه، به انتخاب مردم سر کار می‌آیند و مردم آنها را می‌شناسند و می‌پسندند و انتخاب می‌کنند، به دموکراسی و مردم‌سالاری دعوت می‌کنند! این در حالی است که مردم‌سالاری و میل مردم به شرکت در انتخاب مسؤولان، مثل کشور ما، در خود آمریکا - که دشمنان ما و قدرتهای گزافه‌گوی امریکایی، از پشت بلندگوهای خود، ملت ما و ما را مخاطب قرار می‌دهند - وجود ندارد. رئیس‌جمهور امروز آمریکا برخلاف قواعد مردم‌سالاری کشورش سر کار آمده است؛ این را همه می‌دانند. آنها با نظامهای استبدادی کنار می‌آیند، چون تسلیم هستند؛ با نظامهایی که بر اثر کودتا به وجود

آمده‌اند، کنار می‌آیند، چون مطیع هستند؛ اما نظام اسلامی را چون معتقد به استقلال و متکی بر ارزشهای خود است و حاضر نیست سلطه آنها را بپذیرد، مورد انتقاد قرار می‌دهند و به آن، تهمت استبداد و دیکتاتوری می‌زنند، که مناسب خودشان است.

🔗 تمرکز تلاش دشمنان اسلام برای از بین بردن نهضت بیداری اسلامی

امروز همه تلاش جبهه دشمنان اسلام بر این متمرکز است که نهضت بیداری اسلامی را در دنیا از بین ببرند. از همه جا هم بیشتر روی ملت و کشور ایران تکیه می‌کنند و متمرکزند؛ چون ملت ایران به دنیا الگو داد و با افکار خود و مفاهیم جدیدی که در دنیا برای مسلمانان مطرح نمود و با جهاد جانانه‌ای که کرد و با شجاعتی که مرد و زن و جوان و پیر ایرانی در دوران بیست و چهار ساله عمر انقلاب از خود نشان دادند، توانست ملت‌های مسلمان را به خود متوجه کند و موج بیداری اسلامی را در کشورهای اسلامی به وجود آورد. از این روست که لذا با این کانون مرکزی بیداری اسلام از همه جا و از همیشه دشمن ترند. این دشمنی را با غرض ورزیها، با اعمال خباثت، با تبلیغات دروغین و با تندخوییهای خشمگینانه نشان می‌دهند؛ هدف هم این است که ملت ایران و مسؤولان را مرعوب کنند و همه را بترسانند؛ از تجربه‌های ناموفق خودشان که موجب غرور آنها شده است، استفاده کنند برای این که یک ملت به این عظمت و یک انقلاب و نظام به این استحکام را در مقابل خودشان وادار به عقب‌نشینی کنند.

🔗 یک دروغ بیشتر مانده و بسیار وقاحت آمیز در تبلیغات جهانی

ایران اسلامی را در تبلیغات جهانی خود مورد تهمت قرار می‌دهند و می‌گویند از تروریسم حمایت می‌کند، یا تروریست‌ها را پناه می‌دهد. این یک دروغ بیشتر مانده و بسیار وقاحت آمیز است. اگر منظور از تروریست کسی است که برای اغراض خود، جان بی‌گناهان را هدف قرار می‌دهد، پس امروز بزرگترین تروریست‌ها زیر دامان امریکا فعالیت می‌کنند. امروز رژیم صهیونیستی مظهر کامل تروریسم است. شما ملاحظه کنید؛ هر روز که می‌گذرد، عناصر تروریست رژیم صهیونیستی، انسانهایی را که در خانه خود، روی خاک خود و در سرزمین خود زندگی می‌کنند، مورد تهاجم قرار می‌دهد. افکار عمومی ما فراموش نکرده است که در چند سال قبل و در همسایگی ما، دلارهای امریکا و وابستگان امریکایی یک عده تروریست متعصب را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی به وجود آوردند؛ اما نتوانستند از طرح خائنانه خود استفاده کنند و امروز همان لقمه در گلو خودشان گیر کرده است. با ایجاد تعصبات تند و شدید ضد ایرانی و ضد نظام اسلامی، عده‌ای را به کارهای تروریستی وادار کردند؛ اما امروز خودشان اسیر آنها شده‌اند.

🔗 تروریست‌ها کسانی هستند که با ملت‌ها در خانه‌های خودشان مقابله و مبارزه می‌کنند

ایران را به تروریسم متهم می‌کنند! ایران طرفدار تروریست‌ها نیست، به هیچ تروریستی هم پناه نمی‌دهد و

نداده است؛ اما جمهوری اسلامی معتقد است در سرتاسر دنیای اسلام، میلیونها جوان و انسان آزاده، لبریز از کینه و نفرتِ ستمگران و اشغالگران امریکایی هستند. شما نمی‌توانید اینها را تروریست بدانید. نمی‌توانید اسم میلیونها انسان را در عراق و مصر و عربستان و شمال آفریقا و پاکستان و افغانستان تروریست بگذارید. امروز میلیونها انسان هستند که ظلم نیروهای امریکایی را می‌بینند - چه به افغانستان دیروز و چه به کشور مظلوم عراق امروز - اینها تروریستند؟! مجاهدین فلسطینی که از سرزمین خود دفاع می‌کنند، تروریستند؟! مردم مظلوم فلسطین که هر روز با تانکها و آتش پُر حجم و انبوه نظامیان صهیونیست مواجهند و از خود دفاع می‌کنند، تروریستند؟! جوانان مؤمن لبنانی که در مقابل تهاجم بی‌وقفه اسرائیل ایستادند و با نثار جان خود توانستند صهیونیستها را از لبنان عقب برانند و امروز هم وجود آنها موجب شده است که اسرائیل جرأت نکند به لبنان حمله کند، تروریستند؟! اگر جوانان مؤمن مبارز لبنانی نبودند، اسرائیل برای آمدن تا شهر بیروت هم برای خودش مانعی نمی‌دید؛ کما این که آمد. جنوب لبنان سالها در اشغال آنها بود؛ تا بیروت آمدند و آن همه فاجعه‌آفرینی کردند، که ممکن نیست از یاد کسی برود. جوانان مؤمن لبنانی دست را از آستین درآوردند؛ به بیداری‌ای که امام بزرگوار ما به دنیای اسلام داد، لَبیک گفتند و ایستادند. امروز به خاطر وجود این جوانان، اسرائیل جرأت نمی‌کند به لبنان حمله کند. اینها تروریستند؟! تروریستها کسانی هستند که با ملتها در خانه‌های خودشان مقابله و مبارزه می‌کنند.

شاخص های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله

مکتب سیاسی امام (ره) شکننده طلسم دیرپای استبداد

راز موفقیت امام (ره)

شاخص های مکتب سیاسی امام (ره):

الف) تنیده بودن معنویت و سیاست

ب) اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم

ج) نگاه جهانی و بین المللی

د) پاسداری ارزشها

ه) مسأله عدالت اجتماعی

نتایج پیشرفت با پیروی از مکتب سیاسی امام (ره)

مکتب سیاسی امام (ره)، زنده و درخشنده

مواضع مادر مسائل گوناگون جهانی و بین المللی

شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله *

❏ مکتب سیاسی امام (ره) شکننده طلسم دیر پای استبداد

بیست و پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی، و پانزده سال پس از وفات رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، هنوز محور اصلی تبلیغات خشم آلود دشمنان انقلاب و کشور ما، دشمنی با امام بزرگوار ماست. آنها مهمترین هدف خود را - حتی بعد از بیست و پنج سال از تشکیل نظام اسلامی - این قرار داده اند که با هزاران ساعت برنامه ریزی و برنامه سازی در ماه برای صدها رادیو و تلویزیونی که در اطراف عالم از سوی محافل صهیونیستی و استکباری به راه افتاده است، شخصیت پُر جاذبه و چهره‌ی درخشان امام بزرگوار را زیر سؤال ببرند. باید تصدیق کنیم که دشمنان نظام اسلامی برای مقابله و مبارزه‌ی با نظام جمهوری اسلامی و حرکت ملت ایران، جز این چاره‌ی هم ندارند؛ زیرا عامل مهم تسلیم ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند. دشمنان انقلاب چاره‌ی ندارند جز این که با فلسفه‌ی امام، با مکتب امام و با شخصیت امام - که همچنان زنده و پایدار است - دشمنی کنند تا بتوانند این ملت را به خیال خود به عقب نشینی و تسلیم در مقابل خودشان وادار کنند. امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست طلسم دیر پای استبداد را در این کشور بشکند. امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست دست غارتگران را از این کشور کوتاه کند؛ غارتگرانی که با همدستی با دیکتاتورها، ایران را به خانه‌ی امن خود تبدیل کرده بودند؛ کسانی که امیدوار بودند بتوانند ایران را به صورت یک کشور تولیدکننده‌ی مواد اولیه و انبار تمام نشدنی نفت برای خود نگه دارند.

راز موفقیت امام(ره)

من می خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمی تواند از شخصیت پُر جاذبه ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به طور مجسم و به صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می کند که گستره ی آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع تر است. مکتب سیاسی یی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه ی آنهاست؛ لذا کهنه نمی شود. کسانی که سعی می کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

شاخص های مکتب سیاسی امام(ره):

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته ی این مکتب را در این جا بیان می کنم.

الف) تنیده بودن معنویت و سیاست

یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه ی رفتارها و همه ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می زد. امام به اراده ی تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده ی تکوینی او اعتماد داشت و می دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می کند، قوانین و سنت های آفرینش کمک گار اوست. او معتقد بود که: «ولله جنود السماوات و الأرض و کان الله عزیزاً حکیماً». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می دانست و علائم راهنمای حرکت خود به شمار می آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می آمد و او را به هدفهای بزرگ آرمانی خود می رساند. این که از قول امام معروف است و همه می دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه مند بود - نه این

که علاقه مند نبود یا بی رغبت بود - اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش می برد، تکلیف و عمل به وظیفه الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه ی او این بود، لذا نمی ترسید؛ شک نمی کرد؛ مأیوس نمی شد؛ مغرور نمی شد؛ متزلزل و خسته هم نمی شد. اینها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می کند، دچار تردید و تزلزل نمی شود؛ ترسیده و خسته نمی شود؛ از راه بر نمی گردد و مصلحت اندیشی های شخصی، تعیین کننده ی راه و جهت گیری او نمی شود. کسی که سیاست را با عرفان جمع می کند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد. این درست نقطه ی مقابل سیاست کهنه شده و از مد افتاده ی غربی است که بدروغ آن را سیاست مدرن می گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت. تمدن غربی بر پایه ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند - این خوب بود - اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می شود؛ هم خود آنها و هم همه ی بشریت را با میوه های زهر آگین خود تلخ کام می کند؛ همچنان که تا امروز کرده است. پدیده ی استعمار - که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت ترین و شدیدترین محنتها کرد - یکی از چیزهایی است که در نتیجه ی تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه های تلخ بود. کمونیزم و حکومتهای اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه ها و میوه های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. امروز هم اوج این دوری از معنویت را در زندان ابو غریب و دیگر زندانهای عراق می بینید. کسانی که این زندانها را اداره می کنند، مدعی هستند که در تمدن بشری پیشرفته ترین اند؛ نتیجه ی چنین پیشرفتی را مردم دنیا از راه عکس و فیلم در زندانهای عراق دیدند و یا از آن مطلع شدند. فجایی که برای ملت عراق - و قبل از آن برای ملت افغانستان - پیش آمده است، منحصر به این چیزها نیست. در دو سه سال قبل کاروان عروسی در افغانستان بمباران شد و ماه قبل در عراق مجلس عروسی به وسیله ی هواپیماهای انگلیسی به عزا تبدیل گردید. تحقیر جوانهای عراقی، شکنجه ی مردان عراقی، تعرض به زنان و نوامیس عراقی، وارد شدن به حریم امن خانواده های عراقی، دولت فرمایشی به وجود آوردن برای ملت عراق، همه سرریزهای همان حرکتی است که وقتی شروع شد، این نتایج به طور قهری به دنبال آن هست. معنویت از دستگاه سیاست حذف شده است. در گذشته هم حکام و مستبدین و دیکتاتورهای دنیا در شرق و غرب عالم از این کارها می کردند؛ اما وقتی نامها و شعارهای زیبایی مثل حقوق بشر، حقوق انسان و رأی انسان برای اروپایی ها شناخته شد، و وقتی پا در جاده ی علم گذاشتند، دوری از معنویت نگذاشت این شعارها آن طور که توقع بود و معنا می شد، برای بشریت خیر به بار آورد؛ همانها برای بشریت مایه ی شر و فساد شد. حرف نوی مکتب سیاسی امام بزرگوار ما برای دنیا این است که در همه ی ارکان برنامه ریزی های یک قدرت سیاسی، سیاست

با معنویت، و قدرت با اخلاق همراه شود و اصول اخلاقی مورد مراعات قرار گیرد. شاخص اول از شاخصهای اساسی مکتب سیاسی امام این است.

ب) اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم

شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم سالاری حقیقی است؛ مثل مردم سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست. مردم با رأی خود، با اراده‌ی خود، با خواست خود و با ایمان خود راه را انتخاب می‌کنند؛ مسؤولان خود را هم انتخاب می‌کنند. لذا دو ماه از پیروزی انقلاب گذشته بود که امام اصل نظام برآمده‌ی از انقلاب را به رأی مردم گذاشت. شما این را مقایسه کنید با رفتاری که کودتاگران نظامی در دنیا می‌کنند، رفتاری که حکومتهای کمونیستی می‌کردند، و رفتاری که امروز امریکامی کند. امروز امریکا بعد از پانزده ماه که با اشغال نظامی عراق را گرفته است، هنوز به مردم این کشور اجازه نمی‌دهد که بگویند برای حکومت خود چه چیز و چه کسانی را می‌خواهند. نماینده‌ی سازمان ملل دیروز مصاحبه می‌کند و می‌گوید چون امریکایی‌ها در عراق حضور نظامی دارند، باید رأی حاکم امریکایی در انتخاب عناصر دولت مراعات شود! دمکراسی اینها این است. نام دمکراسی، اغواگری است. دمکراسی حتی در کشورهای خودشان هم، یک مردم سالاری حقیقی نیست؛ جلوه‌ی فروشی به وسیله‌ی تبلیغات رنگین و پولهای بی‌حسابی است که در این راه خرج می‌کنند؛ لذا آراء مردم گم است. در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است. از طرف دیگر امام با اتکاء به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده‌ی پولادین مردم می‌شود در مقابل همه‌ی قدرتهای متجاوز جهانی ایستاد؛ و ایستاد. در مکتب سیاسی امام، مردم سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم» برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته ایم. عده بی‌می‌خواهند و انمود کنند که نقش مردم در اداره‌ی حکومتها را باید غربی‌ها بیابند به ما یاد بدهند! غربیها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند! همین امریکایی‌ها و همین مدعیان دمکراسی، دیکتاتورهایی از قبیل محمد رضای پهلوی را - که سی و پنج سال در این مملکت دیکتاتوری مطلق داشت و قبل از او پدرش حدود بیست سال در این کشور دیکتاتوری کرد - در آغوش گرفتند و پشتیبانی کردند و از آنها حمایت کردند. اینها طرفدار دمکراسی اند؟! دروغ می‌گویند. هر کس می‌خواهد دمکراسی اینها را ببیند، به عراق برود. برود رفتار آنها را با مردم مظلوم افغانستان ببیند. برود دمکراسی امریکایی را از حمایت بی‌دریغ امریکا از شارون جنایتکار ببیند. دمکراسی آنها این است؛ ما از اینها دمکراسی یاد بگیریم؟! اینها برای انسان نقش و ارزش قائلند؟ شما ببینید امروز در

فلسطین چه فجایعی دارد اتفاق می افتد. آیا فلسطینی ها انسان نیستند؟ آیا صاحب سرزمین خود نیستند؟ آیا حق ندارند رأی و عقیده داشته باشند؟ امروز زشت ترین و فجیع ترین رفتار در فلسطین و عراق و افغانستان - و قبل از این در بسیاری از مناطق دیگر - دارد صورت می گیرد؛ آن وقت همان کسانی که این رفتارهای زشت را انجام می دهند، خجالت نمی کشند و ادعای دموکراسی می کنند! رئیس جمهور امریکا و قیحه‌خانه ادعا می کند که رسالت گسترش دموکراسی در دنیا و خاورمیانه بر دوش او سنگینی می کند! دموکراسی آنها را در زندانهای امثال ابوغریب - که در عراق و گوانتانامو کم هم نیستند - مردم دنیا دارند می بینند. این، دموکراسی و حقوق بشر آنهاست! بسیار غافلانه است اگر کسی در داخل جوامع ما و در میان امت اسلامی خیال کند که غربی ها باید بیایند به ملتهای ما دموکراسی و مردم سالاری یاد بدهند! ما توقع داریم گویندگان و نویسندگانی که از انصاف برخوردار هستند، طوری حرف نزنند و طوری ننویسند که گویی امروز آنها دارند به مردم ما پیام مردم سالاری می دهند. مردم سالاری را امام آورد؛ مردم سالاری را انقلاب آورد. در کشوری که در طول قرنهای متمادی، جز در برهه های بسیار کوتاه - که مثل یک لحظه گذشته است - معنای رأی و اراده ی مردم را نمی دانستند (ما در طول عمر خود چشمان به صندوق رأی نیفتاده بود! برای رأی مردم ایران کسی ارزش قائل نبود و دیکتاتورها در تمام دوران حکومت خود بیشترین بی اعتنایی را به مردم ما می کردند) امام و انقلاب و نظام اسلامی ما مردم سالاری را آورد. عده یی طوری حرف می زنند که گویا ما تازه داریم وارد میدان مردم سالاری می شویم! این بی انصافی نیست؟ این چشم بستن بر روی حقیقت نیست؟

🏠 (ج) نگاه جهانی و بین المللی

شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه ی امت اسلامی و همه ی بشریت می خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکایی ها هم می گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغل بازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می خورد. با این وسایل می خواهند حقوق بشر و رسالت جهانی شان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می کند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه جا می پیچد. کسانی که شامه ی درستی داشته باشند، آن را استشمام می کنند و از آن بهره می برند؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورهای دنیا بهره ی آن را برده اند. فلسطینی

ها می گویند ما حیات دوباره و بیداری خود را از پیام امام گرفته ایم؛ لبنانی ها می گویند ما پیروزی خود بر ارتش رژیم صهیونیستی و اخراج صهیونیست ها را از مکتب امام درس گرفته ایم؛ مسلمانها در هر نقطه ی دنیا - جوانهای مسلمان، روشنفکران مسلمان، نخبگان مسلمان - فتوحات فکری خود در میدانهای سیاسی را بر خاسته و بر آمده ی از مکتب فکری امام می دانند؛ توده های امت اسلامی با نام اسلام احساس عزت می کنند؛ این همان نگاه بین المللی مکتب امام به مسائل بشر است؛ مخصوص دنیای اسلام هم نیست؛ لذا امروز مسأله ی فلسطین برای ما یک مسأله ی اصلی است؛ مصایب امت اسلامی برای ما دردناک است. آنچه در دنیای اسلام اتفاق می افتد، برای ملت ایران و کسانی که به نام و یاد امام بزرگوار دلبسته و دلخوش هستند، مسائل اساسی است؛ نمی توانند نسبت به این مسائل بی تفاوت بگذرند. برای همین است که دنیای استکبار می خواهد بزرگترین جنایتها را نسبت به ملت های مسلمان انجام دهد؛ در حالی که دیگر ملت های مسلمان نبینند، نفهمند و تصمیم نگیرند؛ حتی اعتراض هم نکنند. ملت ایران می بیند، می فهمد، اعتراض می کند، موضع می گیرد و نسبت به مسائل دنیای اسلام بی تفاوت نمی ماند.

د) پاسداری ارزشها

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله ی ولایت فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده اند مسأله ی ولایت فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته ها و توقعات غیر منطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. این که گاهی می شنوید تبلیغاتچی های مجذوب دشمنان این حرفها را می پراکنند، مربوط به امروز نیست؛ از اول، همین جریانها و دست آموزها و تبلیغات دیگران این حرفها را مطرح می کردند. عده یی سعی می کنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه - طبق قانون اساسی ما - نافی مسؤولیت های ارکان مسؤول کشور نیست. مسؤولیت دستگاه های مختلف و ارکان کشور غیر قابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده است - آن طوری که بعضی از اول انقلاب این را می خواستند و ترویج می کردند - نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسؤولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسؤولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسؤولیتهای خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه ی پیچیده و در هم تنیده ی تلاشهای گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی اش، مهمترین و اساسی ترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان که در طول تاریخ شیعه و

تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزو مسلمات فقه اسلام شناختند و دانستند؛ و همین طور هم هست. این مسؤولیت بسیار حساس و مهم، به نوبه ی خود، هم از معیارها و ضابطه های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره می برد؛ یعنی ضابطه های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه های دینی است؛ مثل ضابطه ی کشورهای سرمایه داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آنها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب می کنند، اما ضوابط آنها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن، که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، اینها نیست؛ ضابطه، ضابطه ی معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می آورد؛ تقوا، شجاعت می آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین می کند؛ اینها ضابطه های اصلی است بر طبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه ها شود، چنانچه همه ی مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد. رأی مردم تأثیر دارد، اما در چارچوب این ضابطه. کسی که نقش رهبری و نقش ولی فقیه را بر عهده گرفته، اگر ضابطه ی علم یا ضابطه ی تقوا یا ضابطه ی درایت از او سلب شد، چنانچه مردم او را بخواهند و به نامش شعار هم بدهند، از صلاحیت می افتد و نمی تواند این مسؤولیت را ادامه دهد. از طرف دیگر کسی که دارای این ضوابط است و با رأی مردم که به وسیله ی مجلس خبرگان تحقق پیدا می کند - یعنی متصل به آراء و خواست مردم - انتخاب می شود، نمی تواند بگوید من این ضوابط را دارم؛ بنابراین مردم باید از من بپذیرند. «باید» نداریم. مردم هستند که انتخاب می کنند. حق انتخاب، متعلق به مردم است. ببینید چقدر شیوا و زیبا ضوابط دینی و اراده ی مردم ترکیب یافته است؛ آن هم در حساس ترین مرکزی که در مدیریت نظام وجود دارد. امام این را آورد. بدیهی است که دشمنان امام خمینی و دشمنان مکتب سیاسی او از این نقش خوششان نمی آید؛ لذا او را آماج حملات قرار می دهند. در رأس اینها کسانی هستند که به برکت امام بزرگوار ما و مکتب سیاسی او، دستشان از غارت منابع مادی و معنوی این کشور کوتاه شده است. آنها جلودارند، یک عده هم دنبالشان حرکت می کنند. بعضی می فهمند چه کار می کنند، بعضی هم نمی فهمند چه کار می کنند.

۵) مسأله عدالت اجتماعی

آخرین نکته یی که به عنوان شاخصه ی مکتب سیاسی امام عرض می کنم، مسأله ی عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه ی برنامه های حکومت - در قانونگذاری، در اجراء، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می بریم - اما ثروتها در گوشه یی به نفع یک عده انبار شود و عده ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب

سیاسی امام نمی سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت ترین مسؤولیت ماست. همه ی برنامه ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه ی کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.

نتایج پیشرفت با پیروی از مکتب سیاسی امام(ره)

این مکتب، نظام اسلامی را بنیانگذاری کرد. بیست و پنج سال از آن زمان می گذرد. بیشترین حملات هم در طول این بیست و پنج سال به کشور و ملت ما و این مکتب سیاسی شده است؛ اما ملت ما روز به روز پیشرفت کرده است. ملت ما در زمینه ی علم، در زمینه ی عمران، در زمینه ی سیاست بین الملل، در زمینه ی ارتقای آگاهی های گوناگون، در زمینه ی ساخت زیربنای عظیم کشور، در زمینه ی به دست آوردن قدرت فناوری و احیای استعداد های مردمی، و در بسیاری از زمینه های دیگر، پیشرفتی داشته است که در گذشته حتی تصور آن راهم نمی کرده؛ این به برکت اسلام است. ما هرگز ادعا نمی کنیم که در برنامه های انقلاب، بهنگام و به روز پیش رفته ایم و در آن جایی که باید باشیم، هستیم؛ نه، اما این کم کاری ماست. ما مسؤولان در رده های مختلف اگر بیشتر و بهتر کار کنیم، بدون شک موفقیتها بیشتر خواهد شد. امروز هم موفقیت های بسیاری داریم. امروز ملت ما قوی است؛ دولت ما قوی است؛ زیربنای کشور آماده است و پیشرفت علمی و استخراج استعدادهای جوانان ما محیرالعقول است. ما می توانیم حرکت خود را شتاب دهیم؛ و این کار را هم ملت ما خواهد کرد و به فضل پروردگار و به حول و قوه ی الهی پیشرفت می کنیم.

مکتب سیاسی امام(ره)، زنده و درخشنده

امروز پرچم اسلام، پرچم دینداری، پرچم شجاعت و پرچم نوآوری در زمینه ی سیاست در دست ملت ماست. دشمنها در تبلیغات خود سعی می کنند این دستاوردها را کوچک نشان دهند و آنچه را که این ملت به دست آورده، از قلم بیندازند؛ اما نمی توانند. انواع تلاشها را برای مقابله کرده اند. حتی کار دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت امریکا به این جا رسید که سعی کردند نسخه ی بدل سر تا پا غلط از نظام اسلامی را در افغانستان به وجود آورند، که شد حکومت طالبان؛ تبدیل شد به یک کاریکاتور خنده آور مسخره؛ همان هم شد آفت جانشان. شاید به خیال خودشان می خواستند پرچم اسلامخواهی و احیای اسلام سیاسی را از دست این ملت بگیرند و دست کسانی بدهند که دست آموز خودشان بوده اند؛ اما نتوانستند و نخواهند توانست. خدا را شکر می کنیم که اراده ی ما محکم است؛ راهمان روشن است؛ مردمان مؤمن اند و مکتب سیاسی امام، زنده و درخشنده است. دشمنان ما هم قدرت ملت را فهمیده اند و به آن اعتراف کرده اند.

مواضع مادر مسائل گوناگون جهانی و بین المللی

در زمینه‌ی مسائل گوناگون جهانی و بین المللی، مواضع ما مستقل است. ما تحت تأثیر کسی قرار نمی‌گیریم و به سراغ جنجال و تنش آفرینی نمی‌رویم؛ اما ظلم را محکوم می‌کنیم؛ با ظالم اعلام مخالفت می‌کنیم و از مظلوم اعلام حمایت می‌کنیم. ما جنایت صهیونیست‌ها در فلسطین را محکوم می‌کنیم. ما ددمنشی و جنایات فجیع و بی نظیر دولت غاصب صهیونیست را در کشور فلسطین نسبت به مردم - ویران کردن خانه‌ها، کشتن کودکان، کشتن پیرمرد مریض معلولی مثل شیخ احمد یاسین، آواره کردن هزاران فلسطینی از خانه‌ی خود - زشت می‌شماریم و محکوم می‌کنیم و بر مرتکبان این جنایت و بر امریکا - که از این مرتکبان حمایت می‌کند - لعنت می‌فرستیم.

در قضایای عراق - علی‌رغم آنچه دشمنان ادعا می‌کنند - دخالتی نمی‌کنیم. معتقدیم عراق متعلق به ملت عراق است. رأی ملت عراق باید در تعیین سرنوشت عراق تأثیر داشته باشد. در عراق، رهبری دینی و رهبری سیاسی و نخبگان سیاسی و نخبگان فرهنگی و دینی زیادند. به اعتقاد ما اشغالگران یک روز هم نباید در عراق بمانند؛ یک قطره از نفت عراق هم متعلق به آنها نیست؛ یک نفر هم به عنوان مسؤول در عراق نباید معین کنند؛ آنها هیچ‌کاره‌اند. ما معتقدیم امروز کار امریکا در عراق بمراتب از یک سال پیش مشکل‌تر است؛ روز به روز هم مشکل‌تر خواهد شد و امریکا در عراق - چه قبول کند، چه قبول نکند؛ چه بخواهد، چه نخواهد - شکست خورده است.

مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله
مايه اصلي نظام جمهوري اسلامي

رسیدن به حیات طیبه در پیمودن راه امام (ره) ❁

مردان خدا این طورند ❁

حکومت مردان خدا بر دلها ❁

جوهر اصلي در مکتب امام (ره) ❁

شاخصه دنيای مذموم مستکبران ظالم ❁

راهی که ملت ایران در پیش دارد ❁

تغییرات زیاد دنیا در مسائل و جغرافیای سیاسی ❁

وجود دو تفسیر درباره‌ی وضعیت کنونی دنیا ❁

امریکایی‌ها در دنيای اسلام آینده‌ای ندارند ❁

امروز، روز اتحاد و همدلی ملتها و دولت‌های اسلامی است ❁

ملتهای مسلمان قدر بیداری اسلامی را بدانند ❁

مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله مایه اصلی نظام جمهوری اسلامی *

رسیدن به حیات طیبه در پیمودن راه امام(ره)

امروز، روز تجدید خاطره‌ی دردناک رحلت امام بزرگوار ماست. برای ملت ایران خاطره‌ی تلخ این روز، فراموش نشدنی است. آمدن ما به این مکان، برای تجدید عهد است. می‌خواهیم در کنار جسم آرمیده‌ی امام بزرگوارمان، خطاب به روح مطهر و ملکوتی او بگوییم: «أنا على العهد الذی فارغناک علیه»؛ یعنی ما بر سر عهد، پایداریم. عهدی که با امام بزرگوارمان داریم، پیمان ادامه‌ی راه او و سعی و تلاش برای رسیدن به هدفهای اوست. ما امام را فقط برای افتخار کردن به نام او و کار او نمی‌خواهیم؛ امام را فقط مایه‌ی زینت جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بالاتر و مهمتر از اینها این است که امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخص‌هایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می‌توانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملت خودمان دور کنیم؛ می‌توانیم آرزوی دیرین بشر یعنی عدالت را تحقق ببخشیم؛ می‌توانیم به تحقیر شدن ملت‌های مسلمان خاتمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه - نه با تملق و اظهار ذلت - از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را به‌رو می‌باز کرد

و این هدفها را برای ما تعریف کرد. او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسی‌ترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود.

مردان خدا! این طورند

مردان خدا این طورند؛ علی‌رغم بی‌اعتنایی به زخارف دنیا می‌توانند دنیایی را متحول کنند. عامل اصلی قدرت آنها، بی‌اعتنایی به زخارف دنیاست. مردان خدا نظرشان به همه چیز و همه کس، تابع نظرشان به خداست. مردان خدا به تاریخ روح می‌بخشند، و روح بخشیده‌اند. تاریخ حقیقی و معنوی بشر را مردان خدا نوشته‌اند. شما نگاه کنید؛ امروز با این که هزاران سال از دوران ابراهیم و موسی و عیسی می‌گذرد، مفاهیمی که هدیه‌ی آنها به بشریت است، امروز برترین مفاهیم رایج بشری است. امروز اگر سخن از آزادی و کرامت بشر می‌رود، اگر حقوق انسان در جوامع مطرح می‌شود، اگر عدالت و رفع تبعیض همچنان در دنیا یک شعار جذاب است، اگر مبارزه‌ی با فساد و مفسدان و مبارزه‌ی با ظلم و توجه به ایتثار و فداکاری در راه حق در چشم بشریت جذاب و شیرین است، به خاطر این است که این مفاهیم را پیغمبران - این مردان خدا - به تاریخ عرضه کردند و آنها را در اختیار بشریت قرار دادند. بنابراین مردان خدا تاریخ را متحول می‌کنند. آنها با امید به خدا و با خشیت از پروردگار، ناممکن‌ها را ممکن می‌کنند. با خوف و رجاء مادی و حیوانی نمی‌شود انسان و انسانیت را متحول کرد. بیم و امید مردان خدا از قبیل بیم و امید اهل دنیا نیست؛ دل بستگی آنها به خداست؛ توکلشان به خداست؛ خشیت آنها از نافرمانی خداست؛ آنها همه‌ی قوانین طبیعت را - که دست قدرتمند الهی سررشته‌دار آنهاست - در خدمت هدفهای خود می‌بینند و با توکل به خدا حرکت می‌کنند؛ لذا دنیایی را متحول می‌کنند. امام بزرگوار ما از زمره‌ی چنین مردانی بود.

حکومت مردان خدا بر دلها

مردان خدا بر دلها حکومت می‌کنند؛ و بر اثر همین اتصال به خداست که سلطان دلها می‌شوند. ولایت مردان خدا، ولایت معنوی و باطنی است؛ ولایت ظاهری آنها هم - اگر به ولایت ظاهری دست پیدا کنند - ناشی از معنویت و ولایت باطنی آنهاست. خدا قدرت خلاقیت خود را به مردان خدا و پیغمبران خود و اوصیاء پیغمبران می‌بخشد و آنها را بر دلها حاکم می‌کند. ولایت و حکومتی که رشحه‌ای از ولایت معنوی در آن نباشد، اگر جذابیتی هم داشته باشد، جز لعابی از دروغ و فریب و تزویر نیست. لذا نوع حکومت مردان خدا و حاکمان الهی با دیگران متفاوت است. امام این الگو را به ما نشان داد و ما آن را از نزدیک دیدیم. ما وقتی به خود نگاه می‌کنیم، فاصله‌ی میان خود و پیغمبران و اولیاء خدا و مردان بزرگ الهی و معنوی را ناپیمودنی و ژرف می‌بینیم. اما امام بزرگوار در زمان ما، در خلأ پیغمبران الهی و وحی الهی، با حضور خود، با فکر خود و با رفتار خود توانست نمونه‌ی زنده‌ای را به ما نشان دهد تا ببینیم ولایت معنوی چیست. امروز هم راه امام و فکر امام و هدف امام برای ملت ایران و امت اسلامی وسیله‌ی نجات است.

جوهر اصلی در مکتب امام (ره)

من امروز سه مطلب کوتاه را که بر گرفته‌ی از منطق انقلابی و اسلامی امام است در این جا مطرح می‌کنم: اول، درباره‌ی مکتب سیاسی امام است، که مایه‌ی اصلی نظام جمهوری اسلامی است دوم، درباره‌ی اوضاع کنونی جهان و چالش‌های بین‌المللی در ارتباط با اسلام و مسلمین است؛ و مطلب آخر، درباره‌ی مسئله‌ی جاری کشور یعنی انتخابات است.

مطلب اول: جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیاست؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسئله‌ی دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می‌کنند. امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه‌ی آخرت است. دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسان‌ها، تلاش انسان‌ها، خرد و دانایی انسان‌ها، حقوق انسان‌ها، وظایف و تکالیف انسان‌ها، صحنه‌ی سیاست انسان‌ها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه‌ی تربیت، صحنه‌ی عدالت؛ اینها همه میدان‌های زندگی است. به این معنا، دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه‌ی عظیم و در این عرصه‌ی متنوع، به مجموعه‌ی تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنای از دنیا، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. دین نمی‌تواند غیر از دنیا عرصه‌ی دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده‌ی دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا - یعنی محیط زندگی انسان - بدون دین، تبدیل می‌شود به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی. انسان در این صحنه‌ی عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه‌ی زندگی باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید. در چنین صحنه‌ای، آنچه می‌تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصت‌های زندگی انسان، به معنای نعمت‌های پراکنده‌ی در عرصه‌ی جهان، به معنای زیبایی‌ها و شیرینی‌ها، تلخی‌ها و مصیبت‌ها، وسیله‌ی رشد و تکامل انسان است. اینها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای این که انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما مکمل و آمیخته و درهم تنیده‌ی با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست. این، درست همان نقطه‌ای است که از آغاز حرکت امام تا امروز، بیشترین مقاومت و خصومت و عناد را از سوی دنیاداران و مستکبران برانگیخته است؛ کسانی که زندگی و حکومت و تلاش و ثروت آنها مبتنی بر حذف دین و اخلاق و معنویت از جامعه است.

❁ شاخصه دنیای مذموم مستکبران ظالم

اما دنیا مفهوم دیگری هم دارد. در متون اسلامی، دنیا به معنای نفسانیت و خودخواهی و اسیر هوی و هوس خود بودن و دیگران را هم اسیر هوی و هوس خود کردن، آمده است. سرتاسر قرآن و احادیث و کلمات بزرگان دین در طعن و طرد چنین دنیایی است. در لسان روایات ما، دنیای مطرودی که با دین قابل جمع نیست، به معنای هوی و هوس و نفسانیت و انانیت و خودخواهی و خودپرستی است؛ این دنیا شاخصه‌ی فرعون و نمرود و قارون و شاخصه‌ی شاه و بوش و صدام است؛ این دنیا شاخصه‌ی مستکبران ظالم و ستمگر روزگار در طول تاریخ تا امروز است. البته اینها مجسمه‌های بزرگترِ رذائل اخلاقی و این دنیای مذموم‌اند. یک انسان معمولی هم می‌تواند در دل و درون خود یک فرعون داشته باشد و به قدر توان و امکانات خود، فرعونی و قارونی و قیصری و امپراتورانه عمل کند. اگر امکاناتش بیشتر شد، او هم مثل فرعون و قارون و بقیه‌ی گردنکشان و طواغیت تاریخ خواهد بود. این دین با دنیا قابل جمع نیست؛ این همان دنیایی است که در لسان روایات، هووی دین نامیده شده است؛ نمی‌توانند با هم جمع شوند. اگر کسی بخواهد دنیای به این معنا را با دین جمع کند، ممکن نیست. دین را با چنین دنیایی نمی‌شود آباد کرد. دین را در خدمت چنین دنیایی قرار دادن، خیانت به دین است. امام، ما را از اسارت دنیا هم بر حذر می‌داشت. امام بزرگوار ما که دین را عین سیاست، عین اقتصاد و عین دنیا می‌دید، دائماً مردم و مسئولان را از دنیای به این معنا بر حذر می‌داشت.

❁ راهی که ملت ایران در پیش دارد

ما باید بین این دو معنای از دنیا فاصله قائل شویم. خود او هم دنیای به معنای دوم را بکلی کنار گذاشته بود؛ اهل هوای نفس و انانیت و خودخواهی و نفسانیت نبود. اما دنیای به معنای اول - یعنی عرصه‌ی وسیع زندگی - چیزی بود که مثل متون اسلامی و آن چنان که اسلام به ما آموخته است، امام آن را با دین همسان و منطبق می‌دانست. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «الدنيا متجر اولیاء الله»؛ دنیا جایگاه بازرگانی و سودای اولیاء خداست، یا ابزار بازرگانی و سودای آنهاست؛ می‌توانند از دنیا برای رسیدن به تعالی معنوی استفاده کنند. راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم راه، دانایی راه، اقتصاد راه، سیاست راه، زندگی فردی راه، روابط اجتماعی راه، برنامه‌های کلان جامعه را - که اجزاء گوناگون دنیاست - باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آنها را به شکوفایی رساند؛ و همه‌ی اینها در سایه‌ی دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی‌ناپذیر و خصومت کور ابرقدرت‌ها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماج‌های تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ می‌گویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا می‌دانید. آنها احساس خطر می‌کنند؛ چون دنیایی که آنها می‌خواهند، دنیای ظلم و تجاوز و دنیای تهی از معنویت و اخلاق است. این، نظمی است که استکبار جهانی برای بشریت امروز و دیروز، همیشه در نظر داشته است. نظام جمهوری اسلامی این نظم باطل و این دور غلط را شکسته است؛ نمونه‌ای را نشان می‌دهد که دین می‌تواند در دنیای مردم به‌طور عملی مؤثر باشد.

تغییرات زیاد دنیا در مسائل و جغرافیای سیاسی

مطلب دوم درباره‌ی حوادث بین‌المللی و منطقه‌ای در ارتباط با اسلام و مسلمین است. از روزگار امام تا امروز، دنیا در زمینه‌ی مسائل سیاسی و جغرافیای سیاسی تغییرات زیادی کرده است: اردوگاه کمونیسم متلاشی شده؛ این یک حادثه‌ی بسیار بزرگ در دنیا بود. مردم مظلوم فلسطین به انتفاضه و قیام رو آورده‌اند؛ این حادثه‌ی بسیار مهمی بود. در سطح دنیای اسلام، بلکه در سطح جهان، نفرت از دولت ایالات متحده‌ی آمریکا همه‌گیر شده است؛ این حادثه‌ی بسیار مهمی است. در سطح منطقه، طاغوت بدکردار زشت‌سیرتی مثل صدام حسین به درک رفته است و از دستگاه تأثیر سیاسی منطقه حذف شده است؛ این حادثه‌ی مهمی است. در اردوگاه غرب، یک رقابت شدید میان آمریکا و اروپا به وجود آمده؛ شکافی که سعی می‌کنند آن را پنهان نگه دارند؛ اما نشانه‌ها و علائم آن جلوی چشم همه است؛ این حادثه‌ی بسیار مهمی است.

وجود دو تفسیر درباره‌ی وضعیت کنونی دنیا

درباره‌ی وضعیت کنونی دو تفسیر وجود دارد: یک تفسیر از اوضاع کنونی - که ظاهر بینانه است - این است که آمریکا با تحولاتی که رخ داده، قدرت بیشتری پیدا کرده است؛ انقلاب اسلامی و دنیای اسلام را به محاصره در آورده است. ادعا می‌کنند که آمریکا در عراق (غرب ایران)، در افغانستان (شرق ایران)، در منطقه‌ی خلیج فارس و در مناطقی از آسیای جنوب غربی حضور دارد و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی را به محاصره‌ی خود در آورده است؛ بنابراین قدرت آمریکا بیشتر شده. اما تفسیر دیگری وجود دارد، و آن این است که این حوادث نشان‌دهنده‌ی حرکت انفعالی آمریکا در مقابل بیداری دنیای اسلام است. بعد از برپا شدن جمهوری اسلامی، قدرت استکباری آمریکا که با وجود رقیبی مثل شوروی سابق، تا آن روز با خیال راحت در این منطقه به منافع نامشروع خود دست پیدا می‌کرد، آرامش قدرتمندان‌اش بر هم خورده و در منطقه‌ی اسلامی تهدید شده است. یک روز بود که آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه احساس قدرت مطلقه می‌کرد و دغدغه‌ای نداشت. حتی حکومت‌هایی هم که بظاهر گرایش چپ داشتند، برای آمریکا خطر محسوب نمی‌شدند. رژیم بعثی عراق یک رژیم به اصطلاح چپ بود و با شوروی ارتباطات نزدیکی داشت؛ اما برای آمریکا خطر محسوب نمی‌شد؛ چون آمریکایی‌ها می‌دانستند هر چه آنها بخواهند، می‌توانند این حکومت بی‌پایه‌ی غیرمتکی به مردم را به سمت آن سوق دهند؛ و آنچه اراده‌ی آنها بود، به وسیله‌ی او تحقق پیدا می‌کرد. حکومت‌های چپ دیگری هم که در منطقه بودند، برای آمریکا تهدید محسوب نمی‌شدند؛ اما وقتی نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد، پدیده‌ی جدید و غیرقابل تفسیری برای آمریکایی‌ها بود. این، یک نظام چپ وابسته‌ی به اردوگاه کمونیسم نبود که اگر با آن مشکلی پیدا کردند، بروند با سران شوروی مذاکره کنند و مشکل را حل نمایند؛ این نظامی بود اولاً متکی به اراده و ایمان آحاد مردمش و غیرمتکی به هر مرکز قدرتی در خارج از محدوده‌ی خود و کشور خود؛ ثانیاً الهام‌بخش این نظام و رهبر عظیم‌الشأن آن، خدا و دین و خوف و رجاء الهی بود؛ لذا دنیا در اراده‌ی او تأثیری نداشت. همین صفا و صدقی که در این نظام بود، و همین شعار معنویت و اسلام - که

هویت مسلمان‌ها را به یادشان می‌آورد - موجب شد که حرکت بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام به وجود بیاید. آنچه امریکایی‌ها در طول این سالها در خاورمیانه و در منطقه‌ی اسلامی انجام داده‌اند، یک حرکت انفعالی در مقابل حرکت قوی نظام اسلامی و جمهوری اسلامی بوده است. طرح خاورمیانه‌ی بزرگ هم که امریکایی‌ها با اصرار آن را دنبال کرده‌اند و تا امروز شکست خورده و بعد از این هم به حول و قوه‌ی الهی شکست خواهد خورد، یک حرکت انفعالی در مقابل قیام اسلامی و نهضت بیداری اسلامی است.

🕌 امریکایی‌ها در دنیای اسلام آینده‌ای ندارند

امریکایی‌ها می‌دانند که در دنیای اسلام آینده‌ای ندارند. برای این که بیداری اسلامی به حرکت‌های انقلابی منتهی نشود، پیشدستی می‌کنند؛ می‌خواهند چیزی را که برای ملت‌ها سرنوشت محتوم است، با ابتکار و حرکت‌های پیشدستانه‌ی خودشان عقب بیندازند. اخیراً امریکایی‌ها اعتراف کرده‌اند که اگر حمله‌ی آنها به عراق نمی‌بود، رژیم صدام در مدت کوتاهی به وسیله‌ی عناصر مؤمن و مسلمان خود عراق سرنگون می‌شد و ابتکار عمل از دست آنها خارج می‌گردید؛ آنها از این می‌ترسند. فعالیت آنها انفعالی و از روی ترس از عواقب بیداری اسلامی در دنیای اسلام است. حرکتی که امروز امریکایی‌ها در این منطقه می‌کنند، ناشی از قدرت نیست؛ ناشی از احساس قدرت در اردوگاه اسلامی و قیام اسلامی و بیداری اسلامی است.

🕌 امروز، روز اتحاد و همدلی ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است

البته ملت‌های اسلامی باید بیدار باشند و نباید دشمن و توطئه و حرکت‌های او را کوچک بشمرند؛ باید بیداری و برحذر بودن و هشیاری خود را حفظ کنند. امروز، روز اتحاد و همدلی ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. من از همین جا می‌خواهم به ملت خودمان و ملت عراق و ملت پاکستان و دیگر ملت‌های مسلمان هشدار بدهم؛ اختلافات مذهبی و اختلافات شیعه و سنی را مه‌ار کنند. من امروز دست‌هایی را می‌بینم که با برنامه، به عنوان شیعه و سنی، میان مسلمانان جنگ ایجاد می‌کنند. کشتارهایی که اتفاق می‌افتد و انفجارهایی که در مساجد، حسینیه‌ها، نماز‌های جماعت و نماز‌های جمعه به وجود می‌آید، یقیناً دست خبیث صهیونیسم و استکبار در آنها وجود دارد؛ این کار خود مسلمان‌ها نیست. هم در عراق، هم در ایران، هم در افغانستان، هم در پاکستان و هم در همه‌ی کشورهای دیگر، امروز مسلمانان وظیفه دارند به موارد اتحاد و وحدت خودشان بپردازند. توحید، یکی؛ خدا، یکی؛ نبوت، یکی؛ معاد، یکی؛ قرآن، یکی؛ بیشترین احکام شریعت اسلامی، یکی؛ همه مشترک، اما دشمن می‌آید روی نقاط افتراق انگشت می‌گذارد و دل‌ها را پُر از کینه‌ی به یکدیگر می‌کند؛ برای این که بتواند به هدف‌های خود برسد. امام بزرگوار ما که این همه روی وحدت مسلمین تأکید می‌کرد، به خاطر این بود که این خطر را می‌دید و می‌شناخت. در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی، انگلیسی‌ها و دستگاه جاسوسی انگلیس میان شیعه و سنی اختلاف ایجاد کردند؛ آنها تجربه‌ی زیادی در این کار دارند؛ همه باید مراقب باشند. امروز ایادی صهیونیسم هم در این کارها دخالت می‌کنند. اطلاعات ما خبر از این می‌دهد

که دستهای خبیث صهیونیست‌ها و عوامل دشمنان اسلام، در همه‌ی حوادثی که انسان در گوشه و کنار دنیای اسلام می‌بیند، با واسطه‌ی بی‌واسطه دخالت دارند.

🏠 ملت‌های مسلمان قدر بیداری اسلامی را بدانند

امروز دنیای اسلام باید به خود ببالد که قدرت و بیداری او استکبار جهانی را دستپاچه و سراسیمه کرده است. امروز ملت‌های مسلمان باید قدر بیداری اسلامی را بدانند. امروز ملت ایران باید قدر حرکت عظیم خود را بداند که امید را در دل‌های مسلمانان بیدار کرده است و می‌تواند ان شاء الله پیشرفت دنیای اسلام و نجات از عقب‌ماندگی مزمَن و تحقیر شدن به وسیله‌ی دشمنان را به او نوید دهد.

اسلامی بودن، مردمی بودن و نوآوری خطوط اصلی حرکت امام خمینی رحمه الله

- ❖ امام خمینی (ره)، کلمه طیبه
- ❖ علت زنده بودن حقیقت و هویت امام (ره)
- ❖ راز اقتدار، ماندگاری و نفوذ امام (ره)
- ❖ راه خدا هزینه و مجاهدت دارد
- ❖ ایستادگی آگاهانه و از سر بصیرت، تنها راه دستیابی
یک ملت به حقوق خود
- ❖ رویه‌ی یک ملت آزاد و مستقل
- ❖ تزریق هویت جدید به امت‌های اسلامی توسط امام (ره)
- ❖ غافل گیر شدن سلطه‌گران با انقلاب اسلامی
- ❖ تغییر ادبیات سیاسی دنیا توسط انقلاب اسلامی
- ❖ شرط تداوم حرکت مبارک امام (ره)
- ❖ خطوط اصلی حرکت امام (ره)
- ❖ الف) اسلامی بودن نظام
- ❖ ۱- مورد توجه و قبول همه‌ی مسلمانان است
- ❖ ۲- فرامذهب و هویتی فرامذهبی است
- ❖ و...

اسلامی بودن، مردمی بودن و نوآوری خطوط اصلی حرکت امام خمینی (ره) *

❁ امام خمینی (ره)، کلمه طیبه

خداوند متعال کلمه‌ی طیبه را به درخت پاکیزه و بارور تشبیه کرده است؛ ریشه‌ها در زمین استوار و شاخ و برگ آن در فضا پراکنده است و به تناسب موقعیت و انتظار، میوه‌ی خود را به مشتاقان می‌دهد: «تؤتی أكلها كل حين باذن ربها». کلمه‌ی طیبه، هر آن فکری است که در دل یک انسان بزرگ و الهی بر وی و منشأ برکات برای مردم بشود؛ هر آن عملی است که از جوارح یک انسان صالح سر بزند و برای هدایت بشر و رشد عالم انسانیت دارای برکات باشد. همچنین کلمه‌ی طیبه، آن انسانی است که این اندیشه‌ی نیکو یا این عمل صالح در وجود او متحقق شده است و در او بروز و نمود پیدا می‌کند. بعد از این آیه، خداوند متعال می‌فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». آن قول ثابت موجب میشود که قائل به آن قول هم، ثبات و دوام پیدا کند. کلمه‌ی طیبه، هم قول است، هم آن قائل است؛ هم فکر است، هم آن چیزی است که زائیده‌ی از آن فکر است؛ هم آن شخصیت انسانی برگزیده‌ای است که این فکر و عمل به او قائم است.

این جور است که شما می‌بینید امام بزرگوار ما هر روز گوئی زنده‌تر میشود؛ در فضای جامعه‌ی ما و در فضای بین‌الملل اسلامی، روز به روز امام بزرگوار برجسته‌تر و فکر او و راه او فهمیده‌تر و ملموس‌تر میشود. آن چیزی که این دوام راه، این استمرار وجود راه، این برکات را پدید آورده است، چیست؟ آن، ایمان مخلصانه و عمل صادقانه است.

❁ علت زنده بودن حقیقت و هویت امام (ره)

امام بزرگوار ما مصداق این آیه‌ی شریفه بود که «أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا»؛

هدف او، هدف الهی؛ رفتار او، رفتار ایمانی؛ و عمل او، عمل صالح. این است که در فضای ذهنیت جامعه‌ی اسلامی، برای چنین موجودی میماند و میرائی ندارد؛ مثل سلسله‌ی انبیاء الهی و اولیاء الهی که جسمشان از مردم غایب شد، اما حقیقتشان و هویتشان زنده است.

رهبران مادی را با انواع حیل‌ها می‌خواهند در دل‌ها زنده نگه دارند، نمی‌شود. جسد لنین - رهبر شوروی - را مومیائی کردند تا بماند و جلو چشم باشد، اما نماند. آن مومیائی - یک جسم بی‌ارزش - آن فکر و آن اصول و آن یاد، همه محکوم به زوال شد؛ هم در جامعه‌ی خود او، هم در سطح جهان.

راز اقتدار، ماندگاری و نفوذ امام (ره)

تفاوت رهبری و زعامت معنوی و روحی این است. علت هم همان اتصال با منبع اصلی قدرت، ارتباط با خدا، همه چیز راز او دانستن و همه کار را برای او کردن، است. این راز اقتدار و ماندگاری و نفوذ مردان خداست. امام با این دید و با این مبنا، همچنان زنده خواهد ماند. دشمنان او، مخالفان او، معارضان دینی و سیاسی او، رفتند و خواهند رفت؛ اما امام بزرگوار با فکرش، با هویتش و با وجود حقیقی‌اش در جامعه‌ی اسلامی و در جامعه‌ی بزرگ بشری ادامه پیدا خواهد کرد و روز به روز بر جسته‌تر و قوی‌تر و محسوس‌تر خواهد شد. راز قدرت معنوی امام بزرگوار ما این است.

سرّ این نفوذ عجیب که این مرد بزرگ در دل توده‌های عظیم مسلمان در کشورهای مختلف راه یافت و راز این نفوذ عظیم، این است: از خود عبور کردن، برای خود تلاش نکردن، خدا را دیدن و از خدا الهام گرفتن و برای خدا مجاهدت به تمام معنا انجام دادن. این راز عظمت امام بزرگوار و رهبری روحانی است. پیامبران هم راز نفوذشان، راز ماندگاری‌شان همین بود؛ و الا ظواهر و بند و بست سیاسی و شعارهای دهان پر کن و مورد علاقه‌ی توده‌های مردم را همه بلند بدهند؛ دیگران هم این کارها را میکنند. این نیست آن چیزی که یک زعیم معنوی و روحانی را در دل‌ها نافذ میکند؛ بر دل‌ها حاکم میکند. و حکومت او از نوع حکومت معنوی و صوری نیست؛ از نوع حکومت انبیاء است؛ از نوع حکومت جباران و جائران هرگز نیست. لذا شما در زندگی امام که نگاه میکنید، این ارتباط با خدا و اتصال با خدا در او یک سکینه و آرامشی به وجود می‌آورد. آنجائی که دیگران وحشترده میشدند، او آرام بود! آنجائی که دیگران به تزلزل می‌افتادند، او قاطع و مصمم بود. در وصیتنامه‌ی خود هم خطاب به مردم ایران، بلکه ملت‌های مسلمان می‌گوید با دلی آرام و قلبی مطمئن از مردم خدا حافظی میکنند و به جوار رحمت الهی می‌روند. دم مرگ هم با دل آرام این جهان را ترک میکند.

راه خدا هزینه و مجاهدت دارد

بعضی‌ها به ذهنشان می‌آمد که چطور امام با این دقت و اهمتامی که در احکام دین و نسبت به جان و مال داشت و این همه مادر انقلاب و در جنگ شهید دادیم، دچار دغدغه نبود و با دل آرامی میتوانست دنیا را ترک کند و به ملاقات پروردگار برود؛ میگفتند جواب این خونهارا که خواهد داد. جواب امام به این وسوسه‌ها این است که جواب این خونهارا همان کسی خواهد داد که جواب خونهای صفین و نهروان را داد. جواب این سختی‌ها را همان کسی خواهد داد که جواب سختی‌ها و رنج‌ها و محنت‌های امیرالمؤمنین را در دوران زندگی خواهد داد. انقلاب برای نجات یک



ملت دارای هزینه است؛ جنگ هشت‌ساله برای دفاع از استقلال یک ملت دارای هزینه است؛ ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقانیت و حقوق خود دارای هزینه است. امام این هزینه را پرداخت. هزینه‌ای که امام پرداخت، اعتماد عمومی مردم بود. این اعتماد عمومی را در این راه امام به کار انداخت و هزینه کرد، اما خدای متعال این هزینه را جبران کرد. آنچه را که امام هزینه کرده بود، چند برابر به او برگرداند.

در تشییع جنازه‌ی این مرد بزرگ، جمعیتی که حضور پیدا کردند، از جمعیت مردم در روز استقبال او بیشتر بود. این معنائش همین است که «من كان لله كان الله له». دل‌های مردم به او متوجه بود. او این سرمایه را برای خود نخواست؛ این سرمایه از نظر او ملک پروردگار بود؛ باید در راه خدا مصرف می‌کرد و کرد؛ و خدا هم این سرمایه را به صورت مضاعف به او برگرداند. راه خدا این جور است؛ راه خدا مجاهدت دارد، هزینه دارد و هزینه‌ی آن را باید پرداخت.

ایستادگی آگاهانه و از سر بصیرت، تنها راه دستیابی یک ملت به حقوق خود

یک ملت اگر اهل خدا هم نباشد، دین و قیامت را هم قبول نداشته باشد و بخواهد به عزت برسد، باید هزینه کند؛ بخواهد به استقلال برسد، باید هزینه‌ی آن را بپردازد؛ بخواهد حق خود را در مقابل زورگویان عالم حفظ کند، باید متحمل هزینه‌ی آن بشود. نمیشود گوشه‌ای نشست و توقع و آرزوی پیشرفت و توسعه و عزت و آقایی کرد، اما در میدان عمل هیچ کوشش و تلاشی نشان نداد؛ این شدنی نیست. بعضی‌ها همین قدر این را بلدند که گله کنند، کمبودها را مطرح کنند، شکوه کنند؛ اما سهم خود را در راه پیشرفتی که باید پرداخت، چگونه می‌پردازند؟ از این دیگر حرفی نمی‌زنند. آنوقتی که وقت تلاش و سعی است، تماشاچی اند؛ آنوقتی که وقت داوری است، بی‌رحمانه و غیرمنصفانه داوری می‌کنند؛ این نمیشود. یک ملت، یک جمعیت، یک فرد، برای اینکه بتواند به آرزوهای بلند خود دست پیدا کند، باید تلاش کند. ملت ما این تلاش را کرد و توانست انقلاب را پیروز کند. این تلاش را کرد و توانست در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، سربلند از آب در بیاید.

همه‌ی قدرتها دست به دست هم دادند، رژیم بعثی عراق را جلو انداختند برای اینکه انقلاب را نابود کنند؛ جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ اما ملت ایستاد. این ایستادگی نتیجه‌اش این شد که دنیا این تجربه را پیدا کرد که ایرانی، آنجائی که پای دفاع از حق و دفاع از حقیقت و دفاع از حقوق خود او در میان باشد، هرگز از میدان خطر عقب نمی‌نشیند. و تنها و تنها راه دستیابی یک ملت به حقوق خود، همین ایستادگی آگاهانه و از سر بصیرت است. آگاه باشند، حق خود را بشناسند، بر آن پافشاری کنند. نمیشود حق را از دیگران التماس کرد و گرفت. امام ابرقدرتها را خوب شناخته بود؛ با قدرتهای سلطه‌گر و تجاوزگر نمیشود با التماس حرف زد. تا وقتی شما التماس کنید، عقب‌نشینی کنید، نرمش بخرج بدهید، طبیعت سلطه‌طلب این است که مُشتهای خود را گره‌تر میکند، تهدید خود را جدی‌تر میکند، چهره‌ی خود را خشمگین‌تر میکند و جلوتر می‌آید. حق را با ایستادگی باید گرفت. ملت ایران به حق استدلال خود دست یافت، عزت خود را تأمین کرد، مرزهای خود را امن کرد، یک حکومت باثبات در کشور به برکت همین ایستادگی، به برکت همین مجاهدت به وجود آورد؛ احساس قدرت کرد.

🌸 رویه‌ی یک ملت آزاد و مستقل

عزیزان من! ملت بزرگ ایران! جوانان عزیز! خودتان را جدی بگیرید. خودتان را باور کنید. توانستید و خواهید توانست. آن چیزی که قدرتهای سلطه‌طلب بخواهند به یک ملت اعطا نکنند، ارزش گرفتن ندارد. حق دستیابی به انرژی هسته‌ای را ملت ایران التماس کند تا قدرتمندان زورگوی دنیا و عزیزان بی‌جهت دنیا بپذیرند که او دارای حق هسته‌ای است! نه؛ این، رویه‌ی یک ملت آزاد و مستقل نیست. همه‌ی حقوق دیگر هم از این قبیل است.

🌸 تزریق هویت جدید به امت‌های اسلامی توسط امام (ره)

مطلب دیگر این است که امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پر آشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده‌ی ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، یک هویت اسلامی و یک هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست. هویت اسلامی، متعلق به همه‌ی امت‌های اسلام است. امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند.

🌸 غافل‌گیر شدن سلطه‌گران با انقلاب اسلامی

سالهای متمادی، سیطره‌ی غرب بر این منطقه مستحکم شده بود. بعد از جنگ بین‌الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه‌ی خاور میانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام شده میدید. عراق یک جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی - اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر - هر کدام به نحوی زیر سلطه‌ی سنگین استعمارگران و سلطه‌گران غربی و اروپائی و سپس امریکائی بودند. برای محکم کردن کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه‌ی حساس به وجود آوردند تا مطمئن باشند که غرب به وسیله‌ی صهیونیست‌ها، در این منطقه‌ی حساس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعالی دارد و همه چیز را کنترل کند. در سالهای آخر نیمه‌ی اول و اوائل نیمه‌ی دوم آن قرن، تحركات آزادی خواهانه در کشورهایی به وجود آمد، اما غربیها بسرعت توانستند آنها را کنترل کنند و زیر پنجه‌ی خودشان بگیرند. عراق را یک جور، بعضی کشورهای دیگر عربی را جور دیگر، مصر را به نحوی دیگر؛ نمی‌گذاشتند به هیچ وجه کنترل این منطقه‌ی حساس و سرشار از منابع حیاتی از دست آنها خارج شود. در چنین شرائطی، ناگهان انقلاب اسلامی آنها را غافلگیر کرد. باور نمی‌کردند نهضت روحانیت و رهبری امام به یک چنین حرکت عظیم مردمی تبدیل شود. ملت ایران یکپارچه وارد میدان شد. همت ملت ایران و رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار ما این حادثه‌ی معجزه‌گون را آفرید.

در دنیای سیاست، هیچکس باور نمی‌کرد که در این منطقه - آن هم در ایران که امریکائیها نفوذ صد در صد بر دولتمردان و دربار آن داشتند - ناگهان نظامی سر بلند کند که بر قاعده‌ی دین، بر مبنای دین، بنا شده و پرچم اسلام و لا اله الا الله و محمد رسول الله را در دست گرفته است. آن روز همه‌ی کسانی که به سیاست، با چشم عمیق

نگاه میکردند، فهمیدند که مسیر منطقه عوض شد. البته سلطه‌گران خیلی تلاش کردند که این شعله را خاموش کنند؛ این حرکت را از بین ببرند؛ این نوزاد را رشد نکرده، لگدمال کنند؛ اما افرادِ با بصیرت میدیدند و میفهمیدند که دست قدرت الهی دارد خود را نشان میدهد. روز به روز این نهال بارور، بالنده‌تر و ریشه‌دارتر شد. این نهال جمهوری اسلامی است؛ این همان کلمه‌ی طیبه است؛ «أصلها ثابت و فرعها فی السّماء».

تغییر ادبیات سیاسی دنیا توسط انقلاب اسلامی

امروز نظام جمهوری اسلامی در همه‌ی این منطقه، باثبات‌ترین نظام است. ملت ایران امروز در این منطقه پرشورترین و مصمم‌ترین و پای‌کارترین ملت‌های این منطقه است. و نظام جمهوری اسلامی در این مدت توانسته است با قدم‌های بسیار بلندی در همه‌ی زمینه‌ها به پیش برود. در میدان سیاست، ادبیات سیاسی دنیا را با عناصر مهمی تغییر داد؛ در میدان علم، رکود مطلق حاکم بر این منطقه و این کشور را بر هم زد. جوانان ما به خود امیدوار شدند؛ خود را باور کردند. حرکت عمومی ملت و دولت به سمت آرمانها، حرکتی شتابنده است. دولت‌ها و دولتمردان گوناگون در جهت حرکت انقلاب اسلامی، در تمام طول این مدت، پیش رفتند و کارهای بزرگی انجام گرفت و در دنیای اسلام روز به روز چهره‌ی جمهوری اسلامی در خشانتر و آبروی ملت ایران بیشتر شد.

شرط تداوم حرکت مبارک امام(ره)

امروز در هر نقطه‌ی از دنیای اسلام و میان امت اسلامی، در میان جوانان، در میان دانشگاهیان، در میان توده‌های مردم که شما بروید و نظرخواهی کنید، نظام جمهوری اسلامی، امام بزرگوار و ملت، در این نظام مورد قبول و تصدیق و حمایت و محبت اکثریت آنها هستند. ملت، در صحنه؛ نظام، در حال پیشرفت؛ کشور، در حال تحرک به سمت آرمانها؛ و دل‌های جوان، سرشار و لبالب از امید. اما ما باید بدانیم و توجه کنیم که تداوم این حرکت مبارک، بسته به این است که خطوط اصلی این حرکت را هرگز از یاد نبریم؛ کما اینکه تا امروز قاطبه‌ی ملت ایران و بخش عظیمی از نخبگان این کشور، آن را از یاد نبرده‌اند و آن را دنبال کرده‌اند.

خطوط اصلی حرکت امام(ره)

الف) اسلامی بودن نظام

اگر در بین خطوط اصلی چند نقطه‌ی اصلیت را بخواهیم نشانه کنیم و مطرح کنیم، یکی اسلامی بودن است؛ یکی مردمی بودن است؛ یکی نو بودن و ابتکاری بودن است.

۱- مورد توجه و قبول همه‌ی مسلمانان است

اسلامی بودن دارای خصوصیات گوناگونی است. ابعاد مختلفی از همین مطلب، از همین عنوان اسلامی بودن

فهمیده میشود که باید به آنها توجه داشت. ما میگوئیم نظام ما، اسلامی است؛ یعنی متعلق به اسلام است؛ مورد توجه و قبول همه‌ی مسلمانان است؛ مخصوص یک فرقه‌ی از مسلمانان نیست. درست است که این نظام از دل معارف شیعی جوشید و به وسیله‌ی یک مرجع تقلید شیعه، رهبری و هدایت شد، اما نظام جمهوری اسلامی هرگز شناسنامه‌ی تک‌مذهبی برای خود فراهم نکرده است. به همین دلیل هم هست که در سرتاسر دنیای اسلام، جوانان از مذاهب مختلف اسلامی، طرفدار و علاقه‌مند به این نظام بوده‌اند و نام امام را گرامی و مقدس داشته‌اند. در تمام این بیست و هشت سال و تا امروز، در کشورهای عربی، در بسیاری از کشورهای اسلامی غیر عربی در شرق و غرب دنیای اسلام، جوانان، دلباخته‌ی نام امام بزرگوار ما و شیفته‌ی جمهوری اسلامی‌اند.

۲- فرامذهب و هویتی فرامذهبی است

امروز جوانان سنی فلسطین مانند جوانان شیعه‌ی مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته‌اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته میکنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار میکند. آنها از عزت جمهوری اسلامی احساس عزت میکنند. در هر کشوری از کشورهای اسلامی، هر کدام از مسئولان عالی‌رتبه‌ی کشور ما به دانشگاهی رفتند، به میان مردم رفتند، مردم آنها را مانند جان در آغوش گرفتند؛ به آنها عشق میورزند. هر چه مواضع یک مسئول صریحتر و روشنتر نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر میشود. بنابراین اسلام در کشور ما به معنای اسلام فرامذهب و هویت فرامذهبی است. اکثریت مردم کشور ما که شیعه و امامی و مخلص اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند، در کنار اکثریت دنیای اسلام که دارای مذاهب مختلف اهل تسنن‌اند، و در کنار برادران شیعه‌ی خودمان در عراق و لبنان و در پاکستان و در بحرین و در دیگر نقاط، با یک نگاه به جمهوری اسلامی نگاه میکنند و حاضرند در راه جمهوری اسلامی فداکاری کنند. ما در جنگ تحمیلی افرادی از کشورهای دیگر را سراغ داشتیم که برای دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی، آماده‌ی فداکاری بودند. اسلامی بودن، یعنی وابسته‌ی به اسلام و مبتنی بر شرع مقدس اسلام.

۳- گرفتن قواعد کلی دین از کتاب و سنت و تعبد به آن

یک بُعد دیگر اسلامی بودن این است که ما ارزشهای اخلاقی و نظامهای سیاسی و اجتماعی و قواعد کلی دین را از کتاب و سنت میگیریم و به آن متعبدیم. ما به تعبد به کتاب و سنت افتخار میکنیم و معتقدیم فهم درست کتاب و سنت، برای یک نگاه باز و روشن و برای یک جامعه‌ی اسلامی میتواند صدها راه برای مسائل گوناگون زندگی باز کند. بعضی خیال میکنند تعبد به کتاب و سنت، محدود کننده‌ی انسان در تجربه‌های گوناگون و پی‌درپی و نوبه‌نو در زندگی جهانی است. این ناشی از درست نشناختن کتاب و سنت و نگاه عامیانه به کتاب و سنت کردن است. نگاه مجتهدانه به کتاب و سنت میتواند راههای گوناگونی را باز کند برای اینکه انسان بتواند

جامعه، خود و نظامهای گوناگون را اداره کند و راههای بازی را در مقابل خود بیابد.

۴- پاسخگویی به تمام نیازها با اجتهاد اسلامی

یک بُعد مهم اسلامی بودن این است که اجتهاد اسلامی، میتواند به تمام نیازها پاسخگو باشد و پشتوانه‌ی علمی فقیهان و متکلمان و فیلسوفان اسلامی و دانشمندان علوم اسلامی، میتواند راهها را باز کند.

ب) مردمی بودن

خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه‌ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولت‌مدان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی.

در نظام جمهوری اسلامی همچنانیکه اقتصاد مردم اهمیت دارد، امنیت مردم هم اهمیت دارد؛ همچنانیکه امنیت جسم آنان دارای اهمیت است، امنیت اخلاق آنان هم دارای اهمیت است؛ همچنانیکه حفظ تشکیلات کشوری مهم است، حفظ نظام خانواده هم مهم است. جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی این نیازهای مردم، خود را موظف میدانند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رأی و صاحب اختیارند؛ بر خلاف دموکراسی رایج در غرب؛ لیبرال دموکراسی شکست خورده‌ی رسوا شده‌ی غربی. دموکراسی غربی در حقیقت انتخاب مردم نیست، انتخاب زرسالاران است؛ حتی انتخاب بدنه‌ی احزاب هم نیست، انتخاب سران و رهبران احزاب است. آنها هستند که حکومتها را می‌آورند و میبرند؛ آنها هستند که تصمیمهای بزرگ را میسازند. مردم در اکثر تصمیمهای بزرگ، برکنار از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌اند؛ کسی هم به آنها اعتنا نمی‌کند. آنقدر هم آنها را گرفتار مشغله و کار میکنند که نمیتوانند و فرصت آن را پیدا نمیکند که آنچه را که میخواهند، به زبان بیاورند.

وجود استبداد مدرن و پیشرفته در بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا

ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها در امریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای انسانهای صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سر کار آوردن حکومتها ندارند؛ پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین میکند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می‌اندازد.

نظام جمهوری اسلامی، آن دموکراسی مبتنی بر مبانی غلط غربی را رد میکند. مردم‌سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهار چوب دین خدا و نه در چهار چوب سنتهای جاهلی و خواسته‌های کمپانیهای اقتصادی و اصول خودساخته‌ی نظامیان و جنگ‌سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آنهاست؛ حرکت در چهار چوب دین خداست و اراده‌ی مردم، تعیین کننده‌ی مطلق

است. امروز نظام‌های غربی و در رأس آنها امریکا، همین دمکراسی بد تجربه‌شده و بد امتحان‌پس داده را می‌خواهند به‌زور به بعضی کشورها تحمیل کنند. دولت فلسطین را که از آراء مردم برخاسته، قبول نمی‌کنند؛ برای دولت عراق که از آراء مردم به معنای حقیقی کلمه، جوشیده و بر سر کار آمده، انواع مشکلات را درست می‌کنند؛ از کودتاهای نظامی و کودتاگران نظامی به شرطی که زیر فرمان آنها باشند، کمال حمایت را می‌کنند، باز دم از مردم‌سالاری می‌زنند!

ج) نوآوری

فراهم آوری سخن اسلام ناب

مشخصه‌ی سوم نوآوری است. من با اصرار می‌خواهم به نخبگان سیاسی و فرهنگی خودمان این توصیه را بکنم که مبانی اسلام را آنچنانیکه از کتاب و سنت فهمیده میشود، بیان کنند و در مقابل نگاه پرسشگر مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور خودمان قرار بدهند. این بسیار بد است که بعضی از ما احیاناً به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غربیها می‌کنند، سعی کنیم افکار اسلامی را آن جور بیان کنیم که با نظرات غربی تطبیق بکند؛ این بسیار نامناسب و ناشایسته است. ما امروز معارفی داریم؛ ادبیات سیاسی مادر دنیای امروز دارای جذابیت است. یک عده‌ای چون خودشان دل‌باخته‌ی به مفاهیم غربی هستند، افکار اسلامی، مبانی حکومتی و قواعد گوناگون اجتماعی در اسلام را جوری بیان می‌کنند که با مبانی غربی تطبیق کند؛ برای اینکه آنها خوششان بیاید!

تفہیم نوآوری اسلامی به دنیا

ما باید این فکر را بکنیم که این نوآوری اسلامی را که تاکنون برکات خودش را به این روشنی نشان داده است - با اینکه ما در عمل نواقص زیادی داشته‌ایم - بتوانیم به دنیا تفہیم کنیم؛ به دنیا بشناسانیم. امروز مشتاقان معارف معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی به عنوان معنویت بیان می‌کنند - در دنیا بشمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پَر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام میتواند در چپه‌ای در مقابل آنها باز کند؛ عالم نومی را به آنها نشان بدهد. ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوریهای اسلامی را با تطبیق با مبانی غلط دیگران از بین ببریم و این جلوه را خراب کنیم. ما از یاد گرفتن از دیگران ننگ نداریم. هر چه را که بلد نیستیم، از دیگران یاد می‌گیریم. آن حرف خوبی که دیگران بگویند، آن را از آنها می‌پذیریم؛ این دستور اسلام است؛ اما آنجائیکه می‌خواهیم سخن اسلام را بیان کنیم، باید سخن اسلام ناب را فراهم بکنیم.

لِزوم حفظ هویت جدیدی که امام (ره) بوجود آورد

من در یک جمله عرض بکنم: برادران و خواهران عزیز! این هویت جدیدی که امام بزرگوار ما به وجود آورد، با

ناباوری همه‌ی دنیا مواجه شد. آن روزی که در مقابل جنگ تحمیلی توانست دوام بیاورد و پیروزی را به نام خود ثبت کند، یک بار دیگر دنیا را متعجب کرد؛ آن روزی که توانست با پیشرفت علمی خود در مسئله‌ی هسته‌ای و مسائل دیگر علمی، تواناییهای خود را اثبات کند، یک بار دیگر چشمهای افراد صاحب نظر را متعجب و خیره‌ی به خود کرد. من عرض می‌کنم راه طولانی‌ای در پیش دارید و در این راه طولانی، موفقیت‌های بیشماری در انتظار شماست. آنچه که تا کنون ملت ایران از موفقیت‌ها به دست آورده است، در مقابل آنچه که به برکت ایستادگی و روشن بینی و آگاهی، در آینده‌ان شاء الله به دست خواهد آورد، چیزی محسوب نمی‌شود. آینده‌ی ملت ایران از گذشته‌ی او بر مراتب بهتر خواهد بود.

🔗 تلاش دستگاه امپراطوری خبری و رسانه‌ای دشمن نسبت به جمهوری اسلامی

امروز دستگاه امپراطوری خبری و رسانه‌ای دشمن، سعی میکند تصویر مخدوش و غلطی را از ملت ایران و جمهوری اسلامی منعکس کند؛ اما تصویر واقعی این است: ملت ایران در برابر همه‌ی تهدیدها و چالش‌هایی که در این بیست و هشت سال با آن مواجه بود، پیروز شد؛ ملت ایران در مقابل همه‌ی فشارهای گوناگونی که آوردند، توانست اصول خود و جهت‌گیری‌های خود را حفظ کند؛ ملت ایران بر اثر صبر و پایداری خود توانست هم در بخش علمی و آنچه مربوط به پیشرفتهای علم و فناوری است، هم در بخش‌های مدیریت اجتماعی و سیاسی کشور و هم در وجهه‌ی عزت بین‌المللی، رتبه‌ی خود را به رتبه‌های بسیار بالا برساند و بالاخره ملت ایران توانست برای ملت‌های مسلمان منطقه الگو بشود. ملت‌ها از ایستادگی ملت ایران، احساس عظمت میکنند؛ احساس عزت میکنند؛ عزت ملت ایران را عزت خودشان میدانند. این، آن هویتی است که انقلاب اسلامی با پایداری این مرد بزرگ و با همت ملت ایران به وجود آورده است.

🔗 عبور از خطرات با حفظ هویت اسلامی

ما وظائف سنگینی داریم که باید این وظائف را انجام بدهیم. دولتمردان و وظائف سنگینی دارند که باید انجام بدهند. ملت حق دارد اولین چیزی را که از مسئولان انتظار دارد و توقع می‌برد، ملاحظه‌ی عدالت باشد. برای تأمین عدالت که بسیار هم دشوار است، باید همه کار کنند؛ همه تلاش کنند. من اول سال گفتم: مسئله‌ی اقتصادی یک مسئله‌ی مهم کشور است. مسئله‌ی جنگ روانی دشمن یک مسئله‌ی مهم دیگر است. مسئله‌ی پیشرفت علمی هم مسئله‌ی سومی است که برای ملت ما بسیار مهم است.

ملت عزیز ما در زمینه‌ی اقتصادی و فعالان اقتصادی، آنچه میتوانند باید تلاش کنند. در بخش سرمایه‌گذاری، در بخش کاری، در بخش نوآوری‌های فنی و صنعتی، در بخش رشد کشاورزی، هر کس هر چه میتواند باید تلاش کند.

🔗 هوشیاری در مقابل با جنگ روانی دشمن

در کار اتحاد ملی و مقابله‌ی با جنگ روانی دشمن، همه باید هوشیار باشند. ملت ایران به فضل پروردگار این

توانائی را دارد که از خطرات عبور کند؛ از آنچه که دشمن آن را تهدید میداند، عبور کند. دشمن چشم دوخته است به نقاط اختلاف در میان ملت بزرگ ایران، برای برجسته کردن موارد اختلاف یا ایجاد کردن موارد اختلاف. اواخر امسال ما انتخابات داریم؛ دشمن تصور میکند میتواند با چالشهای انتخاباتی، بین مردم ما جدایی و تفرقه بیندازد. ما به حول و قوه‌ی الهی همین انتخابات آینده‌ی مجلس را وسیله‌ی دیگری برای رشد و عزت این ملت قرار خواهیم داد.

یکی از توطئه‌های بزرگ دشمنان

پیوند برادری میان ملت لازم است، اما کافی نیست؛ پیوند برادری علاوه‌ی بر درون ملت، باید میان امت اسلامی با کشورهای و ملت‌های دیگر برقرار باشد. جنگ شیعه و سنی از جمله‌ی توطئه‌های بزرگ دشمنان است. یک گروه متعصب متحجر بی‌خبر از حقایق عالم و بی‌خبر از معنویت را در مقابله‌ی با فرق اسلامی به راه می‌اندازند - در عراق یک‌جور، در لبنان یک‌جور، در مناطق دیگر یک‌جور - برای اینکه اختلاف ایجاد کنند. برادران مسلمان چه در ایران، چه در عراق، چه در پاکستان، چه در لبنان، چه در فلسطین، چه در دیگر مناطق عالم، از هر مذهبی که هستند، این را میدانند که نظر ما این است و نظر علمای حقیقی اسلام این است که: «آلودن دست به خون برادر مسلمان، جزو گناهان غیرقابل بخشش است». کسانی دست خود را به خون برادران مسلمان‌شان می‌آلایند به عنوان پیروی از اسلام؟! به نام پایبندی به اسلام؟! این خروج از اسلام است. همه بدانند: برادری ملت ایران با ملت‌های مسلمان دیگر، یک برادری واقعی است؛ اختلاف مذهبی در جای خود هست - شیعه، شیعه است؛ سنی، سنی است - در میان اهل تسنن و در میان شیعه، اختلاف‌های فکری و مذهبی باز هم وجود دارد؛ اما همه‌ی اینها زیر پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله باید برادر باشند و در مقابله با دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی بتوانند ایستادگی کنند.

ضرورت بازخوانی و تدبر در وصیتنامه امام خمینی رحمه الله

- ❖ شخصیت استثنایی دوران معاصر
- ❖ ابعاد گسترده انقلاب اسلامی
- ❖ لزوم بازخوانی وصیتنامه امام
- ❖ نکاتی از وصیتنامه امام (ره):
- ❖ ۱- مردم، پایه و صاحبان اصلی انقلاب
- ❖ تعلق انقلاب به عموم مردم
- ❖ عزم و اراده مردم، پشتوانه انقلاب
- ❖ ۲- گسترش یافتن انقلاب در آینده و کوتاه کردن دست استعمارگران از انقلاب
- ❖ ۳- پیشرفت ملت با کمک انقلاب اسلامی
- ❖ انرژی هسته‌ای، یکی از مصادیق دشمنی استکبار با ملت
- ❖ ۴- جنگ سرد و عملیات روانی دشمن
- ❖ ۵- هشدار به جوانان نسبت به توطئه‌ها
- ❖ ۶- ایستادگی با صلابت در مقابل زورگویان عالم
- ❖ و...

ضرورت بازخوانی و تدبر در وصیتنامه امام خمینی رحمه الله

❖ شخصیت استثنایی دوران معاصر

نوزده سال است که در یک چنین مناسبتی، ملت ایران زمان و مکان را مظهر عشق و ارادت به امام بزرگوار قرار میدهد. اکثر ملت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربار امام بزرگوار را درک نکرده‌اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های خردسالی بودند؛ اما همین جوانهای مؤمن و نورانی در سرتاسر کشور آنچنان به امام و یاد او و نام او عشق میورزند که گوئی از همصحبتی با امام برخوردار بوده‌اند. همانطوری که در دعای سمات میخوانیم: «وامتابه و لم نره صدقا و عدلا»؛ ایمان خالصانه و پاک بدون اینکه دوران حیات آن بزرگوار و صحبت آن بزرگوار را درک کرده باشند؛ مخصوص ملت ما هم نیست. در بسیاری از مناطق جهان و کشورهای مسلمان، همین احساس در باره‌ی امام بزرگوار ما وجود دارد. این ناشی از دو عامل بزرگ است: یکی عظمت امام و ابعاد گوناگون شخصیت او که یک شخصیت استثنائی در دوران معاصر، بلکه در دورانیهای نزدیک به ماست. یکی هم به خاطر عظمت این انقلاب است. عظمتی کاری که امام بزرگوار با ایمان خود، با تدبیر خود، با اراده و عزم راسخ خود در این برهه‌ی از زمان انجام دادند: برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. این انقلاب یک معجزه‌ی الهی بود.

❖ ابعاد گسترده انقلاب اسلامی

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند

و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به طور کامل وابسته‌ی به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

🔗 لزوم بازخوانی وصیتنامه امام

امام با سخنان خود، با رفتار خود یک هدایت مستمری را برای امت خود - برای ما مردم - به جای گذاشته است. یعنی دست امام، انگشت اشاره‌ی امام در همه‌ی پیچ و خمهای زندگی ما را راهنمایی میکند و یکی از قویترین و بهترین موازین معنوی امام، همین وصیتنامه‌ی اوست. جا دارد در برهه‌های مختلف، مردم، مسئولان گوناگون، جوانها این وصیتنامه را بازخوانی کنند؛ در این تدبیر کنند. من امروز به مناسبت این اجتماع عظیم و به مناسبت دلهای آگاه و بیدار شما، چند نکته از وصیتنامه‌ی پر نکته‌ی امام را اینجا مطرح میکنم.

🔗 نکاتی از وصیتنامه امام(ره):

🔗 ۱- مردم، پایه و صاحبان اصلی انقلاب

نکته‌ی اول این است که امام در وصیتنامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمیتواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسبتر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره میداند. این در بیانات امام موج میزند و در وصیتنامه به آن تأکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهتگیریهایی انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بُعد دینی - را از انقلاب



جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.

تعلق انقلاب به عموم مردم

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمیشود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهیم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضوری نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادی بیست ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که با شعور خود، با شور فوق‌العاده‌ی خود، با علاقه‌مندیهایی خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقاء این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای پی‌درپی - همه - نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهیم در انقلابند و همه سهیم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.

عزم و اراده مردم، پشتوانه انقلاب

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمیگردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل میکنند؛ «فمن نکث فآتما ینکث علی نفسه». آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ میکنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام میشود؛ افطار میکنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع میشود. این بی‌وفائی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی‌وفائی کردند، به انقلاب دلبستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛

اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. این نکته‌ی اول.

۲- گسترش یافتن انقلاب در آینده و کوتاه کردن دست استعمارگران از انقلاب

نکته‌ی بعدی این است که امام در وصیت‌نامه اعلام میکنند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگویی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه میکنیم، می‌بینیم این اتفاق افتاده است. گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست، از راه لشکرکشی نیست، از راه گسترش تروریزم نیست - برخلاف برخی از انقلابهای دیگر - گسترش انقلاب در میان ملت‌ها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است. یعنی ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه میکنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اند. این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد.

امروز ملت‌های جهان به ملت ایران نگاه میکنند، از ملت ایران نیرو میگیرند، انگیزه میگیرند، انرژی میگیرند. امروز شعارهای ضد استکباری ملت ایران در همه‌ی دنیای اسلام گسترش پیدا کرده است. امروز شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که حرکت کنید، با هر گونه رژیمی، با هر گونه دستگاه حاکمه‌ای، می‌بینید ملت‌های آنها به شعارهای شما، به انگیزه‌ها و آرمان‌هایی که شما ترسیم کردید، با چشم عزت و احترام نگاه میکنند؛ شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملت فلسطین، دشمنی با شبکه‌ی اختاپوسی صهیونیسم. این دل ملت‌های مسلمان است؛ این گسترش انقلاب اسلامی است. حتی شما می‌بینید این شعار انرژی هسته‌ای ملت ایران - اینی که ملت ایران در مقابل فشار دشمنان ایستادگی به خرج داد و حق خود را مطالبه کرد - امروز در دنیای اسلام آنچنان منعکس شده که سخنگویان کشورهای اسلامی و عربی اعلام میکنند که خواست انرژی هسته‌ای به خواست عمومی ملت‌های عرب تبدیل شده است.

دشمنان و دوستان ملت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش‌بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله‌ی آنها مسئله‌ی آرمان فلسطین است. ملت‌ها دلشان مانند ملت ایران برای ملت فلسطین میتهد؛ ملت‌ها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را یک رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولت‌ها با ملت‌ها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیروئی ندارد، قدرتی ندارد، توانائی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سرپا نگه داشته است: یکی حمایت بی‌قید و شرط و قیحانه‌ی آمریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولت‌های عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومت‌ها و دولت‌های مسلمان، امروز آنچنان که باید به وظیفه‌ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکنند و با ملت‌هایشان همصدا نیستند؛ اگر آنها هم با ملت‌های خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی

ملتهاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود.

۳- پیشرفت ملت با کمک انقلاب اسلامی

نکته‌ی سوم که در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سالهای متمادی دشمنان اسلام تبلیغ میکردند. دشمنان اسلام اینجور وانمود میکردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت پیدا کند، باید از دین دست بکشد، باید برود به دامن غرب و خود را سر تا پا به رنگ غربی در بیاورد تا بتواند پیشرفت کند. این را به عنوان یک باور در طول ده‌ها سال به ملت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه‌ی خود تأکید میکنند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد.

امروز ملت ایران خود را باور دارد؛ در میدان علم وارد میشود، در میدان سیاست وارد میشود، در هر میدانی که ملت ایران بجد وارد میشود، در صفوف مقدم ملتها قرار میگیرد. وضع امروز ملت ما در نوآوریهای علمی، در قدرت سیاسی، در عزت بین‌المللی، با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ این ملت بیدار شده است، زنده شده است؛ این به خاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هر چه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی را ترسیم کرد. ملتها تصور میکردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غرب‌زده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غرب‌زده هم نشود؛ اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هر چه میتوانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکاء به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود میتوانید همه‌ی موانع را از سر راه بردارید.

انرژی هسته‌ای، یکی از مصادی دشمنی استکبار با ملت

یکی از علل دشمنی استکبار و توطئه‌های جهانی با ملت ایران در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما می‌بینید در همان حالی که آمریکائیه‌ها پیشقراولند و بعضی از اروپائیه‌ها هم دنباله‌رو آمریکا در ضدیت با دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار می‌برند، می‌روند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب‌مانده‌تر هستند و بسیار با ملت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای می‌بندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودش شود، آن را برای آن ملت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز

ما، ملت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده‌اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضد وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملت‌ها که دولتهای مستکبر به آنها میدهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملت ایران که خود از درون میجوشد، ابتکار میکند، نوآوری میکند، خودش خلاقیت و تولید میکند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران، با این دشمنند.

۴- جنگ سرد و عملیات روانی دشمن

نکته‌ی دیگری در وصیت‌نامه‌ی امام (رضوان الله علیه) وجود دارد که بسیار مهم است و آن توجه به جنگ سرد و عملیات روانی دشمن است. دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی میزند؛ برای مایوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملت‌ها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملت‌های مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی قدرت مقاومت در مقابل این ملت را نداشته‌اند. این جنگ روانی از اولین روزهای انقلاب تا امروز که سی سال میگذرد، همچنان ادامه دارد. گاهی میگفتند این انقلاب تا دو ماه دیگر بیشتر نمی ماند، گاهی میگفتند تا دو سال دیگر بیشتر نمی ماند. امروز سی سال است که این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روز به روز ملت ایران را منسجم‌تر، پرامیدتر، پراثرتر کرده است.

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکل‌های مختلفی انجام میدهند. میخواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاوراند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند. آنها پیشرفتهای عظیم ملت را انکار میکنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است - در تاریخ انقلابها که انسان نگاه میکند، این همه موانع در راه یک ملت و یک انقلاب بسیار بندرت دیده میشود و انقلابها معمولاً پشت این موانع میمانند و خود را تسلیم دشمن میکنند - و با این همه تهدید، با تحریم، با انواع و اقسام دشمنیها و حیلها و کارشکنیها توانسته است پیش برود، قله‌ها را فتح کند؛ همچنان چشم به قله‌های بالاتری دارد و همچنان با قدرت پیش میرود. میخواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند. من به جوانان عزیزمان؛ جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه‌ی صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض میکنم: شما در نیمه‌ی راه هستید و آنچه از راه گذرانیده‌اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده‌است؛ اما توانسته‌اید. آن نیمه‌ی دیگر راه و آن بخش باقیمانده‌ی راه را - که دشمن میخواهد نگذارد شما آن نیمه‌ی اصلی، نیمه‌ی آخر را طی کنید و به قله‌ها برسید - با عزم راسخ میتوانید دنبال کنید. شما میتوانید؛ همچنانیکه ثابت کرده‌اید که میتوانید.

امروز ملت ایران با عزت و صلابت در مقابل مستکبرین ایستاده است و آنها کاری نتوانسته‌اند بکنند. آنچه توانستند، در شرق و در غرب کشور ما تلاش کردند، شاید بتوانند کشور را محاصره کنند. با هوشمندی ملت ایران و با ایمان ملت ایران و انسجام ملت ایران بحمد الله کار استکبار - کار دشمنان ملت ایران در شرق و غرب مرزهای ما - به اقتدار



هر چه بیشتر جمهوری اسلامی منتهی شد که امروز خودشان هم به آن اعتراف میکنند.

۵- هشدار به جوانان نسبت به توطئه‌ها

یک نکته‌ی دیگر در وصیتنامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه‌هایی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمی‌های گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خود آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب‌نگهداشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.

۶- ایستادگی با صلابت در مقابل زورگویان عالم

یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیتنامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه‌ی با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می‌بینید آمریکائیه نسبت به همه‌ی جهان ابزار طمع‌ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملتها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگوئی و گردن کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگور را به زورگوئی تشویق میکند. تسلیم ملتها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوئیهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگوئی بیشتر است. برای ملتها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمیماند و آن مقاومت است. اگر یک ملتی

میخواهد شر زور گوئی زور گوین - و امروز شر آمریکا - را از سر خود کم کند، باید در مقابل زور گوئی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران آمریکا - رئیس جمهور و تیم دورش - ببینید چه جور حرف میزنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدمهای روانی است؛ گاهی تهدید میکنند، گاهی دستور ترور میدهند، گاهی تهمت میزنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک میکنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار میدهند؛ مثل دیوانه‌ها به این طرف و آن طرف میزنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامیهای آمریکا در مناطق مختلف است: ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق؛ اینها با وعده‌ی دموکراسی و آزادی و حقوق بشر وارد افغانستان و عراق شدند. امروز بعد از گذشت چند سال، وضعیت این دو کشور جوری است که هیچ ملتی آرزو نمیکند چنین وضعیتی داشته باشد؛ ناامنی، عقب افتادگی، فقر، تسلط روزافزون قدرتهای استکباری، پنجه انداختن به منافع ملی آن کشورها و نادیده گرفتن حقوق آن ملتها و البته پشت سرش ناکامی کامل در تأمین مقاصدی که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامیها در رفتار سیاستمداران آمریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم گیریهایشان. این وضع زور گوین عالم است. خوب، در مقابل این زور گوئی چه باید کرد؟ توصیه‌ی امام، ایستادگی است. امروز خوشبختانه، مجموعه‌های گوناگون سیاسی کشور ما از وفاداری به خط امام دم میزنند؛ این یک پدیده‌ی مبارکی است. در برخی از دوره‌های گذشته اینجور نبود. بعضی از جریانهای سیاسی از رویگردانی از خط امام صریحاً سخن میگفتند! امروز خوشبختانه مجموعه‌های سیاسی در کشور ما، همه از گرایش به افکار امام و خط امام حرف میزنند. خیلی خوب، یکی از برجسته‌ترین نقاط خط امام که در وصیت‌نامه و در همه‌ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزان و مستکبران است.

🔷 لبیک امام به ندای یا للمسلمین ملت‌های مظلوم

این موضع را ملت ایران و همه‌ی مجموعه‌های گوناگون و نخبگان کشور که پایبند به امام و وفادار به آراء و افکار امام هستند، باید با قوت تمام حفظ کنند؛ خود امام اینجور بود. امام هیچ وقت به خاطر ملاحظه‌ی زور گوین عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئله‌ی فلسطین به عنوان یک مسئله‌ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیت‌نامه و بیانات خود به ندای یا للمسلمین ملت‌های مظلوم اهمیت میدهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر. این روش امام است؛ این خط امام است؛ این شیوه‌ی امام و این توصیه و وصیت امام است. خوشبختانه این روش را ملت ایران و مسئولین کشور دنبال کردند و سی سال است که در هر میدانی که شما ملت ایران با استکبار آمریکا مواجه شدید، شما پیروز شدید و دشمن شما مغلوب و دچار باخت شد.

🔷 خریدار نداشتن تهمت‌های آمریکا آنها و صهیونیست‌ها به ملت و نظام

البته دشمن آرام نمیماند؛ دشمن به تلاش روانی خود و تلاش سیاسی خود ادامه میدهد. دشمن تهمت میزند. امروز در دنیا، دیگر تهمتهای آمریکائیها و صهیونیستها به ملت ایران و به جمهوری اسلامی خریداری ندارد. تهمتِ نقض حقوق بشر، آن هم از ناحیهی کسانی که شدیدترین نقض حقوق بشر را کردند و در ترور مظلومان و در تجاوز به ملتها پست‌ترین مقام را دارند و نمره‌ی آنها سیاه‌ترین نمره‌هاست. اینها ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را متهم میکنند به نقض حقوق بشر! این اهمیتی ندارد. یا درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای، ملت ایران بارها اعلام کرده است که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را همه میدانند؛ منطقی هم همین را تأیید میکند. امروز امریکائیها وقتی میخواهند درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای ایران حرف بزنند و موضعگیری کنند، چون نمیتوانند صریحاً حق ملت را نادیده بگیرند و اعلام کنند که با حق یک ملت مخالفند، برای توجیه حرف خودشان در افکار عمومی دنیا، ایران را متهم میکنند که به دنبال تسلیحات هسته‌ای است. خودشان هم میدانند که دروغ میگویند؛ خودشان هم میدانند که این حرف دروغ است. امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولین عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته‌ای نمیروند. و ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با اینجور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته‌ای جز هزینه‌ی ایجاد و هزینه‌ی نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد؛ چون قابل اجرا و قابل استفاده نیست. آن کسانی که امروز بمب هسته‌ای دارند، خودشان خوب میدانند که اگر دست از پا خطا کنند و این سلاح هسته‌ای را به کار بیندازند، آنچنان دامن خودشان را خواهد گرفت - همچنانی که یک روز تروریست‌ها را تقویت کردند، دامن خودشان را گرفت - که دیری نخواهد گذشت که تروریست‌های دنیا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند و امنیت را از همه‌ی مستکبران عالم و از همه‌ی ملتها بگیرند. میدانند که سلاح هسته‌ای کاربرد ندارد. این را خوب میفهمند؛ اما در عین حال ملت ایران را متهم میکنند. نه؛ ملت ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ به دنبال استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است در مسائل زندگی؛ و این راه را دنبال خواهد کرد و به کوری چشم دشمنان با قدرت تمام به این خواهد رسید.

آثار یاد امام برای ملت

یاد امام، یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران است؛ یادآور اسوه شدن و قدوه شدن ملت ایران برای همه‌ی امت اسلامی و ملتهای مستضعف است. یاد امام نیرو بخش است؛ امیدبخش است. این یاد را باید زنده نگه داشت و راه امام و خط امام و انگشت اشاره‌ی امام و نشانه‌هایی را که امام برای پیمودن این راه قرار داده است، باید قدر دانست؛ از همه بیشتر جوانها و مسئولین کشور باید به مسئله‌ی توصیه‌های امام و وصیتنامه‌ی امام به چشم یک دستورالعمل نگاه کنند.

امروز قوای ثلاثه و مسئولان گوناگون کشور - اعم از نظامی و غیر نظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی - باید دستورالعمل کار خود را همین وصیتنامه‌ی امام و راهنمائیهای امام قرار بدهند. عزت ملت ایران، امنیت پایدار ملت ایران، رشد و توسعه‌ی مادی ملت ایران، اعتلای معنوی و اخلاقی ملت ایران، در گرو عمل کردن به این توصیه‌هاست.

احیاء اسلام و عزت ایران و ایرانی، دو بعد نهضت امام خمینی رحمه الله

❖ دو پرچم برافراشته را در دست امام (ره)

❖ احساس هویت و شخصیت مسلمانان در همه

جای دنیا

❖ وعده‌ی بی‌تخلف خداوند

❖ آنچه ملت‌ها را عزیز میکند

❖ تلاش دولت امریکا برای نمایش چهره جدید از خود

❖ حق‌کشی‌های امریکایی‌ها در منطقه

❖ چهره‌ی سیاه آمریکا با نطق و شعار عوض نمیشود

❖ دمیدن روح خودباوری امام (ره) به ملت

❖ ارکان اساسی پیشرفت هر کشور

❖ ابعاد گسترده عزت ملی و عملکرد آن در

عرصه‌های زندگی

❖ انعکاس عزت انقلابی در دنیا

❖ خطر بزرگ برای کشور ما

احیاء اسلام و عزت ایران و ایرانی، دو بعد نهضت امام خمینی (ره) *

❏ دو پرچم برافراشته را در دست امام (ره)

یک مطلب درباره‌ی ممشای امام و راه آن بزرگوار و هدفهای ایشان عرض میکنم. و آن این است که در جمع‌بندی توصیه‌های امام و شعارهای امام و مطالباتی که ایشان از مردم، از مسئولان، از آحاد مسلمانان جهان داشته‌اند، دو پرچم برافراشته را در دست امام ملاحظه میکنیم. در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه‌ی عملی از تحرک حیات‌بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است. چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود، بنابراین اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است. من درباره‌ی هر دو بعد، مطالب کوتاهی را عرض میکنم.

❏ احساس هویت و شخصیت مسلمانان در همه جای دنیا

در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه‌ی جای دنیا احساس هویت

کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سالهای متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوار ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود: ملت فلسطین بعد از ده‌ها سال ناکامی جان گرفت؛ جوانان کشورهای عربی که بعد از شکست در سه جنگ که دولتهایشان با رژیم صهیونیستی داشتند و دلمرده و مأیوس بودند، دوباره روحیه گرفتند - اینها دیگر مربوط به دنیای اسلام است؛ مخصوص به مسائل کشور ما نیست - رژیم صهیونیستی که غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز یک چهره‌ی شکست‌ناپذیر از خود نشان داده بود و خیلی‌ها در دنیای اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکست‌ناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ انتفاضه‌های فلسطینی شروع شد، ضربه‌های پیاپی بر رژیم غاصب وارد شد؛ چه در انتفاضه‌ی اول، چه در انتفاضه‌ی اقصی، چه در شکست و عقب‌نشینی نه سال قبل از لبنان، چه در جنگ سی و سه روزه و چه در سال گذشته در جنگ بیست و دو روزه‌ی با مردم مظلوم غزه؛ همه‌ی اینها ضرباتی بود که بر رژیم صهیونیستی وارد شد. این در حالی است که آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولتهای مسلمان و ملت‌های مسلمان، بخصوص ملت‌های عرب، یک رژیم شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجلتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. ملت‌های مسلمان - از آفریقا تا شرق آسیا - به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمول‌های گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکتهای اسلامی.

روشنفکران در دنیای اسلام با امید تازه‌ای به میدان آمدند؛ همان شاعران و هنرمندان و نویسندگانی که با یأس حرف می‌زدند، احساس شکست می‌کردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، روحیه‌ی شان عوض شد، لحن کلامشان و شعرشان و قلمشان تغییر پیدا کرد؛ رنگ امید به خود گرفت. و این رشته سر دراز دارد.

🏠 وعده‌ی بی‌تخلف خداوند

من همین جا به ملت‌های مسلمان عرض میکنم اگر امروز شما می‌بینید که لحن دنیای غرب در برابر شما نرمتر شده است، این در نتیجه‌ی همین بیداری عمومی و ایستادگی در دنیای اسلام است. وعده‌ی بی‌تخلف خداوند که پیروزی مؤمنان را وعده کرده است، تحقق پیدا نمیکند، مگر در صورتی که مؤمنان ایستادگی کنند، پافشاری کنند، جانفشانی کنند. همان مقداری که این ایستادگی دیده شد، ورق برگشت؛ دنیای اسلام در مقابل غرب از آن حالت تحقیرشدگی خارج شد.

آنچه ملت‌ها را عزیز میکند

در گذشته، دنیای سلطه و قدرتمندان سلطه‌گر نسبت به کشورهای اسلامی به طور دلخواه تصمیم‌گیری می‌کردند؛ نه نظر ملت‌های مسلمان و نه نظر دولت‌های اسلامی را حتی سؤال هم نمی‌کردند. اگر نفت داشتند، برای نفتشان؛ اگر بازار داشتند، برای بازارشان برنامه‌ریزی می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و آن تصمیم باید عمل میشد. با بیداری دنیای اسلام این وضعیت تا حد زیادی تغییر پیدا کرد. مسلمانان باید این تجربه را در همه‌ی دنیای اسلام به عنوان یک تجربه‌ی موفق و مغتنم قدر بدانند و راه خودشان را بر اساس او تنظیم بکنند. آنچه ملت‌ها را عزیز می‌کند، سربلند می‌کند، ایستادگی آنهاست.

📌 تلاش دولت آمریکا برای نمایش چهره جدید از خود

امروز شما ملاحظه کنید حتی این دولت جدید آمریکا، سعی می‌کند چهره‌ی جدیدی را از دولت ایالات متحده برای مردم این منطقه ترسیم کند. البته حق هم دارند که این را بخواهند؛ چون دولت قبلی آمریکا یک چهره‌ی زشت و منفور و خشنی از دولت ایالات متحده در نزد ملت‌های این منطقه به وجود آورده است. ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه، منطقه‌ی اسلامی و شمال آفریقا از ته دل از آمریکا متنفرند؛ چون در طول سال‌های متمادی از آمریکا در این منطقه خشونت دیدند، دخالت نظامی دیدند، حق کشی دیدند، تبعیض دیدند، مداخله‌های زورمدارانه دیدند، از دست رفتن حقوق خودشان را به وسیله‌ی دولت‌های زورگوی آمریکایی در طول سال‌های گذشته مشاهده کردند، لذا متنفرند. خوب، حالا دولت جدید آمریکا در صدد است این چهره را متحول کند؛ یعنی چهره‌ی جدیدی از آمریکا در این منطقه ترسیم کند. این چه جوری میشود؟ من این را به طور قاطع می‌گویم: این با حرف و نطق و شعار به دست نخواهد آمد. آنها کارهایی کرده‌اند که عمیقاً ملت‌های این منطقه را آزرده است، رنجانده است، به آنها ضربه زده است؛ نمیشود با حرف و نطق و شعار این آزرده‌گی را، این رنجش را، این نفرت عمیق را برطرف کرد؛ عمل لازم است.

آمریکا از دمکراسی حرف زد، از اعتبار رأی ملت‌ها حرف زد؛ اما در فلسطین، آراء مردم که یک دولتی را انتخاب کرده بودند، ندیده گرفت، به هیچ گرفت، اعتنائی به آن نکرد. این چه نتیجه‌ای در ذهن مردم میبخشد؟ معلوم است. در مورد حقوق ملت فلسطین، یعنی یک ملتی که ده‌ها سال است از خانه‌ی خود، از میهن خود با یک روش خشونت‌آمیز و خشن و ظالمانه رانده شده است - این را که همه میدانند، اینکه تاریخ ناشناخته‌ای نیست، مربوط به شصت سال قبل است. ملت فلسطین با این وضعیت، از حقوق خود محروم، آواره‌ی در کشورهای مختلف - آمریکا نه فقط نسبت به حقوق اینها هیچگونه توجهی نکرد، از آنها حمایتی نکرد، بلکه بعکس، از رژیم غاصب صد درصد حمایت کرد، و اگر فلسطینی‌های مظلوم در صدد برآمدند اعتراضی بکنند، آن اعتراض را اخلاک‌گری و کارهای شریرانه معرفی کرد. این چه جور درست خواهد شد؟

📌 حق کشی‌های آمریکایی‌ها در منطقه

حق کشی‌های آمریکا در این منطقه یکی دو تا نیست. در مورد کشور خود ما، در مورد همین انرژی هسته‌ای

- همین مسئله‌ی متداول این چند سال - شما ببینید چقدر کتمان حقیقت کردند؛ چقدر خلاف واقع گفتند؛ چقدر دروغ گفتند؛ چقدر با خواسته‌ی یک ملت - که حق طبیعی و مشروع خود را که خود به دست آورده است و آن را میخواهد - مقابله کردند. ملت ما میگوید ما میخواهیم به صنعت هسته‌ای دست پیدا کنیم، ما میخواهیم بتوانیم از انرژی هسته‌ای در مسائل گوناگون زندگی صلح‌آمیز استفاده کنیم، آنها میگویند که ملت ایران به دنبال بمب هسته‌ای است! چرا دروغ میگویند؟ چرا ملت ایران را با این حرفها اینجور از خودشان عمیقاً متنفر میکنند؟ این کار را در این سالهای گذشته کرده‌اند. بارها ملت ایران و مسئولان اعلام کرده‌اند که ما سلاح هسته‌ای را نمیخواهیم؛ این در سلسله‌ی نیازها و نظام تسلیحاتی ما اصلاً وجود ندارد. ما اعلام کردیم که استفاده‌ی از سلاحهای هسته‌ای از نظر اسلام حرام و ممنوع است. و نگهداشتن او ایجاد یک خطر بزرگ و یک دردسر بزرگ است؛ ما دنبال این نیستیم و نمیخواهیم؛ پول هم بدهند بگویند آقا شما بیائید این کار را بکنید، ملت ایران نمیخواهد، مسئولین نمیخواهند. اما در عین حال در این تبلیغات چند ساله‌ی مخالفین و غربی‌ها، می‌بینید برای اینکه حرف باطل خودشان، حرف زور خودشان را موجه جلوه بدهند، به جای اینکه بگویند ایران به دنبال انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است، میگویند ایران به دنبال بمب هسته‌ای است! این حق‌کشی نیست؟

چهره‌ی سیاه آمریکا با نطق و شعار عوض نمیشود

دولتهای آمریکا در طول این سالهای گذشته - بخصوص رئیس‌جمهور نابخرد قبلی آمریکا - به عنوان مبارزه‌ی با تروریسم به اشغال دو کشور اسلامی دست زد؛ یعنی عراق و افغانستان. بعد شما در افغانستان نگاه میکنید می‌بینید هواپیماهای جنگی آمریکائی مردم را، صد نفر، صد و پنجاه نفر - نه یک بار، نه دو بار، نه ده بار - در طول این چند سال مرتب بمباران میکنند و به قتل میرسانند. خوب، مگر تروریستها چه کار میکنند؟ این همین کاری است که تروریستها میکنند؛ منتها تروریستها یک نفر، دو نفر، ده نفر را میکشند، شما صد نفر، صد و پنجاه نفر را یکجا میکشید. این چه جور مبارزه‌ی با تروریسم است؟ در عراق عناصر تروریست بعثی را - طبق اطلاعات مسلم ما - پشتیبانی و همراهی کردند، در حالی که شعار مبارزه‌ی با تروریسم میدادند! اینهاست که ملتهای منطقه را از آمریکا متنفر کرده است؛ چهره‌ی آمریکا را سیاه کرده است، مخدوش کرده است. اگر رئیس‌جمهور تازه‌ی آمریکا میخواهد این چهره را عوض کند، این کارها باید عوض بشود؛ با نطق و با شعار و با این چیزها حاصل نمیشود. ملتهای مسلمان هم میدانند که صداقت دولتمردان آمریکا آن وقتی مشخص میشود که در عمل به تغییر دست بزنند؛ و الا اگر در عمل به تغییر دست نزنند، صد تا نطق هم که بکنند، حرفهای شیرین و زیبا هم که به امت اسلامی تحویل بدهند، اثری نخواهد کرد؛ تغییری به وجود نخواهد آمد. این بیداری اسلامی، آن وجه اول از حرکت عظیم امام بزرگوار ما بود.

دمیدن روح خودباوری امام (ره) به ملت

وجه دوم مربوط به عزت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم

انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خود کم‌بینی احساس میکرد؛ از جنگ‌های دوران قاجار بگیرد و آن شکست‌های سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور آمریکائیه‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷ - در طول بیست و چهار سال - بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند.

از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این‌جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جایی رساندند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به این جا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

ارکان اساسی پیشرفت هر کشور

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دورکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، مادر دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی‌قیمت را داشتیم، همین استعداد‌های درخشان و نیروی انسانی با استعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملت دست‌سوم، گمنام در دنیا، توسری خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به

نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند. امام ملت ما را به این باور رساند که میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین الملل اثر بگذارد، که همین جور هم شد.

❁ ابعاد گسترده عزت ملی و عملکرد آن در عرصه‌های زندگی

این همان عزت ملی است که من بیست روز قبل از این در سنج در بین برادران گردمان این مسئله را مطرح کردم. عزت ملی خیلی برای یک کشور مهم است. این عزت ملی فقط حرف هم نیست. این ترجمه‌ی عملی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ما دارد. عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک نظام، به ملت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد.

عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خود کفائی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، بگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.

عزت ملی در عرصه‌ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را در نوردد - همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رسانند، انسانهایی بودند که از لحاظ متوسط استعداد از ما اگر عقب‌تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قریباً سابقه‌ی درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده‌ای داشته باشیم؛ این میشود عزت.

عزت یک ملت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولت‌ها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسئله‌ای اراده‌ی خودشان را بر او تحمیل کنند.

عزت ملی در عرصه‌ی فرهنگ به این است که یک ملت به سنتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود. این چیزی است که متأسفانه کشور ما در قبل از انقلاب، در طول صد سال یا بیشتر در مقابل این طوفان و این موج ویرانگر فرهنگ غرب، غرق شد که آثارش را ما هنوز هم داریم تحمل میکنیم؛ رنجهایش را ما هنوز هم داریم میبیریم. عزت ملی به این است که یک ملت به سنتهای خود اهمیت بدهد، احترام بگذارد، افتخار کند و به اینکه دیگران بگویند آقا شما مر تعجید، اعتناء نکنند. امروز بعضی از کشورهای اروپائی کارهایی میکنند که اگر آنها را در مقابل یک آدم عاقل متعارف بگذارید، جز خنده‌ی تمسخر آمیز کاری نمیکند. میگوئیم: چرا میکنید؟ میگویند: این سنت ماست! به سنتهای خودشان پایبندند؛ سنتهای کهنه‌ی پوسیده. آن وقت اگر ملت‌های دیگر به سنتهای خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آنها را طعن و تمسخر میکنند که چرا، نه، این خودباختگی مخالف با عزت ملی است. عزت ملی آن وقتی است که یک ملت در مقابل فرهنگ دیگران خودباخته نباشد؛ این عزت ملی است. در همه‌ی عرصه‌های زندگی عزت ملی ترجمه میشود، معنا دارد، مصداق دارد.

در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با انسانها، عزت ملی به این است که تک تک انسانها در یک جامعه مورد احترام قرار



بگیرند. «اما خ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق»؛ (۱) اگر هم دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هر که انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزت ملی میکند. اینها ابعاد گوناگون عزت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره‌ی امام بود.

انعکاس عزت انقلابی در دنیا

نظام اسلامی هم در این سی سال با همین اعتماد به نفس پیش رفت. البته فراز و نشیب داشت، افت و خیز داشت؛ اما توقف نداشت؛ ملت توقف نکردند. این عزت ملت ما امروز در دنیا هم منعکس است. من قبول نمیکنم حرف آن کسانی را که تصور میکنند ملت ما به خاطر پایبندی به مبانی و اصول خود، در دنیا خوار شده است، از چشم افتاده است؛ ابتدا، ما دشمن داریم. دشمنان ما یک جبهه‌ی متحدی هستند متشکل از قدرتهای مداخله‌گر و زورگوی عالم. اینها وقتی ببینند یک کشوری از مدار آنها خارج شد - کشورهای که اینها به عنوان اقمار خودشان در مدار خود نگه داشته بودند - مثل کشور ایران که با انقلاب اسلامی از مدار آنها خارج شد، سعی میکنند با او مقابله کنند، او را بکوبند؛ تحقیر میکنند؛ وسائل تبلیغاتی شان هم زیاد است. این معنایش این نیست که ما عزت خودمان را از دست دادیم. نه، در اعماق دل همان کسانی که دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی هستند، احترام امام و ملت ایران رسوخ یافته است.

خطر بزرگ برای کشور ما

راه این ملت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایتهای امام است، برای رسیدن به اوج اعتلاء و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملت میتواند به اوج اعتلاء برسد، که وقتی یک ملت قوی شد، اعتلاء مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملت ما میخواهد به امنیت کامل برسد، اگر میخواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را میخواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند به قدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب نکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در یک دوره بهتر، در یک دوره کمتر، اما این حرکت به طور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز، و به توفیق الهی به همت شما مردم، بخصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهائی ادامه خواهد کرد.

شاخص‌های خط امام خمینی رحمه الله

- ❖ ضرورت صیانت از جهتگیری‌های اصلی انقلاب
- ❖ مانع انحراف، وجود شاخص بر سر راه
- ❖ بهترین شاخصها، امام (ره) و خط ایشان
- ❖ ملاک، راه امام (ره)، خط امام (ره) و صراط مستقیم انقلاب است
- ❖ وسط میدان آوردن مواضع صریح امام (ره)
- ❖ خطر سلب هویت از امام (ره)
- ❖ اجزاء خط امام (ره):
- ❖ الف) اسلام ناب محمدی
- ❖ جمهوری اسلامی مظهر حاکمیت اسلام
- ❖ ب) جاذبه و دافعه‌ی امام (ره)
- ❖ دشمنی بسیار جدی امام (ره) به خاطر مکتب
- ❖ نمیشود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد
- ❖ ج) محاسبات معنوی و الهی
- ❖ اعتماد امام (ره) به وعده الهی
- ❖ و...

شاخص‌های خط امام خمینی رحمه الله

ضرورت صیانت از جهتگیری‌های اصلی انقلاب

امروز درباره‌ی امام بزرگوار در خطبه‌ی اول عرایضی را عرض میکنم؛ نگاه به امام از منظر یک شاخص. این نگاه از این جهت اهمیت پیدا میکند که چالش اصلی همه‌ی تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهتگیری‌های اصلی این انقلاب یا این تحول است. این مهمترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفهایی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت میکند. این جهتگیری باید حفظ شود. اگر جهتگیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. لذا شما در قرآن ملاحظه میکنید که در سوره‌ی مبارکه‌ی هود، خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «فاستقم كما امرت و من تاب معك ولا تطغوا انه بما تعملون بصير». ^۱ پیغمبر را امر میفرماید به استقامت. استقامت، یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن. نقطه‌ی مقابل این حرکت مستقیم در این آیه‌ی شریفه، طغیان قرار داده شده است؛ «و لا تطغوا». طغیان، یعنی سرکشی؛ منحرف شدن. به پیغمبر میفرماید: هم تو - شخصاً - هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ «انه بما تعملون بصير». مرحوم علامه‌ی طباطبائی بزرگوار در تفسیر المیزان میفرماید: لحن این آیه، لحن تشدد است؛ هیچ نشانه‌ی رحمت در این آیه نیست. خطاب به خود پیغمبر است؛ «من افراد النبى بالذکر». در درجه‌ی اول، خود پیغمبر را مخاطب قرار میدهد: «فاستقم». لذا این آیه به نحوی است که پیغمبر اکرم درباره‌ی سوره‌ی هود فرمودند: «شیتنی سوره هود»، سوره‌ی هود مرا پیر کرد. این به خاطر همین آیه است. در روایت است که آن بخشی

* خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی رحمه الله ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

۱. هود: ۱۱۲؛ «پس همان گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن. و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]. و طغیان مکنید؛ که او به آنچه انجام میدهد، بیناست.»

از سوره‌ی هود که پیغمبر میفرماید «من را پیر کرد»، همین آیه‌ی مبارکه است؛ به خاطر تشدید که در این آیه هست. در حالی که در یک جای دیگر قرآن هم دارد: «فلذلک فادع واستقم كما امرت»^۲، اما عنوان «فاستقم كما امرت و من تاب معک و لا تطغوا» - منحرف نشوید، از راه برنگردید - خطاب سختی است که به خود پیغمبر است. این خطاب، دل پیغمبر را میلرزاند. این به خاطر همین است که تغییر جهتگیری‌ها و منحرف شدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهتگیری هاست و در واقع، سیرت انقلابها همین جهتگیری‌های اصلی است - بکلی راه را عوض میکند و این انقلاب به هدفهای خود نمیرسد. اهمیت این قضیه از این باب است که تغییر جهتگیری‌ها تدریجی است، نامحسوس است؛ اینجور نیست که از اول کار، این تغییر جهتگیری با ۱۸۰ درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه‌های خیلی کوچکتر، این تغییر شروع میشود؛ هر چه ادامه پیدا میکند، فاصله‌ی راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روز به روز بیشتر میشود. این یک جهت است.

❖ مانع انحراف، وجود شاخص بر سر راه

جهت دیگر این است که آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب بر می‌آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند؛ آنچنانی حرکت نمیکنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت میکنند؛ حتی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی میکنند، یک اظهاری میکنند، کاری میکنند، زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور می‌افتد، برکنار میشود.

برای اینکه این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده‌ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

خوب، شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است که مادر جهت این انقلاب حرکت میکنیم. ملت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به خرج دادند. این انقلاب را سی سال است شما دارید جلو میبرید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی‌نشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم.

❖ بهترین شاخصها، امام (ره) و خط ایشان

من عرض میکنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همه‌ی فاصله‌ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر»^۳. خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در یک آیه‌ی شریفه‌ی دیگر میفرماید: «قد کانت لکم اسوة حسنة

۲. شوری: ۱۵؛ «بنابر این به دعوت پرداز و همان گونه که مأموری، ایستادگی کن...»

۳. احزاب: ۲۱

فی ابراهیم و الذین معه»^۴ ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم» تا آخر آیهی شریفه.

در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته‌ترین شاخصه‌هاست؛ رفتار امام، گفتار امام، خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصه‌ها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصه‌ها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریائی یا در یک بیابان که جاده‌ای هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هر کسی به سلیقه‌ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملت به اشتباه بیفتد.

❁ ملاک، راه امام (ره)، خط امام (ره) و صراط مستقیم انقلاب است

مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح میگوید من امام را قبول ندارم - این بحث دیگری است - خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره‌ی انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی اینجور فکر میکنند - و این فکر غلطی است - که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کمرنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین موضعی است که خود او با صریح‌ترین بیانه‌ها، روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همین‌ها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه‌های آن را می‌بینید، از این طریق به راه افتاد.

❁ وسط میدان آوردن مواضع صریح امام (ره)

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه

لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمیشود به خاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم. عده‌ای در یک دورانی - که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانی‌های ما - برای اینکه اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلام را کمرنگ می‌کردند، ندیده می‌گرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان می‌کردند، می‌گفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

خط سلب هویت از امام (ره)

امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانانشان را کف دست گرفتند، فرزندانانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامه‌ی امام - که کوتاه شده‌ی همه‌ی آن مواضع است - منعکس است. این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگری‌های غرب و یکه‌تازی‌های آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال می‌کنید اینکه رئیس جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتی در بعضی از کشورهای اروپائی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه اینجور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضعگیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملت‌ها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام میدهند که یک وقتی خودشان جزو مروجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راه‌ها کج میشود، هدفها گم میشود، یک عده‌ای برمیگردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرف‌ها را می‌زنند!

اجزاء خط امام (ره):

خوب، خط امام اجزائی دارد. مهمترین آنچه که در مورد خط امام و راه امام میشود گفت، چند نکته است که من عرض میکنم. و بخصوص به جوانها عرض میکنم: بروید وصیتنامه‌ی امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.

الف) اسلام ناب محمدی

اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها می‌سازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی.

فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را واجب واجبات میدانست. واجب واجبات، نه از واجب واجبات. واجب‌ترین واجبه‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد.

ب) جمهوری اسلامی مظهر حاکمیت اسلام

امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام میدانست. برای همین، امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند. مسئله‌ی امام، مسئله‌ی اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نور امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی.

اساسی‌ترین مسئله در جمهوری اسلامی، مبارزه با حاکمیت‌های زورگویانه و اقتدارطلب دنیاست که در شکل‌های مختلف خودش را نشان می‌دهد. حکومت دیکتاتوری و اقتدارطلب، فقط حکومت پادشاهان نیست؛ این یکی از انواع حکومت دیکتاتوری است. آن زمان دیکتاتوری‌های چپ وجود داشت، که دیکتاتوری یک‌حزبی در کشورها بود؛ هر کار می‌خواستند، با آحاد ملت می‌کردند؛ کسی هم به ملت پاسخگو نبود. در واقع ملت دست یک اقلیت محدودی زندانی بود. این هم یک نوع دیکتاتوری بود. یک نوع دیکتاتوری هم دیکتاتوری سرمایه‌داران است که در نظام‌های بظاهر مردم‌سالار - نظام‌های لیبرال دموکراسی - تجلی پیدا میکنند. این هم نوعی دیکتاتوری است، منتها دیکتاتوری بسیار هوشمندانه و غیر مستقیم؛ در واقع دیکتاتوری سرمایه‌دارها و صاحبان ثروت‌های بزرگ است.

امام جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوت‌های بشری به وجود آورد؛ اسلام را - که در دل اسلامیت، تکیه‌ی به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد - معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی،

هم جمهوری است، یعنی متکی به آراء مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخصهای عمده‌ی در خط امام است. هر کسی درباره‌ی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی بر خلاف این فکر کند، بر خلاف فکر امام است؛ مدعی نشود که او دنباله‌رو امام است، در عین حال این فکر را دارد؛ نه، فکر امام این است. این واضح‌ترین خط از خطوط اندیشه‌ی امام است.

🕌 (ب) جاذبه و دافعه‌ی امام (ره)

یک شاخص دیگر در برنامه‌ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام بود. انسانهای بزرگ، جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. همه جاذبه و دافعه دارند. شما با رفتار خودتان، یکی را به خودتان علاقه‌مند و متمایل میکنید، یکی هم از شما میرنجد؛ این جاذبه و دافعه است. اما انسانهای بزرگ، جاذبه‌شان یک طیف وسیعی را به وجود می‌آورد؛ دافعه‌ی آنها هم همین طور، یک طیف عظیمی را به وجود می‌آورد. جاذبه و دافعه‌ی امام تماشائی است.

آنچه که مبنا و معیار جاذبه‌ی امام و دافعه‌ی امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود؛ درست همان طوری که امام سجاد (سلام الله علیه) در دعای صحیفه‌ی سجادیه - دعای ورود در ماه رمضان - به خداوند متعال عرض میکند. مکرر عرض کرده‌ایم که دعاهای امام سجاد واقعاً جزو برترین گنجینه‌های معارف اسلامی است. در این دعاها معارفی وجود دارد که انسان اینها را از روایات و آثار روائی نمیتواند به دست بیاورد؛ در دعاها صریح اینها بیان شده است. در دعای چهل و چهارم صحیفه‌ی سجادیه - که دعای ورود در ماه رمضان است و امام سجاد آن را میخواندند - حضرت چیزهایی را از خداوند متعال برای ماه رمضان درخواست میکنند؛ از جمله چیزهایی که درخواست میکنند، این است: «وان نسالم من عادانا»؛ پروردگارا! از تو میخواهیم که با همه‌ی دشمنان خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم. بعد بلافاصله میفرماید: «حاشی من عودی فیک و لک فإنه العدو الذی لانوالیه و الحرب الذی لانصافیه»؛ مگر آن دشمنی که من به خاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.

🕌 دشمنی بسیار جدی امام (ره) به خاطر مکتب

امام اینجوری بود؛ دشمنی شخصی با کسی نداشت. اگر کدورت‌های شخصی‌ای هم بود، امام زیر پا میگذاشت؛ اما دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده‌ی مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز میپذیرفت، همین امام در اول انقلاب یک مجموعه‌هایی را از خود طرد کرد. کمونیستها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اول انقلاب دست‌اندر کار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیستها موضعگیری کرد و اینها

را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال مسلکها و دلباختگان به نظامهای غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را - کسانی که حاضر نبودند حقائق الهی و روح قرآنی احکام اسلامی را قبول کنند و تحول عظیم را بپذیرند - از خودش طرد کرد. امام بارها مرتجعین را با تعبیرات سخت و تلخ محکوم کرد، از خود دور کرد. در تبری از افرادی که در دایره‌ی فکری و مبانی اسلامی او قرار نمیگرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت.

شما ملاحظه کنید به وصیتنامه‌ی امام؛ امام در همین وصیتنامه خطاب میکند به کمونیستهایی که در داخل جنایت کرده بودند و به خارج کشور گریخته بودند. لحن امام را ملاحظه کنید. به اینها میگوید: شما داخل کشور بیائید و مجازاتی را که قانون و عدالت برای شما میگذارد، تحمل کنید و مجازات شوید. یعنی بیائید اعدام را یا حبس را یا سایر مجازاتها را تحمل کنید، برای اینکه خودتان را از عذاب الهی و نعمت الهی نجات دهید. با اینها دلسوزانه حرف میزند. میفرماید: اگر شهامت این را هم ندارید که بیائید مجازات خودتان را قبول کنید، لااقل آنجا که هستید، راهتان را عوض کنید، توبه کنید؛ با ملت ایران، با نظام اسلامی، با حرکت اسلامی مقابله نکنید؛ برای قدرتمندان و زورگویان، پیاده نظام نباشید.

امام دعوی شخصی ندارد؛ اما در دایره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال میکند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. تویی و تبری در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه میخواهد.

نمیشود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد

با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمیشود انسان خود را در خط امام بدانند، دنباله‌رو امام بدانند، اما با کسانی که صریحاً پرچم معارضه‌ی با امام و اسلام را بلند میکنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمیشود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امامم! این نمیشود، این قابل قبول نیست.

نمیشود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد. باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی میگیرند. اگر دیدیم مواضع ما جور است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل میکنند، احترام میکنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمیرویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه میکرد. امام میفرمود - در نوشته‌جات امام وجود دارد، در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست - که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، درباره‌ی مسئله‌ی قدس در روز قدس آنجور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضاحت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحاً مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوئیم ما دنباله‌رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت هم این را خوب فهمیدند. ملت این را می‌بیند، میداند، میشناسد، میفهمد.

ج) محاسبات معنوی و الهی

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسئله‌ی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار میداد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که میخواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب و جاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یکصد نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، یعنی ما هیچ‌کاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

د) اعتماد امام (ره) به وعده الهی

به وعده‌ی الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره‌ی «آنا فتحنا» میفرماید: «و یعدّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّانّین باللّٰه ظنّ السّوء»^۵ خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوءظن دارند، وعده‌ی الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا میگوید: «و لینصرنّ اللّٰه من ینصره»،^۶ این را آدم مؤمن با همه‌ی وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند میفرماید: «علیهم دائرة السّوء و غضب اللّٰه علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا».^۷ کسانی که به خدا سوءظن دارند، وضعیتشان اینجور است.

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت میکنیم، قدم برای خدا بر میداریم، همه‌ی تلاش

۶. فتح: ۶

۷. حج: ۴۰. «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»

۸. فتح: ۶. «... بد زمانه بر آنان باد! و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده؛ و [چه] بدسرنجامی است.»

خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آنچنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار میکنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

رعایت تقوای عجیب امام (ره) در همه‌ی امور

یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه‌ی امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهمتر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه میگوئیم؟ اینجا تقوا اثر میگذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت میکنید؟ اگر قضاوت شما درباره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده‌ی تقواست. آیه‌ی شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار میکنم: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ اینجوری حرف بزنیم. من میخواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف میزنند، مینویسند، اقدام میکنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست - نمیخواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه میشناسند - امام یک تأملی کردند، گفتند: نمیشناسم. بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمیشناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمیشناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمیدانم چه بود، اما اینقدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمیشناسم. ببینید، اینها اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنةً».

درباره‌ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور میشود حرف زد: یک جور آنچنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آنچنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی میتوانید راجع به آن توضیح دهید،

بگوئید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.

د) نقش مردم

یکی دیگر از خطوط اصلی خط امام، نقش مردم است؛ هم در انتخابات که امام در این کار واقعاً یک حرکت عظیمی انجام داد، هم در غیر انتخابات، در مسائل گوناگون اجتماعی. در هیچ انقلابی در دوران انقلابها - که نیمه اول قرن بیستم، دوران انقلابهای گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلابهای مختلفی با شکلهای مختلف به وجود آمد - سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، یک فراندوم عمومی برای انتخاب شیوهی حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماههای اول که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یاد هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم - آن وقت ایشان هنوز قم بودند - با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند؛ بعد هم که قانون اساسی تدوین شد، آن را به رأی عمومی گذاشتند؛ فراندوم شد، مردم قانون اساسی را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات ریاست جمهوری و مجلس برگزار شد. در سخت ترین دوران جنگ که تهران زیر بمباران دشمن بود، انتخابات تعطیل نشد؛ حتی تا امروز یک روز انتخابات در ایران تأخیر نیفتاده است. کدام دموکراسی را در دنیا شما سراغ دارید؟ انقلابها که هیچ؛ در هیچ دموکراسی ای، با این دقت، سر موقع، آراء مردم به صندوقها ریخته نمیشود. این خط امام است.

در غیر مسائل انتخابات هم بارها مردم مورد توجه امام قرار گرفتند و امام به نقش آنها اشاره ای روشن کردند، گاهی تصریح کردند؛ در یک جاهائی گفتند: اگر مسئولین فلان کار را که باید انجام بدهند، انجام ندهند، مردم خودشان وارد میشوند و انجام میدهند.

ه) جهانی بودن نهضت و انقلاب اسلامی

یک نقطه ای دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه ای ملت های مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی میکرد. امام از این ابائی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمیکنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده ای رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملتها بفهمند که وظیفه شان چیست، ملت های مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست. یک نمونه ای این نگاه جهانی، موضع گیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده ای سرطانی است. خوب، غده ای سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه ای کسی را نکرد. منطبق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی

است. فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. یک عده‌ای با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده‌اند با عنیف‌ترین و شدیدترین وجهی این ملت را از این کشور بیرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملت را بیرون کردند - که امروز چند میلیون آواره‌ی فلسطینی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی میکنند؛ اغلب هم توی اردوگاه‌ها - در واقع آمدند کشور را از صحنه‌ی جغرافیا حذف کردند، ملت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیائی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطقی چه اقتضاء میکند؟ حرفی که ما در مورد مسئله‌ی فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صدرصد منطقی است.

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم آمریکا ملحق شد، دنباله‌رو آنها هم کشورهای غربی، آمده‌اند میگویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی‌ای به نام ملت اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیائی اصلی سر کار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی به سرنیزه و سرکوب است و میخواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد جغرافیائی تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنه‌ی جغرافیا حذف کند، این منطقی است یا آن حرفی که میگوید نه، این واحد اصلی جغرافیائی باید بماند، آن واحد جعلی و تحمیلی باید از بین برود؟ امام این را میگفت. این منطقی‌ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسئله‌ی فلسطین میشود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، یک عده‌ای که مدعی خط امامند، میگویند آقا چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطقی امام است؛ این منطقی صحیح است؛ همه‌ی مسلمانان عالم، همه‌ی آزادگان عالم، ملت‌های بی‌طرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است.

🏠 (و) قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی باشد

یک نکته‌ی آخر هم عرض بکنم. شما برادران و خواهران عزیز در گرمای هوا تحمل کردید؛ خداوند ان شاء الله شما را مأجور بدارد. یک نکته‌ی اساسی دیگر در مورد خط امام و راه امام این است که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته‌ی اشخاص، مورد توجه نیست. گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً اینجوری بوده، حالا هم لابد همان جور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه‌ی مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارائی ندارد. این همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) با جناب طلحه و جناب زبیر کرد. شما باید بدانید طلحه و زبیر مردمان کوچکی نبودند. جناب زبیر سوابقی درخشان دارد که نظیر

آن را کمتر کسی از اصحاب امیرالمؤمنین داشت. بعد از به خلافت رسیدن جناب ابی بکر، در همان روزهای اول، پای منبر ابی بکر چند نفر از صحابه بلند شدند، اظهار مخالفت کردند، گفتند: حق با شما نیست؛ حق با علی بن ابی طالب است. اسم این اشخاص در تاریخ ثبت است. اینها چیزهایی نیست که شیعه نقل کرده باشد؛ نه، این در همه‌ی کتب تواریخ ذکر شده است. یکی از آن اشخاصی که پای منبر جناب ابی بکر بلند شد و از حق امیرالمؤمنین دفاع کرد، زبیر است. این سابقه‌ی زبیر است. مابین آن روز و روزی که زبیر روی امیرالمؤمنین شمشیر کشید، فاصله بیست و پنج سال است. حالا برادران اهل سنت از طرف طلحه و زبیر اعتذار میکنند، میگویند آنها اجتهادشان به اینجا منتهی شد؛ خیلی خوب، حالا هر چی. ما راجع به اینکه آنها در مقابل خدای متعال چه وضعی دارند، الان در مقام آن نیستیم؛ اما امیرالمؤمنین با اینها چه کرد؟ جنگید. امیرالمؤمنین از مدینه لشکر کشید، رفت طرف کوفه و بصره، برای جنگ با طلحه و زبیر. یعنی آن سوابق محو شد، تمام شد. امام ملاکش این بود، معیارش این بود.

بعضی‌ها با امام از پاریس تو هواپیما بودند و آمدند ایران؛ اما در زمان امام به خاطر خیانت اعدام شدند! بعضی‌ها از دورانی که امام در نجف بود و بعد که به پاریس رفت، با ایشان ارتباط داشتند، در اول انقلاب هم مورد توجه امام قرار گرفتند؛ اما بعد رفتار اینها، موضعگیری‌های اینها موجب شد که امام اینها را طرد کرد، از خودش دور کرد. میزان، وضعی است که امروز بنده دارم. اگر خدای نکرده نفس اماره و شیطان، راه را در مقابل من منحرف کردند، قضاوت چیز دیگری خواهد بود. مبنای نظام اسلامی این است و امام اینجوری عمل کرد. خطوط دیگری را هم در زمینه‌ی راه امام و خط امام میشود بیان کرد. آنچه که عرض شد، مهمترین و مؤثرترینها بود. خوب است برادران، جوانان، اهل فکر و تحقیق، طلاب، دانشجویان، روی این مبانی فکر کنند، روی اینها کار کنند. فقط متن باقی نماند؛ این متنها درست توضیح داده شود، تبیین شود.

نتیجه‌ایستادگی ملت ایران

همه، بخصوص جوانهای عزیز ما این را بدانند؛ آنچه که بعد از رحلت امام تا امروز اتفاق افتاده است، از دشمنی‌ها، کارشکنی‌ها، هر کاری که کردند، از هر نوعی که انجام دادند، نتوانسته است در پایه‌های این نظام اندک تزلزل و تکانی ایجاد کند؛ بلکه بعکس، هر ضربه‌ای که دشمن حواله‌ی جمهوری اسلامی کرده است، در نتیجه به استحکام بیشتر جمهوری اسلامی انجامیده است؛ درست مثل هشت سال جنگ تحمیلی. هشت سال همه‌ی قدرتهای سیاسی و نظامی و مالی بزرگ دنیا پشت سر رژیم بعثی عراق ایستادند، با ایران اسلامی جنگیدند، همه‌ی توان خودشان را به میدان آوردند تا جمهوری اسلامی را شکست بدهند یا تضعیف کنند؛ نتیجه چه شد؟ وقتی که این هشت سال تمام شد، دنیا با کمال حیرت، ناظر به پا خاستن جمهوری اسلامی با یک قدرت دفاعی و نظامی بمراتب قوی‌تر و عظیم‌تر از هنگام جنگ شد. قدرت جمهوری اسلامی بعد از جنگ آنچنان در دنیا طلوع کرد که چشمها را خیره کرد. امروز هم همین جور است. هر اتفاقی که دشمنان برنامه‌ریزی کنند، افراد ساده‌دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت

ایران، نتیجه‌اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

آنچه ما را آسیب‌ناپذیر میکند

شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاش‌هایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه‌ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکرده‌ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی میکنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه‌ی این راه تا رسیدن به اهداف عالی‌ه امیدوار میکند، تقواست.

معنویت، عقلانیت و عدالت،
سه بعد اصلی مکتب امام خمینی رحمه الله

- ❖ راه و خط روشن مکتب امام
- ❖ راهنمای نظری و عملی مکتب امام
- ❖ میراث ماندگار امام
- ❖ ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.
- ❖ ابعاد سه گانه مکتب امام (ره)
- ❖ الف) عقلانیت امام (ره):
 - ❖ ۱) گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور
 - ❖ ۲) سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم
 - ❖ ۳) تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت
 - ❖ ۴) تدوین قانون اساسی
 - ❖ ۵) تفهیم به مردم که صاحب و مالک کشورند
- ❖ ب) معنویت امام (ره)
- ❖ ج) عدالت در مکتب امام (ره)
- ❖ و...

معنویت، عقلانیت و عدالت، سه بعد اصلی مکتب امام خمینی رحمه الله *

امسال سالگرد امام با یک حادثه‌ی مهم دیگر نیز همراه و همزمان است و آن، بیداری اسلامی است؛ حادثه و حماسه‌ای که امام بزرگوار ما انتظار آن را میکشیدند، آرزوی آن را داشتند و از آن خبر هم داده بودند. امام بزرگوار حرکت بیداری ملت‌های مسلمان را پیش‌بینی میکرد و خداوند متعال تفضل فرمود، این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ همچنان که سقوط حکومت شوروی را پیش‌بینی کرد و خدای متعال آن را تحقق بخشید.

امروز عرایض من در دو بخش است، که امیدوارم بتوانم در مدت کوتاهی این دو بخش را عرض کنم. یک بخش، مروری است بر درس بزرگ امام بزرگوار ما؛ مروری بر مکتب ماندگار امام عزیز ما که ذخیره‌ی ملت ایران است؛ سرمایه‌ای است که ملت ایران با تکیه‌ی بر آن، با در دست داشتن این سرمایه، توانسته است گذرگاه‌های دشواری را که به طور معمول و متعارف در سر راه ملتی با چنین آرمان‌هایی قرار دارد، طی کند. یک بخش هم نگاه به مسائل منطقه است.

راه و خط روشن مکتب امام

راهنمای نظری و عملی مکتب امام

میراث ماندگار امام

ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.

در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً میدانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه‌ی قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج میزند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه

روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه‌های امام جامعه‌ی عمل بیوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره‌ی امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه میکنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگین‌ترین توطئه‌ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه‌ی نظامی بود، توطئه‌ی امنیتی بود، توطئه‌ی اقتصادی بود - این تحریم‌های گسترده در طول این سی سال وجود داشته است - توطئه‌ی تبلیغاتی بود - امپراتوری گسترده‌ی رسانه‌ای و تبلیغات، علیه ملت ایران به طور کامل مشغول کار و تحریک بوده است - توطئه‌ی سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.

❁ ابعاد سه گانه مکتب امام (ره)

مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمیگرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام، چند جمله‌ای عرض خواهم کرد.

بُعد سومی هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا میکشانند، به انحراف میبرد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود.

❁ الف) عقلانیت امام (ره):

❁ ۱) گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور

من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض میکنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه‌ی به آراء مردم. انتخاب مردم سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرنهای متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی



در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و بظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان نشان گزنده تر و سخت تر و مصیبت بار تر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله‌ی حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه‌ی انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضائی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی میگذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است، که مردم آزادانه پای صندوقهای رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرگان و شوراهای شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه‌ی عقلانیت امام بزرگوار ما بود.

۲) سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم

یک نمونه‌ی دیگر از عقلانیت امام و تکیه‌ی او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال میکنند عقل اقتضاء میکند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه‌ی مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته‌ی قوام یافته‌ی این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویارویی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود.

۳) تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت بود. در طول سالهای متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور - یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد - دائماً به وسیله‌ی عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیلهای گوناگون، توی سر ملت ایران میزدند؛ ملت ایران را تحقیر میکردند، به ملت ایران میباوراندند که نمیتواند، عرضه‌ی اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانائی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله‌ی غربی‌ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه‌ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما،



مبلغ ایرانی ما احساس توانائی میکنند. این شعار «ما میتوانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

❁ (۴) تدوین قانون اساسی

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خیرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام اینجور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفتهای علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده میشود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

❁ (۵) تفهیم به مردم که صاحب و مالک کشورند

از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومت‌های استبدادی بر زبان جاری میکردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی میکردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.

❁ (ب) معنویت امام (ره)

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هر چه که احساس میکرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام میداد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱، امام اینجور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام میدهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار میکردند. امام ماها را امر میکردند به این که اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، به طور محسوسی در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای

تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه کردن دل و جان مطهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر میکرد و میگفت: مادر محضر خدا هستیم. عالم، محضر خداست. عالم، محل حضور جلوه‌های الهی است. همه را به این راه سوق میداد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق میداد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت میکرد، به مردم هم سفارش میکرد، به مسئولین هم سفارش میکرد. امام ماها را توصیه میکردند به این که مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه‌ی مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.

ج) عدالت در مکتب امام (ره)

بُعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگر چه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمیخیزد، اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص تری در مقابل مآقرار میدهد. از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولین بودیم، امام دوست میداشت که با مردم ارتباط داشته باشیم، مأنوس باشیم؛ اصرار داشت که خدمات به اقصى نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره‌مند شوند. اینها ناظر به آن بُعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولین از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگی‌ها ملاک قبول مسئولیتها نباشد. وابستگی به شخصیتها، به فامیلها، بلای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از یک

مسئولی می‌گفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملاک را این میدانستند. از نظر امام بزرگوار، تکیه‌ی به ثروت و تکیه‌ی به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خب، اینها ابعاد خط امام است.

❁ خطر عدول از ارزشهای اسلامی و انقلابی به نام عقل گرایی

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گردنه‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمانهای خود پیش رفته است. ما باید رعایت کنیم، منتها همه‌ی جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی‌کند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیاییم. هر چه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

❁ چگونگی انحراف از خط عدالت‌خواهی امام (ره)

همین طور در نقطه‌ی دیگر: اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمی‌خواهد براندازی کند، نمی‌خواهد خیانت کند، نمی‌خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمتکم شنئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور میدهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی»؛ (۲) این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له نکند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.

معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند

بعد معنویت هم همین جور. ما اهل معنویتیم، اهل توسلیم، اهل توجهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه‌ی ما، مالا مال از توجه به خداست. ماه رمضان کشور ما، یک ماه رمضان تماشائی است؛ بهار معنویت است. این جوانهای عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل، آنچنان حضور نورانی‌ای دارند که انسان لذت میبرد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می‌اندازند، پدیده‌ی شگفت‌آوری است.

در دوران جوانی ما، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ایام نیمه‌ی رجب که روزهای معروف اعتکاف است، شاید در مسجد امام آن روز، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر طلبه - آن هم در مرکز حوزه‌ی علمیه، که قم باشد - اعتکاف میکردند؛ این کار معمول نبود، بلد نبودند. امروز در دانشگاه‌های کشور، هزاران نفر از جوانان دانشجو - دختران و پسران - در مساجد دانشگاه‌ها اعتکاف میکنند، سه روز عبادت میکنند، خلوت میکنند، با خدای خود ارتباط برقرار میکنند؛ مساجد بزرگ و مجامع بزرگ که جای خود دارد. اینها معنویت است. کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و همروال است با احساس مسئولیت. این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه‌ی به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی میکنند جامعه را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را از حضور در عرصه‌های کشور دور نگه دارند، اشتباه میکنند، راه خطا می‌روند، دچار انحرافند؛ این ابعاد با همدیگر است.

ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه‌ی شهدائی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده‌اند، شهادت میدهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم می‌بینم و میتوانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب‌تر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی میدهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده‌اند؛ ارزشها را نگه داشته‌اند، حفظ کرده‌اند و پای آن ایستاده‌اند؛ مردم بودند که نقشه‌های دشمنان ما را خنثی کردند.

نمیخواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الان وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصور میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال میکردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد.



سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه‌ی دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال ۸۸. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال ۸۸ به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دلها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته‌هایشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی نُه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان شاء الله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.

شرط پیشرفت هر چه بیشتر کشور

خوشبختانه این حرکت عظیم مردم ثمرات خودش را هم بخشیده است. به برکت اعتمادی که مردم به مسئولان کشور از خودشان نشان دادند، به برکت امنیتی که با حضور مردم در سرتاسر کشور برقرار است، مسئولین توانسته‌اند خدمت‌رسانی را گسترش بدهند و کارهای بزرگی انجام دهند؛ کارهای زیربنایی عظیمی در کشور انجام بگیرد، که شرط لازم برای پیشرفت هر کشوری، همین کارهای زیربنایی است که امروز دارد یکی پس از دیگری انجام میگیرد؛ مردم دارند این را می‌بینند و ان شاء الله ثمراتش را در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهند دید. به برکت همین امنیتی که با حضور مردم به وجود آمده است، توطئه‌های امنیتی دشمنان خنثی میشود، توطئه‌های تبلیغاتی دشمنان خنثی میشود. به برکت همین حضور مردم است که پیشرفت علمی و فناوری کشور در سطح عالی است. امروز طبق آمارهای بین‌المللی - نه آمارهای ما - طبق محاسبات بین‌المللی که اعلام رسمی هم میکنند، سرعت پیشرفت علمی کشور ما، یازده برابر یا دوازده برابر متوسط دنیاست؛ این چیز کمی نیست. این را مخالفین ما میگویند، دشمنان ما آن را اعلام میکنند. امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته‌ی مهم درجه‌ی اول علمی و فناوری کشور آنچنان پیشرفتی کرده‌اند که در ردیف‌های اول دنیا - یعنی در ردیف‌های کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته‌اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این احساس مسئولیت عمومی هر چه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد. خط امام، این است.

باور به خدا، مردم و خود، سه محور اقدامات و سیاستهای امام(ره)

- ❖ نهضت فراگیر قیام پانزده خرداد
- ❖ تنها ماندن مردم و روحانیت در قضیه پانزده خرداد
- ❖ سه باوری که در همه ی تصمیمات امام(ره) بود
- ❖ ۱- باور به خدا
- ❖ ۲- باور به مردم
- ❖ ۳- باور به خود
- ❖ یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملت‌ها
- ❖ منشأ اقدامات و سیاستهای امام(ره)
- ❖ راز ماندگاری فکر و طریقه امام(ره)
- ❖ پیشرفتهای کشور بعد از انقلاب
- ❖ راه طولانی تا ایران اسلامی مطلوب
- ❖ امام(ره) با اصولش جاودانه است
- ❖ اصول امام(ره) در سیاست داخلی و خارجی
- ❖ اصول امام(ره) در فرهنگ
- ❖ اصول امام(ره) در اقتصاد
- ❖ اجرایی کردن اصول امام(ره)، توقعی از مسئولین

باور به خدا، مردم و خود، سه محور اقدامات و سیاستهای امام(ره) *

نهیضت فراگیر قیام پانزده خرداد

پانزده خرداد مبدأ نهضت بزرگ روحانیت و مردم نیست. قبل از پانزده خرداد، در سال ۱۳۴۱ و آغاز سال ۱۳۴۲، قضایای مهمی اتفاق افتاد: در دوم فروردین ۴۲، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه پیش آمد و ضرب و جرح طلاب علوم دینی و اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیه‌الله گلپایگانی. قبل از آن، در اواخر سال ۱۳۴۱، قضایای تظاهرات مردم در بازار تهران پیش آمد و در آنجا هم اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیه‌الله حاج سید احمد خوانساری. اینها نشان‌دهنده‌ی این است که نهضت روحانیت در سال ۴۱ و آغاز سال ۴۲ به آنچنان اوج و نشاطی رسیده بود که پلیس دستگاه جبار و دستگاه‌های امنیتی بر خوردهای خشنی با علما و طلاب و حتی مراجع تقلید داشتند. ولی با این همه، پانزدهم خرداد سال ۴۲ یک مقطع بسیار مهمی است. علت این است که در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد. در روز عاشورای آن سال - که روز سیزدهم خرداد بود - امام بزرگوار در مدرسه‌ی فیضیه یک سخنرانی تاریخی تعیین‌کننده‌ای کردند. بعد که امام را دستگیر کردند، در روز پانزدهم خرداد عمدتاً در تهران، همچنین در قم و در بعضی از شهرهای دیگر، یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد و رژیم طاغوت با همه‌ی وجود، با ارتش خود، با پلیس خود، با دستگاه‌های امنیتی خود، دست به سرکوب این حرکت مردمی زد. در پانزده خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد. این نشان‌دهنده‌ی این بود که احاد ملت ایران، با روحانیت، با مرجعیت - که مظهر آن، امام بزرگوار بود - یک چنین پیوند مستحکمی دارند. و نکته اینجاست که همین پیوند است که ضامن پیشرفت نهضت، اوج نهضت و پیروزی نهضت میشود. هر جا یک حرکتی،

یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است؛ اما اگر مردم با یک حرکت اعتراضی پیوند نخوردند، ناکام خواهد ماند؛ کما اینکه بعد از حادثه‌ی مشروطه در ایران قضایائی اتفاق افتاد، مبارزاتی شروع شد، هم از طرف گروه‌های چپ، هم از طرف گروه‌های ملی، اما همه‌ی اینها در طول تاریخ نهضت‌های ایران، سرنوشتشان شکست و ناکامی بود؛ چون مردم با اینها نبودند. وقتی مردم وارد میدان میشوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم میشود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم می‌خورد؛ حادثه‌ی پانزده خرداد این مطلب را نشان داد؛ نشان داد که مردم پشت سر روحانیتند. با دستگیری امام بزرگوار آنچنان قیامتی در تهران و در برخی از شهرستانهای دیگر به راه افتاد که دستگاه را وارد میدان کرد و سرکوب و وحشیانه‌ای کردند؛ تعداد نامعلومی - بسیار زیاد - از مردم کشته شدند؛ خیابانهای تهران با خون بندگان خدا و مؤمنان و جوانان سلحشور این ملت، رنگین شد. در پانزده خرداد، چهره‌ی خشن دیکتاتور، چهره‌ی بیرحم رژیم طاغوت، کاملاً خود را نشان داد.

تنها ماندن مردم و روحانیت در قضیه پانزده خرداد

اما نکته‌ی دیگری که در قضیه‌ی پانزده خرداد وجود داشت - که جوانهای ما، مردم عزیز ما باید به این نکات توجه کنند؛ اینها مهم است - این بود که در مقابل این کشتار بیرحمانه‌ای که در تهران و برخی نقاط دیگر به وجود آمد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا، از این سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند؛ هیچ کس اعتراض نکرد. مردم و روحانیت، در صحنه تنها ماندند. مارکسیستها و دولتهای چپ و گروههای چپ، حتی حرکت مردم در پانزده خرداد را محکوم کردند؛ گفتند این یک حرکت فئودالیستی بود! ملی‌گرائی که دم از مبارزه می‌زدند، آنها هم این حرکت را محکوم کردند؛ گفتند یک حرکت کور و بی‌هدف بود، یک حرکت افراطی بود! هر جایی که مردمان عافیت‌طلب و راحت‌طلب، در وسط میدان مبارزه، جایی برای خود باز نمیکنند و خطرپذیری نمیکنند، انسانهای مؤمن و مبارز را به تندی و افراطی‌گری متهم میکنند؛ گفتند اینها افراطی بودند؛ حرکت، حرکت افراطی بود. امام به پشتوانه‌ی این مردم، تنها ماند در میدان؛ اما به معنای حقیقی کلمه، یک رهبر آسمانی و معنوی قاطع و مصمم را در چهره‌ی خود به همه‌ی مردم و به تاریخ نشان داد.

سه باوری که در همه‌ی تصمیمات امام (ره) بود

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. امام با دل خود با مردم حرف زد، مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند، به وسط میدان آمدند و مردانه ایستادند و حرکتی که از هیچ نقطه‌ای از دنیا نسبت به آن، نگاه محبت‌آمیزی وجود نداشت و دست کمکی دراز نشد، بتدریج به سمت پیروزی حرکت کرد و در

نهایت به پیروزی رسید.

من این سه باوری را که در امام وجود داشت، اندکی باز کنم. اینها مطالب مهمی است که اگر چنانچه در دل ما جایی باز کند، مسیر حرکت ما را روشن خواهد کرد.

۱- باور به خدا

در باور به خدا، امام مصداق این آیه‌ی شریفه بود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَمَا بِهِمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». (۱) «حسبنا الله و نعم الوكيل» را امام با همه‌ی وجود ادا میکرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده‌ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که «ان تنصروا الله ينصرکم» (۲) وعده‌ی الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

۲- باور به مردم

در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه میشناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت میتواند مثل خورشید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر میشود و با شجاعت، پیشوایی مردم را به عهده میگیرد، این ملت میتواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را میشناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندوذهای ساخته و پرداخته‌ی دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیق تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه میکنید که امام در مقابله‌ی با قدرتهای سلطه‌گر لحظه‌ای از پاننشست، عمدتاً به‌خاطر همین بود که قدرتهای سلطه‌گر، دشمن سعادت مردم بودند و امام دشمن مردم را دشمن میداشت.

۳- باور به خود

در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانایی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه‌ی فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرتهای

خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت میکرد، تهدید کرد که اگر این‌جور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه‌ی بین‌المللی؛ فقط به اتکاء ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم. این، اعتماد به نفس بود. امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. عزیزان! صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمیتوانید کشورتان را اداره کنید، نمیتوانید عزت به دست بیاورید، نمیتوانید ساخت‌وساز کنید، نمیتوانید در میدان علم حرکت کنید، نمیتوانید، نمیتوانید؛ ما هم باورمان شده بود.

یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملتها

یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمیتوانید» است؛ که ملتها مأیوس شوند، بگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه‌ی میدانهای زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما میتوانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه‌ی میدانها - که حالا اشاره‌ای خواهم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.

منشأ اقدامات و سیاستهای امام (ره)

این سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌های او، همه‌ی اقدامهای او و همه‌ی سیاستهای او شد. در آغاز نهضت، همین سه باور به امام قدرت داد؛ در دوران تبعید، همین جور؛ در وقتی که امام به پاریس حرکت کرد، همین جور؛ در وقتی که به ایران آمد، همین سه باور به امام این قدرت را داد که در آن شرائط وارد تهران شود؛ در حوادث بهمن ۵۷، در فتنه‌های داخلی، در اعلام نظام جمهوری اسلامی، در ایستادگی صریح در مقابل نظم ظالمانه‌ی جهانی، در اعلام «نه شرقی، نه غربی»، در جنگ تحمیلی، و در همه‌ی قضایای آن ده سال پر حادثه‌ی زندگی امام، همین سه باور در امام متجلی بود. منشأ تصمیم امام، منشأ اقدام امام، منشأ سیاستهای امام، همین سه باور بود.

راز ماندگاری فکر و طریقه امام (ره)

تا روزهای آخر زندگی، هیچ کس در حرف و عمل امام بزرگوار ما، نشانی از افسردگی و تردید و خستگی و

وادادگی و تسلیم‌طلبی پیدا نکرد. بسیاری از انقلابی‌های دنیا وقتی که از دوران جوانی خارج میشوند و به پیری میرسند، دچار تردید میشوند، دچار محافظه‌کاری میشوند؛ حتی گاهی حرف‌های اصلی خودشان را هم پس میگیرند. بیانیه‌های امام در سالهای آخر عمر، حتی از سخنان سال ۴۲ ایشان گاهی انقلابی‌تر بود، تندتر بود، قوی‌تر بود؛ پیر میشد، اما دل او جوان بود، روح او زنده بود؛ این همان استقامتی است که در قرآن کریم میفرماید: «و ان لو استقاموا علی الطریقۃ لاسقیناهم ماء غدقا» (۳) در آیه‌ی دیگر میفرماید: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة» (۴) این سه باور، امام را زنده نگه داشت؛ جوان نگه داشت؛ فکر امام و راه امام و طریقه‌ی امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد؛ آن وقت همین سه باور بتدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ اینها جای یأس را گرفت، جای تاریک‌نمایی را گرفت، جای بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحيات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتروا ما بانفسهم»؛ (۵) ملت ایران راه خود را، حرکت خود را، انگیزه‌های خود را اصلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که ایران وابسته تبدیل شد به ایران مستقل.

پیشرفتهای کشور بعد از انقلاب

از وابستگی رژیم طاغوتی پهلوی - که بدتر از رژیم مرتجع روسیاه قاجار بودند - به انگلیس و بعد به آمریکا، چیزهای زیادی هست که جوانهای عزیز ما باید بدانند. وابستگی اینها به حالت شرم‌آور رسیده بود. بعد از انقلاب، یکی از دیپلماتهای برجسته‌ی آمریکا این را گفت و نوشت؛ گفت ما بودیم که به شاه می‌گفتیم شما به فلان چیز احتیاج دارید، به فلان چیز احتیاج ندارید! آنها بودند که می‌گفتند این رابطه را باید برقرار کنید، این رابطه را باید قطع کنید؛ نفت را این مقدار تولید کنید، این مقدار بفروشید؛ به کی بفروشید و به کی نفروشید! کشور با سیاست آمریکا، با نقشه‌ی آمریکا، و پیش از آن با سیاست و نقشه‌ی انگلیس اداره میشد. این کشور وابسته تبدیل شد به ایران مستقل، ایران سرافراز. سران فاسد و خائن و پول‌پرست و غرق در شهوات و لذتهای مادی و حیوانی، بر این کشور حکمرانی میکردند؛ این تبدیل شد به نمایندگان مردم؛ جای خود را دادند به زمامداری که نمایندگان مردم بودند. در این سی و چند سال کسانی بر این کشور فرمانروائی کردند، قدرت را در دست گرفتند، سیاست و اقتصاد را در دست گرفتند که نماینده‌ی مردم بودند. با همه‌ی ضعفها و با همه‌ی قوت‌هایی که در اشخاص مختلف وجود داشت، این خصوصیت همه بود که اینها نماینده‌های مردم بودند؛ کسانی بودند که کیسه‌ای برای خود ندوخته بودند - البته یکی ضعیف‌تر است، یکی قوی‌تر است - این خیلی مسئله‌ی مهمی است. آن سیاستمداران خبیث و وابسته‌ی طماع پست فرودست در مقابل دشمنان و خشمگین در مقابل مردم، تبدیل شدند به نمایندگان مردم. کشور عقب‌مانده‌ی ما از لحاظ علمی، تبدیل شد به یک کشور پیشرفته‌ی علمی. ما قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم. امروز دیگران درباره‌ی ما میگویند، مراکز سنجش جهانی درباره‌ی ایران قضاوت میکنند که رشد و شتاب پیشرفت علمی، یازده برابر

متوسط دنیا است. این چیز کمی است؟ مراکز سنجش علمی پیش بینی میکنند که تا چند سال دیگر - تا سال ۲۰۱۷- ایران در رتبه‌ی چهارم علمی دنیا قرار میگیرد. این چیز کوچکی است؟ آن کشوری که از لحاظ علمی هیچ افتخاری نداشت، تبدیل شد به این.

ما کشوری بودیم که اگر میخواستیم یک جاده، یک بزرگراه، یک سد، یک کارخانه بسازیم، باید به سمت بیگانگان دست دراز میکردیم تا مهندسان خارجی بیایند برای ما سد درست کنند، جاده درست کنند، کارخانه احداث کنند. امروز جوانان این ملت، بدون کمترین اعتنائی به بیگانگان، هزاران کارخانه، صدها سد و پل و راه و بزرگراه در کشور ایجاد میکنند. امروز رشد علمی و فنی و توانائی‌های سازندگی در کشور به این نقطه‌ی از اوج رسیده است؛ آیا شایسته است که ما اینها را نبینیم؟

در زمینه‌ی بهداشت و درمان، برای یک جراحی اندکی پیچیده، بیمار ما باید میرفت در بیمارستانهای اروپا سرگردان میشد، اگر پول داشت؛ و اگر پول نداشت، باید میمرد. امروز در کشور ما پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ - پیوند کبد، پیوند ریه، کارهای مهم در زمینه‌ی جراحی و پزشکی - انجام میگیرد؛ نه فقط در تهران، در بسیاری از شهرهای دور دست. این توانائی‌ها امروز وجود دارد. ملت ایران در این زمینه احتیاجی به بیگانگان ندارد؛ در این زمینه بسیار مهم و حیاتی، به استقلال و خودکفائی رسیده است.

بسیاری از نقاط این کشور، فراموش شده بود - بنده در دوران پیش از انقلاب، به شهرستانهای مختلف و جاهای گوناگون زیاد سفر میکردم - کمترین نگاهی به مناطق دور دست کشور نمیشد؛ اما امروز خدمات گوناگون در سرتاسر کشور گسترده است؛ در شهرهای دور دست، در روستاهای گوناگون. امروز معنا ندارد که کسی بگوید فلان جا از نیروی برق یا فرضاً از زیرساختهای جاده و امثال اینها محروم مانده است. آن روز اگر یک نقطه‌ای در نقاط دور دست برخوردار بود، مایه‌ی تعجب بود؛ امروز عکسش مایه‌ی تعجب است. آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی کشور، قبل از انقلاب، صد و پنجاه هزار دانشجو بود؛ امروز جمعیت شده است دو برابر، تعداد دانشجو شده است بیست برابر، بلکه سی برابر؛ این یعنی توجه به علم. کثرت دانشجویان، کثرت اساتید، کثرت دانشگاه، قابل توجه است. در هر شهر دور افتاده‌ای، یکی، دو تا، پنج تا، گاهی ده تا دانشگاه وجود دارد. آن روز استانهائی وجود داشت که تعداد دبیرستانهایش به عدد انگشتان دو دست نمیرسید؛ امروز در همان استانها، در هر شهرش، چند دانشگاه، گاهی چندین دانشگاه وجود دارد. این، حرکت عظیم ملت ایران است که به برکت انقلاب و با همت جوانان و همت مسئولان، در طول این سی و چند سال اتفاق افتاده است؛ اینها حوادث مهمی است. به برکت انقلاب، زیربناهای فراوان در این کشور ساخته شد؛ هزاران کارخانه در این کشور احداث شد؛ کارخانه‌های مادر در این کشور به وجود آمد؛ محصولاتی که با منت باید ذره ذره از بیگانگان میخریدیم و تهیه میکردیم، امروز به وفور در کشور تولید میشود؛ اینها را باید دید؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد و این باورها را در آنها برانگیخت: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود.

🕌 راه طولانی تا ایران اسلامی مطلوب

ما این حرفها را نمی‌زنیم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسیدیم، تمام شد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شما عرض کنم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست؛ همه به حد وفور - راه طولانی‌ای در پیش داریم. من این عرایض را می‌کنم برای اینکه جوانان عزیز ما و ملت شجاع ما بدانند که ادامه‌ی این راه را هم با همین سه باور می‌توانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ می‌توانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان می‌خواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی میکنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است.

🕌 امام(ره) با اصولش جاودانه است

نقشه‌ی راه هم در مقابل ما است. ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه‌ی بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکننده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد. اصول امام، اصول روشنی است. خوشبختانه بیانات امام، نوشته‌جات امام در بیست و چند جلد در اختیار مردم است؛ خلاصه‌ی آنها در وصیتنامه‌ی جاودانه‌ی امام منعکس است؛ همه می‌توانند مراجعه کنند. ما مفید نمی‌دانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به تنهایی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشه‌ی راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است. نقشه‌ی راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است.

🕌 اصول امام(ره) در سیاست داخلی و خارجی

در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان. وصیتنامه‌ی امام جلوی چشم ما است. نوشته‌های امام، فرمایشات امام، در کتابهایی که متن کلمات آن بزرگوار را درج کرده‌اند، موجود است.

اصول امام (ره) در فرهنگ

در عرصه‌ی فرهنگ، اصول امام عبارت است از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی؛ نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین؛ دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام؛ مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.

اصول امام (ره) در اقتصاد

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفائی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکنند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهائی است که در فرمایشات امام واضح است.

اجرائی کردن اصول امام (ره)، توقعی از مسئولین

توقع امام از مسئولین کشور همیشه این بود که با اقتدار، با مدیریت، با اداره‌ی عاقلانه و مدبرانه بتوانند این اصول را اجرائی کنند و پیش ببرند. این، نقشه‌ی راه امام بزرگوار است. ملت ایران با همتش، با جوانانش، با این نقشه‌ی راه، با ایمانی که در دل او راسخ است، با یاد امامش، میتواند فاصله‌ی کنونی را با آن وضع مطلوب پر کند. ملت ایران میتواند پیش برود. ملت ایران با توانائی‌هائی که دارد، با استعدادهائی که دارد، با انسانهای برجسته‌ای که بحمدالله در میان کشور حضور دارند، میتواند راه طی شده‌ای را که تجربه‌ی سی و چند ساله‌ی انقلاب است، با قدرت بیشتر و با همت جازمتر ادامه دهد و ان شاءالله به صورت الگوی حقیقی و واقعی برای ملت‌های مسلمان در بیاید.

